

شهاب میراث

نشریه کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)
«گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی»

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی
شناسه پستی ۳۷۱۵۷
تلفن: ۸ - ۷۷۴۱۹۷۰
نمبر: ۷۷۴۳۶۳۷
www.marashilibrary.com...or net or org
E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
دکتر سید محمود مرعشی نجفی
سر دبیر: محمد اسفندیاری
زیر نظر شورای سردبیری

- میراث شهاب، مشتمل بر اخبار کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) است و در ضمن آن به مسائل ذیل می پردازد:
- معرفی نسخه های خطی کتابخانه.
- تصحیح رساله های خطی کتابخانه.
- معرفی کتابهای چاپی نفیس کتابخانه.
- معرفی انتشارات کتابخانه.
- گزارش سفرهای علمی محققان کتابخانه.
- مقالات ویژه کتاب پژوهی و نویسندگی.
- مقالات ویژه کتابداری و کتابشناسی.
- مقالات ویژه معرفی کتابخانه ها.

- هرگونه استفاده از مطالب میراث شهاب منوط به ذکر مأخذ است.
- مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نمی شود.
- میراث شهاب در ویرایش مقالات آزاد است.
- میراث شهاب در پایان هر فصل منتشر می شود.

صفحه آرای: محمد محمدی

میراث شهاب

سال هشتم، شماره چهارم، شماره پیاپی ۳۰
زمستان ۱۳۸۱



شماره استاندارد بین‌المللی ۴۷۸۳-۱۰۲۹

ISSN:1029-4783

فهرست مطالب

آیت‌الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی ۳	نبذة من ترجمة نصر بن مزاحم
سید محمود مرعشی نجفی ۱۳	گزارش سفر به کشور مغرب
علی رفیعی علامرودشتی..... ۳۳	شیفتگان کتاب (بخش ۱۹)
سید محمود مرعشی نجفی ۴۴	نسخه‌های خطی نفیس خریداری شده
سید محمود مرعشی نجفی ۷۳	طلوع آفتاب از ساحل اسکندریه
محمد دانشی ۱۰۳	نمایه (فهرست هشت‌ساله مجله میراث شهاب)
..... ۱۲۶	یادگار نوشته‌های دانشوران در دیدار از کتابخانه
..... ۱۳۰	آمار سالانه کتابخانه

نبذة من ترجمة نصر بن مزاحم المنقري

آیت‌الله‌العظمیٰ سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی

تحقیق علی رفیعی علام‌رودشتی

پیشگفتار

ابوالفضل (و یا ابوالفضل) نصر بن مزاحم بن یسار منقری عطار کوفی (۱۲۰ - ۲۱۲ ق / ۷۳۸ - ۸۲۸ م) محدث، ادیب، مورخ و آگاه به اخبار و از عالمان بزرگ شیعه و از اصحاب و یاران امام رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام.

نسبت «منقری» او به دلیل انتساب وی به «بنی منقر بن مقاعس بن عمرو بن کعب بن سعد بن زید مناة بن تمیم» است. از آغاز زندگی وی اطلاعی در دست نیست، جز این‌که نوشته‌اند در کوفه می‌زیسته و در بازار کوفه، شغل عطاری داشته است و در حین اشتغال به عطاری، از کسانی مانند: شعبة بن حجاج، سفیان ثوری، یزید بن ابراهیم تستری، لوط بن یحیی ابومخنف از دی غامدی کوفی، حبیب بن حسان، عبدالعزیز بن سیاه، ابوالجارود زیاد بن منذر، محمد بن مروان، عمر بن سعد، عبدالله بن ابراهیم، علی بن عبدالله، ابو خالد واسطی، جعفر احمر، یحیی بن یعلی اسلمی، عمرو بن سعید و از گروهی دیگر، از جمله از پدر خود مزاحم بن یسار منقری، حدیث شنیده و روایت کرده است.

براساس نوشته‌ی شیخ طوسی وی از اصحاب امام باقر علیه‌السلام بوده و از آن حضرت نیز، حدیث شنیده و روایت کرده است^۱

و دیگران نیز، همین نوشته‌ی شیخ طوسی را، تکرار کرده‌اند، در حالی که نصر بن مزاحم، چنان‌که در برخی از منابع آمده، در سال ۱۲۰ قمری، تولد شده و امام باقر علیه‌السلام در سال ۱۱۴ قمری، شهید شده است و چنان‌که پیداست نصر، شش سال پس از شهادت امام باقر علیه‌السلام تولد شده است و اتفاقاً آیت‌الله خوئی در رجال خود به این موضوع پرداخته و نوشته است: این‌که نصر از اصحاب امام باقر علیه‌السلام باشد، غیر قابل تصدیق است، زیرا محمد بن علی صیرفی ابوسمینه، از نصر بن مزاحم کتاب وی را نقل و روایت کرده است و صیرفی معاصر احمد بن محمد بن عیسی (متوفی حدود ۲۸۰ قمری) است، چگونه ممکن است که کسی چون صیرفی از اصحاب امام باقر علیه‌السلام روایت کرده باشد؟ هم‌چنین براساس نوشته‌ی آیت‌الله خوئی، یکی از رجال حدیث به نام حمید، چنان‌که خود شیخ نوشته است کتاب نصر بن مزاحم را از خود وی، روایت کرده است در حالی که حمید در ۳۱۰ قمری درگذشته، چگونه ممکن است که حمید از اصحاب امام باقر علیه‌السلام روایت کرده باشد.

و نیز احمد بن محمد بن سعید (متوفی ۳۳۳ ق) به یک واسطه کتاب نصر بن مزاحم منقری را روایت کرده است، در

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۱۳۹.

حالی که ممکن نیست کسی مثل او به یک واسطه از اصحاب امام باقر علیه السلام روایت کرده باشد، سپس اضافه کرده است که این مطلب را تأیید می‌کند این نکته که نصر بن مزاحم در ۲۱۲ قمری، چنان‌که ذهبی اشاره کرده، در گذشته است و بعد می‌افزاید که گمان می‌کنم شیخ طوسی، روایتی از نصر بن مزاحم را دیده که از ابو جعفر علیه السلام روایت کرده (گرچه من این روایت را نیافتم) و گمان کرده است که ابو جعفر علیه السلام امام باقر علیه السلام است و او را از اصحاب آن حضرت به‌شمار آورده است. به هر حال اگر این روایت درست باشد، منظور از

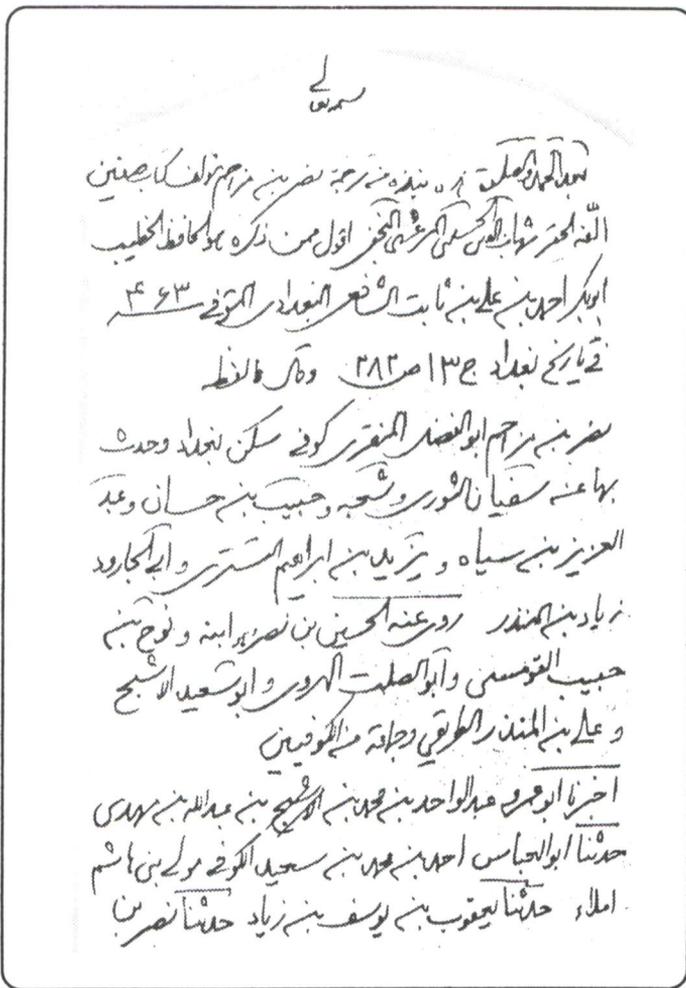
نوشته‌اند که وی از راویان ضعیف نیز، روایت کرده است. راویانی مانند: نوح بن حبیب قومی، ابوسعید اشج، علی بن منذر طریقی، ابوصلت هروی، یعقوب بن یوسف بن زیاد، ابوبرده بجلی، محمد بن حسین بن ابی خطاب، محمد بن علی قرشی، جعفر بن محمد محمدی، سلیمان بن ربیع، ابراهیم بن علی، حسن بن یحیی، محمد بن علی بن خلف، محمد بن علی صیرفی و حسین بن نصر، فرزندش از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

نصر بن مزاحم در قیام محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن طباطبا ابن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام به همراهی ابوالسرایا سَری بن منصور یکی از افراد قبیله بنی ربیعه بن ذهل بن شیبان که از طرفداران علویان بود و به محمد بن ابراهیم پیوسته بود، در سال ۱۹۹ قمری، شرکت کرد و پس از اینکه کوفه را متصرف شدند، نصر بن مزاحم، از جانب محمد بن ابراهیم و ابوالسرایا، متولی و ناظر بر امور بازار کوفه گردید و در مورد قیام محمد بن ابراهیم و ابوالسرایا، کتابی با عنوان: اخبار محمد بن ابراهیم و ابی السرایا، نوشت و ابوالفرج اصفهانی، داستان خروج و قیام محمد بن ابراهیم

ابو جعفر، لامحاله امام جواد علیه السلام است.^۱

نکته دیگری که ثابت می‌کند، وی از اصحاب امام باقر علیه السلام نبوده، این است که قطب‌الدین راوندی در کتاب خود، جریان آمدن امام رضا علیه السلام را که محمد بن فضل هاشمی از نصر بن مزاحم، نقل کرده است^۲ و این مطلب نشان می‌دهد که نصر بن مزاحم، امام رضا را درک کرده و از امام جواد علیه السلام حدیث شنیده و روایت کرده است.

بیشتر عالمان، مورخان و رجال‌نویسان اهل سنت، او را به دلیل شیعه بودنش، و طرفداری از حق و نوشتن کتاب‌هایی در تاریخ ائمه



و مناقب آنان، غالی در مذهب ضعیف، متروک الحدیث و متمایل از حق معرفی کرده‌اند،^۳ اما شماری از علمای اهل سنت مانند: ابن حیان بستی^۴ و ابن ابی‌الحدید^۵ و همه محدثان، فقیهان، بزرگان علمای شیعه و رجال‌نویسان آنان، وی را مردی عالم، موثق، مورد اعتماد، ثبت و صحیح‌النقل و دور از هوی و هوس و غیر غالی و به تعبیر برخی از عالمان شیعی: مستقیم‌الطریقه، صالح الامر و موثق، دانسته‌اند^۶ و فقط

۱. معجم رجال‌الحدیث، ۱۹/۱۴۴-۱۴۵.
 ۲. الخرائج والجرائح، ۳۴۹/۱.
 ۳. نک: احوال الرجال جوزجانی، ص ۸۲؛ الضعفاء الکبیر عقیلی، ۴/۳۰۰؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۲۱۱-۲۲۰ ق)، ص ۴۲۶-۴۲۷.
 ۴. النقات، ابن حیان بستی، ۲۱۵/۹.
 ۵. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ۲/۲۰۶.
 ۶. نک: رجال شیخ طوسی، ص ۱۳۹؛ رجال نجاشی، ۲/۳۸۴؛ خلاصه الاقوال، ص ۱۷۵.



و ابوالسرایا را از کتاب وی به روایت یحیی بن عبدالرحمن کتاب، به تفصیل نقل کرده و نوشته است که: به روایت یحیی بن عبدالله اعتماد کردم که آن روایت از نصر بن مزاحم در قضایای این قیام است و نصر بن مزاحم است که در حدیث و نقل فردی ثبت و مورد اعتماد است.^۱

منقری، پس از ماجرای قیام محمد بن ابراهیم علوی و ابوالسرایا و سرکوب این قیام، به بغداد رفت و در آنجا سکونت نمود و به نقل روایت و تألیف آثار خویش پرداخت و در همان‌جا نیز، دیده از جهان فرو بست و روی در نقاب خاک کشید.

آثار و تألیفات:

نصر بن مزاحم دارای آثار و تألیفاتی بوده که در منابع و مآخذی که شرح حال وی را نوشته‌اند و در برخی از فهارس متقدم، برخی از آنها یاد شده که به ترتیب الفبایی عبارتند از:

۱. اخبار محمد بن ابراهیم الغمر بن اسماعیل بن طباطبا و ابی‌السرایا، در ذکر قیام و خروج محمد و ابوالسرایا در کوفه.

۲. اخبار المختار بن ابی‌عبید، در شرح قیام مختار و خونخواهی وی از قاتلان امام حسین علیه‌السلام در کوفه.

۳. الجمل، شرح حوادث و وقایع جنگ جمل.

۴. الصّفتین، در شرح ماجرای جنگ صّفتین و اخبار آن.

۵. عین الورد، در ماجرای قیام و به شهادت رسیدن عون بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب علیه‌السلام البته عون اصغر که در «عین الورد» شهری مشهور در جزیره، به همراهی یکی از امرای تواین، در یوم الحرّه، به شهادت رسید.

۶. الغارات، کتابی در مورد تجاوزات و غارت‌های سپاهیان معاویه به حدود و مرزهای حکومتی امیرمؤمنان علی علیه‌السلام.

۷. مقتل حجر بن عدی، در بیان ماجرای دستگیری حجر بن عدی و سیزده تن از یاران وی که حاضر به لعن امیرمؤمنان علیه‌السلام نشدند و ابن‌زیاد، آنان را به سوی معاویه گسیل داشت و به دستور معاویه، در مرج العذراء، به شهادت رسیدند.

۸. مقتل الحسین علیه‌السلام، بیان واقعه کربلا و شهادت امام سوم شیعیان.

۹. المناقب، کتابی در مناقب امام علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام.

۱۰. النهروان، در بیان جنگ نهروان.

اکنون از این ده اثر و کتاب‌های نصر، جز کتاب الصّفتین وی چیز دیگری برجای نمانده و اندکی از روایات کتاب اخبار محمد بن ابراهیم و ابی‌السرایا که ابوالفرج در کتاب خویش مقاتل الطالبیین، نقل کرده است.^۲

ابن ابی‌الحدید نیز، مطالب بسیاری از کتاب الصّفتین وی را در شرح نهج البلاغه^۳ خویش، آورده و به گفته فؤاد سزگین، یکی از مصادر ابن ابی‌الحدید بوده است.^۴

نسخه‌ای از کتاب الصّفتین نصر بن مزاحم، در موزه بغداد در ۳۳۳ برگ از سده یازدهم قمری، به شماره ۱۴۳۰ موجود است.^۵

این کتاب، با عنوان: کتاب صفین شرح غزاة امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در ۱۳۰۰ قمری، در تهران منتشر شده و یک سال بعد، در ۱۳۰۱ قمری، به کوشش سید فرج‌الله کاشانی، به همراه یک مثنوی در اخلاق، حکم، مواعظ و مدح امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ۳۰۵ صفحه، در تهران، به چاپ رسیده و بار دیگر با عنوان: نخبة المحدثین فی وقعة صفین، در چاپخانه جریده الحرّیه، در آمریکا در ۱۳۴۳ قمری، در ۲۳۹ صفحه و بار سوم در قاهره در ۱۳۶۵ قمری، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، همراه با مقدمه‌ای مفصل و عالمانه، در شرح حال مؤلف و اثر وی در ۷۶۶ صفحه، چاپ و منتشر شده است.

کتاب الصّفتین منقری، در ۱۳۴۵ قمری، به وسیله شیخ محمد مهدی بن ثقة‌الاسلام حاج شیخ محمد باقر مسجدشاهی اصفهانی، با عنوان: سندس و استبرق، ترجمه و در اصفهان، در ۲۱۸ صفحه جیبی، چاپ سنگی گردید.

بروکلمان با توجه به آثار منقری، وی را از قدیمی‌ترین مورخان شیعی، به‌شمار آورده است، ولی فؤاد سزگین، نوشته است که وی قدیمی‌ترین مورخ شیعی نیست، زیرا محمد بن سائب کلبی نسابه و ابومخنف، متقدم از نصر بن مزاحم

۱. مقاتل الطالبیین، ص ۵۱۸-۵۳۶.

۲. مقاتل الطالبیین، ص ۵۱۸-۵۳۶.

۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ۲/۲۰۶-۲۶۰.

۴. تاریخ التراث العربی، فؤاد سزگین، ۱۳۸/۲/۱.

۵. مجله سومر، کورکیس عواد، ۸۱/۱۳.

نبذة من ترجمة نصر بن مزاحم المنقري الكوفي

بعد الحمد والصلوة، هذه نبذة من ترجمة نصر بن مزاحم، مؤلف كتاب: صفين، ألفه الحقير شهاب الدين الحسيني المرعشي النجفي.

اقول ممن ذكره هو الحافظ الخطيب ابوبكر احمد بن علي بن ثابت الشافعي البغدادي المتوفى سنة ٤٦٣ [الهجري] في تاريخ بغداد و قال مالفظه:

«نصر بن مزاحم ابوالفضل المنقري، كوفي سكن بغداد وحدث بها عن سفیان الثوري و شعبة و حبيب بن حسان و عبدالعزيز بن سياه و يزيد بن ابراهيم التستري و ابى الجارود و زياد بن المنذر.

روى عنه: الحسين بن نصر وهو ابنه و نوح بن حبيب القومسي و ابوالصلت الهروي و ابوسعيد الاشج و علي بن المنذر الطريقي و جماعة من الكوفيين.

أخبرنا ابو عمر^٢ عبدالواحد بن محمد بن عبدالله بن مهدي، حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعيد الكوفي مولى بني هاشم إملاءً، حدثنا يعقوب بن يوسف بن زياد، حدثنا نصر بن مزاحم، حدثنا عبدالعزيز بن سياه، عن عامر بن السمط، عن سلمة بن كهيل، عن ابن صادق، عن عليم، عن سلمان، قال: قال علي عليه السلام: (لقد علم ذو العلم من آل محمد ﷺ أن أصحاب الاسود ذى الندية ملعونون على لسان النبي الأمي ﷺ و قد خاب من افتري)^٣ الى أن قال: سنة اثنتي عشر و مأتين فيها

١. تاريخ التراث العربي، ١/١٣٧.

٢. در اصل: «ابوعمر».

٣. تاريخ بغداد، ١٣/٢٨٣-٢٨٤.

و قال الخطيب: «أخبرنا الأزهرى، أخبرنا علي بن ابراهيم المستملي، قال: قال ابواحمد بن فارس، قال البخاري: نصر بن مزاحم المنقري، سكن بغداد».

و قال: «أخبرنا الأزهرى، أخبرنا علي بن عمر الحافظ، قال: نصر بن مزاحم المنقري، سكن بغداد، عداه فى الكوفيين».

و قال: «حدثنا عبدالعزيز بن احمد الكثاني، حدثنا عبدالوهاب بن جعفر الميداني حدثنا عبدالجبار بن عبدالصمد السلمى، حدثنا القاسم بن عيسى العصار، قال: حدثنا ابراهيم بن يعقوب الجوزجاني، قال: نصر بن مزاحم العطار، كان زائغاً عن الحق مانلاً؛ قلت اراد بذلك غلوّه فى الرّفص».

و قال: «أخبرنى محمد بن علي المقرئ، أخبرنا ابومسلم بن مهران، أخبرنا عبدالمؤمن بن خلف النسفى، قال: قال صالح بن محمد: نصر بن مزاحم، روى عن الضعفاء احاديث مناكير».

و قال أيضاً: «حدثني احمد بن محمد الغزال، أخبرنا محمد بن جعفر الشروطي، أخبرنا ابوالفتح محمد بن الحسين الحافظ، قال: نصر بن مزاحم غال فى مذهبه غير محمود فى حديثه».

هستند، گرچه اطلاعات دقیقی در مورد قدیمی ترین مورخ شیعی در دست نیست.^١

مآخذ: تاریخ الكبير بخارى، ١٠٥/٨؛ احوال الرجال جوزجانی، ص ٨٢؛ ضعفاء الكبير عقيلي، ٣٠٠/٤؛ الجرح و التعديل، ٤٦٨/٨؛ الثقات ابن حبان بستی، ٢١٥/٩؛ الكامل فى ضعفاء الرجال ابن عدی، ٢٥٠٢/٧؛ الضعفاء و المتروكين دارقطنی، ص ١٦٩؛ مقاتل الطالبین، ص ٥١٨-٥٣٦؛ تاریخ بغداد، ١٣/٢٨٣-٢٨٤؛ الفهرست ابن ندیم، ص ١٠٦؛ رجال شیخ طوسی، ص ١٣٩؛ الفهرست شیخ طوسی، ص ٢٠٤ (٤٨١-٤٨٢)؛ رجال نجاشی، ٢/٣٨٤-٣٨٥؛ رجال ابن داود حلّی، ص ١٩٦؛ معجم الادباء یاقوت حموی، ١٩/٢٢٥؛ المغنی فى الضعفاء، ٢/٦٩٦؛ میزان الاعتدال، ٤/٢٥٣-٢٥٤؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ٢١١-٢٢٠ ق)، ص ٤٢٦-٤٢٧؛ الوافی بالوفیات صفدی (خطی) ٢٧/٣٨؛ لسان المیزان، ٦/١٥٧؛ شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، ٢/٢٠٦-٢٦٠؛ دیوان الضعفاء و المتروكين، ص ٣١٧؛ خلاصة الاقوال، ص ١٧٥؛ الايضاح علامة حلّی، ص ٣٠٦؛ نضد الايضاح، ص ٣٤٧؛ بحار الانوار، بیروت، ٣/١٤٠٣

١٩٨٣ م، ١٩/١، ٣٢، ٣٦، ٣٨، ٣٩/٧٩، ٨٠ و ٨٠/٣٢٤ و ٨٨/٣٨١؛ تعلیقة الشهيد الثانی علی الخلاصة، ص ٨٣؛ جامع الزواة، ٢/٢٩١؛ منتهی المقال، ٦/٣٧٩-٣٨٠؛ اتقان المقال فى احوال الرجال، ص ٣٧٨-٣٧٩؛ هداية المحدثین، ص ١٥٥؛ تنقیح المقال، ٣/٢٦٩؛ روضات الجنّات، ٨/١٦٥-١٦٧؛ تأسيس الشيعة، ص ٢٣٧؛ اعيان الشيعة، ١٠/٢٠٩؛ الذريعة، ١/٣٤٧، ٣٤٩، ١٤١/٥ و ٥٢/١٥ و ١/١٦ و ٢٩/٢٢، ٣١، ٣١٨ و ٢٤/٢٢٩؛ تحفة الاحباب، ص ٣٨٧؛ جامع التصانيف الحديثة، ص ٣٢؛ وقعة الصفین، مقدمة عبدالسلام محمد هارون؛ جلوه های تاریخ در شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، ١/٥٧، ٢٣٩-٢٤١ و موارد دیگر؛ الاعلام زرکلی، ٨/٣٥٠؛ بروکلمان، ذیل ١/٢١٤؛ معجم رجال الحديث، ١٩/١٤٣-١٤٦؛ معجم المؤلفین، ٤/٢٤؛ تاریخ التراث العربی، ١/١٣٧-١٣٨؛ علم التاريخ دوری، ص ٣٧؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی مشار، ٦/٥٥٦-٥٥٧؛ فهرست کتاب های چاپی عربی مشار، ص ٥٩١؛ فهرست کتاب های چاپی فارسی مشار، ٣/٣٠٧؛ المتحف العراقی ببغداد، شماره ١٤٣٠؛ مجله سومر، مقاله کورکيس عواد، ١٣/٨١.



مات نصر بن مزاحم المنقري^١ انتهى.

و في ذلك: في ترجمة رافع بن سلمة، رواية ابي بردة البجلي، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد [المراد به: عمر بن سعد بن ابي الصيد الاسدي الثقة]^٢ عن جراح بن عبدالله^٣ [عن ابي سفيان رافع بن سلمة، قال: كنت مع علي يوم النهروان، فقال: أما والله لولا أن تدعوا العمل لنبأتكم بما قضى الله على لسان نبيّه - صلى الله عليه وسلم - لمن قاتل هؤلاء القوم، مبصراً لضلالتهم، عارفاً للنور الذي نحن عليه]^٤.

و فيه أيضاً، ما لفظه: «أخبرنا^٥ ابو عمر بن مهدي، أخبرنا ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد بن عقدة الكوفي الحافظ، حدّثنا يعقوب بن يوسف بن زياد، حدّثنا نصر بن مزاحم، حدّثنا محمد بن مروان، عن الكلبي، عن أبي صالح، عن ابن عباس: قل بفضل الله وبرحمته بفضل الله النبي - صلى الله عليه وسلم - وبرحمته علي»^٥.

وفيه أيضاً، صرح بكون نصر شيعياً رافضياً فراجع^٦ [حيث قال: بعد ما نقل عن الجوزجاني، قلت: اراد بذلك غلوه في الرضا]^٧.

و في كتاب الامالي لشيخنا الحافظ الثقة الصدوق ابي جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي، في المجلس السابع والعشرين، ما لفظه: «حدّثنا الحسين بن احمد بن ادريس، قال: حدّثنا ابي، عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن ارطاة بن حبيب، عن فضيل الرّسان، عن جبلة المكيّة، قالت: سمعت ميثم التمار^٨ الحديث.

و فيه أيضاً، ما لفظه: «حدّثنا محمد بن الحسن بن الوليد، قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصقار، قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن ابي الخطاب، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن عمرو بن ثابت، عن حبيب بن ابي ثابت، عن ام سلمة زوجة النبي^٩ الخبر.

و فيه أيضاً ما لفظه: «حدّثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمته قال: حدّثني عمي محمد بن ابي القاسم، عن محمد بن علي القرشي، عن نصر بن مزاحم، عن عمر بن سعد، عن يوسف بن يزيد، عن عبدالله بن عوف بن الاحمر، عن علي رحمته^{١٠} الخبر.

١. همان، ٢٨٤/١٣.

٢. تاريخ بغداد، ٤١٩/٨.

٣. تكميل از تاريخ بغداد، همانجا.

٤. در اصل: «اخبرني».

٥. تاريخ بغداد، ٢١٨/٥.

٦. همان، ٢٨٤/١٣.

٧. تكميل از تاريخ بغداد، همانجا.

٨. امالي الصدوق، ص ١٨٩.

و الحديث هكذا: «... يقول: والله لتقتلن هذه الامة ابن نبيها في المحرم لعشر مضين منه وليتخذن اعداء الله ذلك اليوم، يوم بركة وأن ذلك لكايين قد سبق في علم الله تعالى ذكره أعلم ذلك بعهد عهده الى مولاي امير المؤمنين - صلوات الله عليه - ولقد أخبرني أنه يبكي عليه كل شيء حتى الوحوش في الفلوات والحيتان في البحار والطير في جو السماء وتبكي عليه الشمس والقمر والنجوم والسماء والأرض ومؤمنوا الانس والجنّ وجميع ملائكة السماوات ورضوان ومالك وحملة العرش وتمطر السماء دماً ورماداً؛ ثم قال: وجبت لعنة الله على قتلة الحسين رحمته كما وجبت على المشركين الذين يجعلون مع الله الهاً آخر وكما وجبت على اليهود والنصارى والمجوس. قالت جبلة: فقلت له: يا ميثم! وكيف يتخذ الناس ذلك اليوم الذي يقتل فيه الحسين بن علي رحمته يوم بركة؟ فيكي ميثم، ثم قال: سيزعمون بحدّث يضعونه أنه الذي تاب الله فيه علي آدم رحمته وأما تاب الله علي آدم في ذي الحجة ويزعمون أنه اليوم الذي قبل الله فيه توبة داود، وأما قبل الله توبته في ذي الحجة ويزعمون أنه اليوم الذي أخرج الله فيه بونس من بطن الحوت، وأما أخرجه الله من بطن الحوت في ذي القعدة، ويزعمون أنه اليوم الذي استوت فيه سفينة نوح على الجودي، وأما استوت على الجودي، يوم الثامن عشر من ذي الحجة ويزعمون أنه اليوم الذي فلق الله فيه البحر لبني اسرائيل، وأما كان ذلك في شهر ربيع الأول، ثم قال ميثم: يا جبلة! اعلمي أن الحسين بن علي سيد الشهداء يوم القيامة ولاصحابه على ساير الشهداء، درجة. يا جبلة! اذا نظرت الى الشمس حمراء كأنها دم عبيط، فاعلمي أن سيدك الحسين قد قتل. قالت جبلة: فخرجت ذات يوم، فرأيت الشمس على الحيطان، كأنها الملاحف المعصفرة، فصحت حينئذ وبكيت وقلت: قد والله قتل سيدنا الحسين بن علي رحمته».

٩. امالي الصدوق، ص ٢٠٣.

و الخبر هكذا: «... قالت: ما سمعت نوح الجنّ منذ قبض النبي رحمته إلا الليلة ولا أراني إلا وقد اصبت بابني. قالت و جانت الجنة منهم تقول: ألا يا عين فانهملي بجهد فمن يبكي على الشهداء بعدى على رهط تقودهم المنايا الى مستجبر في ملك عبد» فراجع: كامل الزيارات، ص ٩٣؛ روضة الواعظين، ص ١٧٠؛ مناقب ابن شهر آشوب، ٤٢/٤؛ بحار الانوار، ٢٣٨/٤٥.

١٠. امالي الصدوق، ص ٥٠٠.

و الخبر هكذا: «... قال: لما اراد امير المؤمنين رحمته المسير الى النهروان، أتاه منجم، فقال له: يا أمير المؤمنين! لا تسر في هذه الساعة و سر في ثلاث ساعات يمضين من النهار! فقال له امير المؤمنين رحمته ولم ذاك؟ قال: لأنك إن سرت في هذه الساعة، أصابك وأصاب أصحابك أذى و ضرّ شديد، وإن سرت في الساعة التي أمرتك، ظفرت و ظهرت و أصبت كل ما طلبت! فقال له امير المؤمنين رحمته: تدرى ما في بطن هذه الذّابة، أذكر أم أنسى؟ قال: إن حسبت علمت! قال له امير المؤمنين رحمته من صدّقك على هذا القول، كذب بالقرآن: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (لقمان/٣٤). ما كان محمد رحمته يدعى ما ادعيت، أنزعم أنك تهدي الى الساعة التي من سار فيها، صرف عنه السوء، و الساعة التي من سار فيها حاق به الضرّ؟ من صدّقك بهذا استغنى بقولك عن الاستعانة بالله عزّ و جلّ في ذلك الوجه، وأحوج الى الرغبة اليك في دفع المكروه عنه و ينبغي له أن يوليك الحمد دون ربّه عزّ و جلّ، فمن آمن لك بهذا فقد أتخذك من دون الله نداً و ضدّاً. ثم قال رحمته: اللهم لا طير إلا طيرك، ولا ضير إلا ضيرك، ولا خير إلا خيرك، ولا إله غيرك. ثم التفت الى المنجم، فقال: بل تكذّبك و نخالفك و نسير في الساعة التي نهيت عنها و صلى الله».

وفي الكتاب المذكور أيضاً في الجزء الخامس^{١٢}، ما لفظه: «حدّثنا ابو جعفر^{١٣} محمد بن ابي الحسن بن عبد الصّمد

١. در اصل: «التّصوّل».

٢. در بعضى نسخه ها: «الحكيم».

٣. كفاية الاثر، ص ١٧٦.

و متن الخبر هكذا: «... قال: كان رسول الله ﷺ يقول فيما بشرني به: يا حسين أنت السيّد ابن السيّد، ابوالسّادة، تسعة من ولد ائمة امّناء، التاسع قائمهم، أنت الامام ابن الامام، ابوالائمة، تسعة من صلبك ائمة ابرار و التاسع مهديهم، يملأ الأرض قسطاً و عدلاً، يقوم في آخر الزّمان، كما قمت في أوّله».

٤. بصائر الدرجات، ص ٢٨٩.

و الحديث هكذا: «... قال: انّ الله أخذ ميثاق شيعتنا فينا من صلب آدم، فنعرف بذلك حبّ المحبّ و إن أظهر خلاف ذلك بلسانه (او بسبيله) و نعرف بغض المبغض و إن اظهر حبّنا اهل البيت».

٥. التفضيل، ص ١٦/.

و الحديث هكذا: «... قال: نظر النبي ﷺ الى ابي طالب ﷺ فقال: هذا خير الأولين و الآخرين من اهل السّماوات و الأرضين، هذا سيد الصّدّيقين و سيد الوصيّين و امام المتّقين و قائد الغرّ المحجلّين، اذا كان يوم القيامة جاء على ناقه من فوق الجنّة، قد أضانت القيامة من نورها، على رأسه تاج مرصع بالزبرجد و الياقوت فنقول الملائكة هذا ملك مقرب فيقول النبيّ و هذا ملك مرسل فينادي مناد من تحت بطنان العرش هذا الصديق الاكبر هذا وصيّ حبيب الله هذا علي بن ابي طالب، فيقف على متن جهنّم فيخرج منها من يحب و يدخل فيها من يحب و يأتي ابواب الجنّة فيدخل فيها اوليائه بغير حساب» و هذا خير عظيم يشهد لاميرالمؤمنين ﷺ بفضل جزيل و أنّه من طريق العامّة من الامر العجيب:

فأمّا قوله: يجرى حتّى يقف على متن جهنّم، فيخرج منها من يحبّ: فأمّا معناه أنّه يخرج منها بالشفاعة فيه، فقد ثبت أنّ لاميرالمؤمنين ﷺ شفاعة مقبولة، كشفاعة رسول الله ﷺ و كذلك بجميع الأئمة ﷺ.

و قوله يدخل فيها من يحبّ: معناه أنّه يدخل فيها من يستحقّ دخولها ممّن لا يشفع في مثله و اما ادخاله اوليائه، فالمراد به الذين حسنتهم غير مشوبة بالمعاصي، لأنّ الحساب أنّما هو على من خلط عملاً صالحاً و آخر سيّئاً (التفضيل، ص ١٦-١٧).

٦. در اصل: «الجزء الاول».

٧. در اصل: «محمد بن يحيى».

٨. در اصل: «حدّثنا».

٩. بشارة المصطفى، ص ٧٧.

١٠. در اصل: «الجزء الثالث».

١١. همان، ص ١٢٨.

و الحديث في السندين هكذا: «... قال: كان لي من رسول الله ﷺ عشر، لم يعطهن احد قبلي و لا يعطاهن احد بعدي، قال لي: يا علي! أنت أخي في الدنيا و أخي في الآخرة، و أنت أقرب الناس منّي موقفاً يوم القيامة، و منزلي و منزلك في الجنّة متواجهين كمثل (او كمنزل) الاخوين و أنت الوصّي و أنت الولي و أنت الوزير، عدوك عدويّ و عدويّ عدوّ الله و وليك وليّي و وليّي وليّ الله».

١٢. در اصل: «الجزء الثالث».

١٣. در اصل: «جعفر بن».

و في كتاب كفاية الأثر في النصّ^١ على الأئمة الاثني عشر، للشيخ الحافظ علي بن محمد بن علي الخزار القميّ الرّازي، رواية سندها كذا: «حدّثنا علي بن الحسن بن محمد، قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن الحسين بن الحكم^٢ الكوفي، قال: حدّثنا علي بن العباس بن الوليد البجلي، قال: حدّثنا جعفر بن محمد المحمدي، قال: حدّثنا نصر بن مزاحم، قال: حدّثنا عبد الله بن ابراهيم، قال: حدّثني ابي، عن ابيه، عن علي بن الحسين، عن الحسين بن علي ﷺ»^٣ الخبر.

و في كتاب: بصائر الدرجات، للحافظ ابي جعفر محمد بن الحسن بن فروخ الصّفّار القميّ المتوفى سنة ٢٩٠، رواية في فضائل الأئمة و قد ذكر في سندها نصر بن مزاحم و السّند هكذا: «حدّثنا محمد بن حمّاد الكوفي، عن اخيه، عن نصر بن مزاحم، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن ابي جعفر الباقر ﷺ»^٤ الحديث.

و في كتاب التفضيل، للشيخ المتكلّم المحدث الفقيه، ابي الفتح محمد بن عليّ بن عثمان البغدادي الكراچكي الاصل (المتوفى سنة ٤٤٩)، رواية سندها هكذا: «حدّثنا الشيخ ابوالحسن، عن محمد بن عبد الله او عبيد الله الحافظ، قال: حدّثنا جعفر بن علي الدقاق، عن عبد الله بن محمد الكاتب، قال: حدّثنا سليمان بن الرّبيع، قال: حدّثنا نصر بن مزاحم، قال: حدّثنا الاشعث، قال: حدّثنا علي بن عبد الله، عن مرّة، عن ابي ذر^٥ الحديث.

و في كتاب بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، للشيخ الأجل الثقة، الفقيه ابي جعفر محمد بن القاسم الطبري، في الجزء الثاني^٦، ما لفظه: «و بهذا الاسناد، عن محمد بن محمد^٧، قال: أخبرنا^٨ الشريف ابو محمد الحسن بن محمد بن يحيى، قال: حدّثنا ابراهيم بن علي و الحسن بن يحيى جميعاً، قال: حدّثنا نصر بن مزاحم، عن ابي خالد الواسطي، عن زيد بن علي بن الحسين، عن ابيه، عن جدّه اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب ﷺ»^٩ الحديث.

و في الكتاب المذكور أيضاً في الجزء الرابع^{١٠} ما لفظه: «أخبرنا الشريف ابو محمد الحسن بن محمد بن يحيى، قال: حدّثنا جدّي، قال: حدّثنا ابراهيم بن علي و الحسن بن يحيى جميعاً، قال: حدّثنا نصر بن مزاحم، عن ابي خالد الواسطي، عن زيد بن علي، عن علي بن الحسين، عن ابيه عن اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب ﷺ»^{١١} الحديث.



التَّمِيمِي، سلخ شوال سنة اربع و عشرين و خمسمائة بنيشابور، عن ابيه، عن جدّه، قال: حدّثنا [ابوالحسن محمد بن القاسم الفارسي، قال: حدّثنا] ^١ احمد بن مروان الضّبّي، قال حدّثنا محمد بن احمد، عن ابي البلخي، قال: حدّثنا محمد بن علي بن خلف [قال: حدّثنا نصر بن مزاحم، عن جعفر الاحمر، عن هلال بن مقلاص ^٣، عن عبدالله بن سعد بن زرارة ^٤ الانصاري، عن ابيه، عن التّبيّي رحمته الله ^٥] الحديث.

و ذكره شيخ الطائفة في الفهرست و قال: «انّ له مصنّفات منها: كتاب الجمل و كتاب الصّفين و كتاب مقتل الحسين و كتاب عين الوردة و كتاب اخبار المختار بن ابي عبيدة و كتاب المناقب، أخبرنا بها ابن ابي جيّد، عن ابن الوليد، عن احمد بن ابي عبدالله البرقي، عن ابيه، عن محمد بن علي الصّيرفي، عن نصر بن مزاحم، عن لوط بن يحيى و غيره ^٦».

و ذكره النّجاشي في الرجال و عدّ من كتبه: «كتاب النهروان و كتاب الغارات و كتاب أخبار محمد بن ابراهيم و ابي السّرايا، أخبرنا بها: احمد بن محمد بن سعيد، قال: حدّثنا جعفر بن محمد بن سعيد الأحمسي، قال: حدّثنا نصر بن مزاحم بكتابه صّفين و يروي بهذا الطريق، سائر كتبه و كذا بطريق آخر من جهة القميين ^٧».

و قال الشهيد الثّاني ^٨ في حقّه نقلاً عن ابن ابي الحديد في شرح نهج البلاغة، ما لفظه: نحن تذكر ما اورده نصر بن مزاحم من كتاب صّفين في هذا المعنى، فهو في نفسه ثبت صحيح النقل غير منسوب الى هوى و لا ادغال و هو من رجال اصحاب الحديث ^٩».

و في كتاب الخرائج و الجرائح، للراوندي، عن محمد بن الفضل الهاشمي، عن نصر بن مزاحم، قضية قدوم الرّضا عليه السلام الكوفة.

و كان نصر بن مزاحم، من اصحاب الباقر عليه السلام و أدرك الرّضا عليه السلام و روى عنه كما في الخرائج ^{١٠}. و في كتاب بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، للعلامة الشيخ

ابي طالب - بثلاث خصال: بأنّه سيّد الوصيين و سيّد المسلمين و امام المتّقين و قائد غزّ المحجّلين».

٦. الفهرست شيخ طوسي، ص ٤٨١-٤٨٢.

٧. رجال النّجاشي، ٣٨٤/٢-٣٨٥ و اضاف النّجاشي: «نصر بن مزاحم المنقري العطار ابوالفضل، كوفي، مستقيم الطريقة، صالح الامر، غير أنّه يروي عن الضعفاء، كتبه حسان، منها كتاب الجمل» و قال ايضاً: «و بهذا الطريق كتاب: النهروان و كتابه: الغارات و كتابه: المناقب و كتابه: مقتل الحسين عليه السلام و كتاب اخبار محمد بن ابراهيم و ابي السّرايا» و قال ايضاً: «فأما طريقنا اليه من جهة القميين فأنّه: أخبرنا علي بن احمد، قال: حدّثنا محمد بن الحسن، قال: حدّثنا احمد بن محمد بن ابي علي البرقي، قال: حدّثنا ابوسمينه، عنه بكتابه».

٨. تعليقه الشهيد الثاني على الخلاصة، ص ٨٣.

٩. شرح نهج البلاغة ابن ابي الحديد، ٢٠٦/٢ و اضاف: «قال نصر: حدّثنا عمرو بن شمر، قال حدّثني ابوضرار، قال: حدّثني عمّار بن ربيعة، قال: غلّس عليّ عليه السلام بالنّاس، صلاة الغداة يوم الثلاثاء، عاشر شهر ربيع الاول، سنة سبع و ثلاثين و قيل: عاشر شهر صفر، ثمّ زحف الى اهل الشام بعسكر العراق و النّاس على راياتهم و أعلامهم و زحف اليهم أهل الشام، و قد كانت الحرب، أكلت الفريقين، و لكنّها في أهل الشام أشدّ نكايه و اعظم وقعاً، فقد ملّوا الحرب و كرهوا القتال و تضعفت أركانهم».

١٠. الخرائج و الجرائح، ٣٤٩/١.

قضية قدوم الرّضا عليه السلام الكوفة، هكذا في الخرائج: «قال محمد بن الفضل: كان فيما اوصاني به الرّضا عليه السلام في وقت منصرفه من البصرة أن قال لي: صرالى الكوفة فاجمع الشيعة هناك و أعلمهم أنّي قادم عليهم. و أمرني أن أنزل في دار حفص بن عمير اليشكري، فصرت الى الكوفة، فأعلمت الشيعة أن الرّضا عليه السلام قادم عليهم. فأنا يوماً عند نصر بن مزاحم، إذ مرّ بي «سلام» خادم الرّضا عليه السلام فعلمت أن الرّضا عليه السلام قد قدم، فبادرت الى دار حفص بن عمير، فاذا هو فى الدار، فسلمت عليه، ثمّ قال لي: احتشد لي في طعام تصلحه للشيعة، فقلت: قد احتشدت و فرغت ممّا يحتاج اليه، فقال: الحمد لله على توفيقك» ثمّ قال: «...فقام اليه نصر بن مزاحم، فقال: يا ابن رسول الله! ما تقول في جعفر بن محمد؟ فقال: ما أقول في امام شهدت أمة محمد عليه السلام قاطبة بأنّه كان أعلم اهل زمانه! قال: فما تقول في موسى بن جعفر؟ قال: كان مثله. قال فإنّ النّاس قد تحيروا في أمره! قال: إنّ موسى بن جعفر، عمّ برهة من دهره، فكان يكلم الانباط بلسانهم و يكلمهم أهل خراسان بالدرية و أهل الرّوم بالرومية و يكلم العجم بألسنتهم و كان يرد عليه من الآفاق علماء اليهود و النّصارى، فيحاجّهم بكتبهم و ألسنتهم. فلما نفذت مدته و كان وقت وفاته، أتاني مولى برسالته، يقول: يا بنى إنّ الأجل قد نفذ، و المدة قد انقضت و أنت وصيّ أبيك، فإنّ رسول الله عليه السلام لما كان وقت وفاته، دعا عليّاً و أوصاه و دفع اليه الصحيفة التي كان فيها الاسماء التي خصّ الله بها الانبياء و الاوصياء، ثمّ قال: يا علي! أدن منّي، فغطّى رسول الله عليه السلام رأس علي عليه السلام بملابته، ثمّ قال له: أخرج لسانك، فأخرجه فختمه بخاتمته، ثمّ قال: يا علي! اجعل لساني في فيك فمضه و ابلع كلّ ما تجد في فيك.

فعل عليّ ذلك، فقال له: إنّ الله قد فهمك ما فهمتني، و بصرك ما بصرتني، و اعطاك من العلم ما أعطاني، إلاّ النّبوة، فإنّه لا نبيّ بعدي، ثمّ كذلك اماماً بعد امام.

فلما مضى موسى عليه السلام علمت كلّ لسان و كلّ كتاب [و ما كان و ما سيكون بغير تعلّم، و هذا سرّ الانبياء، و دعه الله فيهم، و الانبياء أودعوه الى اوصيانهم، و من لم يعرف ذلك و يحقّقه، فليس هو على شينى و لا قوة إلاّ بالله] (الخرائج و الجرائح، ٣٤٩/١-٣٥١ و انظر: اثبات الهداة، ٣٧٩/١ و ٢٠/٣ و ١٣١/٦؛ بحار الانوار، ٧٩/٢٩؛ مدينة المعاجز، ص ٥٠٧).

۱. بشارة المصطفى، ص ۷۷، ۱۲۸، متن حدیث، پیش ازین ذکر شد.
۲. امالی المفید، ص ۴۸ (نجف) و ص ۸۸ (قم).
۳. در اصل: «اللحمي».
۴. در اصل: «محمد بن يحيى».
۵. امالی المفید، ص ۵۴ (نجف) و ص ۱۰۱ (قم).
و الحدیث هكذا: «... قال: جاء رجل الى امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام بالبصرة، فقال: يا امير المؤمنين! هؤلاء القوم الذين نقاتلهم، الدعوة واحدة، والرسل واحد، والصلوة واحدة، والحج واحد، فبم نسميهم؟ فقال له امير المؤمنين عليه السلام سَمَهُم بما سَمَاهُم اللهُ عزَّ وجلَّ في كتابه، أما سمعته تعالى يقول: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُم عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ﴾ (بقره / ۲۵۳) فلما وقع الاختلاف كنا اولى بالله وبيدنه وبالنبي صلى الله عليه وسلم وبالكتاب وبالحق؛ فنحن الذين آمنوا وهم الذين كفروا و شاء الله منا قتالهم فقاتلناهم بمشيتته وأمره و ارادته».
۶. امالی المفید، ص ۱۱۳، (نجف) و ص ۲۱۴ (قم).
و الحدیث هكذا: «... قال: سمعت جابر بن عبد الله بن حرام الانصاري، يقول: لو نشر سلمان و ابوذر -رحمهما الله- لهؤلاء الذين يستحلون مودتكم أهل البيت، لقالوا: هؤلاء الكذابون و لو رأى هؤلاء اولئك لقالوا: مجانين».
۷. امالی المفید، ص ۱۳۲ (نجف) و ص ۲۴۷ (قم).
و الحدیث هكذا: «... قال: كنت مع امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام في مسجد الكوفة، و قد صلينا العشاء الآخرة، فأخذ بيدي، حتى خرجنا من المسجد، خمشي حتى خرج الى ظهر الكوفة، لا يكلمني بكلمة، فلما اصحر، تنفس، ثم قال: يا كميل! إن هذه القلوب أوعية فخيرها أوعاها، احفظ عني، ما اقول: الناس ثلاثة: عالم رباني و متعلم على سبيل نجاه و همج رعاع، اتباع كل ناعق، يميلون مع كل ريح، لم يستضيئوا بنور العلم و لم يلجأوا الى ركن وثيق. يا كميل! العلم خير من المال: العلم يحرسك و أنت تحرس المال، و المال تنقصه النفقة و العلم يزكو على الانفاق. يا كميل! محبة العالم خير يدان الله به، تكسبه الطاعة في حياته، و جميل الاحدوثة بعد موته يا كميل! منفعة المال تزول بزواله، يا كميل! مات خزان الاموال، و العلماء باقون مابقي الدهر، أعيانهم مفقودة، و امثالهم في القلوب موجودة، هاهنا إن ههندو أشار بيده الى صدره -لعلماً جماً لو أصبت له حمله، بلى أصيب له لقناً غير مأمون، يستعمل آله الذين في الدنيا و يستظهر بحجج الله على خلقه، و ينعمه على عباده، يتخذ الضعفاء وليجة دون ولي الحق، او مفاداً للحكمة لا بصيرة له في أحنائه ففقد الشك في قلبه بأول عارض من شبهة، ألا لاذا و لاذاك، فمنهوم بالذات سلس القياد للشهوات، أو مفرى بالجمع و الإذخار، ليس من دعاة الذين، أقرب شبهاً بهؤلاء، الانعام السائمة، كذلك يموت العلم بموت حامله. اللهم بلى لا تخلي الارض من قائم بحجة ظاهر مشهور، أو مستتر مغمور، لئلا تبطل حجج الله و بيناته، فإن أولئك الاقلون عدداً، الاعظمون فطراً، بهم يحفظ الله حججه، حتى يودعوها نظر انهم، و يزرعوها في قلوب أشباههم، همج بهم العلم على حقائق الامور، فباشروا روح اليقين، و استلانوا ما استوعره المترقون، و أنسوا بما استوحش منه الجاهلون، صحبوا الدنيا بأبدان ارواحها معلقة بالمحل الاعلى، أولئك خلفاء الله في أرضه و الدعاة الى دينه. هاهنا شوقاً الى رؤيتهم، و استغفر الله لي و لكم، ثم نزع يده من يدي و قال: انصرف اذا شئت». (امالی المفید، ص ۲۴۷ - ۲۵۰).

الفقيه العماد ابي جعفر محمد بن ابي القاسم علي الطبري، رواية نصر بن مزاحم، عن ابي خالد الواسطي، عن زيد الشهيد، عن آباءه و صورة السند، هكذا: «أخبرنا الشيخ الفقيه ابو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي بمشهد مولانا امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام في شعبان سنة احدى عشرة و خمسمائة، قال: أخبرنا السعيد الوالد، قال: أخبرنا محمد بن محمد -رحمه الله- قال: اخبرني الشريف ابو محمد الحسن بن محمد بن يحيى، قال: حدّثنا ابراهيم بن علي و الحسن بن يحيى جميعاً، قالاً: حدّثنا نصر بن مزاحم^۱... الى آخر السنة.

و في كتاب الامالي، لشيخنا ابي عبد الله محمد بن النعمان المفيد، ما لفظه: «قال: أخبرني ابو الحسن علي بن محمد، قال: حدّثنا احمد بن ابراهيم، قال: حدّثنا ابو الحسن علي بن الحسن، قال: حدّثنا الحسين بن نصر بن مزاحم، قال: حدّثني ابي، قال: حدّثنا ابو عبد الرحمن عبد الله بن عبد الملك، عن يحيى بن سلمة، عن ابيه سلمة بن كهيل، عن ابي صادق، قال: سمعت امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام يقول: ديني دين رسول الله و حسبي حسب رسول الله صلى الله عليه وسلم فمن تناول ديني و حسبي، فقد تناول دين رسول الله صلى الله عليه وسلم و حسبه^۲ انتهى.

و في ذلك الكتاب، ما لفظه: «قال: حدّثنا ابو الحسن علي بن بلال المهلبی -رحمه الله- يوم الجمعة ليلتين بقينا من شعبان سنة ثلاث و خمسين و ثلاثمائة، قال: حدّثنا محمد بن الحسين بن حميد بن الربيع اللّخمي^۳، قال: حدّثنا سليمان بن الربيع التّهدی، قال: حدّثنا نصر بن مزاحم المنقري، قال: حدّثنا يحيى بن يعلي الاسلمی، عن علي بن الحزور، عن الاصبح بن نباته، عن علي عليه السلام^۴ الحدیث.

و في ذلك الكتاب، ما لفظه: أخبرني ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه -رحمه الله- عن ابيه، قال: حدّثنا محمد بن يحيى و احمد بن ادريس جميعاً، عن علي بن محمد بن علي بن سعد الاشعري، عن الحسين بن نصر بن مزاحم العطار، عن ابيه، عن عمرو بن شمر، عن جابر بن يزيد الجعفي عن ابي جعفر الباقر عليه السلام^۶ الحدیث.

و في ذلك الكتاب، ما لفظه: «أخبرني ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين، قال: حدّثنا ابي، قال: حدّثنا محمد بن ابي القاسم ماجيلويه، عن محمد بن علي الصّيرفي، عن نصر بن مزاحم، عن عمرو بن سعيد، عن فضيل بن خديج، عن كميل بن زياد النّخعي^۷ الحدیث.

کتابشناسی

۱۷. تعلیقه الشهید الثاني علی الخلاصة، نسخه عکسی مؤسسه آل البيت از روی نسخه شهرداری گرگان.
۱۸. التفضیل، محمد بن علی بن عثمان کراچکی، به کوشش سید جلال الدین محدث و شیخ محمد آخوندی، تهران، ۱۳۷۰ ق/ ۱۳۲۹ ش.
۱۹. تنقیح المقال فی احوال الرجال، عبدالله بن محمد حسن مامقانی، نجف، ۱۳۴۹ - ۱۳۵۲ ق.
۲۰. الثقات، محمد بن حبان بن احمد تمیمی بستی، تصحیح عزیز بیگ، بیروت، ۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷۵ م.
۲۱. جامع التصانیف الحدیثه، یوسف الیان سرکیس، مصر، ۱۳۴۵ ق.
۲۲. جامع الرواة و اذاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، محمد بن علی اردبیلی غروی حائری، تصحیح ابوالحسن شعرانی، قم، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. الجرح و التعديل، عبدالرحمان بن محمد بن ادريس بن منذر تمیمی حنظلی رازی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۱ ق/ ۱۹۵۲ م.
۲۴. جلوة تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، محمود مهدوی دامغانی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۲۵. الخرائج و الجرائح، سعید بن هبة الله قطب راوندی، تحقیق و نشر مؤسسه امام مهدی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی (علامة حلّی)، قم، ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۲ م.
۲۷. دیوان الضعفاء و المتروکین، محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۲۸. الذریعة الی تصانیف الشیعة، محمد محسن بن علی (شیخ آقا بزرگ تهرانی)، تصحیح سید محمد صادق آل بحر العلوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
۲۹. الرجال، حسن بن علی بن داود حلّی، تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۹۲ ق/ ۱۹۷۲ م.
۳۰. رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق جواد قیومی، قم، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، تحقیق محمد جواد نائینی، بیروت، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م.
۳۲. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، محمد باقر موسوی خوانساری، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۱. اتقان المقال فی احوال الرجال، شیخ محمد طه نجف، نجف، ۱۳۴۰ - ۱۳۴۱ ق.
۲. احوال الرجال، ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، تحقیق صبحی بدری سامرایی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۳. الاعلام، خیرالدین زرکلی، بیروت، ۱۹۸۹ م.
۴. اعیان الشیعة، سید محسن امین، تحقیق حسن الامین، بیروت، ۱۴۰۶ - ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۸۶ - ۱۹۹۹ م.
۵. الامالی للشیخ الصدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، به کوشش مؤسسه بعثه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.
۶. امالی المفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (شیخ مفید)، نجف، ۱۳۶۷ ق و به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۳ ق.
۷. ایضاح الاشتباه فی اسماء الرواة، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامة حلّی)، تحقیق محمد حسون، قم، ۱۴۱۱ ق.
۸. بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (علامة مجلسی)، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ۱۹۸۳ م.
۹. بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، ابوجعفر محمد بن ابی القاسم محمد بن علی طبری، نجف، ۱۳۸۳ ق، ۱۹۶۳ م.
۱۰. بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار، به کوشش محسن کوچه باغی، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۱. تاریخ الاسلام (۲۱۱ - ۲۲۰ ق)، محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، تحقیق عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ۱۹۹۱ م.
۱۲. تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، بیروت، بی تا.
۱۳. تاریخ التراث العربی، فؤاد سزگین، قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. التاریخ الكبير، محمد بن اسماعیل بخاری جعفی، تصحیح ابوالوفاء افغانی، عبدالرحمان بن یحیی یمانئ و محمد حبیب الله قادری، حیدرآباد دکن، ۱۳۶۰ ق.
۱۵. تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، بیروت، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م.
۱۶. تحفة الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب، شیخ عباس محدث قمی، تحقیق سید جعفر حسینی، تهران، ۱۳۷۰ ش.

۳۳. روضة الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، با مقدمه سید محمد مهدی بن سید حسن خراسان، قم، ۱۳۸۶ ق.
۳۴. سومر (مجله)، وزارة الثقافة والاعلام، بغداد، ج ۱۳ (۱۹۵۷ م).
۳۵. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۵۹-۱۹۶۳ م.
۳۶. الضعفاء الكبير، محمد بن عمرو عقیلی مکی، تحقیق عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۳۷. الضعفاء و المتروکین، علی بن عمر دارقطنی، تحقیق موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، ریاض، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. الفهرست، ابن ندیم، ترجمه م. رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۳ ش.
۳۹. الفهرست، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تصحیح سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، ۱۳۵۶ ق / ۱۹۳۷ م و تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، قم، ۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸ ش.
۴۰. فهرست کتابهای چاپی عربی، خانابا مشار، تهران، ۱۳۴۴ ش.
۴۱. فهرست کتابهای چاپی فارسی، خانابا مشار، تهران، ۱۳۵۰ ش.
۴۲. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۴۳. الكامل فی التاریخ، ابن اثیر جزری، بیروت، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م.
۴۴. لسان المیزان، احمد بن علی عسقلانی، بیروت، ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۱ م.
۴۵. المتحف العراقي ببغداد، وزارة الاعلام، بغداد، ۱۹۷۴ م.
۴۶. معجم الادباء، یاقوت حموی، بیروت، بی تا.
۴۷. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۴۸. معجم المؤلفین: تراجم مصنفی الکتب العربیة، عمر رضا کحاله، بیروت، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م.
۴۹. المغنی فی الضعفاء، محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، تحقیق نورالدین، حلب، ۱۳۹۱ ق / ۱۹۷۱ م.
۵۰. مقال الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، تحقیق احمد صقر، تهران، ۱۹۷۰ م.
۵۱. مناقب، محمد بن علی (ابن شهر آشوب)، قم، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش.
۵۲. منتهی المقال فی احوال الرجال، محمد بن اسماعیل حائری مازندرانی، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۶ ق.
۵۳. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، خانابا مشار، تهران، ۱۳۴۳ ش.
۵۴. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و عبدالفتاح ابوسنة، بیروت، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۵ م.
۵۵. الوافی بالوفیات، خلیل بن ایبک صفدی، بیروت، ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۷ م.
۵۶. وقعة صفین، نصر بن مزاحم منقری، تحقیق سید فرج الله بن هاشم کاشانی، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۰ ق و تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۸۲ ق.
۵۷. هداية المحدثین الی طريقة المحدثین، محمد امین بن محمد علی کاظمی، تحقیق سید مهدی رجائی، به اهتمام سید محمود مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۵ ق.

58. *Geschichte der Arabischen Litteratur*, Carl Brockelmann, Leiden reprint, 1942.

گزارش سفر به کشور مغرب

سید محمود مرعشی نجفی

بخش چهارم (آخر)

الانسانیة» و بازدید از کتابخانه آن مرکز بود. این مرکز در شارع کورنیش، عین الذیاب در شهر دار البیضاء (کازابلانکا) قرار دارد. این مرکز به دستور امیر عبدالله، ولیعهد عربستان سعودی، و با هزینه ایشان در سال ۱۹۸۴ میلادی در شهر کازابلانکا، در یک ساختمان بزرگ تأسیس شده است. در بدو ورود به ساختمان، مورد استقبال مسؤول مرکز قرار گرفتیم. در حال حاضر، مدیر این مؤسسه، آقای عبده الفیلالی الانصاری است و معاون وی آقای محمد الصغیر

مؤسسه ملک عبدالعزیز در کازابلانکا

صبح پنجشنبه مورخ ۷۹/۱۲/۱۱ (۲۹ فوریه ۲۰۰۱) طبق برنامه از پیش تعیین شده به همراه آقایان دکتر بنبین، رئیس کتابخانه سلطنتی مغرب و دبیر اول سفارت جمهوری اسلامی ایران، و محمد علی تبریزیان از رباط به شهر کازابلانکا (دار البیضاء) حرکت کردیم. فاصله این دو شهر چندان نیست، از یک ساعت تجاوز نمی‌کند. شهر کازابلانکا مرکز اقتصادی

کشور مغرب بوده و در کنار اقیانوس قرار گرفته و از شهرت جهانی برخوردار است. تمامی هواپیماهایی که از گوشه و کنار جهان عازم کشور مغرب می‌شوند، در فرودگاه کازابلانکا مسافران را پیاده می‌کنند و هیچ پروازی اجازه ورود به پایتخت ندارد. ظاهراً تنها شرکتی که هواپیماهایش مجازند در فرودگاه پایتخت بنشینند، شرکت «ایر فرانس» فرانسه می‌باشد.

یکی از برنامه‌های ما در همین روز، پاسخ به دعوت ناهار مسؤول «مؤسسه ملک عبدالعزیز آل سعود للدراسات الاسلامیة والعلوم



خزانه قرویین در شهر فاس

فرانسه، ۴۰٪ به انگلیسی و ۱۰٪ به دیگر زبان‌ها از جمله کتاب‌های فارسی هستند.

پس از بازدید از قسمت‌های گوناگون، به بررسی برخی از نسخه‌های خطی آن پرداختم و گزیده‌ای از برخی نسخه‌های نفیس آن را یادداشت کردم که در ذیل، آن‌ها را ذکر می‌کنم. پس از بازدید، در دفتر مسؤول کتابخانه به بحث نشستم و مقرر شد از هرچه آن مرکز چاپ می‌کند، یک نسخه نیز برای کتابخانه بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ارسال کند. ما نیز متقابلاً چنین کنیم. سپس نماز و نهار با حضور تنی چند از استادان و محققان آن مرکز اقامه شد و در پایان، با بدرقه مسؤول مؤسسه عازم بازدید از مسجد «سلطان حسن دوم» شدیم که از مساجد زیبا و جالب جهان است و نیمی از آن بر روی اقیانوس قرار دارد.

۱. البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، ابن عجیبه احمد بن محمد بن محمد بن المهدی الحسنی الأنجزی (م ۱۱۲۴ ق)، کتابت ۱۲۶۱ هـ؛
۲. علم النصرة فی تحقیق قراءة إمام البصرة ابی عمرو بن العلاء، ابن القاضی، عبدالرحمن بن ابی القاسم المکناسی (م ۱۰۸۲ ق)، کتابت ۱۱۱۶ ق، به خط نسخ؛
۳. فصول عدّة فی ضوابط لقراءة أبی عمرو، جلال‌الدین المحلی محمد بن احمد بن محمد، (م ۸۶۴ ق)، کتابت ۹۸۸ ق؛
۴. کتاب الفتح و التیسیر فی آیه التّطهیر، محمد بن الطیب بن عبدالسلام القادری (م ۱۱۸۷ ق)؛
۵. نظم الدرر من تناسب الآیات و السور، ابراهیم بن عمر بن حسن الرباط البقاعی (م ۸۸۵ ق)، کتابت ۹۷۳ ق؛
۶. الفجر الساطع علی الصحیح الجامع، محمد فضیل بن محمد الفاطمی الشیبهی الزرهونی الادریسی الحسنی (م ۱۳۱۸ ق)، کتابت ۱۳۴۷ ق؛
۷. القیس فی شرح موطأ مالک بن انس، ابن‌العربی محمد بن عبدالله بن محمد المعافری (م ۵۴۳ ق)، نسخه نفیس و کهن، کتابت ۶۳۶ ق، به خط مغربی؛
۸. کتاب الإشارة، ابو عبدالله علاء‌الدین مغلطای بن قلیح (م ۷۶۲ ق)، نسخه نفیس، کتابت ۷۴۲ ق در حیات مؤلف؛
۹. تحفة الاخیار فی فضل الصلاة علی النبی المختار، تألیف محمد بن قاسم الرصاع الانصاری (م ۸۹۴ ق)؛
۱۰. أعز ما یطلب، تألیف ابن تومرت محمد بن عبدالله

جنجار امور علمی و تحقیقاتی انتشارات آن مرکز نیز برعهده ایشان می‌باشد. نخست از قسمت‌های گوناگون آن مرکز بازدید کردیم و در هر بخش، توضیحات لازم از سوی مدیر مرکز ارائه شد. در گنجینه این مرکز تعداد ۳۵۰۰۰۰ عنوان کتاب چاپی به زبان‌های گوناگون و نیز تعداد ۴۰۰ نسخه خطی وجود دارند. بجز چند نسخه که قدیمی‌اند، سایر نسخه‌ها متأخر و مربوط به سده‌های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هـ می‌باشند.

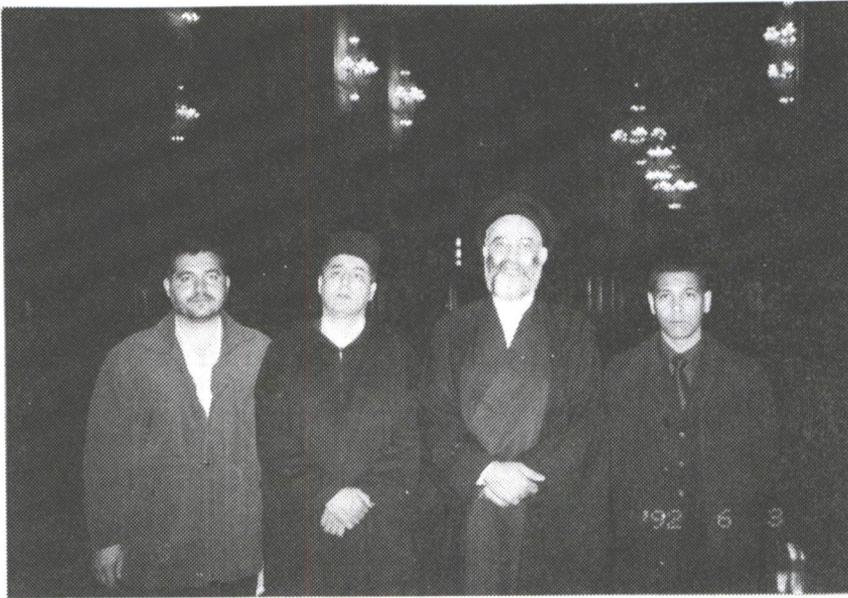
این مؤسسه برای تحقیقات اسلامی در منطقه غرب آفریقا و جهان اسلام و اندلس و جزایر سیسیل و جنوب صحرا برپا شده است. تالارهای گوناگون و بخش‌های متعدد آن عبارتند از: تالار «ابن‌رشد» مربوط به کتاب‌شناسی، تالار ویژه کتاب‌های چاپی با ۱۶۳۰۰۰ جلد کتاب چاپی، تالار «تراث» شامل ۵۹۰۰۰ جلد کتاب در خصوص تحقیقات عربی و اسلامی، تالار «موسوعه» دارای ۸۰۰۰۰ جلد کتاب در تحقیقات نظری و علوم انسانی و اجتماعی، تالار مجلات و روزنامه‌ها دارای ۱۸۲۴ عنوان شامل ۷۸۰۰۰ نسخه، بخش پایان‌نامه‌های تحصیلی، بخش ریزفیلیم و ریزفیش، بخش نسخه‌های چاپ سنگی قدیم و نیز تالار مطالعه عمومی که به ۳ بخش تقسیم شده: بخش نخست مربوط به مطبوعات جدید، اعم از کتاب‌ها، مجله‌ها و روزنامه‌ها و کتب مرجع؛ بخش دوم مربوط به مؤلفات عمومی، اسلام، ادیان دیگر، فلسفه، علم نفس، امور تربیتی، هنر، ادبیات، زبان، جغرافیا و تاریخ، بخش سوم مربوط به جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و قوانین. از جمله بخش‌های این کتابخانه بخش انتشارات آن است که تاکنون چند عنوان کتاب چاپ و منتشر کرده است که از آن جمله‌اند:

۱. تجدید الفکر الاسلامی، سال ۱۹۸۹ م؛
 ۲. المخطوطات العربیة فی الغرب الاسلامی، ۱۹۹۰ م؛
 ۳. فهرس الدوریات، ۱۹۹۱ م؛
 ۴. تراث الاندلس؛ تکشیف و تقویم، در دو جلد، ۱۹۹۳ م؛
 ۵. التاریخ الاجتماعی لدرعة؛ مطلع القرن ۱۷ م و مطلع القرن ۲۰ م، ۱۹۹۴ م؛
 ۶. جوانب من تاریخ المجال و السكان بالمغرب، ۱۹۹۸ م؛
 ۷. ابن‌رشد؛ مکنز عربی - فرنیسی خاص بالمنطقة المغاربیة و محیطها التاریخی و الحضاری الاندلسی الافریقی، ۱۹۹۸ م.
- از مجموعه کتاب‌های این مؤسسه ۲۵٪ به عربی، ۲۵٪ به

شامل نسب شرفای علویین؛
 ۲۴. مختصر البیان فی آل‌عدنان، ابن جزی الکلبی محمد بن احمد الغرناطی (م ۷۴۱ ق)، به خط مغربی؛
 ۲۵. نشأة السلافة بمنشأ الخلافة، عبدالقادر بن محمد بن یحیی بن مکرم الطبری (م ۱۰۳۳ ق)، کتابت ۱۱۰۱ ق، به خط نسخ؛
 ۲۶. کتاب در طب به عربی، مؤلف مجهول، مورخ ۸۵۸ ق، به خط مغربی؛

الملقب بالمهدی (م ۵۲۴ ق)، نسخه بسیار نفیس و کهن، کتابت ۵۷۹ ق، به خط مغربی؛
 ۱۱. حلیة الابرار و شعار الاخیار فی الدعوات و الأذکار، یحیی بن شرف النووی (م ۶۷۶ ق)، کتابت ۹۹۸ هـ، به خط مغربی؛
 ۱۲. ارشاد السالک إلى اشرف المسالک علی مذهب الامام مالک، ابن‌عسکر عبدالرحمن بن محمد البغدادی (م ۷۳۲ ق)، کتابت ۹۳۹ ق؛

۱۳. تکمیل التقیید و تحلیل التعقید، ابن‌غازی محمد بن احمد العثماني المکناسی (م ۹۱۹ ق)، کتابت ۹۷۹ ق، به خط مغربی؛
 ۱۴. الإكمال و الأعلام، ابن‌عسکر محمد بن علی الغسانی (م ۶۳۶ ق)؛
 ۱۵. البستان الظریف فی دولة اولاد مولای علی الشریف، ابوالقاسم احمد بن علی بن ابراهیم الزیانی (م ۱۲۴۹ ق)، کتابت ۱۲۳۹ ق؛
 ۱۶. التحفة القادرية فی التعریف بشرفاء وزان، ابو محمد عبدالسلام بن عبداللّه بن الخیاط القادری (م ۱۲۲۸ ق)، به خط مغربی؛
 ۱۷. الدرر المرصعة باخبار صلحاء



داخل شبستان مسجد سلطان حسن

درعة، محمد بن موسی بن محمد بن ناصر، کتابت ۱۳۲۲ ق، به خط مغربی؛

۱۸. الروض الهتون فی اخبار مکناسة الزيتون، ابن‌غازی، محمد بن احمد العثماني المکناسی (م ۹۱۹ ق)، به خط مغربی؛
 ۱۹. المظاهر السامية فی النسبة الشریفة الکتانیة، عبدالحی بن عبدالکبیر الکتانی (م ۱۳۸۲ ق)، به کتابت ۱۳۴۳ ق، به خط مغربی؛

۲۰. سراج الملوك، محمد بن الولید بن محمد الطرطوشی (م ۵۲۰ ق)، کتابت ۹۷۳ هـ؛

۲۱. شرف الطالب فی اسنی المطالب، احمد بن حسن الخطیب (معروف به ابن‌قنفذ القسنطینی - م ۸۰۹ ق)، به خط مغربی؛

۲۲. عمدة الراوین فی تاریخ تطاوین، احمد بن محمد الرهونی التطوانی (م ۱۳۷۳ ق)، کتابت ۱۴۰۲ ق، به خط مغربی؛

۲۳. تاریخ الدولة العلویة، مؤلف مجهول، به خط مغربی،

مسجد «سلطان حسن دوم» مجموعاً ۹ هکتار مساحت دارد، ۲ هکتار آن محل نمازهای جماعت است. شبستان مسجد گنجایش ۸۰۰۰۰ نفر نمازگزار دارد. دو ایوان وسیع برای استفاده بانوان اختصاص داده شده‌اند. ارتفاع در ورودی اصلی این مسجد ۱۹/۵ متر و وزن آن ۳۵۰۰ کیلو می‌باشد. ساختمان توسط ۱۰۰۰۰ کارگر حرفه‌ای و ۲۵۰۰ کارگر ساده زیر نظر مهندس مشهور فرانسوی، میشل پانسو، در مدت ۶ سال ساخته شده است. داخل شبستان دارای ستون‌های چند زوجی بسیار قطور از گران‌ترین سنگ‌های گرانیت می‌باشد. ارتفاع سقف تا زمین شبستان مسجد از چهل متر تجاوز می‌کند. سقف مسجد به وزن یازده هزار کیلو، متحرک است و در مدت ۵ دقیقه باز و بسته می‌شود، به گونه‌ای که اگر نیاز باشد نمازگزاران زیر سقف عبادت نکنند، تمامی سقف

نجفی (ره) با روابطی که با علمای مغرب برقرار ساخته بودند - و موفق شدند از برخی علمای بزرگ آن دیار اجازه حدیث دریافت کنند - فراهم آورده‌اند.

فهرست کتاب‌های چاپی خریداری شده از آن کشور در این سفر در ادامه خواهد آمد. یادآوری می‌شود بیش‌ترین کتاب‌های چاپ شده در علم نسب یا تبارشناسی در این کشور به چاپ رسیده و نیز نسخه‌های نفیس خطی بسیاری در نسب در کتابخانه‌های آن کشور موجود می‌باشند.

کتابهایی خریداری شده

۱. ترتیب المدارك و تقرب المسالك لمعرفة اعلام مذهب مالك، قاضی عیاض بن موسی بن عیاض السبیتی (م ۵۴۴ ق)، چاپ دوم، وزارت اوقاف مغرب، ۱۹۸۳ م / ۱۴۰۳ ق، هشت جلد؛
۲. الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم، القاضی ابی بکر بن العربی المعافری، چ وزارت اوقاف مغرب، ۱۹۸۸ م / ۱۴۰۸ ق، دو جلد؛
۳. اتحاف أعلام الناس بجمال اخبار حاضرة مكناس، عبدالرحمن بن زیدون، تقدیم عبدالهادی التازی، چ دوم، ۱۴۱۰ ق، دو جلد؛
۴. كفاية المحتاج لمعرفة من ليس في الديباج، احمد بابا التنبكتی، چ وزارت اوقاف مغرب، ۲۰۰۰ م / ۱۴۲۰ ق، دو جلد؛
۵. تاريخ العمارة الاسلامية و الفنون التطبيقية بالمغرب الأقصى، دكتور عثمان عثمان اسماعيل، انتشارات الهلال العربية رباط، ۱۹۹۳ م / ۱۴۱۳ ق، پنج جلد؛
۶. معلمة المغرب، قاموس مرتب علی حروف الهجاء يحيط بالمعارف المتعلقة بمختلف الجوانب التاريخية و الجغرافية و البشرية و الحضارية بالمغرب الأقصى، الجمعية المغربية للتأليف و الترجمة و النشر، مطابع سلا سال، چاپ رنگی، ۱۹۸۹ - ۲۰۰۰ م / ۱۴۰۹ - ۱۴۲۰ ق؛ یک دائرة المعارف بسیار نفیس که تاکنون دوازده جلد آن از چاپ خارج شده و تا حرف «ر» را دربرگرفته است و بقیه آن به تدریج چاپ خواهد شد.
۷. التنبیه المعرب عما علیه الانحال المغرب، حسن بن الطیب بن الیمانی بوعشرین الخزرجی المکناسی ثم المراكشی، رباط - مغرب، دارالمعرفة، چ اول، ۱۹۹۴ م / ۱۴۱۴ ق، جلد اول؛

می‌رود. این سقف به گونه‌ای طراحی شده است که اگر سرعت باد از ۳۵ کیلومتر در ساعت تجاوز کند، به‌صورت خودکار بسته می‌شود. یک مناره بزرگ به ارتفاع تقریبی ۲۰۰ متر در کنار شبستان ساخته شده است که در روی آن سه گوی بسیار بزرگ قرار دارند که می‌توان از فاصله سی کیلومتری جهت قبله را یافت. نورافشان‌های معلق از سقف هر یک چندین هزار کیلو وزن دارد و برای تمیز کردن آن‌ها با فشار یک دکمه هر کدام به‌صورت خودکار، تا یک متر مانده به زمین پایین می‌آیند. سطح زیربنای مناره مسجد در پایین ۶۵۰ متر مربع می‌باشد.

در قسمت‌های زیرین، وضوخانه‌ها با امکانات لازم برای وضو گرفتن ۱۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده‌اند. هم‌چنین حمام‌های بزرگ خشک و بخار برای آقایان و خانم‌ها مجزا ساخته شده و در یک زمان نزدیک به یک هزار نفر می‌توانند غسل کنند. پارکینگ زیرزمین مسجد برای ۱۱۰۰ اتومبیل گنجایش دارد و در مرحله بعدی، یک پارکینگ وسیع‌تر و یک موزه و کتابخانه بزرگ نیز ساخته خواهد شد. علاوه بر این‌ها در زیرزمین سه تالار بزرگ نیز ساخته شده‌اند. با این‌که نزدیک به نیمی از ساختمان این مسجد در اقیانوس قرار گرفته و قسمت‌های زیرین آن شامل حمام‌ها و وضوخانه‌ها از سطح اقیانوس بسیار پایین‌تر هستند، هیچ‌گونه رطوبتی در دیوارهای آن مشاهده نمی‌شود. برخی این مسجد را، که از لحاظ معماری، تلفیقی از معماری کهن اسلامی و اندلسی و معماری نوین می‌باشد، بزرگ‌ترین مسجد جهان می‌دانند و برخی آن را پس از مسجد النبی دومین مسجد می‌شمارند. به هر حال، عظمت آن به گونه‌ای است که هر بیننده‌ای را به تعجب وامی‌دارد. هزینه این مسجد به دستور سلطان حسن دوم، از سوی مردم مغرب پرداخت شده است.

در سفر به کشور مغرب، طبق معمول هر سفر، بخشی از کتاب‌های نادر برای کتابخانه خریداری شدند. متأسفانه انتشارات آن کشور معمولاً در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، که در کشورهای گوناگون از جمله کشور خودمان برگزار می‌شود، کم‌تر حضور پیدا می‌کنند. به همین دلیل، این‌گونه کتاب‌ها در کتابخانه‌های ایران کم‌تر یافت می‌شوند. البته تعدادی از کتب چاپ آن کشور در این کتابخانه موجود می‌باشند که بیش‌تر آن‌ها را مرحوم آیه‌الله العظمی مرعشی

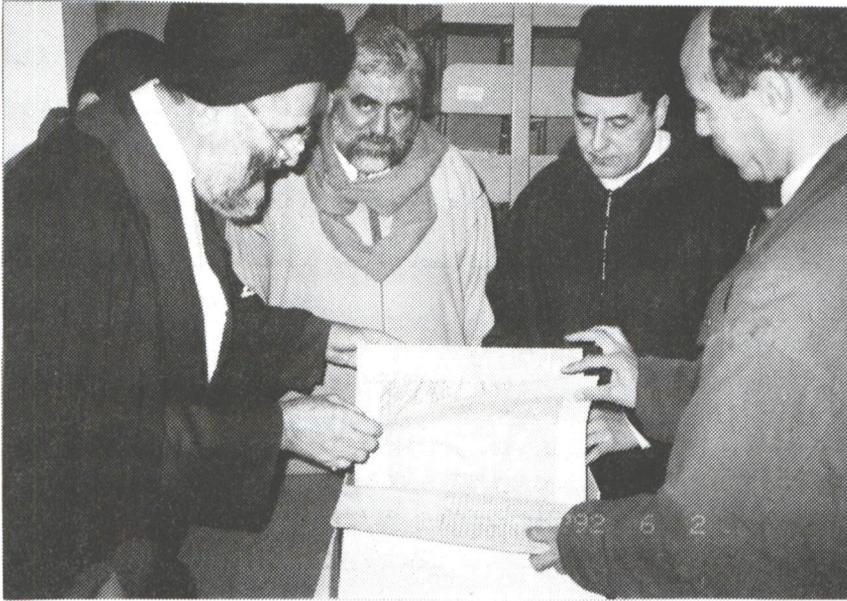
٢١. اللباب فى تهذيب الانساب، عز الدين ابى الحسن على بن محمد بن محمد بن عبدالكريم بن الاثير الجزرى (م ٦٣٠ ق)، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق، دو جلد؛
٢٢. البليوغرافيا الوطنية المغربية، كتب و دوريات، الخزانة العامة للكتب و الوثائق، رباط (مغرب)، ١٩٨٦ م - ١٩٩٨ م، دورة هفت جلدی؛
٢٣. الاعلام بمن حلّ مراكز و أعمت من الاعلام، العباس بن ابراهيم التملالى قاضى مراكز، چ دوم، الرباط، المطبعة الملكية، ١٩٨٣ - ١٩٩٣ م / ١٤٠٣ - ١٤١٣ ق؛
٢٤. علم علل الحديث من خلال كتاب بيان الوهم و الايهام الواقعين فى كتاب الاحكام لابي الحسن بن الفطان الفاسى، إعداد ابراهيم بن الصديق، چ وزارت اوقاف مغرب، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق، دورة دو جلدی؛
٢٥. التعديل و التجریح لمن خرج عنه البخارى فى الجامع الصحيح، الحافظ ابى الوليد سليمان بن خلف ابن سعد بن ايوب الباجى المالكى (م ٤٧٤ ق)، تحقيق الاستاذ احمد ليزار، وزارت اوقاف مغرب، ١٩٩١ م / ١٤١١ ق، دورة سه جلدی؛
٢٦. مدخل إلى تاريخ العلوم بالمغرب المسلم حتى القرن ١٥ م، ابراهيم حركات، الدار البيضاء مغرب، دارالرشاد الحديثة، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق، دورة سه جلدی، جلد اول: العلوم الانسانية و العقلية؛ جلد دوم: الشرعيات و العقائد؛ جلد سوم: التصوف؛
٢٧. موسوعة تاريخ الاندلس، فكر و تاريخ و حضارة و تراث، دكتور حسين مونس، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق، دورة دو جلدی؛
٢٨. دليل الاطروحات و الرسائل الجامعية المسجلة بكليات الآداب بالمغرب، جامعة محمد الخامس، كلية الآداب و العلوم الانسانية بالرباط، دورة چهار جلدی، ١٩٦١ - ١٩٩٧ م / ١٣٨٧ - ١٤١٧ ق؛
٢٩. فاس و باديتها؛ مساهمة فى تاريخ المغرب السعدى ١٥٤٩ - ١٦٣٧ م، محمد مزین، دانشكده ادبيات، دانشگاه محمد پنجم، ١٩٨٦ م / ١٤٠٦ ق، دورة دو جلدی؛
٣٠. الرحلة العياشية لابي سالم العياشى (م ١٠٩٠ ق / ١٦٧٠ م)، دارالمغرب للتأليف و الترجمة و النشر، رباط - مغرب، ١٩٧٧ م / ١٣٩٧ ق، چاپ تصويرى از چاپ سنگى اول در دو جلد؛

٨. تلخيص علم الحديث و مصطلحه، مصطفى بن محمد الدغاي القصرى، چ وزارت اوقاف مغرب، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
٩. اعلام مالقة، ابى عبدالله بن عسكر و ابى بكر بن خميس، رباط - مغرب، دارالامان، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق، دو جلد مكرّر؛
١٠. موسوعة علماء الطب مع اعتناء خاص بالاطباء المغرب، إعداد هيكلم نعمه الله و الياس مليحة، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩١ م / ١٤١١ ق؛
١١. تاريخ قبائل هلاله بسوس المسمى إتخاف اهل البدو و القرى بسلالة زينب الكبرى بنت فاطمة الزهراء، بضعة سيد الورى عليها السلام، الفقيه محمد بن احمد البوقدورى، دارالبيضاء مغرب، مطبعة النجاح الجديدة، ٢٠٠٠ م / ١٤٢١ ق؛
١٢. المدارس الصوفية المغربية و اندلسية فى القرن السادس الهجرى، دكتور عبدالسلام غرميسينى، دارالبيضاء مغرب، دارالرشاد الحديثة، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٣. اسماء القبائل و انسابها، سيد معزالدين محمد المهدي الحسينى الشهير بالقزوينى (م ١٣٠٠ هـ)، شرح و تحقيق سلمان الجبورى، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٤. طبقات النسائين، بكر بن عبدالله ابوزيد، بيروت، مؤسسة الرسالة، چ دوم، ١٩٩٨ م / ١٤١٨ ق؛
١٥. اعلام المغرب العربى، عبدالوهاب بن منصور المورخ، دورة شش جلدی كه تا اسم «احمد» آمده است، رباط - مغرب، المطبعة الملكية، ١٩٧٩ - ١٩٩٨ م / ١٣٩٩ - ١٤١٩ ق؛
١٦. الإسلام و الأنساب، محمد الحاج ناصر، بيروت، دار صادر، ١٩٩٨ م / ١٤٢٨ ق؛
١٧. ثبت مسموعات، حافظ ضياء الدين محمد بن عبدالواحد المقدسى (م ٦٤٣ هـ)، تحقيق دكتور محمد مطيع الحافظ، بيروت، دارالبشائر الاسلامية؛
١٨. الوجيز فى ذكر المجاز و المنجيز، حافظ ابى طاهر احمد بن محمد السلفى الاصفهانى (م ٥٧٦ ق)، تحقيق محمد خير البقاعى، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٩٩١ م / ١٤١١ ق؛
١٩. معجم شيوخ الاسماعيلى، حافظ ابى بكر احمد بن ابراهيم الاسماعيلى (م ٣٧١ ق)، تحقيق عبدالله عمر البارودى، بيروت، دارالفكر، ١٩٩٣ م / ١٤١٣ ق؛
٢٠. ملحق المجمع المؤسس للمعجم المفهرس، حافظ شهاب الدين ابى الفضل احمد بن على بن حجر العسقلانى (م ٨٥٢ ق)، تحقيق محمد شكور، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛

- القرفاني في القواعد الفقهية، وزارت اوقاف مغرب، ١٩٩٤ و ١٩٩٤ م / ١٤١٤ و ١٤١٦ ق، دورة دو جلدی؛
٣٩. المطبوعات الحجرية في المغرب؛ فهرس مع مقدمة تاريخية، فوزي عبدالرزاق امين، مجموعة الكتب والدوريات العربية في جامعة هاروارد - امريكا، رباط، دارالمعرفة، ١٩٨٤ م / ١٤٠٦ ق؛
٤٠. تاريخ الطباعة في المغرب؛ ١٨٦٥ - ١٩١٢ م، فوزي عبدالرزاق، تعريب خالد بن الصغير، انتشارات دانشگاه محمد بنجيم، دانشكده ادبيات و علوم انساني رباط، ١٩٩٤ م / ١٤١٦ ق؛
٤١. من تاريخ منطقة اقليم تادلة و بني ملال، مصطفى عربوش، انتشارات مكتبة الطالب، ١٩٨٩ م / ١٤٠٩ ق، دورة دو جلدی؛
٤٢. الروضة المقصودة و الحلل الممدودة في مآثر بني سودة، ابي الربيع سليمان الحوات (م ١٢٣١ ق)، مطبوعات مؤسسة احمد بن سودة الثقافية، ١٩٩٤ م / ١٤١٤ ق، دورة دو جلدی؛

٣١. جذوة الاقتباس في ذكر من حل من الاعلام مدينة فاس، احمد بن القاضي المكناسي، الرباط، دارالمصور للطباعة و الوراقة، ١٩٧٣ م / ١٣٩٣ ق، دورة دو جلدی؛
٣٢. طلعة المشتري في النسب الجعفري، الشيخ ابو العباس احمد بن خالد الناصري، المؤسسة الناصرية للثقافة و العلم، ١٩٨٧ م / ١٤٠٧ ق، دورة دو جلدی، چاپ تصويری از نسخه سنگی قديمی، به خط مغربي؛
٣٣. مجلة دراسات مغاربية - مجلة نصف سنوية تعني بالبحث و البيولوجيا المغاربية، الدار البيضاء، مؤسسة الملك عبدالعزيز للدراسات الاسلامية، عدد ١١ و ١٢، سال ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
٣٤. نشر المثنى لاهل القرن الحادي عشر و الثاني، محمد بن الطيب القادري، دورة چهار جلدی، جلد اول: مطبوعات دار المغرب للتأليف و الترجمة و النشر، ١٩٧٧ م / ١٣٩٧ ق؛
- جلد دوم و سوم و چهارم: منشورات الجمعية المغربية للتأليف و الترجمة و النشر، ١٩٨٢ - ١٩٨٦ م / ١٤٠٢ - ١٤٠٦ ق؛

٣٥. تقييد المهمل و تمييز المشكل «شيوخ البخاري المهملون»، الحافظ أبي علي الحسين بن محمد بن احمد الغساني الجبالي (م ٤٩٨ ق)، انتشارات وزارت اوقاف مغرب، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق، دورة دو جلدی؛
٣٦. تراث الاندلس، تكييف و تقويم، إعداد جماعة من الاساتذة، الدار البيضاء، انتشارات مؤسسة الملك عبدالعزيز آل سعود للدراسات الاسلامية و العلوم الانسانية، ١٩٩٣ م / ١٤١٣ ق، دو جلد، جلد اول: لوائح المؤلفين و المؤلفات؛ جلد دوم: نماذج تقديم المؤلفين و المؤلفات؛



در گنجینه نسخه های خطی کتابخانه قرویین

٤٣. فهارس علماء المغرب منذ النشأة إلى نهاية القرن الثاني عشر للهجرة؛ منهجيتها - تطورها - قيمتها العلمية، دكتور عبدالله المرابط الترغی، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات محمد بنجيم، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛
٤٤. المخطوطات العربية في الغرب الاسلامی، وضعية

٣٧. من اعلام الفكر المعاصر بالعدوتين الرباط و سلا، عبدالله الجرارى، رباط، مطبعة الامنية، ١٩٧١ م / ١٣٩١ ق، دورة دو جلدی؛
٣٨. ترتيب الفروق و اختصارها، أبي عبدالله محمد بن ابراهيم البقوري؛ (م ٧٠٧ ق)، رتب فيه و اختصر فروق شهاب الدين

- المجموعات و آفاق البحث، انتشارات مؤسسة الملك عبدالعزيز،
الدار البيضاء، مغرب، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق؛
٤٥. دراسة الطبرى للمعنى من خلال تفسيره جامع البيان عن تأويل
آى القرآن، إعداد محمّد المالكى، منشورات وزارت اوقاف
مغرب، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛
٤٦. فهارس الخزانة الحسينية، رباط - مغرب، المطبعة الملكية،
دورة هفت جلدی؛
٤٧. فهارس الخزانة الحسينية (قسم الوثائق)، رباط - المطبعة
الملكية، دورة دو جلدی؛
٤٨. منتخبات من نوادر المخطوطات فى الخزانة الملكية - القصر
الملكى، عبدالرحمن فاسى، الرباط، ١٩٧٨ م / ١٣٩٨ ق؛
٤٩. فهرس المخطوطات العربية المحفوظة فى الخزانة العامة
بالرباط، رباط - مغرب، منشورات الخزانة العامة للكتب
و الوثائق، جلد های ١، ٢، ٥ و ٦؛
٥٠. فهرس المخطوطات العربية الاسلامية فى باكستان، إعداد
دكتور احمدخان، رباط - مغرب، منشورات المنظمة الاسلامية
للتربية و العلوم و الثقافة (ايسيكو)، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق، ج اول؛
٥١. دليل مخطوطات دارالكتب الناصرية بتمكروت، اعداد
محمّد المنونى، رباط - مغرب، چاپ وزارت اوقاف، ١٩٨٥ م
/ ١٤٠٥ ق؛
٥٢. فهرس مخطوطات خزانه ابن يوسف بمرآکش، الصديق بن
العربى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٤ م / ١٤١٤ ق؛
٥٣. المخطوطات العربى و علم المخطوطات، تنسيق احمد
شوقى بنينين، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات
دانشگاه محمّد پنجم، ١٩٩٤ م / ١٤١٤ ق؛
٥٤. دليل مخطوطات السيوطى و اماكن وجودها، احمد
الخازندار و محمّد ابراهيم الشيبانى، الكويت، چ مكتبة
ابن تيمية، ١٩٨٣ م / ١٤٠٣ ق؛
٥٥. فهرس احمد المنجور، تحقيق محمّد حجّى، چ رباط،
١٩٧٦ م / ١٣٩٦ ق؛
٥٦. فهرس ابن غازى، التعلل برسوم الإسناد بعد انتقال اهل المنزل
و الناد، تحقيق محمّد الزاهى، دارالبيضاء - مغرب، ١٩٧٩ م
/ ١٣٩٩ ق؛
٥٧. فهرس المطبوعات الحجرية فى مؤسسة الملك عبدالعزيز
آل سعود فى دارالبيضاء المغرب، الدار البيضاء، ١٩٩٦ م
/ ١٤١٦ ق؛
٥٨. فهرس المخطوطات الموجودة فى مؤسسة الملك عبدالعزيز
آل سعود فى دارالبيضاء المغرب، وضعه محمّد الصغير جنجار،
دارالبيضاء، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛
٥٩. دراسات فى علم المخطوطات و البحث البليوغرافى، احمد
شوقى بنينين، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات
دانشگاه محمّد خامس، ١٩٩٣ م / ١٤١٣ ق؛
٦٠. فهرسة الشيخ على بن خليفة المساكنى المتوفى ١١٧٢ هـ
تحقيق محمّد محفوظ، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٢ م
/ ١٤١٢ ق؛
٦١. اقتفاء الاثر بعد ذهاب اهل الاثر؛ فهرس أبى سالم العياشى
(متوفى سنة ١١ ق)، تحقيق نفيسة الذهبى، رباط - مغرب،
انتشارات دانشكده ادبيات دانشگاه محمّد خامس، ١٩٩٦ م
/ ١٤١٦ ق؛
٦٢. دليل المصطلحات الفقهية، محمّد القدورى، رباط -
مغرب، المنظمة الاسلامية للتربية و العلوم و الثقافة (ايسيكو)،
٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
٦٣. معجم شيوخ الحافظ ابى عمرو الدانى إمام القراء بالمغرب
و الاندلس، جمع و نقد لما وقع فى تراجمهم من اخطاء المؤلفين
و المحققين، دكتور عبدالهادى حميتو، آسفى - المغرب، مطبعة
الوفاء، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
٦٤. معجم مؤلفات الحافظ ابى عمرو الدانى (م ٤٤٤ ق)، امام
القراء بالاندلس و المغرب و بيان الموجود منها و المفقود، دكتور
عبدالهادى حميتو، آسفى - المغرب، مطبعة الوفاء، ٢٠٠٠ م
/ ١٤٢٠ ق؛
٦٥. الاعلام بمن حلّ مراکش و اغمات من الاعلام، عباس بن
ابراهيم المراكشى، فاس المطبعة الجديدة، ١٩٣٦ م / ١٣٥٦ ق،
جلد دوم از ٨ جلد؛
٦٦. اسرة بنى عشرة، محمّد بن شريفة، چ قديم، يك جزء؛
٦٧. المصادر العربية لتاريخ المغرب من الفتح الاسلامى إلى نهاية
العصر الحديث، محمد المنونى، رباط - مغرب، منشورات
دانشكده ادبيات دانشگاه محمّد خامس، ١٩٨٣
و ١٩٨٩ م / ١٤٠٣ و ١٤٠٩ ق، دو جلد؛
٦٨. سأل للتصال بالأشياء و اهل الكمال «فهرس الشيوخ»
عبدالسلام بن عبدالقادر بن سودة، بيروت، دارالغرب الاسلامى،
١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
٦٩. الحديث فى تاريخ المغرب «حصيلة و تقديم»، رباط -

٨١. سِجْلَمَاسَة و اقليمها في القرن الثامن الهجري / الرابع عشر الميلادي، حسن حافظي علوي، رباط، منشورات وزارت اوقاف مغرب، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
٨٢. الشوف الى رجال التصوف و اخبار ابي العباس السبتي، ابي يعقوب يوسف بن يحيى التادلي (المعروف بابن الزيات - م ٦١٧ق)، تحقيق احمد التوفيق، رباط، منشورات وزارت اوقاف مغرب، چ دوم، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
٨٣. معجم الشعراء في تاريخ الطبري، الدكتور عزمي سُكْر، صيدا - لبنان، المكتبة العصرية، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛
٨٤. الدراسات الادبية الجامعية بالمغرب، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩١ م / ١٤١١ ق؛
٨٥. بيوتات مدينة سلا، جان كوستي و ابوالقاسم عشاش، تحقيق نجالة المريني، سلا - المغرب، منشورات الخزانة العلمية الصبيحية، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق؛
٨٦. دراسات في علم المخطوطات و البحث البيولوجرافي، دكتور احمد شوقي بنين، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٣ م / ١٤١٣ ق؛
٨٧. المغرب في العصر الوسيط؛ الدولة - المدينة - الاقتصاد، محمد زنيير، تحقيق محمد المغراوي، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛
٨٨. ألف سنة من الوفيات في ثلاثة كتب: شرف الطالب في اسنى المطالب لاحمد بن القنفذ؛ وفيات الونشريسي لاحمد الونشريسي؛ لقط الفرائد من لفاظة حقق الفوائد لاحمد بن القاضي، تحقيق محمد حجّي، الرباط - المغرب، مطبوعات دارالمغرب للتأليف و الترجمة و النشر، ١٩٧٦ م / ١٣٩٦ ق؛
٨٩. الزاوية الدلائية و دورها الديني و العلمي و السياسي، محمد حجّي، چ دوم، الدارالبيضاء، مطبعة النجاح الجديدة، ١٩٨٨ م / ١٤٠٨ ق؛
٩٠. تراجم مغربية من مصادر مشرقية، دكتور محمد بن شريفة، الدارالبيضاء - المغرب، مطبعة النجاح الجديدة، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛
٩١. مباحث الانوار في اخبار بعض الاخيار، لابي العباس احمد بن محمد بن يعقوب الولاّلي، تحقيق عبدالعزيز بوعصاب، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛

- مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٨٩ م / ١٤٠٩ ق؛
٧٠. اختصار الاخبار عما كان بغير سبته من سنن الآثار، محمد بن القاسم الانصاري السبتي، تحقيق عبدالوهاب بن منصور (مورخ المغرب)، چ دوم، رباط، ١٩٨٣ م / ١٤٠٣ ق؛
٧١. مناهل الصفا في مآثر موالينا الشرفاء، ابي فارس عبدالعزيز الفشتالي، تحقيق دكتور عبدالكريم كريم، مطبوعات وزارت اوقاف مغرب، بي تا؛
٧٢. كتاب التعريف في اختلاف الرواة عن نافع، الحافظ ابي عمرو الداني (م ٤٤٤ق)، تحقيق محمد السحابي، مغرب، چاپ سلا، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق؛
٧٣. كتاب الالقب، لابي علي الغساني الجياني (م ٤٢٧ق)، تحقيق دكتور محمد ابوالفضل، منشورات سمونا، المغرب، مطبعة فضالة، المحمدية، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛
٧٤. العلوم و الآداب و الفنون على عهد الموحدين، محمد المنوني، چ دوم، الرباط، مطبوعات دارالمغرب للتأليف و الترجمة و النشر، ١٩٧٧ م / ١٣٩٧ ق؛
٧٥. التصوف و البدعة بالمغرب «طائفة العكاكزة»، قرن ١٦ و ١٧، عبدالله نجمي، رباط - مغرب، انتشارات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
٧٦. و رقات لحضارة المرينيين، محمد المنوني، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛
٧٧. اعمال ندوة ابن الهيثم «الطبيب و الفيلسوف المسلم»، منشورات المنظمة الاسلامية للتربية و العلوم و الثقافة (ايسيكو)، المغرب، چ سلا، ١٩٩٩ م / ١٤٢٠ ق؛
٧٨. السلسل العذب، محمد بن ابي بكر الحضرمي، تحقيق مصطفى النجار، منشورات الخزانة العلمية الصبيحية، المغرب، چ سلا، ١٩٨٩ م؛
٧٩. معجم إرجاع الدارج في المغرب إلى حظيرة اصله العربي، احمد بن محمد الصبيحي السلاوي، تحقيق محمد حجّي، منشورات الخزانة العلمية الصبيحية، المغرب، چ سلا، ١٩٩١ م / ١٤١١ ق؛
٨٠. بيلوغرافيا الدراسات الادبية الجامعية بالمغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، الرباط، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق؛

٩٢. سفراء مغاربة في اوربا ١٩٢٢ م / ١٣٤٢ ق، عبدالمجيد القدورى، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق؛
٩٣. المغرب في العهد العثماني، تسيق عبدالرحمن المؤذن، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق؛
٩٤. النقود المغربية في القرن الثامن عشر؛ أنظمتها واوزانها في منطقة سوس، عمر أفا، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٣ م / ١٤١٣ ق؛
٩٥. مدينة أبي الجعد؛ الذاكرة والمستقبل، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق؛

- ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
٩٩. إتحاف ذى الشوق والحاجة إلى قراءة سنن ابن ماجه، محمد الحفيد بن عبدالصمد كنون الحسينى الادريسي، تحقيق عبدالصمد العشاب، منشورات وزارت اوقاف مغرب، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٠٠. المقتبس، ابن حيان، مدريد - اسبانيا، رباط - مغرب، دانشكده ادبيات، ج المعهد الاسباني العربي للثقافة، ١٩٧٩ م / ١٣٩٩ ق؛
١٠١. اوقاف مكناس في عهد مولاي اسماعيل (م ١١٣٩ ق)، الاستاذة رقيه بالمقدم، منشورات وزارت اوقاف مغرب، ١٩٩٣ م / ١٤١٣ ق؛

١٠٢. التنبه المغرب عما عليه الانحلال المغرب، السفر الاول، الحسن بن الطيب بن اليمانى بوعشرين الخزرجى المكناسى ثم المراكشى، تصحيح محمد المنونى، الرباط - المغرب، دارالمعرفة، ١٩٩٤ م / ١٤١٤ ق؛

١٠٣. تجديد الدراسات حول الاسلام والعالم العربى، اعمال الندوة التى نظمت مؤسسة الملك عبدالعزيز، ١٩٨٦ م / ١٤٠٦ ق، الدار البيضاء، ١٩٨٧ م / ١٤٠٧ ق؛

١٠٤. الذيل والتكملة لكتايب الموصول والصلة، أبى عبدالله محمد بن محمد بن عبدالملك الانصارى الاوسى المراكشى، تحقيق محمد بن شريفة، منشورات أكاديمية المملكة



درگنجینه جامع الكبير مكناس

- المغربية، ١٩٨٤ م / ١٤٠٤ ق، السفر الثامن، القسم الاول؛
١٠٥. المتعة والراحة فى تراجم اعلام حاحة، الفقيه إذ ابراهيم ابراهيم التامرى، الرباط - المغرب، مطبعة المعارف الجديدة، ١٩٩٨ م / ١٤١٨ ق، الجزء الثانى؛
١٠٦. تاريخ الوراقة المغربية؛ صناعة المخطوطات المغربى من العصر الوسيط إلى الفترة المعاصرة، محمد المنونى، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩١ م / ١٤١١ ق، دو جلد مكرّر؛
١٠٧. تحقيق التراث المغربى الاندلسى؛ حصيلة وآفاق، محمد بن

٩٦. طنجة فى الآداب والفنون، رباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، مطبعة النجاح الجديدة، الدار البيضاء، ١٩٩٢ م / ١٤١٢ ق؛
٩٧. من التراث التاريخى والجغرافى للغرب الاسلامى؛ تراجم مورخين ورحالة وجغرافيين، دكتور ناصرالدين سعيدونى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛
٩٨. الروض العطر الانفاس باخبار الصالحين من اهل فاس، منسوب به ابى عبدالله محمد بن عيشون الشراط (م ١١٠٩ ق)، تحقيق زهراء النظام، رباط - مغرب، منشورات دانشكده

- شريفة، وجدة، منشورات دانشكدة ادبيات و علوم انساني
دانسگاه محمّد أول، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
١٠٨. اسعاف الإخوان الراغبين بتراجم ثلثة من علماء المغرب
المعاصرين، محمّد بن الفاطمي السلمى الشهير بابن الحاج، تقديم
سيّد عبدالله كئون، دارالبيضاء، مطبعة النجاح الجديدة،
١٩٩٢ م / ١٤١٢ ق؛
١٠٩. أعلام المحدثين فى الهند فى القرن الرابع عشر الهجرى
و آثارهم فى الحديث و علومه، سيد عبدالماجد الغورى قدّم له
السيد ابوالحسن النّدوى و الدكتور نورالدين عتر، دمشق -
سوريه، دار ابن كثير، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١١٠. قطف الثمر فى رفع اسانيد المصنّفات فى الفنون و الاثر،
للامام صالح بن محمّد الفلّانى (م ١٢١٨ ق)، جدّه، دارالشروق،
١٩٨٤ م / ١٤٠٤ ق؛
١١١. التراث المغربى و الاندلسى؛ التوثيق و القراءة، منشورات
دانشكدة ادبيات دانسگاه عبدالمملك السعدى، تطوان، ١٩٩١ م
/ ١٤١١ ق؛
١١٢. وفيات جماعة من المحدثين، تصنيف الامام الحافظ
عبدالرحيم بن أبى الوفاء الاصبهاني ابى مسعود الحاجى
(م ٥٦٦ ق)، عربستان سعودى، مطبوعات دارالهجرة، ١٩٩٤ م
/ ١٤١٤ ق؛
١١٣. السيف المسلول فيمن انكر على الجراحيين صحبة
الرسول ﷺ، عبدالله بن محمّد بن البشير المقدم الى الجراحى
السعيدى، تحقيق ولد المؤلف محمّد، مغرب، مطبوعات معهد
الشعبى الاسلامى بمدينة الصويرة، ١٩٨٧ م / ١٤٠٧ ق؛
١١٤. القبائل العربية فى الاندلس حتى سقوط الخلافة الاموية (٩١١-
٩٢٢ هـ)، دكتور مصطفى ابوضيف احمد، دارالبيضاء مغرب،
دارالنشر المغربية، ١٩٨٤ م / ١٤٠٤ ق؛
١١٥. المعجب فى تلخيص اخبار المغرب من لدن فتح الاندلس الى
آخر عصر الموحدين، عبدالواحد المراكشى (م ٦٤٧ ق)، تحقيق
محمّد سعيد العريان، مصر - قاهره، المجلس الاعلى للشؤون
الاسلامية، ١٩٦٤ م / ١٣٨٤ ق، الكتاب الثالث «ط»؛
١١٦. روضة الاس العاطرة الانفاس فى ذكر من لقيته من اعلام
الحضرتين مراكش و فاس، احمد بن محمّد المقرئ، ج دوم، الرباط
- المغرب، المطبعة الملكية، ١٩٨٣ م / ١٤٠٣ ق؛
١١٧. الترجمانة الكبرى فى اخبار المعمور برآ و بحرآ، المورخ
الدولة العلوية ابوالقاسم الزيّانى (م ١٢٤٩ ق)، تحقيق
- عبدالكريم العبيلالى، الرباط، دارالمعرفة، ١٩٩١ م / ١٤١١ ق؛
١١٨. دليل مورخ المغرب الاقصى (دليل ابن سودة)، عبدالسلام بن
عبدالقادر بن سودة المرى و يليه ذيل دليل مورخ المغرب
الاقصى، تحقيق بيروت، مكتب البحوث و الدراسات فى
دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
١١٩. برنامج المجارى، ابى عبدالله محمّد المجارى الاندلسى
(م ٨٨٢ ق)، تحقيق محمّد ابوالاجفان، بيروت، دارالمغرب
الاسلامى، ١٩٨٢ م / ١٤٠٢ ق؛
١٢٠. المكثرون من التصنيف فى القديم و الحديث (من صتف مائة
كتاب فألفاً فاكثراً)، محمّد خير رمضان يوسف، بيروت، دار
ابن حزم، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٢١. بيلوغرافيا الاجزاء الاثنى عشر المنشورة من موسوعة معلّمة
المغرب، إعداد محمّد حجّى و عبدالمجيد بن يوسف و محمّد
بالعربى، الرباط - المغرب، نشر مطابع سلا، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٢٢. الحضارة الاسلامية فى المغرب، الحسن السائح، ج دوم،
دارالبيضاء مغرب، دارالثقافة للنشر و التوزيع، ١٩٨٦ م
/ ١٤٠٦ ق؛
١٢٣. شيوخ ابى عبدالله الخزوبى الطرابلسى، تقديم و ضبط دكتور
عبدالحميد عبدالله الهرامة، بيروت، اصالة للنشر و التوزيع،
١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛
١٢٤. عنوان الدراية فيمن عرف من العلماء فى المائة السابعة ببجاجة،
تحقيق عادل نويهض، ابوالعباس العبرينى احمد بن احمد بن
عبدالله (م ٦٤٤ ق)، بيروت، منشورات لجنة التأليف
و الترجمة و النشر، ١٩٦٩ م / ١٣٨٩ ق؛
١٢٥. المعجم المفهرس او تجريد اسانيد الكتب المشهورة
و الاجزاء المنثورة، حافظ شهاب الدين ابى الفضل احمد بن حجر
العسقلانى (م ٨٥٢ ق)، تحقيق محمّد شكور محمود الحاجى
امرير الميادينى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٩٨ م / ١٤١٨ ق؛
١٢٦. سبل المقال لفق العقال، تراجم و اعلام فى القرنين السابع
و الثامن الهجريين، شيخ عبدالواحد محمّد بن الطواح، تحقيق
محمود مسعود جبران، بيروت، دارالمغرب الاسلامى، ١٩٩٥ م
/ ١٤١٥ ق؛
١٢٧. تسمية شيوخ ابى داود السجستاني، تصنيف الحافظ ابى على
الحسين بن محمد بن احمد الغسانى (م ٤٩٨ ق)، تحقيق جاسم
بن محمّد بن حمود الفجى، بيروت، دار ابن حزم، ١٩٩٩ م
/ ١٤١٩ ق؛

١٢٨. المعجم المختص بالمحدثين، تصنيف شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان الذهبي (م ٦٧٣ق)، تحقيق دكتور محمد الحبيب الهيلة، چاپ اول، السعودية - الطائف، مكتبة الصديق، ١٩٨٨ م / ١٤٠٨ ق؛
١٢٩. معجم التعابير العصرية عربى - فارسى (فرهنگ اصطلاحات معاصر)، دكتور صالح ماجدى، رباط - مغرب، منشورات المنظمة الاسلامية للتربية والعلوم والثقافة (ايسيكو)، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
١٣٠. مع المعاصرين؛ اسماء وآثار فى الذاكرة والقلب، عباس الجرارى، الرباط، منشورات نادى الجرارى، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق؛
١٣١. تطوّر الشعر العربى الحديث والمعاصر فى المغرب من ١٨٣٠ - ١٩٩٠ م، عباس الجرارى، منشورات النادى الجرارى، رباط، ١٩٩٧ م / ١٤١٧ ق؛
١٣٢. كتاب اثبات العلل، ابى عبدالله محمد بن على الحكيم الترمذى، تحقيق ودراسة خالد زهرى، الرباط - مغرب، چاپ اول، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٨ م / ١٤١٨ ق؛
١٣٣. كتاب اللغة الأذربايجانية بالحرف العربى، پرفسور دكتور وسيم محمد عليم، رباط - مغرب، منشورات المنظمة الاسلامية للتربية والعلوم والثقافة (ايسيكو)، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق؛
١٣٤. تاريخ الضعيف (تاريخ الدولة السعيدة)، محمد الضيف الرباطى (م ١٢٣٣ ق)، تحقيق احمد العمارى، چاپ اول، الرباط، دارالمأثورات، ١٩٨٦ م / ١٤٠٦ ق؛
١٣٥. القضاء بالمرفق فى المباني ونفى الضرر، عيسى بن موسى بن احمد بن الامام التطيلى (م ٣٨٦ ق)، تحقيق محمد النمينج، الرباط، منشورات المنظمة الاسلامية (ايسيكو)، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛
١٣٦. البرهان فى ترتيب سور القرآن، الفقيه أبى جعفر احمد بن ابراهيم بن الزبير الغرناطى (م ٧٠٨ ق)، تحقيق محمد شعبانى، منشورات وزارت اوقاف مغرب، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق؛
١٣٧. المسلم فى التاريخ، تحت اشراف عبدالمجيد الشرفى، دارالبيضاء، المغرب، ١٩٩٩ م / ١٤١٩ ق؛
١٣٨. الاتحاد الوجيز (تاريخ العدوتين)، محمد بن على الدكالى، تحقيق مصطفى بوشعراء، چ دوم، المغرب، منشورات الخزانة العلمية الصباحية بسلا، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛
١٣٩. سلاولى حاضرتى ابى رقرق، عبدالعزيز بن عبدالله المغرب، منشورات الخزانة العلمية الصباحية بسلا، ١٩٩٠ م / ١٤١٠ ق؛
١٤٠. اللغة العربية والتقنيات والمعلوماتية المتقدمة، مغرب، منشورات مؤسسة الملك عبدالعزيز آل سعود للدراسات الاسلامية، دارالبيضاء، ١٩٩٣ م؛
١٤١. كيف نصون مخطوطاتنا، منشورات وزارت فرهنگ مغرب، ١٩٩٨ م / ١٤١٩ ق؛
١٤٢. منهج البحث فى الدراسات الاسلامية تأليفاً وتحقيقاً، دكتور فاروق حمادة، الرباط - مغرب، چاپ اول، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق؛
١٤٣. ابو حامد الغزالي، دراسات فى فكره وعصره وتأثيره، الرباط - مغرب، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٨٨ م / ١٤٠٨ ق؛
١٤٤. ديوان شاعر الحمراء محمد بن ابراهيم المراكشى، تحقيق دكتور احمد شوقى بنين، منشورات الخزانة الحسنية چاپ اول، دارالبيضاء، المغرب، مطبعة النجاح الجديدة، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٤٥. ابن الخطيب بسلا، جعفر بن احمد الناصرى، المغرب، منشورات الخزانة العلمية الصباحية بسلا، ١٩٨٨ م / ١٤٠٨ ق؛
١٤٦. تحفة الزائر بمنابح الحاج احمد بن عاشر، احمد بن عاشر الحافى، المغرب، منشورات الخزانة العلمية الصباحية بسلا، ١٩٨٨ م / ١٤٠٨ ق؛
١٤٧. ورقات عن الحضارة المرينيين، محمد المنونى، چ دوم، رباط، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، ١٩٩٦ م / ١٤١٦ ق؛
١٤٨. اعمال الندوة الفكر العربى والثقافة اليونانية (بمناسبة مرور الف سنة على ميلاد ابن سينا و ثلاثة و عشرون قرناً على وفاة ارسطو)، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمد خامس، دارالبيضاء، چاپ اول، مطبعة النجاح الجديدة، ١٩٨٥ م / ١٤٠٥ ق؛
١٤٩. قضايا للتأمل بروية اسلامية، عباس الجرارى، الرباط، منشورات النادى الجرارى، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٥٠. تجديد الفكر الاسلامى، جمعى از نويسندگان مغرب،

- و التوزيع، ۱۹۹۷ م / ۱۴۱۷ ق؛
۱۶۱. معجم شیوخ الامام احمد بن حنبل في المسند، دکتر عامر حسن صبري، بيروت، منشورات دار البشائر الاسلامية، ۱۹۹۳ م / ۱۴۱۳ ق؛
۱۶۲. السراج المنير في القاب المحدثين، سعد فهمي احمد بلال، بيروت، منشورات مكتبة التوبة و دار ابن حزم، ۱۹۹۶ م / ۱۴۱۶ ق؛
۱۶۳. مجموع فيه من مصنفات الحافظ ابي حفص عمر بن احمد بن شاهين (م ۲۹۷ ق)، تحقيق بدر بن عبدالله البدر، چاپ اول، الكويت، دار ابن الاثير، ۱۹۹۴ م / ۱۴۱۴ ق؛
۱۶۴. كتاب تحقيق النصرة بتلخيص معالم دار الهجرة^۱، زين الدين ابي بكر بن الحسين المرغسي (م ۸۱۶ ق)، تحقيق سعيد عبدالفتاح، چاپ اول، مكة المكرمة، منشورات مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۹۹۷ م / ۱۴۱۷ ق؛
۱۶۵. كتاب المعجم، ابي يعلى احمد بن علي بن المثنى الموصلي (م ۳۰۷ ق)، تحقيق ارشاد الحق الاثري، فيصل آباد - پاکستان، منشورات ادارة العلوم الاثرية، ۱۴۰۷ ق؛
۱۶۶. فهرس مخطوطات خزنة القرويين، محمد العابد الفاسي، دارالبيضاء، المغرب، دارالكتاب، ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳ م / ۱۳۹۹ و ۱۴۰۳ ق، دورة چهار جلدی؛
۱۶۷. جوانب من تاريخ المجال و السكان بالمغرب، محمد القبلي، دارالبيضاء، مغرب، منشورات مؤسسه الملك عبدالعزيز، ۱۹۹۸ م / ۱۴۱۸ ق؛
۱۶۸. كتاب اللائق لمعلم الوثائق، ابوالعباس احمد بن الحسن الزجلي، چاپ مغرب، چاپ سنگي بسيار كهني، با جلد بسيار قديمي و نفيس؛
۱۶۹. شرح الامام ابي عبدالله محمد بن قاسم السجلماسي الرباطي على نظم العمل للعلامة ابي زيد عبدالرحمن بن الشيخ الامام ابي محمد عبدالقادر الفاسي، چاپ مغرب، نسخة چاپ سنگي بسيار كهني و نفيس، با جلدهای چرم زيبا (هم چون نسخه های خطی)، دو جلد اول و دوم؛
۱۷۰. شرح المرشد المعين، محمود بن عبدالمجيد، چاپ سنگي

۱. نفيس ترين نسخه خطی اين كتاب كه در اواخر سده ۸ هـ ق كتابت شده و بر مؤلف خوانده و تصحيح شده، در كتابخانه بزرگ آية الله العظمى مرعشي نجفی (ره) موجود است. متأسفانه محقق آن از وجود اين نسخه بی اطلاع بوده است.

- دارالبيضاء، چاپ اول، منشورات مؤسسه الملك عبدالعزيز آل سعود للدراسات الاسلامية، ۱۹۸۹ م / ۱۴۰۹ ق؛
۱۵۱. اربع مقالات (ترجمة عربی كتاب چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی)، ترجمه محمد برتاوين، چاپ اول، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه رباط، ۱۹۸۲ م / ۱۴۰۲ ق؛
۱۵۲. المؤرخون الاباضيون في افريقيا الشمالية، تاديوس ليفيتسكي، ترجمة ماهر جزار و ريمما جزار، بيروت، دارالغرب الاسلامي، ۲۰۰۰ م / ۱۴۲۰ ق؛
۱۵۳. ادب الاختلاف في الاسلام، رباط - مغرب، منشورات سازمان ايسيكو، ۲۰۰۰ م / ۱۴۲۰ ق؛
۱۵۴. النوازل الفقهية، احمد بن الفقيه الجريري السلاوي، تحقيق مصطفى النجار، چاپ اول، المغرب، منشورات الخزنة العلمية الصبيحية بسلا، ۱۹۹۴ م / ۱۴۱۴ ق؛
۱۵۵. الحضارة الاسلامية في تاجيكستان، رباط - مغرب، منشورات سازمان ايسيكو، ۱۹۹۸ م / ۱۴۱۸ ق؛
۱۵۶. معالم الحضارة الاسلامية في جمهورية باكستان الاسلامية، رباط - مغرب، منشورات سازمان ايسيكو، ۲۰۰۰ م / ۱۴۲۰ ق؛
۱۵۷. من نصوص كتاب المتن للمؤرخ القرطبي الكبير ابي مروان بن حيان، دکتر عبدالله محمد جمال الدين، مادريد، منشورات المجلس الاعلى الثقافة، ۱۹۷۷ م / ۱۳۹۷ ق؛
۱۵۸. المعجم الوسيط، ابراهيم مصطفى و ديگران، استانبول - تركيه، منشورات مجمع اللغة العربية، ج المكتبة الاسلامية، جلد اول و دوم؛
۱۵۹. نزهة رياض الاجازة المستطابة بذكر مناقب المشايخ اهل الرواية و الاصابة، ابي الزمن عبدالخالق بن علي بن الزين المزجاجي (م ۱۲۰۱ ق)، تحقيق مصطفى عبدالكريم الخطيب، بيروت، منشورات دارالفكر، ۱۹۹۷ م / ۱۴۱۷ ق، دو نسخه مكرز؛
۱۶۰. مشيخة ابي طاهر ابن ابي الصقر، محمد بن احمد بن محمد بن اسماعيل اللحى الانباري (م ۳۹۶ ق)، معجم مشايخ، ابي عبدالله محمد بن عبدالواحد بن محمد الدقاق (م ۵۱۶ هـ)؛ مجلس املاء، ابي عبدالله محمد بن عبدالواحد بن محمد الدقاق في رؤية الله تبارك و تعالی، چاپ اول، منشورات مكتبة الرشد الرياض و شركة الرياض للنشر

١٨٤. فهرس المخطوطات العربية المحفوظة في الخزانة العامة برباط الفتح «المغرب الاقصى»، القسم الثانى ١٩٢١ - ١٩٥٣ م، چ پاریس، المكتبة الشرقية ١٩٤٥ و ١٩٥٨ م، دو دوره دو جلدی، الجزء الاول و القسم الثانى؛
١٨٥. فهرس مخطوطات خزنة القرويين، محمد العابد الفاسى، چ دارالبیضاء، المغرب، ١٩٧٩ و ١٩٨٣ م / ١٣٩٩ و ١٤٠٣ ق، دوره چهار جلدی؛
١٨٦. مخطوطاتنا المغاربية؛ نماذج و عینات، چ تونس، ١٩٩٤ م / ١٤١٤ ق؛
١٨٧. جامع القرويين، المسجد و الجامعة بمدينة فاس، دكتور عبدالهادى التازى، چ دارالكتاب اللبنانى، ١٩٧٢ و ١٩٧٣ م، دوره سه جلدی؛
١٨٨. لائحة المخطوطات الحسبية المحفوظة بخزانة ابن يوسف بمراكش، چ مراكش، ١٩٧٧ م؛
١٨٩. قائمة المخطوطات العربية النادرة التي وقع الاختيار عليها من بين المخطوطات الموجودة بالخزانة العامة لكتب و المستندات بالمغرب، الرباط، چ يونسكو، ١٩٦٢ م؛
١٩٠. منتخبات من نوادر المخطوطات في الخزانة الملكية بالقصر الملكى الرباط، المغرب، چ رباط، ١٩٧٨ م / ١٣٩٨ ق؛
١٩١. فهرس الخزانة الحسنية القصر الملكى الرباط، قسم الوثائق، امينة الناير و عمر عمّور، چ رباط، دو جلد، المجلد الثانى، القسم الاول و القسم الثانى؛
١٩٢. فهرس الخزانة الحسنية بالقصر الملكى، چ رباط، ١٩٨٠ - ١٩٨٦ م / ١٤٠٠ - ١٤٠٦ ق؛ جلد اول: تأليف محمد عبد الله عنان و جلد ٢، ٣، ٤ و ٥: تأليف محمد العربى الخطّابى؛
١٩٣. المصنّفات المغربية فى السيرة النبوية و مصنّفوها، دكتور محمد يسق، رباط - مغرب، ١٩٩٢ م / ١٤١٢ ق، در دو جلد؛
١٩٤. فهرس المخطوطات العربية المحفوظة فى الخزانة العامة بالرباط، رباط، الخزانة العامة للكتب و الوثائق، جلد اول: تأليف پروفنصال، چ دوم، ١٩٩٧ و ١٩٩٨ م؛ جلد پنجم: تأليف محمد ابراهيم الكتانى و صالح التادلى ١٩٩٧ م؛ جلد ششم: تأليف محمد العربى الخطّابى، ١٩٨٧ م / ١٤٠٧ ق؛
١٩٥. قس من عطاء المخطوط المغربى، محمد المنونى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٩ م، دوره سه جلدی؛
١٩٦. دليل المورخ المغرب الاقصى، عبدالسلام بن عبدالقادر بن سودة المرى، دارالبیضاء، مغرب، چ دوم، ١٩٦٣ م، جلد دوم؛

- بسیار کهن و نفیس با جلدهای چرمی (هم چون نسخه های خطی)؛
١٧١. الدرّ الثمین و المورد المعین فى شرح مرشد المعین على الضرورى من علوم الدين (در فقه مالکى به عربى)، محمد بن احمد بن محمد الفاسى، به خط مغربى، جلد تیماج قرمز، نسخه کهن؛
١٧٢. الفكر الفقهي و منطلقات علم اصول الفقه، احمد الخميشى، دارالبیضاء، مغرب، منشورات مؤسسه الملك عبدالعزیز، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٧٣. بدايات الفكر الاسلامى، الانسان و الابعاد، پرفسور ژوزف فان إس آلمانى، ترجمه عربى از عبدالمجيد الصغير، دارالبیضاء، منشورات مركز الملك عبدالعزیز، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٧٤. جوانب من الدراسات الاسلاميه الحديثية، رضوان السيد، الدارالبیضاء، منشورات مركز الملك عبدالعزیز، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٧٥. السيرة النبوية، تصحيح اخطاء الموسوعة الاسلامية الصادرة عن دار بريل فى لايدن بهولاندا، اعداد دكتور احمد ابوزيد، رباط - مغرب، منشورات مؤسسه ايسيكو، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٧٦. القدس الشريف؛ هوية اسلامية، عباس الجرارى، منشورات النادى الجرارى، ١٩٩٨ م / ١٤١٨ ق؛
١٧٧. اهمية الماء فى منظور الاسلام، عباس الجرارى، ٢٠٠٠ م / ١٤٢٠ ق؛
١٧٨. الانسان فى الاسلام؛ ماهيته و حقيقة وجوده، عباس الجرارى، چ رباط، ١٩٩٨ م / ١٤١٨ ق؛
١٧٩. الثقافة من الهوية إلى الحوار، عباس الجرارى، چ رباط، ١٩٩٣ م / ١٤١٣ ق؛
١٨٠. ظاهرة الاندية الادبية فى المغرب، عبد الله الجرارى، ١٩٩٨ م / ١٤١٨ ق؛
١٨١. ضباية اندلسية؛ دراسات مهداة إلى يوسف بن تاشفين، عباس الجرارى، چ رباط، ١٩٩٥ م / ١٤١٥ ق؛
١٨٢. فهرس الخزانة العلمية الصبيحية بسلا، دكتور محمد حجّى، كويت، منشورات معهد المخطوطات العربية، ١٩٨٥ م / ١٤٠٥ ق؛
١٨٣. اسماء الكتب المخطوطة المحفوظة فى خزنة المدرسة العليا للغة العربية و اللهجات البربرية بعاصمة رباط المحروسة، چ پاریس، ١٩٢١ م؛

٢١٧. قائمة بالكتب و المراجع عن المغرب، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، قاهره - مصر، مطبعة درالكتب، ١٩٦١ م؛
١٩٨. المصادر العربية لتاريخ المغرب، محمد المنوني، رباط، منشورات دانشكده ادبيات دانشگاه محمّد خامس، ١٩٨٣ - ١٩٨٩ م / ١٤٠٤ - ١٤١٠ ق، دو جلد؛
١٩٩. البيلوغرافيا الوطنية المغربية، إعداد الخزانة العامة لكتب و الوثائق بالرباط، ج مطبعة النجاح الجديدة، ١٩٩٥ - ١٩٩٧ م، پنج جلد؛
٢٠٠. منتخبات من نوادر المخطوطات في الخزانة الملكية بالقصر الملكي، الرباط، رباط - مغرب، ١٩٧٨ م / ١٣٩٨ ق، دو دوره دو جلدی؛
٢٠١. الفهرس الموجز لمخطوطات علّال الفاسی، عبدالرحمن بن العربي الحريشي، مؤسّسة علّال الفاسی، مطبعة دارالبيضاء، ١٩٩١ - ١٩٩٧ م، دورة چهار جلدی؛
٢٠٢. فهرس مخطوطات خزانه ابن يوسف بمرآکش، الصّدیق بن العربي، بيروت، دارالغرب الاسلامی، ١٩٩٤ م / ١٤١٤ ق؛
٢٠٣. فهرس الخزانة العلمية الصبيحية بسلا، دكتور محمد حجّی، كويت، منشورات معهد المخطوطات العربية، ١٩٨٥ م / ١٤٠٥ ق؛
٢٠٤. موسوعة أعلام المغرب، محمد حجّی، ج بيروت، ١٩٩٦ م / ١٤١٧ ق، جلد اول؛
٢٠٥. الاعلام بمن حل مراکش و اغمات من الاعلام، عباس بن ابراهيم المراكشي، ج فاس، ١٩٣٦ م / ١٣٥٥ ق، جلد ٢ و ٣ از هشت جلد؛
٢٠٦. تاريخ الوراقة المغربية، محمد المنوني، ج رباط، ١٩٩١ م، يك جلد؛
٢٠٧. الخزانة العلمية بالمغرب، محمد عابد فاسی، ج رباط، ١٩٦٠ م / ١٣٨٠ ق؛
٢٠٨. مركز الوثائق و المخطوطات بالجامعة الاردنية، عمر احمد همشري، ج رباط، ١٩٩٣ م، يك جلد؛
٢٠٩. الحضارة الاسلامية في المغرب، حسن سائح، دارالبيضاء، دارالثقافة، ١٩٨٦ م، يك جلد؛
٢١٠. تاريخ الطباعة في المغرب ١٨٦٥ - ١٩١٢ م، فوزی عبدالرزاق، تعريب خالد بن الصغير، دارالبيضاء، منشورات جامعة محمّد الخامس، ١٩٩٦ م؛
٢١١. كيف نصون مخطوطاتنا، وزارة الشؤون الثقافية،
٢١٢. المخطوط العربي و علم المخطوطات، احمد شوقي بنينين، رباط، منشورات كلية الآداب، ١٩٩٤ م؛
٢١٣. الدرّة المكونة في النسبة الشريفة المصونة، ابي عبدالله سيد محمد بن المدني جنّون، مغرب، ج سنگی قديم (بيش از يكصد سال قبل)، ١٥٧ ص؛
٢١٤. نتيجة التحقيق في بعض اهل الشرف الوثيق، سيدى محمد بن احمد بن المسناوى بن محمد بن ابي بكر الدلائي، ج سنگی بسيار كهن (بيش از يكصد سال قبل) ٢٤ ص؛
٢١٥. مرآة المحاسن في اخبار الشيخ ابي المحاسن، لابي المحاسن سيد يوسف القلانسی، ج سنگی قديم؛
٢١٦. الدرّ السنين في النسب الحسنی، لابي المحاسن المذكور، ج قديم؛
٢١٧. الدرّة المثلون في اخبار مكناسة الزيتون، ابي عبدالله محمد بن احمد بن محمد بن محمد بن علي بن غاز العثماني المكناسی، ج ١٣٢٦ ق؛
٢١٨. اعلام ائمة الاعلام، ابي جعفر الكتاني، ج قديم؛
٢١٩. فهرست الشريف الاجل محمد بن العلامة سيد قاسم الفلاوی، ج قديم، ١٣٢٠ ق؛
٢٢٠. الختم المبارك، ابي عبدالله سيد محمد ابي التهامی الوزادی، ج قديم؛
٢٢١. ختمة الشيخ الامام ابي عبدالله سيدى الحاج محمد بن المدني جنون، ج قديم؛
٢٢٢. فهرسة الفقيه الاجل سيدى المهدي بن سيدى محمد الوزانى الحسنی العمرانی، ج قديم؛
٢٢٣. الجزء الاول من الدرر البهية و الجواهر النبوية، ابي العباس منون بن احمد الحسنی العلوی، ج قديم؛
٢٢٤. الجزء الثاني من الدرر البهية و الجواهر النبوية، ابي العباس منون بن احمد الحسنی العلوی، ج قديم، ١٣١٤ ق؛
٢٢٥. الآيات البينات في شرح و تخريج الاحاديث المسلسلات، عبدالحفيظ الفاسی، رباط - المغرب، المطبعة الوطنية، جلد اول؛
٢٢٦. الآيات البينات في شرح و تخريج الاحاديث المسلسلات، عبدالحفيظ الفاسی، ج رباط، جلد اول؛
٢٢٧. ابن حزم و الفكر الفلسفي بالمغرب و الاندلس، سالم يغوت، ج دارالبيضاء، المركز الثقافي العربي، ١٩٨٦ م / ١٤٠٧ ق؛

محمود اسماعيل عبدالرزاق، مغرب، مكتبة الحرية الحديثة،
١٩٨٦ م؛

٢٤٢. دراسة في حياة و أعمال الاستاذ عبدالهادى التازى،
عبدالفتاح الزين، رباط، المعهد الجامعى للبحث العلمى،
١٩٩١ م / ١٤١٢ ق؛

٢٤٣. الدستور المغربى مبادئه و احكامه، احمد مجيد بنجلون،
دارالبيضاء، دارالكتاب، ١٩٧٧ م؛

٢٤٤. دليل مورخ المغرب الاقصى، عبدالسلام بن قادر بن سودة
المرى، چ دوم، مغرب، دارالبيضاء، دارالكتاب، دو جلد در
يك مجلد؛

٢٤٥. رحلة العبدى (الرحلة المغربية)، ابى عبدالله محمد بن
محمد العبدى، تحقيق محمد الفاسى، رباط، وزارة الدولة
المكلفه بالشؤون الثقافية و التعليم الاصلى، ١٩٦٨ م؛

٢٤٦. رسائل فلسفية ابى بكر بن باجة، ترتيب جمال الدين العلوى،
بيروت، دارالبيضاء، دارالنشر المغربية، ١٩٨٣ م / ١٤٠٣ ق؛

٢٤٧. روضة السلوان، ابواسحاق ابراهيم بن عبدالجبّار
الفجيجى، تحقيق عبدالهادى التازى، دارالبيضاء، المعهد
الجامعى للبحث العلمى؛

٢٤٨. الزاوية الدلائية و دورها الدينى و العلمى و السياسى، محمد
حجّى، رباط، معهد حجّى، ١٩٦٤ م / ١٣٨٤ ق؛

٢٤٩. زهر الاكم فى الامثال و الحكم، حسن اليوسى، تحقيق دكتور
محمد حجّى و دكتور محمد الاخضر، دارالبيضاء، الشركة
الجديدة دارالثقافة، ١٩٨١ م / ١٤٠١ ق؛

٢٥٠. صلة الصلة، الشيخ ابى جعفر احمد بن الزبير، تحقيق
و تعليق استاذ لاوى پرووانصال، رباط، مطبعة الاقتصادية،
١٩٣٧ م؛

٢٥١. الفريد فى تقييد الشريد و توصيد الويد، ابوالقاسم الفجيجى،
تحقيق عبدالهادى التازى، دارالبيضاء، المعهد الجامعى للبحث
العلمى؛

٢٥٢. فضائل القرآن، احمد بن شعيب النسائى، تحقيق دكتور
فاروق حمادة، دارالبيضاء، دارالثقافة، ١٩٨٠ م / ١٤٠٠ ق؛

٢٥٣. فواصل الجمال فى ابناء وزراء و كتاب الزمان، محمد غريبط،
چ فاس، ١٣٤٦ - ١٣٤٧ ق؛

٢٥٤. قبيلة بنى زروال مظاهر حياتها الثقافية و الاجتماعية
و الاقتصادية، محمد بشير بن عبدالله الفاسى الفهرى، چ رباط،
١٩٦٢ م؛

٢٢٨. الاجتهاد فى الشريعة الاسلامية نشأته و تطوره و التعريف به،
الوافى المهدي، چ دارالبيضاء، دارالثقافة، ١٤٠٤ ق، يك جلد؛

٢٢٩. الاستقصاء لاجبار دول المغرب الاقصى، شيخ ابوالعباس
احمد بن خالد الناصرى، تحقيق و تعليق ولدى المؤلف جعفر
الناصرى و محمد الناصرى، چ دارالبيضاء، دارالكتاب، ١٩٥٤ -
١٩٥٦ م، دورة سه جلدى؛

٢٣٠. الاسير فى فكاك الاسير، محمد بن عثمان المكناسى،
تحقيق محمد الفاسى، چ رباط، المركز الجامعى للبحث العلمى،
جامعة محمد الخامس؛

٢٣١. انسى السارى و السارب من اقطار المغارب الى ...، محمد بن
احمد القيسى، تحقيق محمد الفاسى، وزارة الدولة المكلفة
بالشؤون الثقافية و التعليم الاصلى، چ فاس، ١٩٧٠ م / ١٣٩٠ ق؛

٢٣٢. انس الفقير و عز الحقيق، ابى العباس احمد بن حسن
الخطيب الشهير بابن قنفذ القسنطينى، تحقيق محمد الفاسى
و ادولف فور، رباط، المركز الجامعى للبحث العلمى، ١٩٦٥ م؛

٢٣٣. الانوار الحسينية، احمد بن عبدالعزيز العلوى، مغرب، نشر
وزارة الانباء؛

٢٣٤. ايران بين الامس و اليوم قراءة جديدة لرحلة ابن بطوطة،
عبدالهادى التازى، دارالبيضاء، المعهد الجامعى للبحث العلمى،
١٩٨٤ م / ١٤٠٤ ق؛

٢٣٥. تاج المرفق فى تحلية علماء المشرق، خالد بن عيسى البلوى
الفتورى، چ مغرب، دو جلد؛

٢٣٦. تاريخ الدولة العباسية سياسياً و حضارياً، صلاح مدنى،
رباط، دارالمعارف، ١٩٧٦ م؛

٢٣٧. تاريخ الشعر العربى حتى آخر القرن الثالث الهجرى، نجيب
محمد البهبينى، دارالبيضاء، دارالثقافة، ١٩٨٢ م؛

٢٣٨. التشوف الى رجال التصوف، ابى يعقوب يوسف بن يحيى
بن عيسى بن عبدالرحمن التادلى (معروف به ابن الزيّات)، به
اهتمام و تصحيح ادولف فور، رباط، معهد الابحاث العليا
المغربية، ١٩٥٨ م؛

٢٣٩. الحلل السندسية فى الاخبار و الآثار الاندلسية، شكيب
ارسلان، فاس، المكتبة التجارية الكبرى، ١٩٣٦ م / ١٣٥٦ ق،
چ سربى؛

٢٤٠. خلاصة العذب الزلال فى مباحث رؤية الهلال، سيد محمد
بن عبدالوهاب بن عبدالرزاق الفاسى المراكشى، چ سربى قديم؛
٢٤١. الخوارج فى بلاد المغرب حتى منتصف القرن الرابع الهجرى،

- رباط، ١٩٧٨ م / ١٣٩٨ ق؛
٢٦٩. مفاهيم اسلامية، عبدالله كنون، دارالبيضاء، دارالثقافة، ١٩٨٤ م / ١٤٠٥ ق؛
٢٧٠. مقاصد الشريعة الاسلامية و مكارمها، علال الفاسي، مغرب، مكتبة الوحدة العربية، ١٩٦٣ م؛
٢٧١. موسوعة المغربية للاعلام البشرية و الحضارة؛ معلّمة الصحراء، (Encyclopedia Maghrebine Sahara)، عبدالعزیز بن عبدالله، رباط، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ١٩٧٦ م / ١٣٩٦ ق؛
٢٧٢. ندوة الامام مالك، گروهی از نویسندگان، فاس، وزارة الاوقاف، ١٤٠٠ ق؛
٢٧٣. نظم الجمان، ابن اليقظان، تحقيق دكتور محمود علي مكي، رباط، كلية الآداب و العلوم الانسانية، جامعة محمد الخامس؛
٢٧٤. نور اليقين في سيرة سيد المرسلين محمد ﷺ، محمد خضري بك، ج دارالبيضاء؛
٢٧٥. وحى البيتة، محمد الفاسي، دارالبيضاء، دارالكتاب، ١٩٧٠ م؛
٢٧٦. الوصية النبوية للامة الاسلامية في حجة الوداع، دكتور فارق حمّادة، بيروت / دارالبيضاء، الشركة الجديدة دارالثقافة، ١٩٩٢ م / ١٤١٣ ق؛
٢٧٧. وقعة وادي المخازن في تاريخ المغرب ١٥٧٨ م / ٩٨٦ ق، ابراهيم حسن ابن شحاتة، دارالبيضاء، دارالثقافة، ١٣٩٩ ق؛
٢٧٨. المنتقى المفصّل على مآثر الخليفة المنصور، احمد بن الفاضلي، تحقيق محمد رزوق، الرباط، مكتبة المعارف، ١٩٨٦ م، دو جلد؛
٢٧٩. النوازل، شيخ عيسى بن علي الحسيني العلمي، تحقيق المجلس العلمي بفاس، وزارت اوقاف مغرب، در سه جلد، سالهای ١٩٨٣، ١٩٨٦ و ١٩٨٩ م؛
٢٨٠. بلغة الامنية و مقصد اللبيب فيمن كان بسبته في الدولة المرينية من مدرّس و استاذ و طبيب، مؤلّف مجهول، تحقيق عبدالوهاب ابن منصور، ج دوم، الرباط، المطبعة الملكية، ١٩٩٥ م؛
٢٨١. البيان المغرب في اخبار الاندلس و المغرب، ابن عذارى المراكشي «قسم الموحّدين»، تحقيق محمد ابراهيم الكتاني، محمد بن تاويت، محمد زنيبر، عبدالقادر رزامة، الدارالبيضاء المغرب، دارالثقافة، بيروت، دارالغرب الاسلامي، ١٩٨٥ م؛
٢٥٥. زين الاخبار، ابي سعيد عبدالحى الكرديزي، تعريب محمد بن تاويت، ج فاس، ١٩٧٢ م / ١٣٩٢ ق؛
٢٥٦. مستودع العلامة و مستبدع العلامة، ابي الوليد ابن الاحمر، رباط، كلية الآداب جامعة محمد الخامس، ١٩٦٤ م / ١٣٨٤ ق؛
٢٥٧. كشف الصلصلة عن وصف الزلزلة، جلال الدين عبدالرحمن سيوطي، تحقيق دكتور عبداللطيف السعداني، فاس - مغرب، وزارة الدولة المكلفة بالشؤون الثقافية و التعليم الاصلی، ١٩٧١ م / ١٣٩١ ق؛
٢٥٨. لسان الدين الخطيب في آثار الدارسين، حسن الواركلي، ج مغرب، عكاظ؛
٢٥٩. ماساة انهيار الوجود العربي بالاندلس، عبدالكريم التتواني، دارالبيضاء، مكتبة الرشاد، ١٩٦٧ م؛
٢٦٠. المغازي، محمد بن اسحاق بن يسار، تحقيق محمد حميد الله، رباط، معهد الدراسات و الابحاث للتعريب، ١٩٧٦ م / ١٣٩٦ ق؛
٢٦١. المحرّر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، قاضي ابي محمد عبدالحق بن غالب بن عطية الاندلسي، تحقيق المجلس العلمي بفاس، مغرب، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ١٤٠٣ ق، دورة كامل؛
٢٦٢. مدينة المسلمين في اسبانيا، ژوزف ماك كيب، ترجمة عربي از محمد تقى الدين هلالی، رباط، مكتبة المعارف، ١٤٠٥ ق؛
٢٦٣. مسجد باريس، مغرب، المكتبة المخزنية، ١٩٢٢ م؛
٢٦٤. مشارق الانوار على صحاح الآثار، عياض بن موسى بن عياض اليحصبي السبتي، مغرب، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ١٤٠٣ ق؛
٢٦٥. مصادر السيرة النبوية و تقويمها، دكتور فاروق حمّادة، دارالبيضاء، دارالثقافة، ١٩٨٠ م / ١٤٠٠ ق؛
٢٦٦. معجم الشيوخ المسمّى رياض الجنة (المدهش المطرب)، عبدالحفيظ الفاسي، رباط، ١٩٣١ م / ١٣٥٠ ق، دو جزء در يك جلد؛
٢٦٧. المعيار المعرب و الجامع المغرب عن فتاوى علمای افريقية و الاندلس و المغرب، احمد بن يحيى الوئشريس، بيروت، دارالغرب الاسلامي؛
٢٦٨. المغرب في عهد الدولة السعدية، دكتور عبدالكريم كريم،

٢٨٢. نشر المثنى لاهل القرن الحادى عشر و الثانى، محمد بن الطيب القادري، جلد ١، ٢، ٣ و ٤، جلد اول: الرباط، انتشارات كلية الآداب، ١٩٧٧ م؛ جلد ٢، ٣ و ٤: الرباط، منشورات مكتبة الطالب، سالهاى ١٩٨٢ و ١٩٨٦ م؛

٢٨٣. ملتقى الدراسات المغربية الاندلسية، تيارات الفكر فى المغرب و الاندلس الروافد و المعطيات، تطوان، منشورات كلية الآداب و العلوم الانسانية، ١٩٩٣ م؛

٢٨٤. المؤنس فى اخبار افريقية و تونس، محمد بن ابى القاسم الرعينى القيروانى (المعروف بابن ابى دينار)، چ سوم، تونس، انتشارات مؤسسة سعيدان، ١٩٩٣ م؛

٢٨٥. الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصى، الشيخ ابوالعباس احمد بن خالد الناصرى، تحقيق جعفر و محمد الناصرى، دارالبيضاء، منشورات دارالكتاب، ١٩٩٧ م، ج ١، ٢ و ٣؛

٢٨٦. الذخيرة فى محاسن اهل الجزيرة، ابى الحسن على بن بسام الشنترينى، تحقيق دكتور احسان عباس، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ٢٠٠٠ م، دورة چهار جلدى؛

٢٨٧. بغية الملتبس فى تاريخ رجال اهل الاندلس، احمد بن يحيى بن احمد بن عميرة الضبى، تحقيق دكتور دوحية عبدالرحمن السويفى، منشورات محمد على بيضون، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩٧ م؛

٢٨٨. نظم الجمان لترتيب ما سلف من اخبار الزمان، ابن القطان المراكشى ابى محمد حسن بن على بن محمد بن عبدالملك الكتامى (م نيمة قرن ٧ ق)، تحقيق دكتور محمود على مكى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٠ م؛

٢٨٩. درة الحجال فى اسماء الرجال در ذيل وفيات الاعيان ابن خلكان، ابى العباس احمد بن محمد المكناسى (الشهير بابن القاضى - م ١٠٢٥ ق)، تحقيق محمد الاحمدى ابوالنور، تونس، المكتبة العتيقة، ١٩٧١ م، ج ١، ٢ و ٣؛

٢٩٠. المقصورو الممدود لابي على القالى، اسماعيل بن القاسم (م ٣٥٦ ق)، تحقيق دكتور احمد عبدالمجيد هريدى، قاهره، مكتبة الخانجى، ١٩٩٩ م؛

٢٩١. المعجب فى تلخيص اخبار المغرب، عبدالواحد بن على المراكشى (م ٦٤٧ ق)، تحقيق خليل عمران المنصور، منشورات محمد على بيضون، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩٨ م؛

٢٩٢. منبع الاسماع فى الجزولى و النباع و مالهما من الأتباع، محمد المهدي القاسى (م ١١٠٩ ق)، تحقيق عبدالحى العمروى و عبدالكريم مراد من علماء فاس، ١٩٩٤ م؛

٢٩٣. روضة الآس العاطرة الانفاس فى ذكر من لقيه من اعلام الحضرتين مراکش و فاس، احمد بن محمد المقرئ، چ دوم، الرباط، المطبعة الملكية، ١٩٨٣ م؛

٢٩٤. التراث المغربى و الاندلسى؛ التوثيق و الفراء (مجموعه مقالات منشورات الكلية ندوات جامعة عبدالملك السعدى)، تطوان، كلية الآداب؛

٢٩٥. جذوة الاقتباس فى ذكر من حل من الاعلام مدينة فاس، احمد بن القاضى المكناسى، الرباط، دارالمنصور للطباعة و الوراقة، ١٩٧٣ و ١٩٧٤ م، جلد ١ و ٢؛

٢٩٦. الحلل الموشية فى ذكر الاخبار المراكشيه، مؤلف اندلسى من اهل القرن الثامن عشر الميلادى، تحقيق دكتور سهيل زگار و عبدالقادر زمامة، دارالبيضاء، مغرب، دارالرشاد الحديثه، ١٩٧٩ م؛

٢٩٧. الذخيرة السنّية فى تاريخ الدولة المرينية، على بن ابى زرع الفاسى، الرباط، دارالمنصور، ١٩٧٢ م؛

٢٩٨. الديباج المذهب فى معرفة اعيان علماء المذهب، قاضى ابراهيم بن نورالدين (معروف بابن فرحون المالكى - م ٧٩٩ ق)، تحقيق مأمون بن محى الدين الجنان، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩٦ م؛

٢٩٩. شجرة النور الزكية فى طبقات المالكية، شيخ محمد بن محمد مخلوف، دارالفكر؛

٣٠٠. الروضة المقصودة و الحلل الممدودة فى مآثر بنى سودة، ابى الربيع سليمان الحوات (م ١٢٣١ ق)، تحقيق عبدالعزيز تيلانى، فاس - المغرب، منشورات مؤسسة احمد بن سودة الثقافية، ١٩٩٤ م؛ جلد ١ و ٢.

٣٠١. الاتحاف الوجيز (تاريخ العدوتين)، محمد بن على الدكالى، تحقيق مصطفى بوشعراء، چ دوم، المغرب، منشورات الخزانة العلمية الصبيحية بسلا، ١٩٩٦ م؛

٣٠٢. مقدّمة تحقيق كتاب التقاط الدرر و مستفاد المواعظ و العبر من اخبار و اعيان المائة الحادية و الثانية عشر، محمد بن الطيب القادري، تحقيق هاشم العلوى القاسمى، بيروت، دارالآفاق الجديدة، ١٩٨١ م؛

٣٠٣. كتاب التقاط الدرر و مستفاد المواعظ و العبر من اخبار و اعيان المائة الحادية و الثانية عشر، محمد بن الطيب القادري (م ١١٢٤ ق)، تحقيق هاشم العلوى القاسمى، بيروت، منشورات دارالآفاق الجديدة، ١٩٨٣ م؛

۳۱۸. ممتع الاسماع فی ذکر الجزولی و التبتاع و مالهما من الاتباع،
الشیخ مهدی بن احمد الفاسی الفهری، چ فاس؛
۳۱۹. فہرس الشیخ احمد بن علی بن عبدالرحمن المنجور الفاسی؛
۳۲۰. فہرس الشیخ یحیی بن احمد السراج الحمیری الرندی؛
۳۲۱. نشر المثنی لاهل القرن الحادی عشر و الثانی «الصغیر
و الکبیر»، محمد بن الطیب بن عبدالسلام القادری الحسنی،
چ فاس؛
۳۲۲. تحفة الحادی فی رفع نسب شرفا المغرب، ابی القاسم بن
احمد الزیانی، چ فاس؛
۳۲۳. الذخیرة فی محاسن اهل الجزيرة، ابی الحسن علی بن بسام
الشنترنی (م ۵۴۲ق)؛
۳۲۴. بغیة المرام بمن اخذت عنه من الاعلام، محمد بن
عبدالکریم بن عبدالسلام (المعروف بمهیز) من اولاد ابن الاشقر
الزرهونی؛
۳۲۵. روض البهار فی ذکر جملة من اشياخنا الذین فضلهم اجلی من
شمس النهار، الطالب بن حمدون بن الحاج السلمی؛
۳۲۶. تذکرة المحسنین بوفیات الاعیان و حوادث السنین،
عبدالکبیر بن المجذوب الفاسی الفهری؛
۳۲۷. لوامع الدرر من رجال اهل القرن الثالث عشر (ذیل نشر
المثنی)، العباس بن محمد بن عبدالرحمن السجلماسی
الحجرانی؛
۳۲۸. نزهة الابصار بذوی المعرفة و الاستبصار، تنفی عن المتکامل
الموسن فی مناقب سیدی احمد و ولده سیدی الحسن، الشیخ العربی
بن عبدالقادر بن علی المشرقی؛
۳۲۹. المجد الشامخ فی من اجتمعت بهم من المشایخ، فتح اللہ بن
ابی بکر الرباطی؛
۳۳۰. روضة الانس العاطرة الانغاس فی ذکر من لقیته من اعلام
مراکش و فاس، احمد بن محمد بن سعید المقری (صاحب نفع
الطیب)، چ المغرب؛
۳۳۱. ابتهاج القلوب بخبر الشیخ ابی المحاسن و شیخه المجذوب،
عبدالرحمن بن عبدالقادر الفاسی الفهری؛
۳۳۲. درة الحجال فی اسماء الرجال، احمد بن محمد بن القاضی
المکناسی، رباط، المطبعة الجديدة؛
۳۳۳. غنية الراض فی طبقات اهل الحساب و الفرائض، احمد بن
محمد بن القاضی المکناسی؛
۳۳۴. بلغة الامنية و المقصد اللیب فیمن کان بسبته فی الدولة

۳۰۴. مناهل الصفا فی مآثر موالینا الشرفاء، ابی فارس عبدالعزیز
الفتتالی، تحقیق دکتر عبدالکریم کریم، رباط، مطبوعات وزارة
الاقواق المغرب، بی تا؛
۳۰۵. فہرس احمد المنجور، تحقیق محمد حجی، چ رباط،
۱۹۷۶ م؛
۳۰۶. دلیل مخطوطات دار الكتب الناصریة بتمکروت، إعداد
محمد المنونی، المغرب - الرباط، وزارة الاوقاف، ۱۹۸۵ م؛
۳۰۷. فہارس علماء المغرب منذ النشأة الی نهاية القرن الثانی عشر
الهجرة؛ منهجيتها، تطورها، قيمتها العلمية، دکتر عبداللہ المرابط
الترغی، المغرب - تطوان، منشورات كلية الآداب، جامعة
عبدالملك السعدی؛
۳۰۸. اتحاف اعلام الناس بجمال اخبار حاضرة مكناس،
عبدالرحمن ابن زیدون، چ دوم، دارالبيضاء، ۱۹۹۰ م، پنج جلد؛

برخی از مطبوعات مغرب در رجال و تراجم و انساب

۳۰۹. دوحة الناشرة بمحاسن من كان بالمغرب من اهل القرن العاشر،
الشیخ ابی عبداللہ محمد بن علی (المعروف بابن عسکر)، چ فاس؛
۳۱۰. صفوة من انتشر من صلحاء القرن الحادی عشر، الشیخ محمد
الصغیر بن محمد الاقرانی المراكشی، چ فاس؛
۳۱۱. الاعلام بمن غیر من اهل القرن الحادی عشر، الشیخ عبداللہ
بن محمد بن عبدالرحمن بن عبدالقادر الفاسی الفهری؛
۳۱۲. مناهل الصفا فی مآثر موالینا الشرفاء، الشیخ عبدالعزیز
الفتتالی، تحقیق الدكتور عبدالکریم کریم، الرباط، وزارة
الاقواق و الشؤون الاسلامیة و الثقافية؛
۳۱۳. الاعلام بمن حل مراکش و اغمات من الاعلام، العباس بن
محمد بن ابراهیم المراكشی، چ فاس، ۱۳۵۵ - ۱۳۵۸ ق، پنج
جلد؛
۳۱۴. جذوة الاقتباس فیمن حل من الاعلام مدينة فاس، الشیخ
احمد بن محمد بن القاضی المکناسی، چ فاس؛
۳۱۵. ازهار البستان فی من اجازنی بالجزائر و تطوان، الشیخ محمد
بن قاسم بن زاكور الفاسی؛
۳۱۶. المغرب المبین عما تضمنته الانیس المطرب و روضة النیرین،
الشیخ محمد بن قاسم بن زاكور الفاسی، چ فاس؛
۳۱۷. مطمح النظر و مرسل العبر بذکر من غیر من اهل القرن الحادی
عشر، الشیخ الطیب بن الشیخ محمد فتحا بن عبدالقادر الفاسی
الفهری؛



- المربنية من مدرس و طبيب، محمد بن قاسم بن محمد الانصارى البستى؛
٣٣٥. نثر الجمان فيمن نظمى و اياهم الزمان، اسماعيل بن ابى الحجاج يوسف بن الاحمر الخزرجى؛
٣٣٦. اجلى مساند على الرحمن فى اعلى مساند على بن سليمان، الدمناتى الجمعى؛
٣٣٧. جواهر الكمال فى تراجم الرجال، محمد بن احمد العبدى الكانونى الاسفى؛
٣٣٨. رياض السلوان فيمن اجتمعت بهم من الاعيان، احمد بن العياش سكيرج الانصارى؛
٣٣٩. تاريخ مدينة تطوان، محمد بن احمد داود التطوانى، هفت جزء؛
٣٤٠. صلة الصلة (ذيل الصلة لابن بشكوال)، احمد بن ابراهيم بن الزبير العاصمى الغرناطى (م ٧٠٨ ق)، رباط؛
٣٤١. الذيل و التكملة لكتاب الوصول و الصلة، محمد بن عبدالملك الانصارى الاوسى المراكشى؛
٣٤٢. سلوة الانفاس و محادثة الاكياس فيمن اقبر من الصلحاء و العلماء بفاس، محمد بن جعفر بن ادريس الكتانى الحسنى؛
٣٤٣. الاغناط فى تراجم اعلام الرباط، محمد بن مصطفى بوجندار الرباطى؛
٣٤٤. بلوغ المنى و الامال فيمن لقيته من اشياخ اهل الفضل و الكمال، العربى بن عبدالله بن محمد الوزانى الحسنى نزيل الرباط؛
٣٤٥. الشرب المختصر و السر المنتظر من معين اهل القرن الثالث عشر، چ فاس؛
٣٤٦. الاستقصاء فى اخبار المغرب الاقصى، احمد بن خالد الناصرى الجعفرى السلاوى ابى العباس؛
٣٤٧. طلعة المشترى فى النسب الجعفرى، احمد بن خالد الناصرى الجعفرى، فاس، چ سنگى، دو جلد؛
٣٤٨. جوهرة التيجان و فهرسة الياقوت و اللؤلؤ و المرجان فى الملوك العلويين و اشياخ المولى سليمان، ابى القاسم على بن احمد الزيانى؛
٣٤٩. الالخان المسلية فى شعراء صقلية، على بن موسى بن سعيد (صاحب المغرب فى اخبار المغرب - م ٦٨٥ ق)، ١٩١٠ م؛
٣٥٠. الاحاطة فى اخبار غرناطة، محمد بن عبدالله بن الخطيب السلمانى لسان الدين دفين فاس؛
٣٥١. الكوكب الوقاد فى ذكر من حل بسبته من العلماء الصلحاء و العباد، محمد بن ابى بكر بن عبدالمهيمن الحضرمى؛
٣٥٢. الديباج المذهب فى معرفة اعيان المذهب، ابراهيم بن على بن فرحون اليعمرى المالكى، ١٣٢٩ ق؛
٣٥٣. ميزان العمل فى ايام الدول، الحسن بن عتيق بن الحسن بن رشيق التغلبى؛
٣٥٤. المؤتمن على ابناء الزمن، ابى البركات محمد بن ابراهيم بن محمد بن ابراهيم (معروف به ابن الحاج البلفيقى)؛
٣٥٥. تاريخ رواة العلم بالاندلس، ابن الفرضى، ١٩٥٤ م؛
٣٥٦. المقصد الشريف و المنزع اللطيف فى ذكر صلحاء الريف، عبد اسحاق الباوسى الخزرجى (كان حياً سنة ٧٢٢ ق)؛
٣٥٧. جذوة الاقتباس فيمن حل بمدينة فاس، ابن القاضى، چ فاس؛
٣٥٨. المعجب فى تلخيص اخبار المغرب، عبدالواحد المراكشى (م ٦٤٧ ق)؛
٣٥٩. معجم الشيوخ المسمى رياض الجنة، القاضى عبدالحفيظ الفاسى الفهرى، جزان - فاس، ١٣٥٠ ق؛
٣٦٠. تاريخ الدولتين الحفصية و الموحدية، محمد لؤلؤ الزركشى (زنده به سال ٨٨٢ ق)، ١٩٦٢ م؛
٣٦١. روض القرطاس، ابن ابى زرع، چ فاس؛
٣٦٢. سنن المهتدين، ابى عبدالله محمد بن يوسف الداق الغرناطى (م ٨٩٧ ق)، چ فاس؛
٣٦٣. البستان الظريف فى دولة اولاد مولاي على الشريف (الروضة السليمانية)، ابى القاسم الرنانى؛
٣٦٤. التشوف الى رجال التصوف، معهد الابحاث العليا المغربية، الرباط؛
٣٦٥. المونس فى اخبار افريقية و تونس، محمد بن ابى القاسم بن ابى دينار، چ سوم، تونس، ١٣٨٧ ق؛
٣٦٦. اعمال الاعلام، لسان الدين محمد بن عبدالله بن الخطيب، قسم المغرب، چ دارالبيضاء، ١٩٦٤ م، قسم الاندلس، چ بيروت، ١٩٥٦ م؛
٣٦٧. فهرست مرويات ابى بكر بن خير السرقسطى، چ ١٣٨٢ ق از چ ١٨٩٢ م سرقسطه؛
٣٦٨. الترجمان المعرب عن دول المشرق و المغرب، ابى القاسم الزيانى، چ هوداس؛
٣٦٩. جذوة المقتبس فى ذكر ولاية اندلس، محمد بن فتوح الحميدى (م ٤٨٨ ق)، ١٣٧٢ ق؛

- بن عبیدالله بن خاقان؛
 ٣٨٧. نظم الجمان، ابی الحسن علی بن محمد الکتانی
 (م ٦٢٨ق)، تطوان؛
 ٣٨٨. نواز، ابی الحسن علی الشریف العلمی الشنشاونی،
 جزان؛
 ٣٨٩. المنتقى المقصود علی مآثر المنصور، احمد بن القاضي؛
 ٣٩٠. الممدود و المقصور من سنا ابی العباس المنصور، محمد بن
 عیسی التمسلی السوسی؛
 ٣٩١. البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ابی العباس
 احمد بن محمد بن عذارى المراكشى، تطوان، ١٩٦٣ م،
 پنج جزء؛
 ٣٩٢. بغية الملتبس فی تاریخ رجال اهل الاندلس، احمد بن یحیی
 بن عميرة الضبی (م ٥٩٩ق)، مادريد، ١٨٨٥ م؛
 ٣٩٣. شجرة النور الزكية، مخلوف محمد؛
 ٣٩٤. روض الآس فی تاریخ مدينة فاس، احمد المقری؛
 ٣٩٥. تاریخ تطوان، محمد داود؛
 ٣٩٦. مقنع المحتاج، احمد بن عرضون؛
 ٣٩٧. الفية السلوك فی وفيات الملوك، ابی القاسم الزیانی؛
 ٣٩٨. الذخيرة السنيّة فی اخبار الدولة المرينية؛
 ٣٩٩. الشمس المنيرة، چ رباط، ١٩٣٥ م؛
 ٤٠٠. الفصون الیانة، ابی سعید؛
 ٤٠١. الرياحین الوردية، محمد المکی بن موسى الناصری؛
 ٤٠٢. مرآت المحاسن، محمد العربی الفاسی؛
 ٤٠٣. الحلل المرشیه فی الاخبار المراكشیه، چ تونس؛
 ٤٠٤. تاریخ شالة الاسلامیه، الدكتور عثمان عثمان اسماعیل؛
 ٤٠٥. الذرر المرصعة، محمد المکی بن موسى الناصری؛
 ٤٠٦. طليعة الدعة فی تاریخ وادی درعة، محمد المکی بن
 موسى الناصری؛
 ٤٠٧. تاریخ الدولة السعدية، مورخ مجهول، رباط، المطبعة
 الجديدة؛
 ٤٠٨. مناهل الصفا فی مآثر مولینا الشرفاء، ابی فارس عبدالعزیز
 الفشتالی؛
 ٤٠٩. اسرة بنی عشرة، محمد بن شریفة.

٣٧٠. الرحلة، ابی محمد عبداللہ التيجانی، چ تونس، ١٣٧٧ ق؛
 ٣٧١. الاكليل و التاج فی ذیل كتاب كفاية المحتاج، محمد بن
 الطيب بن عبدالسلام القادری الحسنى؛
 ٣٧٢. التقاط الدرر و مستفاد المواعظ و العبر فی اخبار اعيان المائة
 الحادية و الثانية عشر، محمد بن الطيب بن عبدالسلام القادری
 الحسنى؛
 ٣٧٣. الطبقات، محمد بن احمد السرسی الحضيكي الجزولي،
 جزان؛
 ٣٧٤. سلوك الطريق الوارية فی الشيخ و التلميذ و الزاوية، محمد
 فتاح بن علی الزیادی الحسنى؛
 ٣٧٥. ازهار البستان فی طبقات الاعيان، احمد بن محمد بن
 عجیبة الحسنى؛
 ٣٧٦. البدور الضاوية فی اهل الزاوية الدلائیة، سليمان بن محمد
 الحوات الحسینی؛
 ٣٧٧. الروضة المقصودة و الحلل الممدودة فی مآثر بنی سورة،
 سليمان بن محمد الحوات الحسینی؛
 ٣٧٨. فواضل الجمان فی ابناء وزرا و كتاب الزمان، محمد بن
 المفضل غریط، چ فاس؛
 ٣٧٩. اتحاف اعلام الناس بجمال حضرة مكناس، عبدالرحمن بن
 محمد بن الزیدان الحسنى العلوی، ٥ جزء؛
 ٣٨٠. السعادة الابدیة فی التعریف برجال الحضرة المراكشیه،
 محمد بن محمد بن الموقت المسفیوی المراكشى، فاس - جزان؛
 ٣٨١. عمدة الراوین فی تاریخ تطاوین، احمد بن محمد الرهونى؛
 ٣٨٢. ادواح البستان فی اخبار العدوتین و من درج فیها من الاعيان،
 محمد بن علی الدكالی السلاوی؛
 ٣٨٣. لواقح الازهار الندیة فیمن تولى و اقبّر من القضاة و العدول
 و غیرهما بهذه الحضرة الادرسیة، محمد بن عبدالکبیر بن هاشم
 الکتانی الحسنى؛
 ٣٨٤. مجالس الانبساط بشرح تراجم علماء الرباط، محمد بن علی
 ددینه الرباطی، جزان؛
 ٣٨٥. مختصر الدرّة الخطیرة من شعر شعراء الجزيرة، ابی اسحاق بن
 اغلب بتتحقیق امبر توایز یتانو، ١٩٥٩ م؛
 ٣٨٦. مطمح الانفس و مسرح التأس فی ملح اهل الاندلس، الفتح

شیفتگان کتاب

علی رفیعی علامرودشتی

بخش نوزدهم

روضات الجنات، ۲۱۶/۶ - ۲۴۹؛ ایضاح المکتون، ۲۳۳/۱، ۳۱۸، ۳۱۹، ۶۰۴، ۹۵/۲، ۲۱۲، ۲۷۶، ۲۸۶، ۳۳۵، ۴۵۴، ۵۷۳، ۷۲۲؛ هدیة العارفین، ۷۲/۲؛ فوائد الموضوعیه، ص ۴۷۰-۴۷۳؛ سفینة البحار، ۹۷/۲؛ تحفة الاحباب، ص ۳۲۵؛ الکنی واللقاب، ۲۱۹/۱؛ تأسیس الشیعه، ص ۳۱۳؛ ریحانة الادب، ۳۲۵/۳؛ الفوائد الرجالین، ۲۲۷/۳؛ التحریر الکاوسی، ص ۲۰۰، ۲۴۲، ۲۴۵، ۳۸۸، ۴۲۱، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۷۸، ۷۱۴؛ سماء المقال فی علم الرجال، ۱۰۱/۱ - ۱۰۳؛ امل الآمل، ۷۵۵/۳، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۴؛ موارد متعدد دیگر (نک: فهرست، ص ۴۱۰-۴۱۱)؛ الاعلام زرکلی، ۸۴/۶ - ۸۵؛ معجم المؤلفین، ۲۰۲/۹ (۲۲۵/۳ - ۲۲۶)؛ کشف الظنون، ۴۵۲/۱ و ۱۵۸/۲، ۱۹۱/۳؛ موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی، ۱۴۷/۳ - ۱۵۲؛ (ذیل ترجمة ابن بزاج)؛ مقدمه کتاب رجال طوسی؛ مقدمه اختیار معرفة الرجال؛ مقدمه تفسیر تیان؛ هزاره شیخ طوسی، ۲ جلد علی دوانی؛ مقدمه تهذیب الاحکام؛ مقدمه استبصار طوسی؛ مقدمه خلاف طوسی و مقدمه‌های دیگر کتابهای چاپ شده طوسی؛ مصقی المقال، ص ۴۰۲ - ۴۰۳؛ طبقات اعلام الشیعه (قرن الخامس) ص ۱۶۱-۱۶۲؛ الذریعه، موارد متعدد نک: فهرست الذریعه؛ اعیان الشیعه، ۱۵۹/۹ به بعد؛ مستدرک اعیان الشیعه، ۱۵۷/۱؛ معجم رجال الحدیث، ۲۴۳/۱۵ - ۲۴۷؛ (خاتمة المستدرک، ۱۹۲-۱۶۶/۳؛ بروکلان، ۴۰۵/۱ و ذیل ۷۰۶/۱ - ۷۰۷؛ برنامج المكتبة العبدیة، ۱۱۰/۱ - ۱۱۲؛ فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ص ۵۷۹ - ۵۸۱؛ حیاة الشیخ الطوسی، آقابزرگ تهرانی؛ معجم المخطوطات المطبوعة، ۹۰/۲ - ۹۱؛ خزائن کتب کربلا، ص ۱۳/۸؛ مخطوطات التاریخ بالظاهرية، ۴۳۷/۲ - ۴۳۸؛ مخطوطات آیت الله بغدادی، ص ۷۲ - ۷۳؛ مصادر الدراسة عن النجف و الشیخ الطوسی؛ التراث العربی، ص ۶۱؛ مجلة المجمع العلمی العربی بدمشق، ۸۷۴/۴۵ - ۸۷۵؛ مجلة المورد، مجلد ۳ عدد ۱/۱، ۲۶۹/۱ و مجلد ۸ عدد ۳/۳، ۳۶۵؛ مجلة الايمان، عدد خاص عن الامام الصادق (ع)، ص ۱۷۰؛ روضة المتقین، ۴۸۵/۱۴؛ تعلیقة الوحید البهبهانی، ص ۲۹۱؛ المعجم الموحد، ۲۵۳/۲؛ فهرست کتابهای چاپی عربی، مشار، ص ۴۷، ۸۷، ۱۰۶، ۱۵۸، ۲۱۴، ۲۲۸، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۸۶، ۳۳۶، ۳۳۷، ۴۰۱، ۴۱۳، ۴۵۲، ۶۸۶، ۷۸۲، ۸۵۴، ۹۱۴، ۹۵۶، ۹۶۷، ۹۷۳؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۴۰۲/۵ - ۶۰۶؛ کشف الحجب و الاستار، ص ۵۶، ۵۹، ۶۳ (و نک: فهرست، ص ۸۸)؛ اکتفاء القنوع، ص ۵۱۸؛ معجم المطبوعات العربیة و المعرّبة، ۱۲۴۸/۲؛ معجم المطبوعات العربیة فی ایران، ص ۱۹۱؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۱۹۷/۲، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶؛ ایرانیون و الادب العربی، ۲۲۶/۳ - ۲۲۷؛ خزائن الکتب القدیمة فی العراق، ص ۱۳۴؛ قاموس الرجال تستری، ۱۳۴/۸ به بعد.

۶۶. ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی معروف به «شیخ طوسی» و «شیخ الطائفه» (۳۸۵ - ۴۶۰ ق / ۹۹۵ - ۱۰۶۷ م) فقیه، اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و مفسر نامور شیعی.

شیخ طوسی در رمضان ۳۸۵ (چهار سال پس از وفات شیخ صدوق و سال وفات هارون بن موسی تلکبری) در طوس دیده به جهان گشود و مقدمات علوم را در همان جا و برخی دیگر از شهرهای خراسان فراگرفت. او در سن ۲۳ سالگی، (در ۴۰۸ قمری) جهت کسب دانش وارد بغداد گردید و مدت پنج سال نزد محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) که در آن روزگار پیشوای مذهب جعفری بود، دانش آموخت و همچون سایه ملازم او بود و همواره از وی استفاده می‌کرد. دیگر

۱. الفهرست طوسی، ص ۱۹۲ - ۱۹۴ (۴۴۷ - ۴۵۱)؛ رجال نجاشی، ص ۲۸۷ - ۲۸۸ (۳۳۲/۲ - ۳۳۳)؛ فهرست منتجب‌الدین، ص ۴۴، ۸۰، ۸۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۵۳، ۱۶۴؛ المنتظم ابن جوزی، ۲۵۲/۸ (۱۱۰/۱۶)؛ الکامل ابن اثیر، ۵۸/۱۰؛ تاریخ دولة آل سلجوقی، ص ۳۵؛ ذیل تاریخ بغداد ابن نجار؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۴۴۱ - ۴۶۰ ق)، ص ۴۹۰ - ۴۹۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۳۴/۱۸ - ۳۳۵؛ البداية و النهایة، ۹۷/۱۲؛ الواقی بالوفیات، ۳۴۹/۲؛ طبقات الشافعیة الكبرى سبکی، ۱۲۶/۴ - ۱۲۷؛ الدرّة المصنّیة، ص ۳۸۷؛ لسان المیزان، ۱۳۵/۵؛ النجوم الزاهرة، ۸۲/۵؛ طبقات المفسرین داودی، ۱۲۶/۲ - ۱۲۷؛ طبقات المفسرین سیوطی، ص ۲۹؛ رجال ابن داود حلّی، ص ۳۰۶؛ رجال علامه حلّی، ص ۱۴۸؛ معالم العلماء، ص ۱۰۲؛ الوجیزة علامه مجلسی، ص ۱۶۳؛ بحار الانوار، فهرست ۲۹۸/۵ و ۳۰۲/۶؛ مجمع الرجال قهپایی، ۱۹۱/۵ - ۱۹۴؛ طبقات الحفاظ و المفسرین، ص ۲۷۴؛ لؤلؤة البحرین، ص ۲۴۵ - ۲۴۷؛ منهج المعال، ص ۲۹۲ - ۲۹۳؛ منتهی المقال، ص ۲۶۹ - ۲۷۰؛ تنقیح المقال، ۱۰۴/۳ - ۱۰۵؛ اتقان المقال، ص ۱۲۱؛ جامع الرواة، ۹۵/۲؛ مستدرک وسائل الشیعه، ۵۰۵/۳؛

استادان معروف وی عبارتند از: ابو عبدالله احمد بن عبدالواحد بن احمد بزّاز معروف به ابن حاشر و ابن عبدون؛ احمد بن محمد بن موسی، معروف به ابن صلت اهوازی؛ ابو عبدالله حسین بن عبیدالله بن غضائری؛ ابوالحسین علی بن احمد بن محمد ابی حبید؛ ابوالحسین صفّار؛ ابوالحسین بن سوار مغربی؛ ابوعلی بن شاذان متکلم؛ ابوالعباس احمد بن علی نجاشی؛ جعفر بن حسین بن حسکه قمی؛ ابوعلی حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس معروف به ابن حمّامی بزّاز؛ سید مرتضی علم الهدی علی بن حسین؛ ابوالقاسم علی تنوخی و جمعی دیگر که برخی تا ۳۷ تن از شیوخ وی را نام برده اند^۱ و شیخ نوری تعداد استادان وی را ۳۸ تن نوشته است^۲ و این اختلاف ناشی از آن است که شیخ نوری نام حسن بن محمد بن اسماعیل بن اشناس را بار دیگر با عنوان حسن بن اسماعیل آورده است.

شیخ طوسی، پس از شیخ مفید، نزد سید مرتضی علم الهدی شاگرد شیخ مفید، که او نیز پیشوای شیعیان بود، به فراگیری علوم آن روزگار پرداخت و نزد استاد خود منزلتی والا یافت و مورد توجه خاص فرار گرفت و بیش از دیگر شاگردان خویش نسبت به او اهتمام داشت و برای او دوازده دینار حقوق ماهیانه تعیین کرد. شیخ طوسی مدت ۲۳ سال در خدمت او بود، تا اینکه سید مرتضی در ۴۳۶ قمری دیده از جهان فرو بست و شیخ طوسی، پیشوا و مشعلدار شیعه و شریعت گردید.

موقعیت علمی شیخ طوسی

شیخ طوسی با استفاده از مشایخ و بزرگان شیعه در بغداد و بهره گیری از اساتید بزرگ، خود به مقام و موقعیت بسیار والایی دست یافت و سرآمد قرآن خویش گردید و همگان به مقام علمی و درجه والا و شامخ او معترف شدند و حمیت شهرت علمی وی در بغداد و بلاد اسلامی و به ویژه نزد شیعیان پیچید، چنانکه از هر دیار به نزد وی شتافتند.

نجاشی، همکلاسی وی در درس سید مرتضی و استاد وی در باره او گفته است: طوسی از اصحاب ماست و او فردی موثق و مورد اطمینان است.^۳ علامه حلی در مورد وی گفته است: وی شیخ امامیه و رئیس طائفه، جلیل القدر، عظیم المنزله، ثقه، عین، صدوق، عارف به اخبار و رجال و فقه

و وقتی کلمه «شیخ» به صورت مطلق آورده شود، در عرف فقهای شیعه، منظور شیخ طوسی است و هنگامی که «شیخان» گفته می شود، منظور شیخ مفید و شیخ طوسی است. چنانکه در اصطلاح متکلمان کلمه «شیخان» به ابوعلی محمد بن عبدالوهاب و پسرش ابوهاشم عبدالسلام بن محمد معروف به «جبائیان» از رؤسای فرقه معتزله اطلاق می شود و در کتابهای حکمت و فلسفه و منطق نیز، کلمه «شیخ» به ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، و در کتابهای بلاغت به شیخ ابوبکر عبدالقاهر جرجانی گفته می شود.^۸

به هر حال هر یک از شاگردان و معاصران شیخ طوسی، به عظمت، نبوغ و مقام شامخ علمی وی معترف بودند و بزرگواری و شخصیت علمی وی و شهرت دانش او تا بدان جا رسید که خلیفه وقت عباسی، القائم بامرالله، کرسی درس کلام را در بغداد، به او اختصاص داد. در آن روزگار این کرسی تدریس، از قدر و منزلتی فوق العاده برخوردار بود و چنانچه کسی به آن دست می یافت، می بایست در علوم مختلف سرآمد اقران خویش باشد و همین مطلب نشان می دهد که در آن

۱. زندگینامه شیخ طوسی، آقابزرگ تهرانی، ص ۵۶، ۵۰، ۷، ۶.

۲. خاتمه المستدرک، ۱۸۳/۳ - ۱۹۰.

۳. رجال نجاشی، ۳۳۲/۲.

۴. رجال علامه حلی، ص ۱۴۸.

۵. لسان المیزان، ۱۳۵/۵.

۶. منتهی المقال، ص ۲۶۹.

۷. خاتمه المستدرک، ۱۶۶/۳.

۸. زندگینامه شیخ طوسی، ص ۱۴ پاورقی.

روزگار، در بغداد کسی ارجمندتر و دانشمندتر از وی نبوده که او به شرف تصاحب این کرسی نامزد گردیده است.

خانه شیخ طوسی در محله کرخ بغداد، جایگاه علم و فرهنگ، فقه و حدیث و کلام بوده و دانش‌پژوهان و عالمان از هر شهر و دیار و از دور و نزدیک، برای حل مشکلات علمی و فراگیری فقه و حدیث و کلام و سایر علوم متداول آن روزگار، به دین خانه می‌شتافتند و در زیر کرسی تدریس وی، زانو زده و به استفاده و استماع سخنان شیخ می‌پرداختند، چنانکه نوشته‌اند، بیش از سیصد تن از مجتهدان شیعه در درس وی حاضر می‌شدند و از علمای عامه و اهل سنت نیز، تعدادی بی‌شماری در جلسات درس او شرکت می‌کردند. شیخ طوسی، پس از اینکه رهبر و مقتدای شیعیان گردید و پس از وفات استادش سید مرتضی، مدت دوازده سال مقتدرانه در بغداد کرسی تدریس کلام را به عهده داشت و حتی نوشته‌اند که برخی از مستبدان و حسودان و دشمنان شیخ، نزد خلیفه عباسی از وی سعایت کردند و خلیفه به دلیل مقام و موقعیت شیخ طوسی و احترامی که در حق او قائل بود، خود سعایت‌کننده را توبیخ نمود و مورد اهانت قرار داد و بر مقام شیخ و احترام او افزود. اما دیری نپایید که آتش فتنه میان شیعه و سنی برخاست و پیوسته شدت و ضعف پیدا می‌کرد تا اینکه طغرل بیک سر سلسله سلجوقیان در ۴۴۷ قمری، وارد بغداد شد و به دستور وی این آتش فتنه گسترش یافت و طغرل بر شیعیان بغداد محله کرخ حمله کرد و دستور داد خانه‌ها را غارت و شیعیان را به قتل برسانند و کتابخانه مهم محله کرخ بغداد را به وسیله ابو نصر شاپور بن اردشیر وزیر بهاء‌الدوله دیلمی، تأسیس شده بود و در نوع خود کم‌نظیر و از مراکز مهم علمی بغداد بود، به آتش کشیدند و آتش فتنه و آشوبی که توسط سلجوقیان برافروخته شده بود، چنان بالا گرفت که شیخ طوسی و یارانش نیز، از آن در امان نماندند و کتابها و کتابخانه و حتی کرسی تدریس شیخ را سوزانیدند و شیخ طوسی مخفی شد و از بغداد مهاجرت کرد.

ابن جوزی نوشته است که شیخ طوسی در ۴۴۸ قمری از بغداد فرار کرد و خانه‌اش به غارت رفت و در ماه صفر ۴۴۹، سلجوقیان و مردم سنی بغداد و عوام‌الناس، به خانه شیخ طوسی هجوم بردند و کتابها و کرسی تدریس وی را به علاوه سه درفش سفیدی که مردمان کرخ از دیرباز، به هنگام عزیمت به کوفه، با خود حمل می‌کردند، از خانه شیخ بیرون

آورده و سوزانیدند^۱ و چون شیخ طوسی، خود را در مخاطره دید، در این سال به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جوار مرقد مطهر امیرمؤمنان علی(ع) اقامت کرد و آنجا را به صورت پایگاه دانش و دین اسلام و مذهب جعفری درآورد و دانشگاه بزرگ شیعه را در آنجا تأسیس نمود و از آن پس دانش‌طلبان و علاقه‌مندان به معارف قرآن و اهل‌بیت، از بلاد مختلف و شهرهای دور و نزدیک به آنجا روی آورده و در حلقه درس شیخ طوسی شرکت کردند و از آن پس شهر نجف به عنوان پایگاه علمی شیعه و خاستگاه آمال اهل علم و معرفت درآمد و روز به روز در اثر وجود شیخ طوسی، بر رونق آن افزوده شد.

شیخ طوسی پیشاهنگ بنیانگذاران مجامع علمی، سرآمد فقیهان شیعه دوازده امامی و پیشوای مجتهدان اسلام است که طریقه اجتهاد مطلق در فقه و اصول را رایج کرد و امر استنباط را بنابر فقه جعفری، به کمال رسانید و عالمان و مجتهدان فراوانی را تربیت کرد و شاگردان فراوانی از اهل تشیع و تسنن در حلقات درس وی در نجف شرکت می‌کردند و با اینکه همه نوشته‌اند که تنها شاگردان شیعی وی، بیش از سیصد تن بوده‌اند، اما متأسفانه در منابع و مآخذی که شرح حال شیخ را نوشته‌اند، تعداد اندکی از شاگردان او را نام برده‌اند. به شکلی که آقابزرگ تهرانی، موفق شده پس از جستجوی فراوان، اسامی ۳۶ تن از شاگردان شیخ را فراهم نماید و در زندگینامه شیخ طوسی نام ببرد که مهم‌ترین و معروف‌ترین آنان عبارتند از: آدم بن یونس بن ابی‌المهاجر نسیمی، ابوبکر احمد بن حسین بن احمد خزاعی نیشابوری، ابوطالب اسحاق بن محمد بن حسن بن حسین بن محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، شمس‌الاسلام حسن بن حسین بن بابویه قمی معروف به «حسکا»، ابومحمد بن حسن بن عبدالعزیز جبهانی (یا جهانی)، ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی (پسر شیخ)، موفق‌الدین حسین بن فتح واعظ جرجانی، سید زین بن داعی حسینی، سعدالدین بن براج، محمد بن علی بن شهرآشوب سروی مازندرانی، محمد بن حسن بن علی فتال نیشابوری، ابوالفتح محمد بن علی کراچکی، ابوسعید منصور بن حسین آبی و ابوابراهیم ناصر بن رضا بن محمد بن عبدالله علوی حسینی.^۲

۱. المنتظم ابن جوزی، ۱۷۳/۸ - ۱۷۹.

۲. روضات الجنات، ۲۲۸/۶ - ۲۲۹؛ زندگینامه شیخ طوسی، ص ۵۶ - ۵۹.

قمری، سنگی و به کوشش بحرالعلوم، نجف، در ۲ جلد در ۱۳۸۲ قمری.

۶. تهذیب الاحکام، شرح کتاب: مقتعة شیخ مفید و یکی دیگر از کتب اربعه شیعه که نخست در تهران و در ۲ جلد در ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ قمری، سنگی و سپس به کوشش سید حسن موسوی خراسان، در ۱۰ جلد، در نجف اشرف و در ۱۳۷۷ - ۱۳۸۲ قمری منتشر شده است. بر این کتاب ۳۷ شرح، حاشیه، تعلیقه و تبویب و تنقیح و ترتیب نوشته شده است.^۲

۷. الحمل و العقود فی العبادات والاقتصاد، تهران، بی تاریخ، چاپ سنگی شده به وسیله کتابفروشی خاور.

۸. الخلاف یا مسائل الخلاف، ابتدا در تهران در ۱۳۷۰ قمری و سپس در قم در ۳ جلد، در ۱۳۷۶ قمری چاپ شده است.

۹. رجال یا الابواب که به «رجال طوسی» یا «رجال شیخ» نیز معروف است. این کتاب به کوشش سید محمدصادق آل بحرالعلوم، در نجف و در ۱۳۸۱ قمری، چاپ شده است.

۱۰. العدة فی الاصول، به کوشش ملک الکتاب شیرازی در ۱۳۱۲ - ۱۳۱۸ قمری و در تهران در ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ قمری، همراه با حاشیه مولا خلیل قزوینی، منتشر شده است.

۱۱. الغیبة فی الامامة، ابتدا در تهران و در ۱۳۲۳ قمری، سپس در تبریز ۱۳۲۴ قمری چاپ سنگی شده است.

۱۲. الفهرست و یا فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین منهم اصحاب الاصول الکتب، نخستین بار در کلکته در ۱۲۷۱ق / ۱۸۵۵م، سنگی، سپس به کوشش سید محمدصادق آل بحرالعلوم در نجف و در ۱۳۵۶ قمری و به کوشش سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، در ۱۴۲۰ قمری، انتشار یافته است.

۱۳. المبسوط فی الفقه، به کوشش حاج میرزا مسیح در تهران، در ۱۲۷۱ قمری، چاپ شده است.

۱۴. مصباح المتعهد و سلاح المتعبد، در ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ قمری، همراه با ترجمه فارسی آن توسط شیخ عباس قمی، در تهران، منتشر شده است.

۱۵. النهایة فی الفقه، این کتاب نخست در ۱۲۷۶ قمری در یک جلد بزرگ همراه با کتاب نکت النهایة تألیف محقق حلّی و الجواهر تألیف قاضی و چندین کتاب دیگر، چاپ سنگی و سپس در تهران در ۱۳۳۳ ش در نشریه شماره ۲۳۵ دانشگاه

شیخ طوسی اضافه بر تأسیس حوزه علمیه بزرگ شیعه و تدریس در بغداد و نجف و پرورش شاگردان بسیار و مجتهدان و عالمان بی شمار، دارای آثار و تألیفات بزرگ و مهمی است که برخی از آنها جزو بزرگترین افتخارات شیعه است که از آن جمله می توان به کتابهای: تهذیب الاحکام و الاستبصار فیما اختلف فیہ من الاخبار دو کتاب از چهار کتاب مهم و اصلی شیعه (کتب اربعه حدیثی) شیعه و الفهرست و الرجال دو کتاب از چهار کتاب مهم رجالی شیعه (کتب اربعه رجالی) اشاره کرد.

از حق نباید گذشت که همه آثار شیخ طوسی در نوع خود کم نظیر و بلکه برخی از آنها بی نظیر است و هر اثر وی در رشته خود اول است و مؤلفان پس از شیخ از این آثار استفاده کرده اند و از نظر ارزش باید گفت کتابهای شیخ طوسی در درجه اول هستند. در منابع و مآخذ به بیش از ۶۲ اثر وی اشاره شده که بسیاری از آنها اکنون موجود است و شماری از آنها چاپ و منتشر شده و بر بسیاری از کتابهای وی شروح و حواشی و تعلیقات بسیاری نوشته شده است که ما در اینجا فقط به آثار چاپ شده وی اشاره خواهیم کرد:

۱. الاستبصار فیما اختلف فیہ من الاخبار، نخستین بار در لکهنو، در ۱۳۰۷ قمری، سنگی و سپس در تهران در ۱۳۱۷ قمری و در نجف اشرف ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ قمری، به کوشش سی حسن موسوی خراسان. این کتاب، چنانکه اشاره شد، یکی از کتب اربعه حدیثی شیعه است و بر آن بیش از هیجده شرح، حاشیه و تعلیقه، نوشته شده است.^۱

۲. الامالی که با عنوان: «المجالس والاخبار» نیز، نامیده شده است و گاهی این کتاب را به پسر وی ابوعلی هم، نسبت می دهند. در تهران در ۱۳۱۳ قمری و در قم ۱۳۷۳ قمری، در دو جلد که جلد دوم آن منسوب به پسر شیخ است.

۳. الایجاز فی الفرائض والمواریث، به کوشش محمدهادی امینی، نجف ۱۳۸۳ قمری.

۴. التبیان الجامع لعلوم القرآن، به کوشش علی آقا شیرازی، تهران، ۱۳۶۴ - ۱۳۶۵ قمری، سنگی و به کوشش احمد شوقی امین و احمد حبیب قصیر عاملی، در ده جلد، نجف، ۱۳۷۶ - ۱۳۸۳ قمری.

۵. تلخیص الشافی، سید مرتضی علم الهدی، به کوشش میرابوالقاسم بن محمد صادق خوانساری، تهران، ۱۳۰۱

۱. الایرانیون والادب العربی، ۲۵۲/۳ - ۲۵۳.

۲. الایرانیون والادب العربی، ۲۵۸/۳ - ۲۶۰.



تهران ضمن کتاب جوامع الفقهیه، به کوشش سید محمدباقر سبزواری، منتشر شده است.^۱

ترجمه‌های کهن توسط یکی از یاران شیخ طوسی به فارسی، از این کتاب موجود است که آقابزرگ آن را در کتابخانه سید نصرالله اخوی، در تهران دیده است.^۲

شیخ طوسی کتاب رجال کشی به نام معرفة الناقلین را تلخیص کرده و آن را اختیار معرفة الرجال نامیده است. این کتاب یکبار در مشهد، به کوشش حسن مصطفوی در سال ۱۳۹۰ قمری بار دیگر به کوشش سید مهدی رجائی در قم به تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، در ۲ جلد، در ۱۴۰۴ قمری، چاپ شده است.

شیفتگی شیخ طوسی به کتاب

گرچه در منابع و مآخذی که شرح حال وی را نوشته‌اند، تصریح به شیفتگی شیخ طوسی، به کتاب نشده است، اما بیشتر آنان به این مطلب اشاره کرده‌اند که وی دارای کتابخانه‌ای بزرگ بوده که در هجوم و فتنه سلجوقیان در محله کرخ بغداد، به آتش کشیده شد و از میان رفت.

از جمله ابن جوزی نوشته است که کتابهای وی را در محله کرخ بغداد، همراه با کرسی تدریس او آتش زدند^۳ و ابن نجار نوشته است که کتابهای وی را چندین بار در روزهای مختلف در حضور مردم بغداد و در حبه جامع النصر، به آتش کشیدند و خود او مخفی شد. و ذهبی هم نوشته است که کتابهایش را چندین بار سوزانیدند.^۴

از این سخنان معلوم می‌شود که شیخ طوسی، با اینکه به کتابخانه ابونصر شاپور بن اردشیر که زیر نظر استادش سید مرتضی علم‌الهدی اداره می‌شده، دسترسی داشته و همچنین به کتابخانه‌های استادان خود شیخ مفید و سید مرتضی نیز، راه داشته و کتابخانه سید مرتضی بنابه نقلی هشتاد هزار جلد کتاب داشته است و شیخ طوسی کمال استفاده را از این کتابخانه‌ها و شاید دیگر کتابخانه‌های غنی و پر بار آن روز بغداد داشته، با این حال به دلیل علاقه و شیفتگی به کتاب و حفظ آنها، خود نیز، اقدام به گردآوری و تهیه آن کتابها و شاید استنساخ آنها کرده است و کتابخانه‌ای مجهز و بزرگ در منزل خویش، به وجود آورده که سلجوقیان و اهل سنت، چندین روز و در چند نوبت آن کتابها را از منزل وی بیرون آورده و در حضور مردم آتش زده‌اند.

اضافه بر اینها خود شیخ در الفهرست، به این نکته اشاره دارد که بسیاری از کتابهایی را که در این کتاب نام می‌برد، دیده و در اختیار داشته و آنها را نزد اساتیدش قرائت کرده است که در اینجا به عنوان نمونه، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. در شرح حال احمد بن محمد بن خالد ابوجعفر برقی کوفی گوید: وی کتابهای بسیاری تألیف کرده است و آنچه به من رسیده عبارتند از... سپس ۸۱ کتاب وی را نام برده و اضافه کرده است که محمد بن جعفر بن بطّه، اضافه بر اینها کتابهای دیگری را نام برده است.^۵

۲. در شرح حال احمد بن حسین بن عبدالملک ابوجعفر اودی کوفی گوید: او کتاب المشیخة را باب باب کرده و ما این نسخه را از احمد بن عبدون شنیده و خوانده‌ایم.^۶

۳. در ترجمه حسن بن محبوب ابوعلی کوفی گوید: کتاب مشیخة وی را نزد احمد بن عبدون خوانده‌ام.^۷

۴. در برخی از تراجم وقتی نام کتابهای آنان را می‌برد، گوید: ما این کتابها را روایت کرده‌ایم. «بالاسناد الاول» از جمله در ترجمه حسن بن عباس حریشی، حسن عطار، حسن بن سری کاتب، حسن رباطی، حسن بن صالح، حسن بن ایوب، حسن بن عنبه، حسن بن محمد، حسن بن محمد سراج، حسن بن علی بن ابی‌المغیره و حسن بن ایوب و در برخی از تراجم گوید: «رویناه بالاسناد» مانند: حسن بن عطیة ضاط، حسن بن زیاد و حسن بن علی کلبی.^۸

۵. شیخ طوسی کتاب الفهرست ابن ندیم را در اختیار داشته، چنانکه از تراجم: صفوان بن یحیی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، عیسی بن مهران، عمار بن معاویه، فضل بن شاذان و محمد بن ابراهیم پیداست.^۹

۶. در شرح حال علی بن حسن بن فضل کوفی فطحی مذهب گوید: وی ۳۰ کتاب داشته که بیشتر آنها را نزد ابن حمدون قرائت

۱. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۴۰۳/۵ - ۴۰۶.

۲. الذریعة، ۱۴۳/۴ - ۱۴۴.

۳. المنتظم ابن جوزی، ۲۵۲/۸.

۴. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۴۹۱.

۵. الفهرست طوسی، ص ۵۲ - ۵۳.

۶. همان، ص ۵۸.

۷. همان، ص ۱۲۲.

۸. همان، ص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳.

۹. همان، ص ۲۴۲، ۲۶۶، ۳۳۲، ۳۳۶، ۳۶۲، ۳۹۲.

واقع شده و از شمال به صحن آستان شریف علوی محدود است. به طوری که در این صحن را که به مرقد شیخ منتهی می‌شود، «باب الطوسی» گویند.^۷

۶۷. ابوبکر احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی بن ثابت معروف به خطیب بغدادی (۳۹۱ یا ۳۹۲ - ۴۶۳ ق / ۱۰۰۱ یا ۱۰۰۲ - ۱۰۷۱ م) محدث، مورخ و اصولی‌نامور عراقی. خطیب بغدادی، در روز پنجشنبه شش روز مانده از جمادی

کرده‌ام و بقیه را اجازه گرفتیم و مانند آن کتابهای علی بن احمد علوی عقیقی و کتابهای علی بن حاتم قزوینی است.^۱

۷. در ترجمه سید مرتضی علی بن حسین معروف به علم‌الهدی استاد خود می‌گوید: او دارای تصانیف و مسائل بلدان فراوانی است که فهرست معروف وی شامل آنهاست و من فقط اعیان کتب و بزرگ‌ترین آنها را نام می‌برم، سپس می‌گوید: این کتابها را نزد وی قرائت کرده‌ام و سایر کتابهایش را بارها نزد وی قرائت نموده‌ام.^۲

۸. در شرح حال محمد بن احمد بن جنید ابوعلی گوید: وی دارای کتابهای فراوانی است و برای کتابهایش فهرستی نوشته و آن را باب‌باب کرده و طولانی است و من آن را ذکر نمی‌کنم، زیرا فایده‌ای ندارد.^۳

۹. در شرح حال کلینی گوید: بیشتر کتاب کافی را نزد حسین بن عبدالله غضائری خوانده‌ام.^۴

۱۰. در شرح حال شیخ مفید، استادش، پس از نام بردن کتابهایش گوید: همه کتابهایش را نزد وی قرائت کردم.^۵

۱۱. در شرح حال ابومنصور حرّام نیشابوری گوید: کتاب بیان ولدین وی را بیشتر نزد ابو حازم نیشابوری خواندم.^۶

بر این اساس، شیخ طوسی، بسیاری از کتابهایی را که در فهرست خود نام برده، در کتابخانه‌اش داشته و حتی آنها را خوانده بوده است و این خود نشانگر عشق و علاقه شدید وی به علم، قرائت و کتاب است.

شیخ طوسی در دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰، در نجف اشرف در سن هفتاد و پنج سالگی دیده از جهان فرو بست و غسل و کفن و تدفین وی را شاگردانش شیخ حسن بن مهدی سلیقی، شیخ ابومحمد حسن بن عبدالواحد عین زربی و شیخ ابوالحسن لؤلؤی، به عهده داشتند و بنا بر وصیت خود او، در خانه مسکونیش، به خاک سپرده شد و پس از درگذشت وی خانه‌اش بر مبنای وصیت خود او به صورت مسجدی درآمد و آرامگاه او در آن مسجد زیارتگاه عام و خاص گردید. این مسجد از معروف‌ترین مساجد نجف و به نام خود اوست که از آغاز تا کنون صدها حلقه درس توسط مجتهدان و مدرسان بزرگ در آن تشکیل یافته و صاحب جواهر، تا پایان عمر خویش در این مسجد تدریس می‌کرده است. پس از او شیخ محمداکظم خراسانی معروف به آخوند، صاحب کفایه نیز، در آن مسجد تدریس می‌کرده است. این مسجد در محله مشراق

۱. همان، ص ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۴، ۲۸۵.

۲. همان، ص ۲۸۸ - ۲۹۰.

۳. همان، ص ۳۹۳.

۴. همان، ص ۳۹۴.

۵. همان، ص ۴۴۶.

۶. همان، ص ۵۳۷.

۷. زندگینامه شیخ طوسی، ص ۶۰ - ۶۳.

۶۷. تاریخ بغداد، ۱۱/۳۵۹ و ۱۴/۷۵؛ تبیین کذب المفتری، ص ۲۶۸ - ۲۷۱؛ المنتظم، ۸/۲۶۵ - ۲۷۰ (۱۲۹/۱۶ - ۱۳۵)؛ الانساب سمرانی، ۱۶۶/۵؛ معجم الادباء یاقوت، ۱۳/۴ - ۴۵؛ معجم البلدان، ۱/۱۵۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ۳۱/۵ - ۴۱؛ معجم الالقباب ابن قوطی، ۴/۱۱۲۷؛ اللباب، ۳۱/۴۵۳ - ۴۵۴؛ الکامل فی التاریخ، ۱۰/۶۸؛ تاریخ دولة آل سلجوق، ص ۴۵؛ ذیل تاریخ دمشق ابن قلانسی، ص ۱۰۵؛ التیذیه ابن نقطه، ص ۱۵۳ - ۱۵۵؛ المنتخب من السیاق، ص ۱۰۷؛ وفيات الاعیان، ۱/۹۲ - ۹۳؛ مختصر تاریخ دمشق ابن منظور، ۳/۱۷۳ - ۱۷۶؛ تهذیب تاریخ دمشق، ۱/۳۹۹ - ۴۰۲؛ المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، دمیاطی، ۱۹/۵۴ - ۶۱؛ مرآة الجنان، ۳/۸۷ - ۸۸؛ البدایة و النهایة، ۱۲/۱۰۱ - ۱۰۳؛ المختصر فی اخبار البشر، ۲/۱۸۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات، ۴۶۱ - ۴۷۰ ق) ص ۸۵ - ۱۱۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۸/۲۷۰ - ۲۹۶؛ الاعلام بوفیات الاعلام، ص ۱۹۱؛ تذکره الحفاظ، ۲/۱۱۳۵ - ۱۱۴۶؛ المعین فی طبقات المحدثین، ص ۱۳۳؛ الصبر، ۳/۲۵۳؛ الرواة النفاة، ص ۵۱؛ تاریخ ابن وردی، ۱/۳۷۵؛ تذکره الحفاظ ابن عبدالهادی، ۴/۲؛ طبقات الشافعیة استوی، ۱/۲۰۱ - ۲۰۳؛ طبقات الشافعیة الکبری، سبکی، ۳/۱۲؛ الوافی بوفیات، ۷/۱۹۰ - ۱۹۹؛ الوفيات ابن قنفذ، ص ۲۵۱ - ۲۵۲؛ تاریخ الخمیس، ۲/۴۰۰؛ طبقات الشافعیة ابن قاضی شهبه، ۱/۲۴۶ - ۲۴۸؛ النجوم الزاهرة، ۵/۸۷؛ طبقات الحفاظ سیوطی، ص ۴۳۴ - ۴۳۶؛ تاریخ الخلفاء سیوطی، ص ۴۲۳؛ بغیة الوعاة، ۱/۱۵۸؛ طبقات الشافعیة ابن هدیة الله، ص ۱۶۴ - ۱۶۶؛ دیوان الاسلام، ۲/۲۱۵ - ۲۱۶؛ شذرات الذهب، ۳/۳۱۱ - ۳۱۲؛ کشف الظنون، ۱/۲۰۹، ۲۸۸ و ۲/۱۶۳۷؛ روضات الجنات، ۱/۲۸۴؛ ایضاح المکتون، ۱/۳۰، ۸۰؛ هدیة العارفین، ۱/۷۹؛ الرسالة المستطرفة، ص ۵۲؛ تانیب الخطیب الکوثری؛ الفهرس التمهیدی، ص ۱۶۵ - ۳۷۰؛ موارد الخطیب اکرم ضیاء عمری، ص ۱ - ۹۴؛ علم التاریخ عند المسلمین، الفهرست، ص ۲۷۷۸؛ الاعلام زرکلی، ۱/۱۶۶؛ معجم المؤلفین، ۲/۱۹۸ - ۱۹۹)؛ موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان السلامی، ۱/۳۳۳ - ۳۴۹؛ معجم طبقات الحفاظ و المفسرین، ص ۴۳۴ با مقدمه تاریخ بغداد؛ مقدمه السابق اللاحق؛ مقدمه الاسماء المبهمة فی الانبیاة المحکمة؛ دائرة المعارف الاسلامیة، ۸/۳۹۸ - ۳۹۹؛ تاریخ آداب اللغة العربیة، ۲/۳۲۴؛ الخطیب البغدادی، یوسف العشر؛ معجم المطبوعات العربیة و المعربة، ۲/۶۷؛ بروکلیمان، ۱/۳۲۹ و ذیل ۵۶۲ - ۵۶۴.



الاول ۳۹۱ یا ۳۹۲. در قریه درزیجان یکی از قریه‌های عراق دیده به جهان گشود (این قریه در پایین بغداد، بر کنار دجله، در جانب غربی بغداد واقع شده و حمزه گوید: این قریه یکی از شهرهای هفتگانه اکاسره بود و به این قریه‌ها یا شهرهای هفتگانه، مدائن می‌گفتند و اصل درزیجان - درزندان - است که در تعریب درزیجان شده).

پدرش ابوالحسن خطیب، نزد ابوحض کتانی، دانش آموخت و خطیب قریه درزیجان شد، از این رو ابوبکر احمد بن علی، پسرش نیز، به خطیب و یا خطیب بغدادی شهرت یافت. وی در کوچکی به استماع حدیث پرداخت. در حالی که یازده ساله بود، در محرم ۴۰۳ و در بیست سالگی به بصره رفت و در ۲۳ سالگی به قصد تکمیل دانش و استماع حدیث به نیشابور و به اصفهان رفت و در سن کهولت عازم شام شد و از آنجا به صور رفت و بعد به بغداد بازگشت.

او در بغداد از کسانی مانند: ابو عمر بن مهدی فارسی، ابن صلت اهوازی، ابوالحسین بن متیم، ابوالحسن ابن رزقویه، ابو سعد مالینی، ابوالفتح ابن ابی الفوارس، هلال بن محمد حفار، ابوالسحاق ابراهیم بن مخلد باقر حی، حسین بن محمد عکبری صائغ، ابوالعلاء محمد بن حسن بن وراق و در بصره از ابو عمر قاسم بن جعفر هاشمی، علی بن قاسم شاهد، حسین بن علی بن محمد بن محمد طرازی، ابوالقاسم عبدالرحمن سراج و گروهی دیگر و در اصفهان از ابوالحسن علی بن یحیی بن عبد کویه، محمد بن عبدالله بن شهریار، ابو نعیم احمد بن عبدالله حافظ، ابو عبدالله حمال و جمعی دیگر و در افیور از ابونصر احمد بن حسین کسار و گروهی دیگر و در همدان از محمد بن عیسی و برخی دیگر و در کوفه و ری و حجاز و جز این شهرها از دانشمندان و شخصیت‌های علمی، دانش آموخت و حدیث شنید و در ۴۴۵ قمری، به دمشق رفت، تا از آنجا برای انجام مراسم حج، عازم حجاز شود. در آنجا از ابوالحسن محمد بن عبدالرحمن بن ابی نصر ابو علی اهوازی و شماری دیگر حدیث شنید، سپس از آنجا راهی حجاز شد و در ۴۵۱ قمری، دو باره به دمشق بازگشت و فقه را از ابوالحسن بن محاملی و قاضی ابی الطیب آموخت.^۱

نوشته‌اند که قبل از رفتن به نیشابور، با برقانی مشورت کرد که به مصر برود تا از ابن نحاس مصری دانش بیاموزد و حدیث بشنود و یا عازم نیشابور گردد تا از اصحاب اصم به

استماع حدیث بپردازد؟ برقانی به وی گفت: بهتر است به نیشابور بروی تا به مصر، زیرا اگر به مصر بروی، فقط به نزدیک عالم رفته‌ای و اگر او را نبینی، سفرت بی نتیجه است، در حالی که اگر به نیشابور سفر کنی، به نزد گروهی از عالمان رفته‌ای که اگر یکی را نیافتی، از دیگران می‌توانی بهره‌مند شوی، پس خطیب به نیشابور رفت.^۲

به هر حال خطیب در بغداد و دیگر شهرهایی چون نیشابور، اصفهان، همدان، دینور، دمشق، مجاز و جزاینها از استادان و مشایخ حدیث شنید و دانش آموخت و سرآمد اقران خویش گردید و در علم و حدیث، تاریخ و سایر علوم رایج آن روزگار، به حد کمال رسید، چنانکه همگان از وی تعریف کرده‌اند و دانش او را ستوده‌اند که از آن میان به چند مورد اشاره کرد:

۱. نوشته‌اند در میان علمای بغداد، پس از ابوالحسن دارقطنی، کس مانند خطیب بغدادی نبود.^۳

۲. ابن ماکولا گوید: ابوبکر خطیب آخرین نفر از اعیان و بزرگان بود که او را دیدم و او در شناخت و حفظ حدیث و اتقان و ضبط آن و تنوع در علل و اسباب و اسانید آن و آگاهی نسبت به صحیح و سقیم بودن حدیث و غریب و فرد و منکر و مطروح بودن آن بسیار وارد بود و مهارت داشت.^۴

مؤتمن ساجی گوید: پس از دار قطنی بغداد، حافظ‌تر از ابوبکر خطیب بیرون نداد.^۵

ابوالفتیان عمر سواسی گوید: خطیب امام در صنعت حدیث بود و کسی مانند او ندیدم.^۶

ابوسعید بن سمعانی گوید: وی دارای شخصیتی مهیب و وقور بود و فردی موثق، حجت، حسن الخط، کثیر الضبط و فصیح بود و حافظان حدیث به او ختم می‌شدند.^۷

افراد فراوانی از خطیب دانش آموخته و حدیث شنیده‌اند که از آن میان برخی از آنها از شیوخ وی بوده‌اند، مانند: ابوبکر یرقانی، ابوالقاسم ازهری و از اقران وی کسانی مانند: عبدالعزیز بن احمد کتانی، ابوالقاسم بن ابی‌العلاء از او حدیث

۱. تاریخ الاسلام ذمی، ص ۸۷-۸۸.

۲. تاریخ الاسلام ذمی، ص ۹۰.

۳. همان.

۴. همان.

۵. طبقات الشافعیة الکبری، سبکی، ۳۱/۴؛ المستفاد من ذیل تاریخ بغداد، ۵۷/۱۸.

۶. سیر اعلام النبلاء، ۲۷۶/۱۸.

۷. تاریخ الاسلام ذمی، ص ۹۲.

میراث شهاب

زیادی از شیعیان را می‌کشند و مشاهد متبرکه را خراب می‌کنند! امیر گفت: پس چه کنیم؟ گفت: بهتر است او را از شهر دمشق اخراج کنی، پس امیر دستور داد که خطیب را از دمشق اخراج کنند و او به صور رفت و مدتی در آنجا ماند.^۳

داستان شیفتگی خطیب به مکی جوان زیبا روی را برخی از منابع دیگر نیز نوشته‌اند و حتی ابیاتی از تغزل وی نسبت به محبوبش را نوشته‌اند که یک بیت آن این است:

تغیب النَّاسِ عن عینی سوی قمر
حسی من النَّاسِ طراً ذلک القمر

و همچنین خطیب و کتابهایش را به شدت مورد حمله قرار داده‌اند و او را فردی منحرف دانسته‌اند که در کتابهایش به علمای اسلام، حمله کرده است و حتی داستانهایی از شرابخواری وی را عنوان نموده‌اند.^۴

مکی بن عبدالسلام مقدس گوید: خطیب بغدادی در نیمهٔ رمضان سال ۴۶۳، بیمار شد و روز به روز بر شدت بیماری وی افزوده شد، تا اینکه چهار ساعت گذشته از شب دوشنبه هفتم ذی حجهٔ ۴۶۳، دیده از جهان فرو بست و در صبح روز سه شنبه، او را تشییع کردند و قضات و اشراف و گروه زیادی از مردم بغداد در تشییع جنازهٔ وی حاضر شدند و تا جانب غربی بغداد تشییع کردند و قاضی ابوالحسن بن مهتدی بالله، بر جنازهٔ وی نماز خواند و در کنار قبر بشر حافی به خاک سپرده شد.^۵

خطیب بغدادی دارای آثار و تألیفات بسیاری است و برخی تا ۵۶ اثر وی را نام برده‌اند.^۶

برخی از آثار وی چاپ شده‌اند که به ترتیب الفبایی عبارتند از:

۱. الاجازة للمحدوم والمجهول، در کتاب مجموعة رسائل فی علوم الحدیث، به کوشش صبحی بدری سامرایی، در مدینه و در ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م، منتشر شده است.
۲. الاسماء المبهمة فی الانباء المحکمة، به کوشش: عزالدین علی السید، در قاهره و در ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۴ م، منتشر شده است.

شنیده‌اند. دیگر شاگردانش عبارتند از امیر ابونصر علی بن ماکولا، عبدالله بن احمد سمرقندی، ابوالحسن طیوری، محمد بن مرزوق زعفرانی، ابوبکر بن خاضبه، ابوالقاسم نسیب، ابومحمد اک فائی، ابوالحسین بن قیس، محمد بن علی بن ابی‌العلاء، نصرالله بن مورلازقی فقیه و گروهی دیگر و در دمشق و قاهره، ابوبکر انصاری، ابوالقاسم سمرقندی، ابوالسعادات احمد متوکل، ابوالقاسم هبة‌الله شروطی، ابومنصور محمد بن عبدالملک بن طیرون و بدر بن عبدالله شیخی در بغداد و یوسف بن ایوب همدانی در مرو از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.^۱

چنانکه اشاره کردیم وی در سال ۴۵۱ قمری، به شام رفت و تا ۴۵۷ قمری، در آنجا ماند و بعد به صور عزیمت کرد و از آنجا به بیت‌المقدس رفت و پس از زیارت، به صور بازگشت و تا سال ۴۶۲ قمری، به طرابلس رفت و از آنجا عازم حلب شد و در ذی حجه ۴۶۳ به بغداد بازگشت.^۲

برخی از منابع علت خروج وی از دمشق به صور را چنین نوشته‌اند که خطیب در دمشق که اقامت داشت، جوانی زیبا روی به نام مکی نزد او رفت و آمد داشت و به قولی خطیب شیفتهٔ وی شده بود. از این رو مورد طعن مردم دمشق قرار گرفت و این خبر به گوش امیر دمشق که مردی رافضی بود رسید و او به رئیس شرطهٔ دمشق دستور دارد که خطیب را دستگیر و شبانه به قتل رساند. رئیس شرطهٔ دمشق که سنی مذهب بود متحیر شد که چکار کند؟ چون نمی‌توانست با دستور امیر مخالفت کند، با جمعی به محل سکونت خطیب رفت و او را دستگیر نمود و گفت: من دستور دارم تو را شبانه به قتل برسانم، از این رو برای نجات تو حیل‌های به نظرم می‌رسد و آن اینکه تو را از مقابل منزل شریف ابن ابی‌الحسن علوی عبور می‌دهم و چون رو به روی منزل وی رسیدیم، تو به درون منزل وی برو و من دیگر تو را نمی‌طلبم و قضیهٔ پنهان‌شدن تو را به منزلی شریف، به امیر گزارش می‌دهم و خطیب چون به مقابل منزل شریف رسید، به درون منزل وی رفت و رئیس شرطه گزارش موضوع را به امیر دمشق داد و امیر کسی را به نزد شریف فرستاد و خطیب را از او خواست و شریف به امیر پیام داد که: ای امیر تو اعتقاد مرا در مورد او و امثال وی می‌دانی، ولی کشتن وی مصلحت نیست، چون او در عراق مشهور است و اگر تو وی را بکشی، جمع

۱. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۸۸-۸۹.

۲. المنتظم ابن جوزی، ۲۱۵/۸-۲۶۶؛ معجم الادباء، ۱۹، ۱۵/۴.

۳. معجم الادباء، ۳۴/۴-۳۵؛ ذیل تاریخ دمشق ابن‌قلانسی، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۴. النجوم الزاهرة، ۸۷/۵-۸۸ و قس: المنتظم، ۲۶۷/۸-۲۶۹ (۱۳۲/۱۶-۱۳۴)؛ معجم الادباء، ۲۹/۴.

۵. تاریخ مدینه دمشق، ۳۸/۵.

۶. معجم الادباء، ۱۹/۴-۲۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۹۶-۹۹.

۳. اقتضاء العلم العمل، به کوشش محمد ناصرالدین البانی، بیروت و دمشق، ۱۳۸۹ ق.
۴. البخلاء، به کوشش: احمد مطلوب، خدیجه حدیثی و احمد ناجی قیسی، بغداد، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م.
۵. تاریخ بغداد، نخستین بار در قاهره و در ۱۳۴۹ ق، سپس به کوشش: سید محمد سعید عرفی و محمد حامد للفقی، بیروت، دارالکتاب العربی، در ۱۴ جلد بی‌تاریخ و پس از آن به کوشش: قیصر ابوفرح محمد عظیم الدین، بیروت، ۱۴۰۵ - ۱۴۰۷ ق در ۱۴ جلد و بعد به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م، ۲۴ جلد در ۲۱ مجلد.
۶. تالی تلخیص المتشابه، به کوشش: ابو عبیده مشهور به حسن آل سلمان، ریاض، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م، در ۲ جلد.
۷. التطفیل و حکایات الطفیلین و اخبار هم و فواد کلامهم و اشعارهم، به کوشش: کاظم مظفر، نجف، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م و به کوشش: حسام‌الدین قدس، دمشق، ۱۳۴۶ ق.
۸. تقیید العلم، به کوشش: یوسف العش، آنکارا، ۱۹۷۴ م.
۹. تلخیص المتشابه فی الرسم و حمایه ما اشکل منه عن بواد التصحف و الوهم، به کوشش: سکینه شهابی، دمشق، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
۱۰. الحث علی حفظ العلم، به کوشش: محمود بن محمد حداد، در مجموعه‌ای به نام: الجامع فی الحث علی حفظ العلم، همراه با چند کتاب دیگر، قاهره، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. الجامع الاخلاق الراوی و آداب السامع، به کوشش: محمد عجاج الخطیب، بیروت، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م و ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م و در کویت در ۱۹۸۱ م.
۱۲. الرحلة فی طلب الحدیث، به کوشش: نورالدین عتر، بیروت، ۱۳۹۵ ق / ۱۹۷۵ م و قبل از آن به کوشش: صبحی بدری سامرابی در مدینه و در ۱۹۶۹ م، در مجموعه رسائل فی علوم الحدیث، چاپ شده است.
۱۳. السابق واللاحق فی تباعد ما بین وفاة لا و بین عن شیخ واحد، به کوشش محمد بن مطر زهرانی، ریاض، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م.
۱۴. شرف اصحاب الحدیث، به کوشش: محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۷۱ م.
۱۵. الفقیه والمتفقه، به کوشش اسماعیل انصاری، ریاض، ۱۳۸۹ ق، دو جزء در یک مجلد چاپ شده است.
۱۶. الکفایة فی معرفة الروایة و یا به نام: الکفایة فی علم
- الروایة، در حیدرآباد دکن، در ۱۳۵۷ ق و سپس به کوشش: عبدالحلیم محمد عبدالحلیم و عبدالرحمن حسن محمود و مقدمه تیجانی در ۱۹۷۲ م و بعد به کوشش: احمد عمر هاشم، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۱۷. موضع ارهام الجمع و التفریق، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۸ ق، در ۲ جلد.
۱۸. المؤلف لتکملة المؤلف والمختلف، در حیدرآباد و بعد در بیروت، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۱۹. من وافقت کتبه اسم ابيه مما لا يؤمن وقوع الخطأ فيه، به کوشش: فیصل جوایری، کویت، ۱۴۰۸ ق، در ۳ جلد.
۲۰. غنیة الملتبس ایضاح الملتبس، به کوشش: یحیی بن عبدالله بکری شهری، ریاض، ۱۴۲۲ ق / ۱۹۶۴ م. دیگر آثار وی یا خطی است و یا از میان رفته‌اند.
- ابوالحسن طیوری گوید: بیشتر کتابهای خطیب بغدادی و غیراز تاریخ بغداد، کتابهای تألیفی ابو عبدالله محمد بن علی صوری است که خطیب، در هنگام سفر به صور، آن کتابها را که نزد خواهر صوری بود و جمعاً ۱۲ عدل (۱۲ بار) کتاب بود، برداشت و به نام خود کرد.^۱ این سخن را غیر از طیوری کسی دیگر، نگفته است. شاید هم منظور این باشد که وی کتابهای صوری را برداشت و در کتابخانه خویش نگهداشت و از آنها استفاده کرد.

شیفتگی خطیب به کتاب

از داستانی که ابوالحسن طیوری نقل کرده و به آن اشاره کردیم، به خوبی روشن می‌شود که خطیب بغدادی، به کتاب و جمع‌آوری آن علاقه بسیار داشته و از اینکه دوازده عدل کتابهای صوری را از صور لبنان برداشته و به بغداد برده است، آشکارا می‌توان استفاده کرد که وی به گردآوری کتاب و تهیه آن علاقه‌مند بوده است.

شدت علاقه وی را به کتاب و مطالعه آن، ابن جوزی چنین بیان کرده است که وی راه می‌رفت و در همان حال جزوه‌ای را که در دست داشت مطالعه می‌کرد.^۲ یعنی حتی در موقع راه رفتن نیز، دست از مطالعه نمی‌کشید.

گویند وی دارای اموال و ثروتی بود و هنگام بیماری، نامه‌ای به القائم بامرالله نوشت که من وقتی مردم، اموال برای

۱. المنتظم، ۱۴۳/۸ - ۱۴۴ - ۲۶۶؛ معجم الادباء، ۲۱۱۴ - ۲۳.

۲. المنتظم، ۲۶۷/۸، ۳۱/۱۶۱؛ معجم الادباء، ۲۲/۴.

وزیر مغربی بود و در بغداد متولد شد. او در زمان ریاست محمد بن یاقوت، در دیوان بغداد کاتب بود و بعد از عراق به شام رفت و به اخشید پیوست، اما پدر و عموی وزیر مغربی در بغداد ماندند تا آنکه غلام اخشید، آنها را به مصر برد.^۵

پس از چندی ابوالقاسم، به حلب نزد حمدانیان رفت و به سیف الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان پیوست و کاتب سیف الدوله شد و گویا در سال ۳۵۴ قمری، هنگام بازگشت از اسارت، به حلب، در راه درگذشت.^۶

سومین فرد نامدار این خاندان: ابوالحسن علی بن حسین بن محمد مغربی (مقتول ۴۰۰ قمری) که در حلب دیده به جهان گشود و در ۳۵۶ قمری به وزارت سیف الدوله حمدانی رسید و در زمان سعدالدوله، کاتب دیوان و پس از چندی

بیت المال است و من اجازه می‌خواهم که آنها را به هر کس که خواهم بدهم و خلیفه به وی اجازه داد و او آن اموال را بین اصحاب حدیث تقسیم کرد و آن مبلغ دوست‌دینار بود و نوشته‌اند که وی کتابهایش را وقف مسلمانان کرد و آنها را تسلیم ابوالفضل ابن خرون نمود و در واقع وی را وکیل و وصی خود نمود و ناظر بر کتابهایش و او کتابها را حفظ و نگهداری کرد و پس از او فرزندش حافظ و نگاهبان و ناظر بر آن کتابها بود، تا اینکه این کتابخانه در منزل وی آتش گرفت و کتابها در آتش سوخت.^۱

۶۸. ابوالفرج محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین مغربی (متوفی ۴۷۸ ق / ۱۰۸۵ م) کاتب، رئیس دیوان انشاء و دیوان جیش و وزیر دولت فاطمیان در مصر.

تاریخ تولد و زادگاه وی دانسته نیست، اما احتمال دارد در بغداد دیده به جهان گشوده باشد. او به خاندانی منسوب است که در اصل اهل بصره بوده‌اند که به بغداد کوچ کرده‌اند. برخی نوشته‌اند که خاندان بنو مغربی که ابوالفرج به آن منسوب است، در اصل خاندانی، ایرانی و شیعی مذهب بوده‌اند که در سده چهارم و پنجم قمری می‌زیسته‌اند و در دربار امیران بغداد، حلب، مصر، موصل و میاناراقین نفوذ فراوانی داشته‌اند و نسب آنان به بهرام گور پادشاه ایرانی می‌رسد.

ابن عساکر نسب‌نامه جد وی را چنین نوشته است: «علی بن حسین بن محمد مغربی ابن یوسف بن بحر بن بهرام بن مرزبان بن ماهان بن بازام بن ساسان حرون بلاس بن حاتناسف بن فیروز بن یزدجرد بن بهرام بن جور بن جرد ابوالقاسم المعروف بابن المغربی الوزير».^۲

بنابر رساله مشهورترین فرد این خاندان وزیر مغربی که ابن عدیم آن را نقل نموده، نیای بزرگ این خاندان از مردم بصره بود که در فتنه بریدی، در سال ۳۱۹ قمری، به بغداد مهاجرت کرد و متصدی «دیوان المغرب» یعنی دیوان جمع‌آوری خراج قسمت غربی بغداد شد و از این رو اعقاب وی و خود او به «مغربی» شهرت یافتند. برخی هم احتمال داده‌اند که آنان در اصل اهل مغرب باشند.^۳

نخستین فرد این خاندان، ابوالحسن علی بن محمد، جد اعلا و نیای بزرگ این خاندان بود که پس از عزیمت از بصره و سکونت در بغداد، عهده‌دار «دیوان المغرب» شد.^۴

دومین فرد از این خاندان: ابوالقاسم حسین بن علی، جد

۱. معجم الادباء، ۲۷/۴؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۹۹.

۲. الذخائر و التحف، رشید بن زبیر، ص ۲۶۲؛ المنتظم ابن جوزی، ۲۲/۸؛ رجال نجاشی، ۱۹۱/۱ - ۱۹۲؛ وفيات الاعیان، ۱۷۲/۲ - ۱۷۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ۴۲۲/۴ - ۴۲۴؛ الکامل فی التاريخ، ۸۷/۹ - ۸۹، ۳۳۱ - ۳۳۶، ۳۶۲؛ المنتقی من اخبار مصر ابن میسر، ص ۱۸؛ اخبار الدولة المنقطعة ابن ظافر، ص ۷۹ - ۸۰؛ الاشارة إلى من نال الوزارة، ص ۴۷ - ۴۸؛ بغية الطلب فی تاریخ حلب، ۲۷/۶، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴ (چاپ سزگین)؛ زبدة الحلب من تاریخ حلب، ۱۵۲/۱، ۱۷۳، ۱۸۸، ۱۸۹؛ ذیل کتاب تجارب الامم، ص ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸؛ تاریخ الفارقی، ص ۱۳۹ - ۱۴۰؛ ذیل تاریخ دمشق، ص ۶۲، ۶۴؛ الفاظ الحنفاء، ۲۹۴/۲ - ۲۹۵، ۳۲۲؛ خطط مقریزی، ۳۳۵/۱، ۳۵۶، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۴۰، ۱۵۷/۲ - ۱۵۸، ۱۵۸؛ المقفی الکبیر، ۵۰۲/۵ - ۵۰۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۹۴/۱۷؛ دمیة القصر، ۱۱۵/۱ - ۱۲۰؛ الذخیره فی محاسن اهل الجزيرة، ۴۷۵/۲/۴ - ۵۱۵؛ معجم الادباء، ۷۹/۱۰ - ۹۰؛ المختصر فی اخبار البشر، ۱۵۵/۲؛ تممة البیئمة، ۲۴/۱؛ الصبر ۱۲۸/۳؛ النجوم ابن سعید، ص ۳۵۷؛ حسن المحاضرة، ۲۰۲/۲؛ سیرة المؤید فی الدین، ص ۱۷۷؛ الوزارة فی العصر الفاطمی، ص ۲۵۸؛ نظم الحکم بمصر فی عصر الفاطمیین، ص ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۵۴؛ فاطمیان در مصر، ناصری طاهری، ص ۱۴۷؛ بنوالمغربی و دورهم سیاسی و الاداری خلال القرنین الرابع و الخامس البحرین (رسالة ماجستير، مقدمة لکلمة الاداب جامعة بغداد، فی ۱۹۷۶ م، محمد کریم ابراهیم حسن، ص ۳۲۶ - ۳۵۰؛ تاریخ خلفای فاطمی، ص ۳۴؛ النجوم الزاهرة، ۱۱/۵، ۱۸، ۱۹، ۷۰؛ ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۳۸؛ اعیان الشیعة، ۱۱۱/۶ - ۱۱۴؛ الوزير المغربی ابوالقاسم الحسین بن علی، ص ۱۰۹، ۱۶۲، ۲۰۲، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۳۳؛ دانشنامه جهان اسلام، ۳۶۴/۴ - ۳۶۵.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ۴۲۲/۴ - ۴۲۴.

۳. بغية الطلب فی تاریخ حلب، ۲۷/۶، ۳۰، ۳۱؛ وفيات الاعیان، ۱۷۲/۲، ۱۷۷؛ رجال نجاشی، ۱۹۱/۱ - ۱۹۲.

۴. بغية الطلب فی تاریخ حلب، ۳۱/۶؛ وفيات الاعیان، ۱۷۷/۲.

۵. بغية الطلب، همانجا.

۶. همان، ۲۷/۶، ۳۱، ۳۲.

شیفتگی وی به کتاب

با اینکه در باره شیفتگی و علاقه وی به کتاب مطالب زیادی و یا بهتر بگوییم، اشاره صریحی در منابع نیامده، ولی از داستانی که در باره وی در فتنه سپاهیان خلیفه المستنصر و یا شکست ناصرالدوله در مصر ذکر کرده‌اند، می‌توان به علاقه وی به کتاب و اینکه وی در صدد گردآوری کتاب بوده و کتابخانه‌ای بزرگ و نفیس داشته، پی برد و آن داستان از این قرار است که نوشته‌اند: در عهد المستنصر فاطمی، فتنه و آشوبی در میان سپاهیان وی برپا شد. این اختلاف در بین لشکریان حبشی و سپاهیان ترک او روی داد، تا اینکه آخر الامر در سال ۴۶۱ قمری، با تدبیر ناصرالدوله، سپاهیان حبشی شکست خوردند و ناصرالدوله، از المستنصر تقاضای پاداشی کرد و ابوالفرج محمد بن جعفر مغربی که از همراهان وی بود، تعداد فراوانی کتاب دریافت کرد که ۲۵ بار شتر بود، به ارزش صد هزار دینار، در حالی که او فقط پنج هزار دینار خواسته بود.^{۱۰} این مطلب نشان می‌دهد که وی به کتاب علاقه داشته که این مجموعه بزرگ را از خلیفه گرفته است و گویا خود نیز، کتابخانه‌ای داشته است. رشید بن زبیر، نوشته است که من در مصر بودم و در اول محرم سال ۴۶۱ قمری، دیدم که ۲۵ بار شتر از محموله کتاب را به خانه ابوالفرج مغربی می‌بردند و دانستم که این کتابها را از کتابخانه قصر فاطمیان گرفته بود. طولی نکشید که پس از شکست ناصرالدوله در ماه صفر سال ۴۶۱ و به یغما رفتن تمام هستی او، کتابهای ابوالفرج مغربی و کتابخانه‌اش به غارت رفت.^{۱۱}

وزیر شد.^۱ و بعد به العزیز حاکم و خلیفه فاطمی در مصر پیوست و پس از چندی به کوفه رفت.^۲ بعد دوباره به مصر بازگشت و در زمان الحاکم خلیفه فاطمی دستگیر و خود و برادرش و دو فرزندش به قتل رسیدند و تنها ابوالقاسم فرزندش موفق به فرار شد.^۳

چهارمین فرد این خاندان، ابوالقاسم حسین بن علی بن حسین مغربی بود که در ۳۷۰ قمری، در مصر زاده شد و برخی تولد وی را در حلب دانسته‌اند.^۴ او پس از کشته شدن پدرش، به رمله رفت و پس از چندی به عراق نزد فخرالملک وزیر عباسی رفت و پس از درگذشت فخرالملک در سال ۴۱۴ قمری، به بغداد رفت و منصب وزارت یافت و سال بعد به موصل نزد قرواش امیر بنی عقیل رفت و کاتب او شد و بعد به دیار بکر رفت و وزیر احمد بن مروان شد و در ۴۱۸ قمری درگذشت و در جوار حضرت علی(ع) در نجف به خاک سپرده شد.^۵ وی دارای آثار و تألیفات فراوانی است.^۶

و بالاخره آخرین فرد این خاندان که بسیار معروف بوده: ابوالفرج مغربی محمد بن جعفر است. او مدتی در مغرب ماند و پس از چندی در مصر به خدمت الناصر حسن بن علی یا زوری، وزیر المستنصر فاطمی درآمد و کاتب دیوان جیش گردید. پس از برکناری این وزیر و به وزارت رسیدن ابوالفرج بابلی، ابوالفرج مغربی نیز، جزء یاران یازوری دستگیر و زندانی شد، ولی به دلیل توجه و عنایتی که مادر خلیفه به وی داشت، در همان سال از زندان آزاد و به وزارت برگزیده شد و برخلاف بابلی، وی هیچ اقدامی علیه بابلی انجام نداد. به هر حال وی در ۴۵۰ قمری، به وزارت رسید و دو سال در این سمت باقی ماند و در ۴۵۲ قمری، هنگامی که از وزارت برکنار شد، برخلاف رسم متعارف آن روزگار که اگر وزیری از سمت خود برکنار شد، در دستگاه دولتی جایی نداشت، اما ابوالفرج مغربی، خود «دیوان انشاء» را اقتراح و ابداع کرد و خود متولی این دیوان گردید و گویا تا آخر عمرش، در این سمت باقی ماند. او نخستین کسی بود که دیوان انشاء را در مصر و در حکومت فاطمیان، به وجود آورد^۷ و هر کس پس از او به این سمت منصوب می‌گردید، ملقب به شیخ اجل می‌شد و به او «کاتب الدست الشریف» می‌گفتند.^۸ پس از اینکه امیر الجیوش بدرجمالی وارد مصر شد، به او پیوست و با او بود، تا اینکه در سال ۴۷۸ قمری، دیده از جهان فرو بست.^۹

۱. تاریخ مدینه دمشق، ۴۲۲/۴۱؛ بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ۱/۱۵۲، ۱۷۳.

۲. الکامل فی تاریخ، ۸۷/۹-۸۹.

۳. الاشارة إلى من نال الوزارة، ص ۴۷؛ ذیل تاریخ دمشق ابن فلتان، ص ۶۲.

۴. بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ۳۴/۶.

۵. وفيات الاعیان، ۱۷۵/۲-۱۷۶؛ الکامل فی تاریخ، ۳۶۲/۹.

۶. وفيات الاعیان، ۱۷۲/۲.

۷. الاشارة إلى من نال الوزارة، ص ۶۴-۶۵؛ ايعاظ الحنفاء، ۳۲۲/۲؛ المقفی الکبیر، ۵۰۲/۵.

۸. النجوم الزاهرة، ۱۸/۵؛ خطط مقریزی، ۴۰۲/۱؛ المقفی الکبیر، ۵۰۲/۵.

۹. المقفی الکبیر، ۵۰۳/۵.

۱۰. الذخائر و التحف، رشید بن زبیر، ص ۲۶۲؛ خطط مقریزی، ۴۰۸/۱-۴۰۹؛ الفاظ الحنفاء، ۲۹۴/۳-۲۹۵؛ الکتاب العربی المخطوط و علم المخطوطات، فؤاد

ایمن سید، ۲۳۹/۱.

۱۱. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۳۴ و منابع پیشین.

نسخه‌های خطی نفیس خریداری شده

سید محمود مرعشی

۲. فقه فارسی، از میرزای قمی ابوالقاسم بن حسن مؤلف کتاب قوانین الاصول و بسیاری دیگر، نسخه بسیار نفیس تمامی به خط مبارک مؤلف، بسیاری از مسائلی که در این نسخه آمده در کتاب دیگر مؤلف به نام جامع الشتات نیامده است.

طبق روال گذشته در سال جاری تعداد ۴۳۰ جلد کتاب خطی نفیس برای کتابخانه خریداری گردیده و تعداد ۱۱۷ جلد نسخه خطی نیز در همین مدت به کتابخانه اهدا شده است. این نسخه‌ها مربوط به کتابخانه‌های شخصی برخی از علمای

قم و سایر شهرستانها و برخی دیگر مربوط به خارج از کشور بوده است. اینجانب طی چند سفر در سال جاری موفق شدم آنها را از خارج برای کتابخانه خریداری نمایم که متأسفانه بیشتر آنها مربوط به یک مجموعه خصوصی در تهران بوده و دو سال قبل صاحب آن درگذشته بود و وارثان وی آنها را به فروش رسانده و سر از برخی کشورهای خارجی درآورده بود. خدای را سپاس که با دعای خیر آن پیر روشن ضمیر، پدر بزرگوام، بنیانگذار این کتابخانه بزرگ موفق شدم آنها را به کشور اسلامی خودمان مسترد نمایم. فهرستی که در زیر آمده، گزیده نسخه‌هایی است که در شش ماهه دوم سال جاری برای کتابخانه خریداری گردیده و اندکی از آنها نیز اهدایی می‌باشد.

۱. رساله فارسی در استخاره، از مرحوم حاج ملا احمد بن ملا محمد مهدی نراقی، عالم برجسته شیعی، نسخه بسیار نفیس به خط مبارک مؤلف، این نسخه تاکنون چاپ و منتشر نشده است. در نظر داریم آن را در این فصلنامه و همچنین در جلد ۵ گنجینه شهاب منتشر سازیم. ش «۱۰۳۹۹ م»



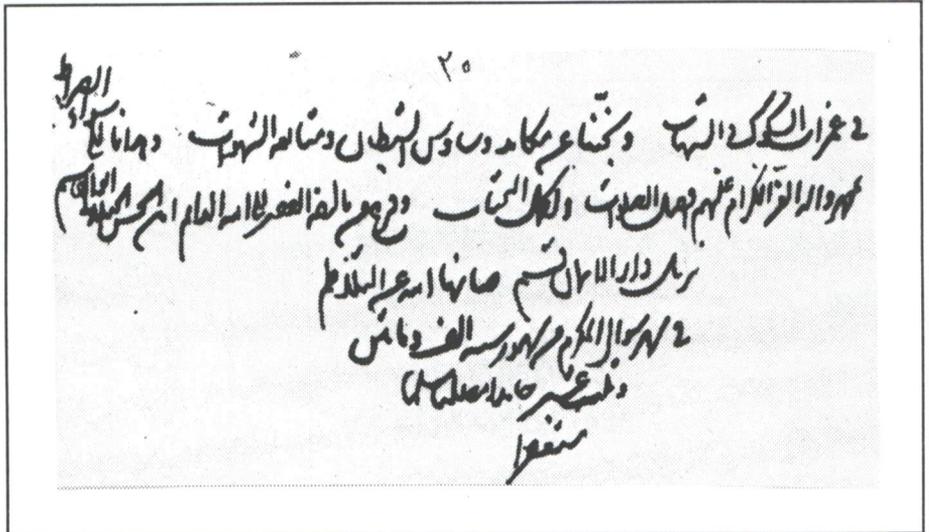
برگ پایانی رساله استخاره به فارسی از ملا احمد بن محمد مهدی نراقی
نسخه اصل به خط مبارک مؤلف، ش ۱۰۳۹۹.

خط نستعلیق، صفحات دارای قلم خوردگی بسیار، کتابت سه شنبه ۱۵ ربیع الثانی سال ۱۱۹۵ هـ در دارالمؤمنین قم.

کتابخانه بزرگ موجود می باشد، اینجانب، به مناسبت سی و ششمین سالگرد آغاز به کار این کتابخانه و در آستانه

سیزدهمین سالگرد ارتحال والد بزرگوارم، مرجع فقید شیعه، بزرگ فرهنگیان میراث اسلامی، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمت الله علیه بر خی از نسخه های بسیار نفیس و کهن نهج البلاغه و شروح و گزیده و حواشی آن را در یک گزارش چاپ و منتشر نموده ام.

ش «۱۳۹۱»

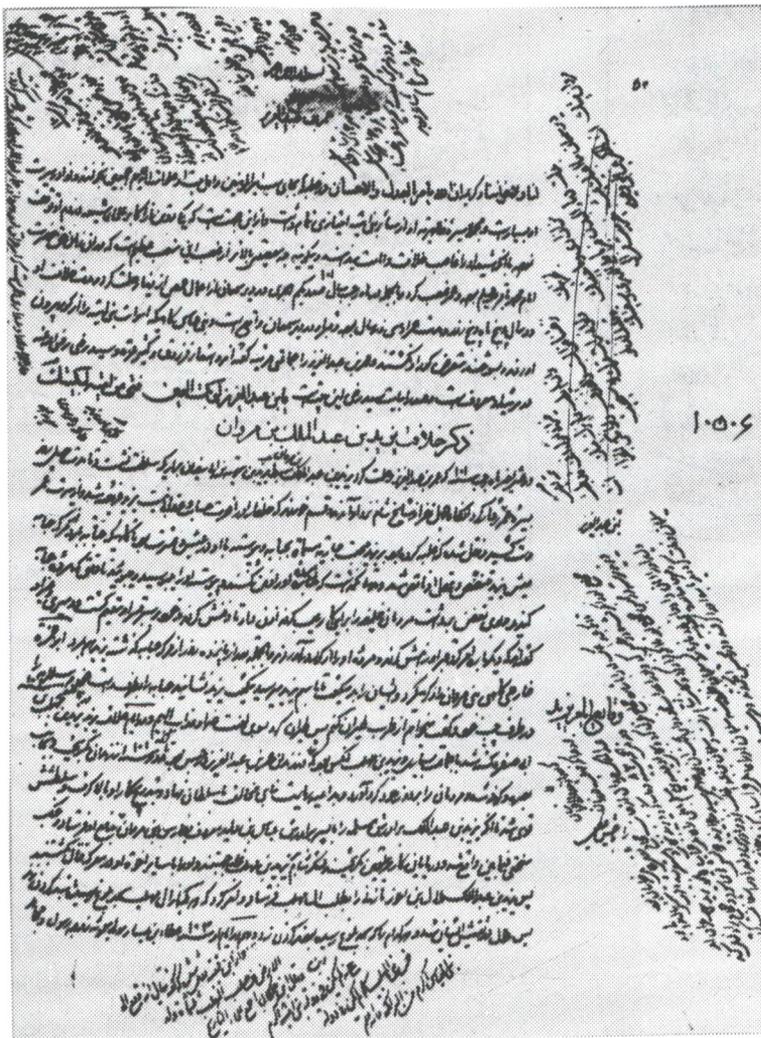


برخی از آثار دیگر این عالم برجسته در این کتابخانه بزرگ موجود می باشد و برخی از آنها نیز نسخه اصل هستند.

ش «۱۰۵۰۵ م»
۳. رساله دیگر فارسی فقهی از مرحوم میرزای قمی، نسخه بسیار نفیس و اصل به خط مبارک مؤلف، خط نستعلیق، مورخ شوال سال ۱۲۱۳ هـ در دارالمؤمنین قم.

ش «۱۰۵۰۵ م»
۴. کتاب تنمة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء، به فارسی از مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ عباس قمی، مؤلف کتاب مفاتیح الجنان، نسخه اصل به خط مبارک مؤلف، خط نستعلیق، قطع رقعی.

ش «۱۰۵۰۶ م»
۵. کتاب نهج البلاغه، از شریف رضی، نسخه بسیار نفیس و کهن مورخ نیمه دوم سده ۷ هـ به خط نسخ مُعرب، بیشترین نسخه های نفیس و کهن کتاب نهج البلاغه در این



کتاب تنمة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء از مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ عباس قمی نسخه اصل به خط ایشان. ش ۱۰۵۰۶ م

هجری، خط نسخ، عناوین شنگرف و مشکی درشت و دارای حواشی بسیار.

۹. مجموعه بسیار نفیس و کهن شامل چهار کتاب از

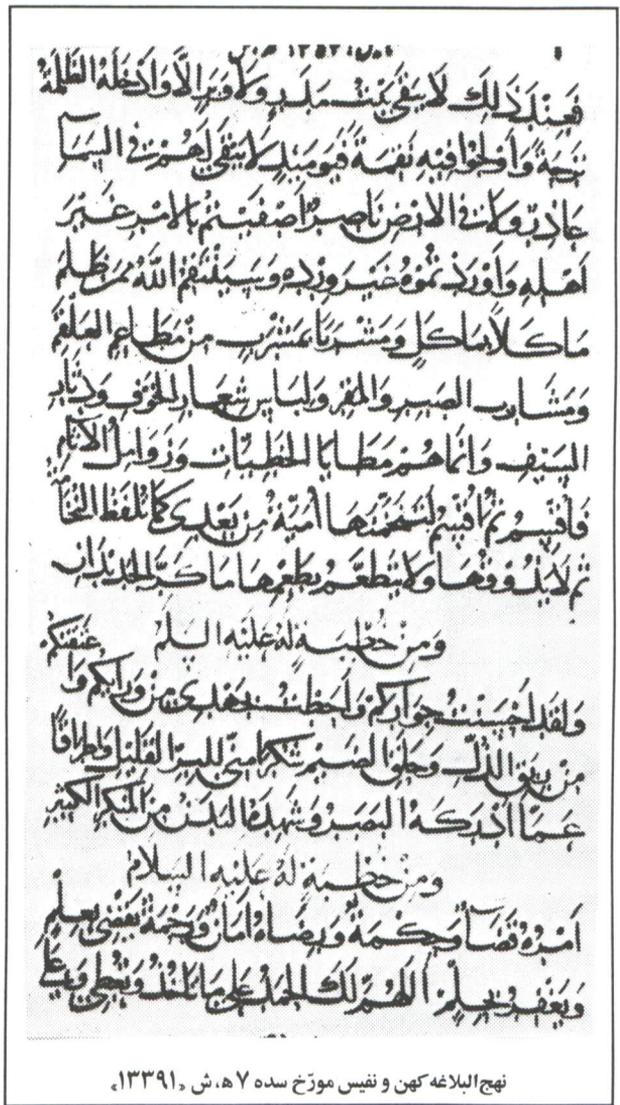


بخشی از یکی از آثار علمی محمد بن زکریای رازی، کتابت سده ۵۷۰ ه. ش، ۱۰۴۰۵ م.

آثار المهدي لدين الله احمد بن يحيى بن المرتضى الدفاري اليمنى از ائمة زيدية يمن، ولادت ۷۶۴، وفات ۸۴۰ هجری، بدین ترتیب:

۱. کتاب المنية والامل فی شرح الملل والنحل؛
 ۲. کتاب الغایات فی شرح القلائد فی تصحیح العقائد در علم کلام؛
 ۳. کتاب دامغ الاوهام فی شرح ریاضة الافهام فی لطیف الکلام؛
 ۴. کتاب منهاج الوصول فی شرح معیار العقول در اصول فقه زیدی.
- این مجموعه در اواخر سده ۸ یا اوائل سده ۹ هجری

۶. بخشی از یک کتاب ناشناخته از آثار محمد بن زکریای رازی، دانشمند برجسته ایرانی، کتابت اوائل سده ۷ هجری، خط نسخ، عناوین شنگرف. ش «۱۰۴۰۵ م»



نهج البلاغه کهن و نفیس مورخ سده ۵۷۰ ه. ش، ۱۳۳۹۱ م.

۷. کتاب نزهة الکرام و بستان العوام به فارسی در امامت، از جمال‌الدین ابی‌عبدالله محمد بن حسین بن حسن رازی مؤلف کتابهای بصره العوام، و الفصول التامة. این نسخه جلد نخست و شامل بابهای ۱۷ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۶ می‌باشد و در ۲ جلد نگاشته شده است، جلد نخست در ۳۰ باب، و جلد دوم در ۶۰ باب، این نسخه بسیار نفیس در نیمه دوم سده ۷ هجری در عصر مؤلف کتابت شده است، بخشی دیگر از این کتاب در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد. ش «۱۳۰۳۲»

۸. کتاب در فقه زیدیه به عربی، مؤلف ناشناخته، نسخه بسیار مهم و نفیس و کهن، کتابت دقیقاً در نیمه دوم سده ۷



کتابت شده است، برگ پایانی افتاده، خط نسخ، عناوین شنگرف. این نسخه نفیس دقیقاً در عصر مؤلف کتابت شده است. مؤلف این مجموعه، آثار دیگری نیز دارد؛ از جمله کتاب معروف: البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الابصار که به سال ۱۳۶۶ هجری در مصر چاپ و منتشر شده است.

ش «۱۰۴۵۹ م»

ابی سعید بن حمزه خواجه الخوارزمی محتدماً «البار جلعی؟» مولداً الموسوم بالرضی در ۱۱ شوال سال ۷۰۶ هجری آمده که نسخه را کاتب برای او خوانده و او این اجازه را برای کاتب نوشته است، عناوین شنگرف، پشت برگ آغازین نسخه یک دایره بزرگ رنگین، همزمان با کتابت نسخه ترسیم شده و در داخل آن با آب طلائی ناب و خط نسخ این عبارت آمده

در امامت اوصیا در میان امتنان در خلاف افد بان نشان کرد با در امور
 درین دلیلی که ملاحظه نمودی کردی که این دو عالم تراست باشد و اولی و تراشما
 باشد در سوال و جواب و مانع از احتیاج بدان باشد از امر نبوت و سنن انبیا
 صلوات الله علیهم اجمعین و آن تو می کنی از کار تو بعضی کردند تو ظلم کنی
 بر تو و نفس خویش کنی تو اهل این هستی
بیت و چهارم
 در آرزوست ازین امر بومر صلوات الله علیه چایلیق از الخ از
 از نور کبر و سستی او و جمله اهل مجلسی از اعجاز و مخیر شدند
 سلمان رضی الله عنه که با خون شیر و رخ و خوری و مذکت در بزم کی بلات
 قوم و دین محمد صلی الله علیه بر خاستم و نمی دانستم کی با جای هم تا بدر طانه
 امیر المومنین علیه السلام در بزم هر روز آمد کشفای سلطان چه بوده است نور انهم
 دین محمد و اسلام بعد از رسولی الله علیه رفت و مهلا شد و اهل کفر بر دین
 غلبه کردند و بخت روشن بر ایشان غلبه کردند بدلیخ خدا کشف کرد اند اهل
 نفاق را و عیوب ایشان بیدار کرد و دلی کرد بر وصی محمد علیهما السلام
 دین محمد ریاب با المومنین کجری قوم رسیدگی ایشان اطاعت از نیست
 و تو امر و مفرج لدویی و کشف کفنه بالاه و صاحب نشان و کلید خرها
 بسته و جرم غنا ریخت و روشن شده مشک کلات و گفت از است سلطان

نزهة الكرام و بستان العلوم در امامت به فارسی از جمال الدین ابی عبدالله محمد رازی. نسخه کهن و نفیس. کتابت سده ۷۷۰ ه. ۱۳۰۳۲.

کتاب معیار العقول و علم الاصول
 مقدمه بعد از مسلم الفقه فی الامامه معنی الخطاب
 الیه من غیره و فی الاصل الفقه الامامی الشریعه المعمله الیه من جمیع اصحابها
 المعصومه و اصول الفقه من طریقه و معنی و احوال و تکلیف و اشتغال
 بها و اشیاء العکسیه مسلم الفقه من المعنی و المعنی المسجله صواعق له
 و الهواز هو الفقه المنقول بغير ما وضعه العلماء الاثر وهو عام و الفقه
 حلالا للاسناد و الناحیه و فی القرآن حلالا للعقوبه لما اصابه عقاب
 با کتبه و خسته مع القرینه و در معنی و اولی و اتان المرید و احصی ما جامع الذلک
مسلم و الفقه ثلاث لغوی و هو ما سئل عن الصحیح المراسل و غیره
 و هو انقله الشيخ الی من غیره و ظل علیه و کماله و عرفه و هو یسأل فی
 و ظل علیه کالتدیه و القار و غیره و انکره و کماله الشریعه و التاقلی
 و الفقه بری و هو ما یوقفت الیه و اناب ان الحاجه و الخیر و المنابر
 و الفقه الی صحبه الیه و انما من مسلم و عدل و کون المعصمه شریکه
 سواها معمله حلالا و عدل و لا یفری و الذلک مطلقا و نور و الفقه من
 و الفقه و صله و اصلا و هو و هل یسمع مطلقا ان الخطیبه من المعصومه
 صحت لما و یومعه کالموت و التواضع و انما من الفقه الی من غیره
 ابرک و یسأل برین المذکر ما کان خشیاه و در وقت و صله الی صحبه
 م عزایم کلما یسأل اذ انما یسأل الیه و انما من الفقه الی صحبه
 و الفقه و الی سوال الی صحبه و لا یحار و فی انهم المعصمه حلالا
مسلم و اذ ان الفقه من الی صحبه و الاشرار ان الحار و اولی و انما من
 و اهل الی امامه مسلم و لا یسأل الحار علی علم الاصول من الی صحبه
 علیه و لا یومعه مسلم و المتراذف و الفقه حلالا و انما من الفقه الی صحبه
 و لا یسأل الی صحبه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه
 حکان و الفقه الی صحبه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه
 الکتابت فی الشیبه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه
 و الکتابت هو الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه
 فله من الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه و الفقه

مجموعه نفیس شامل ۴ کتاب از آثار علمای زیدی یمن کتابت اواخر سده ۸۰۰ ه. ش «۱۰۴۵۹ م»

است: «الدفترا الجامع لكشاف عن حقائق التنزیل للشیخ الامام الاجل العلامة جارالله». این نسخه از لحاظ قطع و خط و کامل بودن و قدمت کتابت کم نظیر و قابل توجه می باشد. ش «۱۳۲۸۶»
 ۱۱. کتاب مصابیح السنه به عربی از بغوی در فقه عامه، نسخه کهن و نفیس، کتابت سلخ جمادی الاول سال ۷۱۳ هجری، خط نسخ مُعرب خوش و درشت. ش «۱۳۳۶۴»

نسخه های خطی خریداری شده

شنبه ۱۴ رجب سال ۷۳۴ هجری به خط نسخ خوش علی بن محمد خجندی.

ش «۱۳۳۴۴»

۱۵. کتاب التیسیر فی

القرآت السبع، نسخه بسیار

نفیس و کهن مورخ سه شنبه

دوم رمضان سال ۷۶۲

هجری، خط نسخ خوش

محمد بن علی الحافظ در

شهر شوشتر. ش «۱۳۳۵۰»

۱۶. کتاب بحر الحقائق

والمعانی فی تفسیر السبع المثانی،

به عربی از: نجم الدین عبدالله

بن محمد اسدی معروف به

نجم الدین دایه، متوفی ۶۵۴

هجری، نسخه بسیار نفیس و

کهن مورخ نیمه دوم سده ۸

هجری. دو نسخه کهن و

نفیس دیگر در این کتابخانه

بزرگ موجود می باشد و

قبلاً فهرست شده اند.

ش «۱۳۳۵۱»

۱۷. جُنگ بیاضی بسیار

کهن و نفیس و ارزشمند

فارسی شامل مطالب متنوع

از جمله رساله ای مختصر با عنوان: المجلس من کلام السيد

الامام ظهیر الدین الجرجانی، اشعار فارسی بسیاری از

شعراى قدیم از جمله رشیدالدین وطواط، محی الدین بیلقانی،

محمد عبدالرزاق اصفهانی، شیخ علی جوینی، کمال الدین

اصفهانی، بدرالدین طالقانی، و اشعار عربی ابوالمعالی

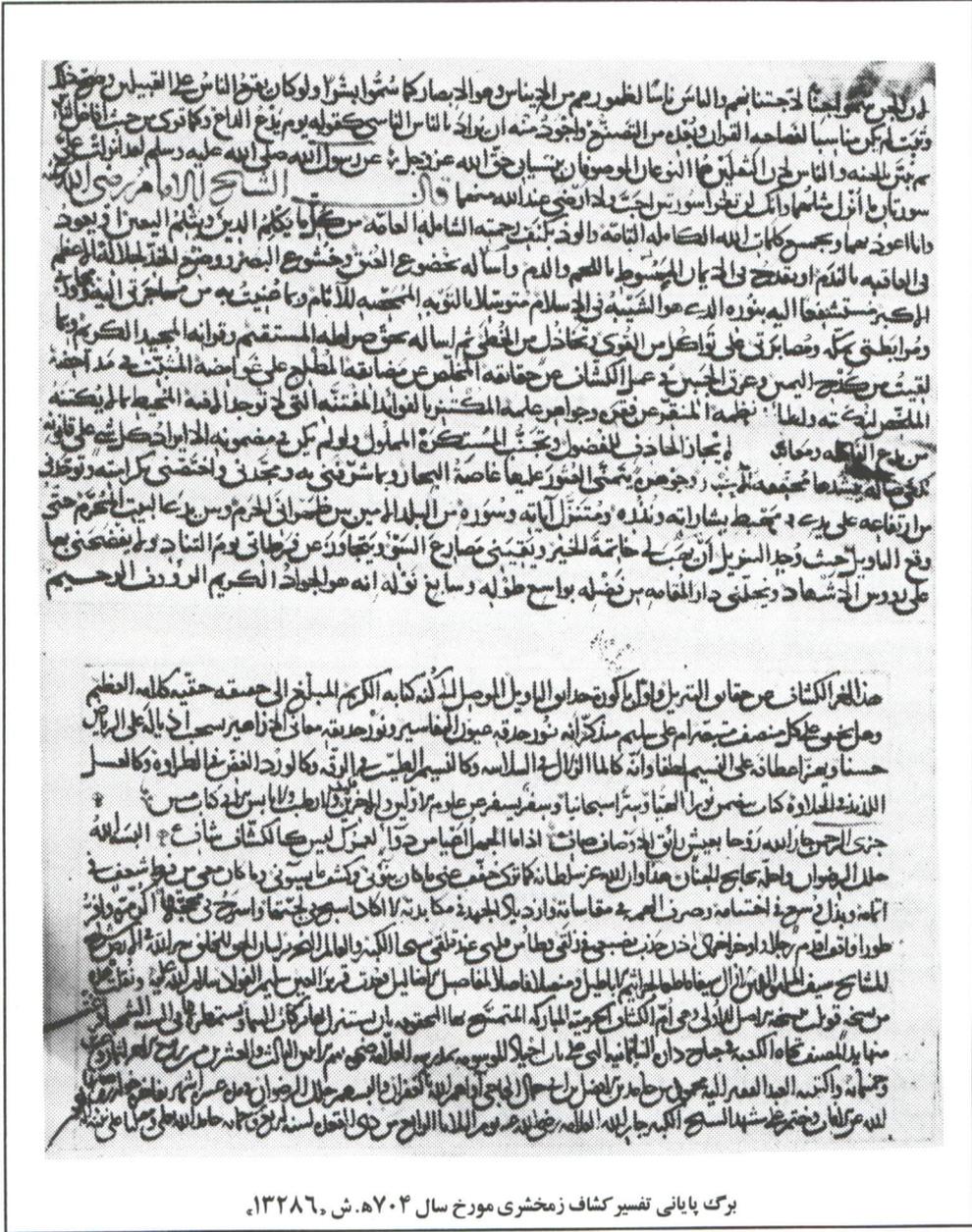
محمد بن رشید، رساله ای به فارسی در شطرنج و رساله ای در

لطایف و نکات و حکایات به فارسی و غیر آنها. کتابت این

نسخه کهن در نیمه ذی القعدة سال ۶۵۱ هجری در خانقاه

الغری، خط نسخ، عناوین سنگرف قطع رقعی کوچک

بیاضی. ش «۱۰۵۲۶»



برگ پایانی تفسیر کشف زمخشری مورخ سال ۵۷۰۴ ه. ش ۱۳۲۸۶.

۱۲. نسخه دیگر مصابیح السنة، نسخه کهن و نفیس مورخ

سال ۷۵۲ هجری، این نسخه متأسفانه فرسوده شده و نیاز به

بازسازی جدی دارد.

ش «۱۰۳۱۶ م»

۱۳. کتاب معالم السنن در شرح سنن ابی داود در احادیث

اهل سنت، تألیف ابوسلیمان حمد بن محمد بن ابراهیم بن

الخطاب الخطابی البُستی، متوفی ۳۸۸ هجری در شهر بُست.

نسخه بسیار نفیس و کهن مورخ چهارشنبه ۱۳ ربیع الآخر

سال ۷۷۴ هجری. جلد این نسخه نیز اصلی و همزمان با

کتابت نسخه ساخته شده است. ش «۱۳۰۱۸»

۱۴. کتاب سجاوندی به عربی، نسخه کهن و نفیس مورخ

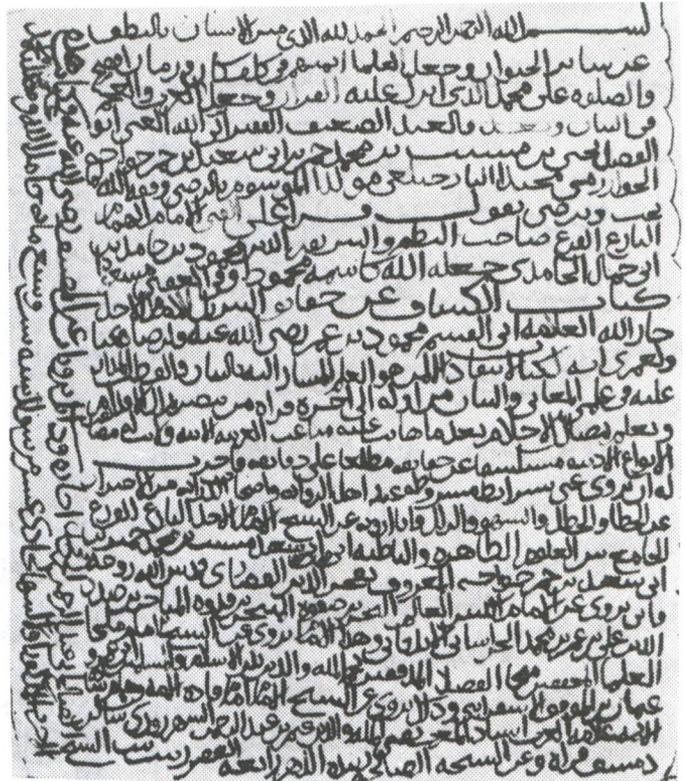


۲۰. کتاب المصباح الكبير به عربی از شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی متوفی ۴۶۰ هجری، نسخه نفیس و کهن مورخ یکشنبه ۷ ربیع الاول سال ۹۳۷ هجری، خط نسخ خوش، عناوین شنگرف، قطع وزیری.

ش «۱۰۵۳۸»

۲۱. نسخه دیگر کتاب المصباح، نسخه نفیس و کهن مورخ پنجشنبه ۳ ربیع الثاني سال ۹۳۳ هجری به خط نسخ فخرالدین بن اشرف حسینی استرآبادی، در پشت برگ آغازین نسخه، دستخط مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری از مراجع عظام تقلید گذشته و بنیانگذار مدرسه علمیه حجتیه در قم آمده و این نسخه در کتابخانه شخصی آن مرحوم قرار داشته است. پس از ایشان نسخه‌های نفیس آن کتابخانه از سوی وراث محترم آن فقید سعید به فروش رفت و بحمدالله اینجانب موفق شدم بیشترین نسخه‌های خطی آن کتابخانه را در چند فقره از بازماندگان ایشان برای این کتابخانه بزرگ خریداری نمایم.

ش «۱۰۵۳۵» م



اجازه به خط یحیی بن مسیب خوارزمی در پشت برگ پایانی تفسیر الکشاف به سال ۵۷۰۶ ه. ش ۱۳۲۸۶.

۱۸. مجموعه دو کتاب بسیار مهم و نادر و نفیس و کهن

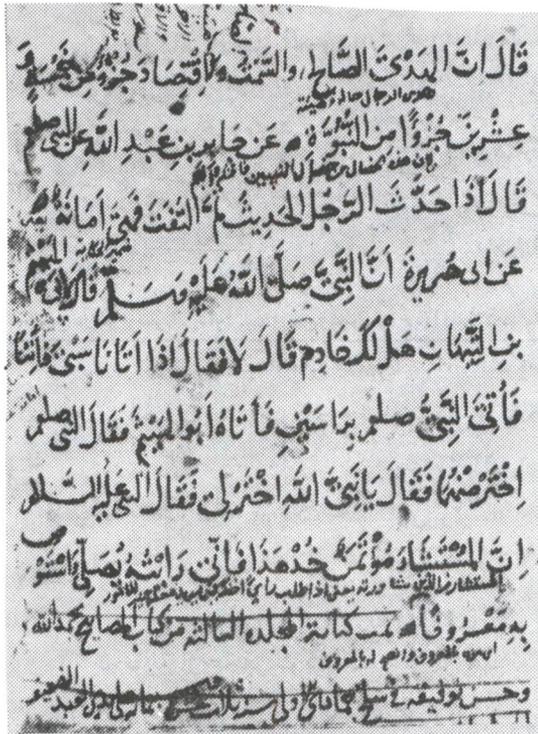
فارسی و عربی بدین شرح:

۱. کتاب بیان الادیان در شرح مذاهب و ملل و ادیان به فارسی از: ابوالمعالی محمد بن نعمت‌الله بن عبیدالله بن علی بن حسن بن حسین بن جعفر بن عبیدالله بن حسین الاصغر ابن الامام زین العابدین (ع) در این اثر مؤلف جمیع فرقه‌های عامه و سایر فرق مسلمانان را آورده است.

۲. کتاب عمدة المقال به عربی از شیخ حسین بن علی بن عبدالعالی گرگی که به سال ۹۷۲ هجری آن را نگاشته است. نسخه بسیار نفیس و نایاب، این مجموعه در اواخر سده ۱۰ یا اوائل سده ۱۱ هجری به خط نسخ خوش کتابت شده است. این نسخه قبلاً در کتابخانه مرحوم میرزا عبدالله بن عیسی بیگ اصفهانی مؤلف کتاب ریاض العلماء قرار داشته و دستخط و مهر ایشان در پشت برگ آغازین کتاب دوم مشهود می‌باشد. عناوین شنگرف، قطع وزیری بزرگ. ش «۱۰۵۱۰» م

۱۹. جلد سوم تفسیر الکشاف زمخشری، عربی مورخ سده ۹ هجری، خط نسخ، عناوین شنگرف، قطع وزیری بزرگ.

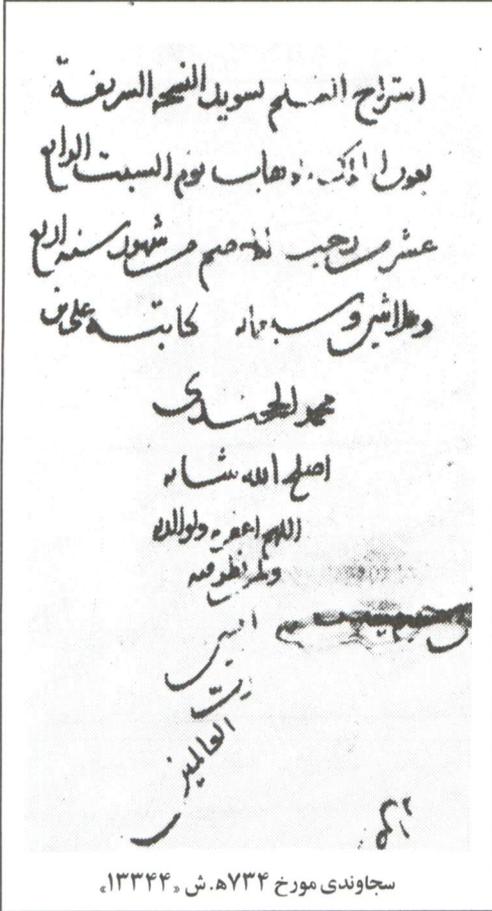
ش «۱۰۵۳۷» م



کتاب مصابیح السنة بقوی مورخ جمادی الاول سال ۵۷۱۳ ه. ش ۱۳۳۶۴.

۵. تحقیق مسئله رضاع از محقق کرکی مورخ همان ۲۵ شوال همان سال.
 تمامی این مجموعه به خط نسخ طالب علی بن حسین

۲۲. کتاب الاستبصار به عربی از شیخ الطائفه طوسی، نسخه نفیس و کهن مورخ ۹۵۲ق به خط نسخ یوسف بن محمد خلخالی، عناوینی شنگرف، قطع وزیری کوچک. ش «۱۰۵۳۶م»



سرکانی در نجف اشرف، عناوین شنگرف، قطع جیبی. ش «۱۰۵۱۱م»
 ۲۵. کتاب کنز المطالب فی کشف رمز المکاسب به عربی در تعلیقه کتاب مکاسب شیخ، تألیف یحیی بن محمد بن حسن حسینی خراسانی معروف به هندی که از دروس استاد خود شیخ محمدجعفر گلپایگانی استفاده نموده است.
 نسخه نفیس و نایاب، قطع جیبی، خط نستعلیق از اوائل سده ۱۴ هجری. ش «۱۰۵۱۲م»
 ۲۶. جلد ۳ و ۴ کتاب انوار الهدایه و اسرار الفقاهه به عربی تألیف همان مؤلف، نسخه نفیس و نایاب، نسخه اصل به خط مؤلف در سه شنبه ۲۰ شوال سال ۱۳۱۲ هجری از جلد سوم آن فارغ شده است، خط نستعلیق مؤلف، عناوین مشکی، صفحات قلم خوردگی دارد، قطع رقعی بزرگ. ش «۱۰۵۱۳م»

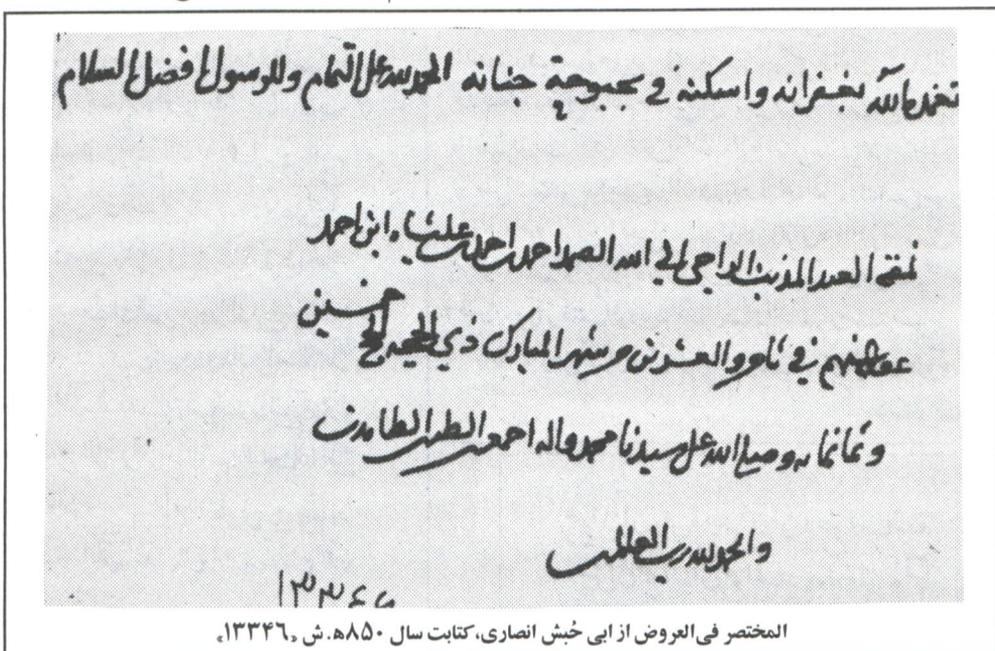
کتاب معالم السنن در شرح سنن ابی داود. نسخه کهن و نفیس مورخ ۱۳ ربیع الآخر سال ۵۷۷۴ هـ ش ۱۰۳۱۸.
 ۲۳. شرح وقایه الروایة از عبیدالله بن مسعود بن تاج الشریعة، عربی، مورخ نیمه نخست سده ۱۰ هجری، قطع رقعی کوچک، خط نسخ. ش «۱۰۵۳۴م»
 ۲۴. مجموعه چند رساله در یک جلد بدین ترتیب:
 ۱. تشریح الافلاک شیخ بهاءالدین عاملی مورخ ۱۰۸۵ هجری.
 ۲. الرسالة الجعفریة از محقق کرکی شیخ علی بن عبدالعالی به عربی، کتابت در عصر مؤلف ۱۲ رمضان سال ۹۳۹ هجری.
 ۳. واجبات صلوة به عربی از محقق کرکی کتابت همان سال.
 ۴. عقود و ایقاعات از کرکی مورخ همان سال.

سال هشتم، شماره چهارم، شماره پانزدهم ۳۰



۳۱. جلد ۱۷ کتاب الموائد الخفية تعليقه بر الروضة البهية به عربی از سید حسن بن احمد حسینی کاشانی نجفی ساکن مشهد مقدس متوفی به سال ۱۳۴۳ هجری و مدفون در همانجا. این جلد را مؤلف در ۱۸ ربیع المولود سال ۱۲۹۸ هجری به پایان برده است. این نسخه از روی نسخه اصل کتابت شده است، خط نستعلیق خوش، عناوین قرمز، قطع جیبی. ش «۱۰۵۱۸ م»

۳. برخی تقریرات عربی دیگر، خط نستعلیق، عناوین مشکی، قطع رقی. ش «۱۰۵۲۲ م»
 ۳۶. مجموعه دو کتاب در یک جلد: ۱. حاشیه شرح موافق از اول تا امور عامه به عربی، ناشناخته.
 ۲. حاشیه شرح طوابع به خط همان کاتب کتاب اول، نسخه کهن و نفیس مورخ ۸۹۷ هجری. ش «۱۳۳۴۷»
 ۳۷. شرح کتاب المختصر فی علم العروض از ابو عبدالله محمد



بن ابی حُبش انصاری عروضی متوفی ۵۴۹ هجری، نسخه کهن و نفیس مورخ ۸۵۰ هجری. ش «۱۳۳۴۶»
 ۳۸. کتاب لوامع الاسرار در شرح مطلع الانوار، از سراج‌الدین محمود ارموی متوفی ۶۸۲ هجری، نسخه نفیس و کهن مورخ نیمه نخست سده ۹ هجری، شرح دیگری با عنوان: لوامع الافکار فی شرح مطلع الانوار از شمس‌الدین ابوالثناء محمود بن

۳۲. جلد ۶ الموائد الخفية از همان مؤلف، این نسخه نیز از روی نسخه اصل در ذی‌قعدة سال ۱۳۲۰ هجری کتابت شده است. خط نستعلیق خوش، عناوین قرمز، قطع جیبی. ش «۱۰۵۱۹ م»

عبدالرحمن اصفهانی متوفی ۷۴۹ هجری در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد که تاکنون منتشر نشده است. خط نسخ، عناوین شنگرف. ش «۱۳۳۴۵»

۳۳. جلد ۷ کتاب الموائد الخفية از همان مؤلف، این نسخه نیز از روی نسخه اصل کتابت شده است. خط نستعلیق خوش، عناوین قرمز، قطع جیبی. ش «۱۰۵۲۰ م»

۳۹. حاشیه بر تفسیر کشف زمخشری به عربی، ناشناخته، نسخه کهن و نفیس مورخ اوائل سده ۹ هجری، برگ پایانی افتاده است. ش «۱۳۳۴۹»

۳۴. تعلیقات مفیده علی الروضة البهية از همان مؤلف، مؤلف این جلد را در ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰ هجری به پایان برده است. خط نستعلیق، عناوین مشکی، قطع جیبی. ش «۱۰۵۲۱ م»

۴۰. مجموعه دو کتاب در یک جلد: ۱. کتاب الشمسية فی علم الحساب به عربی از نظام‌الدین نیشابوری مفسر صاحب شرح نظام بر شافیه و تفسیر کبیر، نسخه نفیس و کهن مورخ ۸۶۳ هجری به خط حیدر حافظ ابرقوثی.

۲. رسالة ملحق الشمسية به عربی از حمزة بن علی المشتهر به سعدالبيهقي، به خط همان کاتب رسالة اول و مورخ همان سال، دارای تملکی به سال ۹۴۳ هجری. ش «۱۳۳۴۱»
 ۴۱. فقه عامه ناشناخته به عربی، نسخه نفیس و کهن مورخ ذیحجه سال ۸۷۶ هجری، خط نستعلیق، عناوین مشکی. ش «۱۳۳۴۳»

۳۵. مجموعه شامل:
 ۱. تقریرات فقه مرحوم آیت‌الله سید محمد حسینی رازی لواسانی احتمالاً پدر مرحوم آیت‌الله سید کاظم عصّار.
 ۲. تقریرات فقه مرحوم آیت‌الله محمد باقر بن محمدتقی، مورخ ۲۷ شعبان سال ۱۳۰۵ هجری.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قال صار الله العلامة أحسن الله كرامه في دار المقام
 المجد الذي أنزل القرآن كلاماً مؤلفاً منظماً: دل على المعنى
 والملك على اختصاص الحمد به تعالى ثم وصفها بآيات القرآن وتوابعها وما ورد فيها
 به يعاين لراحة الاستدلال وسهولة فهمه أنه نوع حريصة سمح أن يمدح عليها
 وقد كلفه أن أوصافاً كالتي تناسب إعجازه الذي يصرح به وتشد من
 أعضاده كونه نوع محمود عليها ولما كانت هذه الصفات تدل على جوده
 كما هو مذهب وكان محتثاً باظهاره ومقتضياً به إشارات الاله بجملة غير اضحية
 ونسب على أن الخدوت انما لزمه لئلا يذم سجانته عن الشركة في صفة القدم
 لا للمصان فيه ومنه جمل من مقاصد سر وهلك تقاصيلها والله الرحمن
 بربك انه واقع في ام الفهم خلق مكان انزل لم غيره المصنف وان يصح ذلك
 والتغير لغوايد ان الخلق اذا نسب الى ما سمن حسن القول فقدره
 به معنى الاختلاف مع خلق هذا الكلام واحداً اي انزاه فلا حسن استعمال
 في هذا المقام وان اريد به معنى لغيره ان كون القرآن نادياً امر شنيع عند الحكم
 فاراد ان يكتمه اولاً ثم يظهره بعد سقوط مقدمات مستترة عنده مستترة
 في بعض الامور فان ذلك القوي في استدلاله الى التسليم من حيث الاستسار به
 الاحواز عن الكواراذ قد حكم فيها بعد جوده في الاشارة الى خلقه كون
 حاشية بر تفسير كشاف. مورخ اوائل سدة ٥٩٠ هـ. ش ١٣٣٩.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الذي ابدع بظهوره احسان الموجودات التي خرج من عدم الى الوجود انواع
 الصنوعات الخلق الذي خلقه قدره احساناً جلالاً كفاً كثره الذي افاض بكرمه الخبير
 والبر على القربى واليساطة والكرامات القادر الذي جعل امتزاج السبايطه ببعضها
 لتولد العروق والحيوان والنبات العالم الذي لا يعرب عن علمه شطال قرة في الارض والاسمان
 الذي فضل انفس من البشرية على ساير النفوس باذلال تلك الكليات وجعل الامتصاص شراكة
 في الابدان في الفصول والذاتيات وقير بعضها عن بعض بالعرض والظواهر للشخصيات
 والقوة على رسول اللويدة الايات والهجرات وعلى له واصحابه الانجم الزاهرات فان كتاب
 مطالع الانوار للنسوة هذا الامام العالم انعم الله عليه من اهل الاسلام والحمد لله رب العالمين
 بهفهمه واسكنه جنة عرضها كثر كتاب كثير العلم وان كان صفة الخلق كثره مشاهديها
 المتقدمين والقرنوايد الاخرين والاوليين مع ما حشر شريفه وفوايد لطيفة وضوابط كلية وفراعه
 منطقية وحقائق مختصرة عليه ودقائق متبسطة على امجده ومصنفات القوم في هذا الفن ومع ذلك
 وغاية الايمان والانفلاق يصعب فهم مقاصده ويصير لراك مطالب على الطالبيين لاسيما المتقدمين
 فلبت عليه بعض من خلق العالمة وما يبرك في كشفه عن اثاره في سبب التماس بعض من اشاركم في
 مع العلم من مكالمة واكتشف الغطاء عن مفضلة والتصرف بالمراد في المضاع الصعوبة والباحث للفتنة
 اعتدوا العجز عن فهم كنهها والودع مصنفه في حكمة والاربابا وسيمية لجامع الافكار في شرحه ومطالع الانوار
 والسؤل ان يرفق في تأليفه ومبر للوقت والله اعلم بما تحمك القدر له الباب الاوسع للقرآن

نوامع الاسرار في شرح مطالع الانوار از سراج الدين محمود از موى
 مورخ نيمه نخست سدة ٥٩٠ هـ. ش ١٣٣٦٥.

صح الميزان وان لم يصح الميزان لم يصح الحساب
 وليس ان صح الميزان صح الحساب وان لم يصح الحساب
 لم يصح الميزان لان احتمال العاطن في الحساب وفي الورن
 بحيث توافقان بعدا الغلطين كمنه مانع سجد الذي
 وموكله لعمى العمل والعمدة سى وذكرا والورق من الواجب
 الوجود ومنه في الجزر والجود والمهدرب العالمين
 ثم في يوم الخميس حادى عشر من شهر صفر
 حتم بالخيرة والطف لسنة ثلاثين
 وثمانماية الهجره عمك المشرف المظفر
 شرفا الله تعظما وكرما
 كبة العترة المحقرة الى رحمة
 الله العلى حيدى شهاب
 شرح على الحادى بقر
 عفا الله عنه وعن
 اولاديه وطبع
 المصير
 امر

مجموعه دورسالة موزخ ٨٦٣ هـ. ش ١٣٣١.

- ٤٢. كتاب الوافية في شرح الكافية به عربى از ابن حاجب، نسخة كهن و نفيس مورخ او اخر سدة ٩ هجرى. ش «١٠٤١٥ م»
- ٤٣. كتاب شرح الهداية اثرالدين ابهرى به عربى از: احمد بن محمود هروى معروف به ملازاده، نسخة نفيس و كهن مورخ سدة ٩ هجرى. اين شرح غير از شرح معين الدين است. ش «١٠٤٥٨ م»
- ٤٤. كتاب غاية المراد في شرح نكت الارشاد ج ١ و ٢ در فقه شيعى از شهيد اول شمس الدين ابى عبدالله محمد بن مكى بن محمد بن حامد بن احمد الجزينى العاملى متوفى ٧٨٦ هجرى، نسخة نفيس مورخ ٢٧ ذى الحجة سال ٩١٦ هجرى به خط نسخ احمد بن على ملقب به قطب الدين از علمای بزرگ شيعه در نيمه دوم سدة ٩ و اوائل سدة ١٠ هجرى. ش «١٠٤٥٧ م»
- ٤٥. كتاب مفردات الفاظ القرآن الكريم به عربى از: ابوالقاسم حسين بن محمد بن مفضل معروف به راغب اصفهانى، نسخة نفيس مورخ اوائل ربيع الاول سال ٩٩٠ هجرى، صفحات مجدول، خط نسخ خوش، برگ آغازين داراى سرلوح رنگين. ش «١٣٣٠٩»

سال هشتم، شماره چهارم، شماره پيلو ٣٠



۴۶. تتمه کتاب ذخیره خوارزمشاهی در طب به فارسی شامل ادویه مفرده از قرابادین تألیف سیداسماعیل جرجانی، این بخش را ظاهراً مؤلف کتاب بخش دوازدهم کتاب ذخیره قرار داده است. نسخه نفیس مورخ چهارشنبه ۱۳ محرم سال ۹۷۷ هجری به خط نستعلیق خوش سلطان علی بن محمد خلخالی. ش «۱۰۳۶۸ م»

الان الواحد بحق الكل قال م ب
 بن فلان وهو بوقیله کین تم قهن الزکور والانات و
 فی باطل فان کان ایا صلب فالوصیه للزکور خاصه وان اوصی لابنهم
 بن فلان او عاتقهم او ذمیهم او اولادهم و هم یحصلون فیهم الفتره ولا
 غنیه وان کانوا یحصلون فالفتره خاصه اوصی لورثه فلان فلذکره مثل
 حطین بنی وان قال لولده فلان فلذکره والا شیء کولاً ولا یقبل اولاد
 ابن یح اولاد الصلیب بدخلف ان عندهم دون والاولاد هم ولا یقدر
 برول الموالاة و هم الموالی الا عند عدمهم وان کان له موال یعقبن واعقبتهم
 فصحی ماطله
 تمام الكتاب و اله
 اعلم بالصواب
 والله اعلم او احکم
 رفع الفراغ من تحریر بعین الکل التام
 فی شهر رجب سنه ۱۲۶۳
 ۱۳۶۳

فقه عاقله مورخ ذی الحجه ۸۷۶ ه. ش «۱۳۶۳»

۴۷. مجموعه دو رساله در یک جلد: ۱. رساله التوحید از احمد جنیدی مورخ رمضان سال ۹۵۸ هجری که در عصر مؤلف کتابت شده است.
 ۲. انموذج العلوم محقق دوانی مورخ سده ۱۰ هجری به خط کاتب رساله اولی نسخه نفیس.
 ش «۱۰۳۱۵ م»

نموده در غیر این رساله مندی که در غیر این بریل مرجع است مرجع بریل بریل در غیر این
 مردود در این قسم بریل این کار و نیم نیست که از الزم الکر که در غیر این
 پس برسد و اگر نیاید فصل که یک بریل است غیر این سپاه هم و در این
 است و غش و در این غار برین بن با سوره مکه بریل این که شش است و در این
 بریل این فصل است که در غیر این هم و در غیر این بریل این است
 شب است و در این و گفته اند که شش هم بریل است غار بریل این نام است و غار
 عاتق بریل این مثل آن اسارون است بریم در این استیس غار بریل این غار
 مثل آن زهر سفید است مثل این صبر است. گفت کتاب ترا، در این
 خوارزمشاهی فی یوم الاربعه ثلث عشر شهر
 محرم الحرام سنه ۱۲۶۳ هـ
 سلطان علی بن محمد کاتب مشهور
 غنای ماطله
 و تمام کتابت

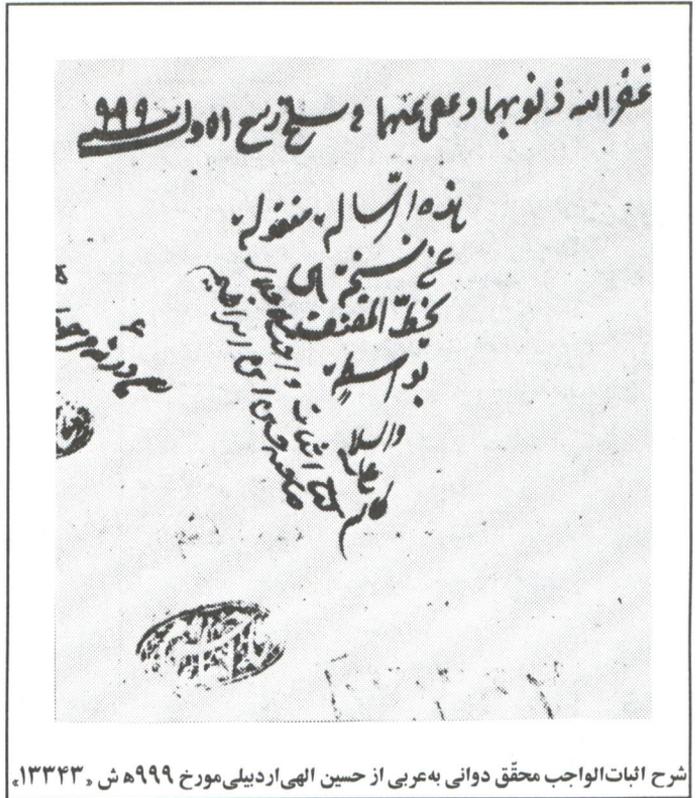
تتمه ذخیره خوارزمشاهی در طب به فارسی، مورخ ۱۳ محرم سال ۹۷۷ ه. ش «۱۰۳۶۸ م»

۴۸. کتاب شرح اثبات الواجب محقق دوانی به عربی از: حسین الهی اردبیلی، نسخه نفیس و چاپ نشده که با یک واسطه از روی نسخه اصل به خط مؤلف کتابت شده است، خط نستعلیق ابراهیم بن یوسف تنکابنی در سلخ ربیع الاول سال ۹۹۹ هجری.
 ش «۱۳۳۴۳»

۴۹. مجموعه دو رساله در یک جلد: ۱. ایضاح المصباح در شرح مزاج الارواح به عربی در علم صرف، مؤلف ناشناخته.

۲. شرح قصیده برده به فارسی احتمالاً از عصام الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفراینی که به امر غیاث الدین سلطان محمد بهادر نگاشته شده است، نسخه نفیس کتابت سده ۱۰ هجری.
 ش «۱۳۳۴۲»

۵۵. تحریر الاحکام الشرعية على مذهب الامامية به عربی از علامه جلی، نسخه نفیس مورخ سال ۹۴۰ هجری، مصحح و مقابله شده. ش «۱۰۲۸۸ م»
۵۶. شرح مقدمه ارشاد الاذهان به عربی، ناشناخته، نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، خط نسخ، نسخه مصحح. ش «۱۰۲۶۲ م»
۵۷. نزهة القلوب در غریب القرآن به عربی از ابوبکر محمد بن عزیز سجستانی، نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، نسخه مصحح و مقابله شده. ش «۱۰۲۶۳ م»
۵۸. حاشیه تحریر القواعد المنطقية به عربی از میر سید شریف گرگانی، نسخه نفیس مورخ ۹۰۵ هجری. ش «۱۰۳۵۸ م»
۵۹. الفوائد الضیائیة فی شرح الکافیة به عربی از احمد جامی، نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، مصحح، برگ پایانی افتاده. ش «۱۰۳۵۹ م»
۶۰. تبصرة المؤمنین به فارسی از محمد مؤمن حسینی طیب، نسخه نفیس مورخ اوایل سده ۱۱ هجری، مصحح، نسخه در عصر مؤلف کتابت شده. ش «۱۰۲۱۹ م»
۶۱. اصول کافی کلینی به عربی، نسخه کهن و نفیس مورخ سده ۱۰ هجری. خط نسخ، عناوین شنگرف، مصحح، برگ پایانی افتاده. ش «۱۰۳۴۹ م»
۶۲. روضة الشهداء به فارسی از ملا حسین بن علی کاشفی، نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، برگ آغاز و انجام افتاده. ش «۱۰۲۳۶ م»
۶۳. کتاب معاهد التنبیه فی شرح من لا یحضره الفقیه به عربی از عالم جلیل شیخ ابوجعفر محمد بن جمال الدین ابی منصور حسن صاحب المعالم ابن شهید ثانی. متوفی ۱۰۳۰ هجری. وی این اثر را که شامل ج ۱ و ۲ کتابهای طهارت و صلوة و صوم تا پایان اعتکاف می باشد به سال ۱۰۲۴ هجری به پایان برده و ظاهراً موفق به تألیف جلد سوم آن که شامل حج می باشد نشده است. این نسخه بسیار نفیس تاکنون چاپ نشده و صاحب الذریعه نیز نسخه ای از آن را ندیده است. این نسخه با فاصله ۳ سال پس از درگذشت مؤلف در سال ۱۰۳۳ هجری به خط نسخ رفیع الله بن هدایت الله قهپائی کتابت شده است. نسخه کامل و بدون افتادگی. ش «۱۰۳۲۷ م»



شرح اثبات الواجب محقق دواني به عربی از حسین الیهی اردبیلی مورخ ۹۹۹ هـ ش ۱۳۳۳

۵۰. درر بحر المناقب فی فضائل علی بن ابیطالب (ع) به فارسی از علی بغدادی نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، صفحات مجدول، نسخه مصحح، برگ پایانی افتاده، این نسخه در کتابخانه غیاث الدین منصور دشتکی و سپس در کتابخانه فرهاد میرزا عموی ناصرالدین شاه مؤلف کتابهای بسیار از جمله زنبیل و قمعام بوده، وی کتابخانه بسیار نفیسی داشته و بیشترین نسخه های آن را اینجانب به تدریج برای این کتابخانه بزرگ خریداری نموده ام. ش «۱۰۴۳۵ م»
۵۱. رساله فارسی در حساب و مساحت فوشچیه، مؤلف ناشناخته، نسخه نفیس مورخ سال ۹۰۵ هجری، در حاشیه تصحیح شده، برگ آغازین افتاده، نسخه با نسخه اصل مقابله و تصحیح شده، صفحات مجدول. ش «۱۰۴۴۳ م»
۵۲. اللعة الدمشقیة از شهید اول، نسخه نسبتاً کهن مورخ ۹۷۵ هجری. نسخه مصحح. ش «۱۰۴۴۰ م»
۵۳. ترجمه فارسی مکارم الاخلاق طبرسی، مترجم ناشناخته، نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، خط نستعلیق خوش. ش «۱۰۴۳۲ م»
۵۴. شرح کافی به فارسی، ناشناخته، نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، خط نستعلیق، برگ آغازین افتاده، نسخه مصحح. ش «۱۳۳۷۸»

نام دقیق مؤلف نیاز به بررسی بیشتر دارد. احتمالاً نسخه اصل به خط مؤلف در سده ۱۱ هجری. ش «۱۳۲۹۱»

۶۵. شرح وقایع الروایة به عربی در فقه اهل سنت، تألیف عبیدالله بن مسعود بن تاج الشریعة. نسخه در سال ۱۰۰۱ هجری به خط نسخ میرزا عبدالله بن مسعود مُغانی در شهر شماخی در مدرسه جلالیه در منطقه قفقاز که در آن زمان جزئی از خاک ایران بوده کتابت شده است. ش «۱۳۳۶۱»

۶۶. ترجمه فارسی کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی که آن را مترجم برای عضدالدوله بویهی نگاشته است. ترجمه منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی، نسخه بسیار نفیس و نایاب و دارای اشکال نجومی زیبا با شنگرف، کتابت ماه صفر سال ۱۰۵۵ هجری، به خط نستعلیق خوش ابوالفتح بن عبدالرزاق حسینی. ش «۱۰۳۸۸م»

۶۷. کتاب در منظوم در علم افلاک و نجوم به فارسی، ناشناخته، نسخه نفیس، کتابت سال ۱۸۲۳ میلادی در جزیره مالت، یک تصویر از جداول هندسی بسیار دقیق و ظریف در برگ قبل از آغاز نسخه آمده که بسیار زیبا و نفیس است. ش «۱۰۳۸۱م»

۶۸. تاریخ شرف‌الدین یزدی به فارسی در تاریخ تیمور، نسخه نفیس مورخ نیمه دوم سده ۱۰ هجری، صفحات مجدول. ش «۱۰۳۸۲م»

۶۹. دیوان فریدالدین عطار، نسخه بسیار نفیس و کهن و ارزشمند کتابت در ۸۵۲ هجری. دو صفحه آغازین مذهب و مرصع تیموری، پشت برگ آغازین یک شمس بزرگ مذهب و مرصع به سبک تیموری ترسیم شده و در داخل آن با آب طلا ناب به خط ثلث مطالبی نگاشته‌اند که اندکی محو شده و ناخوانا می‌باشد، صفحات مجدول با آب طلا. ش «۱۰۳۷۱م»

۷۰. دیوان عبدالرحمن جامی، نسخه بسیار نفیس و هنری ارزشمند، مورخ سده ۱۰ هجری به خط نستعلیق ممتاز استاد



معاهد التنبیه فی شرح من لایحضره الفقیه به عربی از شیخ ابوجعفر محمدبن جمال‌الدین متوفی ۵۱۰۳۰. ش ۱۰۳۲۷م.

۶۴. کتاب بسیار نفیس در فقه شیعه شامل طهارت تا پایان حج به عربی احتمالاً تألیف محمد یوسف دهخوارقانی تبریزی از علمای سده ۱۱ هجری. در برگهای پایانی نسخه آمده است که نسخه‌ای از کتابت کشف الغموض و اخلاق کشف الغموض در ردّ نصاری در دو جلد نزد مالک نسخه حاضر بوده که مؤلف آن نیز محمد یوسف بن آقا محمد بیک دهخوارقانی تبریزی بوده که به امر شاه سلیمان صفوی آن را نگاشته است، در فصل سوم در صلوة جمعه نسخه حاضر مؤلف نام مرحوم علامه مجلسی اول را برده و در ذیل نام ایشان رساله از آثار خودش به عنوان البرق للامع نام برده است. بنابراین احتمال قوی دارد نسخه حاضر تألیف همان محمد یوسف دهخوارقانی باشد.



دیوان فرید الدین عطار، نسخه بسیار نفیس کهن و هنری، موزخ ۸۵۲ ه. ش، ۱۰۳۷۱ م.

علی هروی که در ذیقعه سال ۹۷۹ هجری آن را کتابت کرده است. قطع کوچک جانمازی، دارای سرلوح رنگین، صفحات مجدول، عناوین مرصع. ش «۱۰۳۶۹ م»

۷۳. مثنوی یوسف و زلیخای جامی به فارسی، نسخه بسیار نفیس و هنری ارزشمند دارای ۵ نگاره بسیار زیبا، برگ آغازین مرصع، عناوین مذهب و مرصع، خط نستعلیق خوش، مورخ اواخر سده ۱۲ هجری، صفحات مجدول و دارای کمند، جلد لاکه برون روغنی گل و بوته، زمینه مشکی، درون گل و برگ با زمینه مشکی. ش «۱۰۳۷۳ م»

۷۴. کلیات سعدی شیرازی، نسخه بسیار مهم و نفیس و هنری ارزشمند، چنین نسخه با این تذهیب و ترصیع بسیار نایاب است دو صفحه آغازین کامل مرصع از سده ۱۰ هجری دارای ۱۱ سرلوح مرصع بسیار زیبای اواخر سده ۱۰ هجری. صفحات متن و حاشیه شده، جلد لاکه رنگین درون و برون، خط نستعلیق ممتاز. ش «۱۳۲۸۸»

پیر محمد، تمامی صفحات در حاشیه با آب طلای ناب تشعیر کشی شده، برگها برخی زرد و برخی آبی و برخی دیگر سفید و سبز می‌باشد. دارای چهار مجلس بزرگ نگاره بسیار زیبا احتمالاً از کارهای محمود مذهب که در هرات آنها را ترسیم کرده است. این نسخه از لحاظ خط و تذهیب و نگارها فوق‌العاده اهمیت دارد، متأسفانه اندکی فرسوده شده و نیاز به بازسازی دارد. ش «۱۰۳۷۵ م»

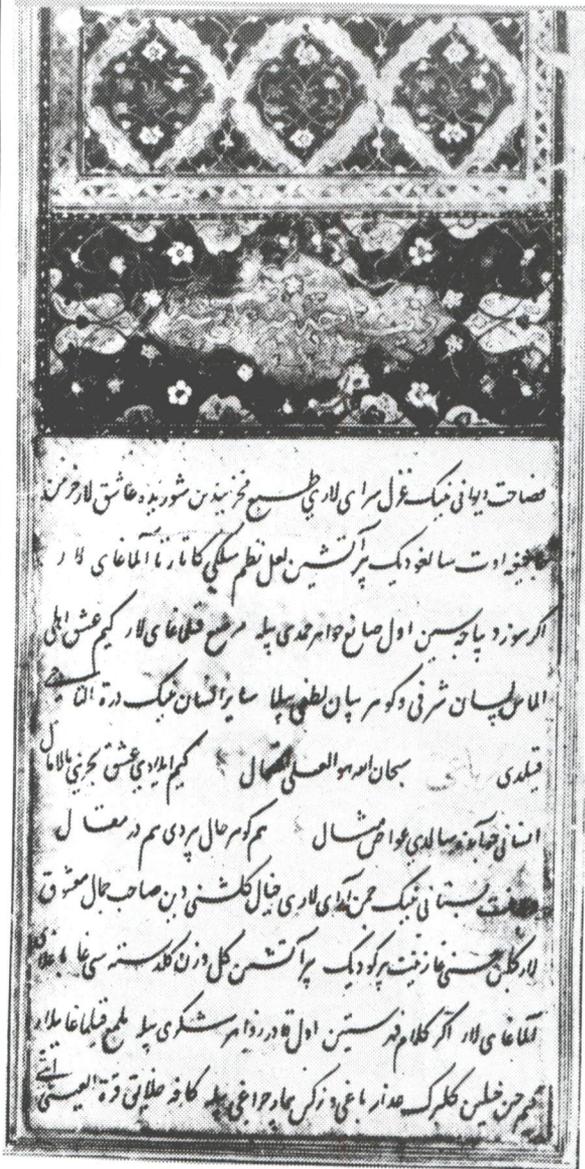
۷۱. دیوان حافظ شیرازی، نسخه بسیار نفیس هنری مذهب و مرصع، برگهای نخستین و چند برگ میانی مذهب و مرصع کتابت نیمه نخست سده ۱۳ هجری. صفحات مجدول، خط نستعلیق ممتاز یکی از خوشنویسان، قطع جیبی، جلد لاکه برون روغنی گل و بوته، درون گل و برگ. لبه نسخه را اندکی موریانه خورده. ش «۱۰۳۷۴ م»

۷۲. مجموعه اشعار فارسی، نسخه بسیار مهم و نفیس و ارزشمند به خط نستعلیق بزرگ‌ترین استاد نستعلیق میر



مجموعه اشعار فارسی به خط خوشنویس نامدار میرعلی هروی به سال ۹۷۹ ه. ش ۱۰۳۶۹ م.

۷۵. دیوان عبدالرحمن جامی، نسخه نفیس و کهن مورخ ۲۸ شعبان سال ۹۵۰ هجری به خط نستعلیق محمود بن عبدالحسین سبزواری نزدیک به عصر جامی. این نسخه از نظر هنر کتاب آرایی جالب توجه می‌باشد، زیرا متن کتاب که به پایان رسیده حواشی آن پایان نیافته و کماکان بدون متن ادامه یافته است، این حاشیه بدون متن نیز در ۱۰ ماه صفر سال ۹۵۲ هجری به پایان رسیده است. ش «۱۰۳۹۱ م»
۷۶. دیوان امیرعلی شیرنوائی به ترکی ازبکی، نسخه نفیس مورخ سده ۱۰ هجری، دارای دو سرلوح مرصع، خط نستعلیق. ش «۱۰۳۹۵ م»
۷۷. مثنوی معنوی مولوی، جلال‌الدین رومی، نسخه نفیس و هنری دارای ۶ سرلوح رنگین زیبا از سده ۱۱ هجری کتابت از سال ۱۰۵۵ تا ۱۰۵۷ هجری به خط نستعلیق زیبای شیخ ندر الحاجی در دارالخلافه بخارا. صفحات چهار ستونی مجدول با آب طلای ناب قطع رقی. ش «۱۰۳۹۶ م»
۷۸. دیوان فارسی نیاز، نسخه نفیس، خط شکسته نستعلیق



کلیات سعدی، نسخه نفیس هنری ممتاز، دارای ۱۲ سرلوح مرصع، ش ۱۳۲۸۸ م.

- خوش، مورخ نیمه نخست سده ۱۳ هجری. صفحات مجدول و دارای کمند، نسخه کامل، قطع رقی.
- ش «۱۰۳۹۸ م»
۷۹. مجموعه اشعار فارسی، نسخه بسیار نفیس هنری و نفیس و ارزشمند، دارای ۸ نگاره رنگین زیبا و ظریف در قطع بسیار کوچک حدود ۸x۶ سانتیمتر، این نسخه از نظر هنری و ظرافت فوق‌العاده اهمیت دارد. قطع عمامه‌ای، جلد لاک‌کی گل و بوته. ش «۱۰۳۷۹ م»
۸۰. شرح قصائد و مقطعات انوری، به فارسی از میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی، نسخه نفیس مورخ سده ۱۱

به عربی از سید محمدباقر بن محمدتقی موسوی اصفهانی مورخ سده ۱۳ هجری، این رساله با یک واسطه با نسخه اصل مقابله و تصحیح شده است.

۳. رساله از شیخ حسین بن عبدالصمد جباعی عاملی والد شیخ بهاءالدین عاملی که به سال ۹۶۸ هجری آن را نگاشته است. به عربی، مورخ سده ۱۳ هجری.

۴. رساله فی تعیین محمد بن اسماعیل الذی بروی عنه.

۵. رساله فی بیان حال ابراهیم بن هاشم از همان مؤلف رساله قبلی به عربی، این نسخه با نسخه‌ای که مؤلف آن را تصحیح شده مقابله کرده است. به خط همان کاتب.

۶. رساله فی بیان حال عمر بن یزید به عربی از همان مؤلف، نسخه با یک واسطه با نسخه اصل مقابله شده است.

۷. رساله فی بیان ابراهیم بن هاشم از همان مؤلف به عربی.

۸. رساله فی بیان العده الذی روی عنهم الکافی که طی آن حالات احمد بن عبدالله و علی بن محمد بن عبدالله و جعفر بن محمد بن عون آمده است. به خط همان کاتب رساله قبلی.

۹. رساله فی بیان حال محمد بن خالد برقی به عربی از همان مؤلف به خط همان کاتب.

۱۰. رساله فی بیان حال سهل بن زیاد، از همان مؤلف به عربی، نسخه مقابله شده.

۱۱. رساله فی بیان حال ابراهیم بن هاشم، از همان مؤلف و به خط همان کاتب در ۳ صفر سال ۱۲۳۰ هجری در بیت مؤلف آن را کتبت کرده است.

۱۲. رساله فی تحقیق الحال فی اسحاق بن عمار از همان مؤلف.

۱۳. رساله فی بیان حال حماد بن عیسی، از همان مؤلف،

نسخه نفیس و مقابله شده، برخی از حواشی نسخه به خط مرحوم حاج ملا مهدی بن حاج محمد ابراهیم کرباسی اصفهانی می‌باشد، قطع رقعی. ش «۱۰۳۸۰ م»

۸۲. مجموعه ادبی و جنگ بسیار نفیس شامل گزیده‌هایی

مثنوی معنوی	واحد علم و پر
مثنوی این شویست تا غیر شد	صلتی با نیست تا حق شیر شد
چون ضیاء الحق جسم الدرع	رازگر دیند ز اوج آسمان
چون دریا سوی ساحل آب است	چنگ شمشیری با کشت
مطلع تاریخ این سودا سود	سال اندر ششصد و شصت و دو
ساده شش سکر این با نازاد	تا اید بر خلق این در با زیاد
این جان بر بند تا بن بیان	بشم نند این جهان جان تو با
نور با سینه سهل فی سالی	شیر و سینه پهلوی در جانی
یک قدم ز آدم اندر دوزخی	شد فراق صد مرتبت خلقش
گره یکدگر بود آن که بسته بود	لیکن مورود و دیده ستود
کردن آدم کردی مشورت	در پیشانی گفتی معذرت
نفس با بغض کردی در پیش	عقل جزوی باطل و بیچار شد
رو بگو یا خدا سینه را تو زود	چون در میان کردی خدایا بپود
مثنوی معنوی	واحد علم و پر

مثنوی معنوی، نسخه مذهب و مرصع، ش. ۱۰۳۹۶ م.

هجری، نسخه مصحح، برگ آغاز و انجام افتاده، عناوین شنگرف.

۸۱. مجموعه رسائل بسیار نفیس شامل ۱۳ رساله در یک جلد بدین ترتیب:

۱. الرواشح السماویة به عربی از میر محمدباقر داماد حسینی مرعشی، مورخ دوشنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۲۳۱ هجری.

۲. رساله الارشاد الخبیر البصیر الی تحقیق الحال فی ابی بصیر



از دواوین شاعران فارسی زبان ایرانی بدین ترتیب:

۱. نان و حلوی شیخ بهاء‌الدین عاملی.
۲. منتخب غزلیات حافظ شیرازی.
۳. رساله شیخ احمد غزالی به عین القضاة همدانی.
۴. منتخب شیرین و فرهاد وحشی.
۵. منتخب گلستان سعدی.
۶. مقالات منتخب از بوستان سعدی.
۷. گزیده‌ای از غزلیات شیخ عراقی.
۸. غزلیاتی از کتاب البدایع.
۹. نصایح و مناجات خواجه عبدالله انصاری.
۱۰. لمعات شیخ عراقی.
۱۱. صحت و مرض فضولی.
۱۲. رساله فصوص الهی از فارابی.
۱۳. غزلیات شیخ مغربی.
۱۴. منتخب حدیقه سنائی.
۱۵. برخی احادیث متفرقه.
۱۶. من افادات خواجه محمد دهدار.
۱۷. من منظومات شاه نعمت‌الله ولی.
۱۸. مقالات عبدالرحمن جامی.
۱۹. متفرقات نظم و نثر.
۲۰. حکایات متفرقه.
۲۱. ترجیع‌بند اوحدالدین کرمانی.
۲۲. رباعیات بابا افضل کاشانی.
۲۳. رساله بی‌سرنامه فریدالدین عطار.
۲۴. حکایات الهی‌نامه فریدالدین عطار.

تمامی این مجموعه به خط یک کاتب، خط نستعلیق، عناوین قرمز، کتابت اوائل سده ۱۳ هجری، قطع رقعی بزرگ. ش «۱۰۳۹۲ م»

۸۳. مجموعه در یک جلد:

۱. دیوان اشعار فارسی مُقبل شامل وقایع کربلا و برخی رویدادهای دیگر.
۲. غزلیات فارسی ملا حسین مراغه‌ای متخلص به دخیل.
۳. دوازده بند از شاعری به نام آثم که بر وزن و قافیه ۱۲ بند محتشم کاشانی به فارسی سروده است، نسخه نفیس و چاپ نشده، خط نستعلیق یک کاتب، مورخ اواخر سده ۱۳ هجری. قطع رحلی. ش «۱۰۴۱۶ م»

۸۴. جنگ شامل مطالب متنوع از کتابهای گوناگون به فارسی، نسخه نفیس خط خوش مورخ اوائل سده ۱۲ هجری، قطع رقعی کوچک. ش «۱۰۴۱۴ م»

۸۵. صحیفه سجادیه امام سجاد(ع) نسخه هنری ممتاز، خط نسخ ممتاز یکی از خوشنویسان عصر صفوی، دارای سرلوح مرصع، کتابت اواخر سده ۱۱ هجری، برگ پایانی افتاده، صفحات مجدول و دارای کمند، متن با زیرنویس فارسی با شنگرف، قطع رقعی کوچک. ش «۱۰۳۹۳ م»

۸۶. کتاب خواص الحیوان در ترجمه فارسی حیوة الحیوان دمیری، از مولی محمدتقی بن خواجه محمد تبریزی که در عصر شاه عباس دوم صفوی به اشاره میرزا محمد ابراهیم فرزند آخوند ملا صدرا «صدرالمتألهین» در ۲۸ باب نگاشته است، کتابت رجب سال ۱۲۸۷ هجری، خط نستعلیق محمد حسن بن آقا علی اکبر خوئی، قطع رحلی بزرگ.

ش «۱۳۳۰۷»

۸۷. کتاب زاد آخرت به فارسی در مواعظ، صفحه اول و دوم بین سطور با آب طلا دندان موشی شده. این نسخه را کاتب به خط نستعلیق عالی به سال ۱۰۱۵ هجری در شهر کلکته هند کتابت کرده است. نسخه در کتابخانه یکی از سلاطین هند قرار داشته است. قطع جیبی، صفحات مجدول و دارای کمند. ش «۱۰۳۹۷ م»

۸۸. کتاب برهان قاطع در لغت به فارسی از محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان، نسخه هنری نفیس و کامل و قطور صفحات مجدول، عناوین شنگرف، برگ آغازین دارای سرلوح مرصع، کار ترکیه عثمانی، کتابت در سده ۱۲ هجری، قطع رحلی کوچک. ش «۱۳۳۰۸»

۸۹. تقویم فارسی در قطع رحلی مربوط به سال ۱۲۵۲ هجری به خط نستعلیق زیبا و دارای اشکال نجومی با شنگرف. ش «۱۰۳۷۲»

۹۰. مجموعه دو کتاب در یک جلد:

۱. الصحائف الالهیه به عربی در علم کلام از سمرقندی، نسخه نفیس و چاپ نشده، دو نسخه بسیار نفیس و کهن دیگر این کتاب در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد، یکی از آنها در مدرسه رشیدیة تبریز به سال ۷۱۳ هجری کتابت شده است و دیگری نیز در نیمه نخست سده ۸ هجری نگاشته شده است.

دارالسلام از کتاب صید و ذبائح پدر خود نام برده است. وی این اثر را به سال ۱۲۶۱ هجری نگاشته و کتابت این نسخه در پنجشنبه ۲۳ شوال سال ۱۲۶۱ هجری، به خط نستعلیق محمد ولی بن نور محمد در عصر مؤلف، قطع جانمازی کوچک. ش «۱۰۴۱۲ م»

۹۵. تحفة الراغب در ترجمه فارسی بغیة الطالب شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی، تألیف داماد ایشان شیخ اسدالله بن مولی اسماعیل دزفولی کاظمی، متوفی ۱۲۳۴ هجری، نسخه نفیس چاپ نشده، مصحح و مقابله شده، کتابت نیمه نخست سده ۱۳ هجری، خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع رقی. ش «۱۰۴۱۳ م»

۹۶. ترجمه فارسی کتاب الاقبال سید بن طاووس، مترجم احتمالاً مولی محمدتقی مجلسی که بایستی بیشتر بررسی شود، نسخه نفیس و هنری و چاپ نشده، دارای سرلوح رنگین، صفحات مجدول و دارای کمند، خط نسخ ممتاز برگ پایانی افتاده، کتابت اوائل سده ۱۲ هجری، قطع وزیری. ش «۱۰۳۹۰ م»

۹۷. بیاض نفیس شامل چند رساله مختلف عربی بدین ترتیب:

۱. تفسیر شیخ ابومنصور زیله بر رساله حی بن یقظان ابن سینا به خط ابوالحسن صفی‌الدین محمد در سال ۱۰۱۰ هجری در اصفهان.
۲. رساله مابعدالطبیعة احتمالاً از ابن سینا به خط همان کاتب.
۳. الادویة القلیبة مورخ جمادی الثانی سال ۱۰۱۹ هجری.
۴. تدارک الخطاء فی التدبیر از ابن سینا به خط نستعلیق همان کاتب در ذی‌قعدة سال ۱۰۱۹ هجری.
۵. آثار ابن سینا به قلم یکی از شاگردان او.
۶. رساله فی النفس احتمالاً از ابن سینا.
۷. رساله فی ابطال النجوم منسوب به ابن سینا.
۸. رساله الفصوص فارابی.
۹. رساله عربی در طب، ناشناخته.
۱۰. رساله در اثبات صانع از ابن سینا.

این مجموعه برخی به خط نسخ و برخی به نستعلیق کتابت شده، قطع جیبی بیاضی، برخی از رساله‌های این مجموعه چاپ نشده است. ش «۱۰۳۷۶ م»

۲. شرح جمل در منطق، اصل کتاب جمل از محمد بن نام‌آور خونجی فیلسوف و شرح آن از شهاب تلمسانی است، لیکن این شرح از تلمسانی نیست، نسخه نفیس چاپ نشده، خط نسخ، قطع جانمازی. ش «۱۳۳۴۵»

۹۱. إرشاد الطالب إلی منظومة الكواكب در اصول فقه عامه، از محمد بن حسن بن احمد معروف به کواکبی، نسخه بسیار تمیز و زیبا که برای کتابخانه یکی از علمای عثمانی به نام سیدی صالح افندی به سال ۱۱۲۲ هجری به خط نسخ عالی نعمت‌الله بن فتح‌الله کتابت شده است. ش «۱۳۲۹۲»

۹۲. مجموعه ده رساله از رسائل شهید ثانی به عربی، نسخه بسیار نفیس که از روی نسخه اصل به خط مؤلف کتابت شده است، کتابت در اواخر سده ۱۱ یا اوائل سده ۱۲ هجری، خط نسخ قطع رقی بزرگ، اصل نسخه رسائل شهید به خط مبارک ایشان را سال قبل اینجانب جزء مجموعه‌ای از نسخه‌ای خطی مربوط به یکی از مجموعه داران در تهران که ۳ سال قبل در گذشته بود و وارثان وی نسخه‌ها را به یکی از سوداگران فروخته و آنها به خارج از کشور منتقل نموده بودند، اینجانب آنها را که بالغ بر سی جلد نسخه خطی نفیس بود برای این کتابخانه خریدم و مجدداً به کشور اسلامی‌مان برگرداندم و هم‌اکنون در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد. برادر و دوست پژوهشگر جناب حجة الاسلام آقای رضا مختاری که بر روی آثار شهید دوم تحقیق می‌کنند اصل نسخه را در کتابخانه آن شخص مجموعه‌دار در تهران دیده بود و از آن تصویر تهیه کرده بود. با انتقال آن نسخه به این کتابخانه ایشان فوق‌العاده مسرور شدند. ش «۱۳۳۶۷»

۹۳. کتاب صواعق النواصب به فارسی، از سید محمد مهدی بن محمد جعفر موسوی که در نیمه نخست سده ۱۳ هجری آن را در عصر فتح‌علی شاه قاجار و عباس میرزا نایب‌السلطنه نگاشته است. نسخه بسیار نفیس و چاپ نشده، کتابت سال ۱۲۴۹ هجری در عصر مؤلف. مؤلف دیگر اثر خود را با عنوان خلاصة الاخبار به سال ۱۲۵۰ هجری نگاشته است. قطع رقی، خط نستعلیق، عناوین مشکی. ش «۱۰۴۱۱ م»

۹۴. کتاب الصيد والذبائح به عربی، از مولی محمدتقی بن علی محمد نوری مازندرانی متوفی ۱۲۶۳ هجری پدر شیخ المحدثین مرحوم حاج میرزا حسین نوری طبرسی، مؤلف کتاب مستدرک الوسائل، ایشان در دیگر اثر خود به عنوان کتاب



۱۰۳. کتاب مصابیح الهدی و مفاتیح المنی به عربی، تألیف حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، کتابت سده ۱۲ هجری، خط نسخ خوش. روی برگ آغازین تقریظی به سال ۱۲۰۱ هجری آمده. با مهر بیضی عبدالوهاب الرضوی، نسخه مصحح با ذکر نسخه بدلها، برگها پراکندگی دارد، قطع رقعی.

ش «۱۰۲۰۹ م»

۱۰۴. رساله فی مسائل الخلافیه در مناسک حج به عربی، از شیخ سلیمان بن عبدالله بحرانی، کتابت سال ۱۱۱۷ هجری به خط نسخ خوش نوح بن احمد بن صالح البحرانی الدرازی، نسخه مصحح با ذکر نسخه بدلها، حواشی با امضای منه دام ظلّه، عناوین شنگرف. ش «۱۰۲۱۰ م»

۱۰۵. مجموعه دو رساله عربی در یک جلد:

۱. در احکام صوم از حسن بن علی بن کوهرانی.

۲. فتح الباب إلى الحق و الصواب از شیخ ابومحمد بن عبدالنبی خراسانی هر دو رساله به سال ۱۲۷۷ هجری به خط نسخ علی بن عباس بحرانی کتابت شده است، قطع رقعی بزرگ. ش «۱۰۲۰۳ م»

۱۰۶. مجموعه ۳ رساله عربی در یک جلد:

۱. حول العلم از میرزا علی بن میرزا محمد جنابادی «گنابادی».

۲. ضیاء المتقین فی معارف الدین از میرزا محمد بن عبدالنبی الخوینی «میرزا محمد اخباری».

۳. البراهین القاطعه از همان میرزا محمد عبدالنبی خراسانی «میرزا محمد اخباری» این مجموعه در سال ۱۲۷۷ هجری به خط نسخ شیخ علی بحرانی کتابت شده است، عناوین قرمز، نسخه مصحح با اندکی حاشیه نویسی. ش «۱۰۲۰۶ م»

۱۰۷. کتاب سرور المؤمنین به فارسی از میرزا محمدهادی بن ابوالحسن شریف نائینی مؤلف کتاب لسان الذاکرین. کتابت سال ۱۲۷۸ هجری در شهر کاشان، نسخه مصحح، جای عناوین نانوشته، قطع رقعی. ش «۱۰۲۷۰ م»

۱۰۸. بحرالثلثالی، جلد ۷ به فارسی از علی اکبر بن علی بن محمد اسماعیل بن محمد مهدی، خط نسخ خوش، کتابت سده ۱۳ هجری، صفحات مجدول و دارای کمند، عناوین قرمز، نسخه مصحح. ش «۱۰۲۷۱ م»

۹۸. رساله اللمعات فی طالع المسئلة به فارسی از ابوالخیر محمد بن محمد فارسی، مورخ ربیع الاول سال ۱۱۴۴ هجری به خط نستعلیق ابوطالب بن محمد محسن قمی به ضمیمه چند برگ از رساله‌ای دیگر در نجوم که دارای هفتاد باب بوده و به خط مؤلف به سال ۱۰۰۴ هجری در دارالسلطنه قزوین نگاشته شده است، متأسفانه فقط چند برگ از این اثر موجود است. قطع رقعی. ش «۱۰۳۷۸ م»

۹۹. مثنوی خورشید و مه پاره یاگل رعنا به فارسی از شاعر قمی متخلص به حکیم، نسخه نفیس، صفحات دو ستونی، خط نستعلیق، مجدول و دارای کمند، کتابت سده ۱۳ هجری، قطع رقعی. ش «۱۳۳۶۲»

۱۰۰. مجموعه ۵ رساله در یک جلد:

۱. رساله کحلیه در ادبیات عرب به فارسی، از اخی قزوینی نظام‌آبادی^۱ در ۳۹ صفحه، نسخه محضّر و چاپ نشده، به خط مؤلف و نسخه اصل.

۲. رساله خلاصه الاعتقاد در اصول دین به فارسی از همان مؤلف، نسخه اصل.

۳. رساله در حد اسم در ادبیات و تعریف اصطلاحی اسم، احتمالاً از همان مؤلف، به فارسی، برگ پایانی افتاده.

۴. جامع الصنایع و حاوی الدایع به فارسی در انواع فنون شعر با ذکر مثال، نام این رساله در جایی نیامده.

۵. جُنک متفرقه نظم و نثر و منطق و غیره، مؤلف رساله ۱ و ۲ و ۳ از علمای قزوین بوده است، قطع رقعی کوچک، کتابت برخی از رساله‌ها سده ۱۲ و برخی ۱۳ هجری. ش «۱۳۳۴۸»

۱۰۱. رساله توفیق التحقیق به عربی در ولایت ائمه اطهار علیهم السلام از شیخ علی بن فضل‌الله، نسخه نفیس چاپ نشده، خط نستعلیق، عناوین شنگرف، کتابت سده ۱۱ هجری، قطع جانمازی. ش «۱۰۳۲۲ م»

۱۰۲. کتاب المصباح الساطع و الضیاء اللامع فی شرح مفاتیح الشرایع جلد ۱۰ و ۱۱، تألیف سید عبدالله شبر بن محمد رضا حسینی، به عربی مورخ ۹ جمادی الثانی سال ۱۲۲۶ هجری به خط نسخ محمد بن علیوی الدجیلی، عناوین شنگرف، مصحح، مهر بیضی مولی محمد علم‌الهدی فرزند مولی محسن فیض کاشانی صاحب وافی در آغاز و انجام نسخه آمده است. قطع وزیری کوچک. ش «۱۰۲۱۷ م»

۱. نظام‌آباد روستائی است در ۱۲ کیلومتری قزوین در راه رشت که هم اکنون نیز آباد می‌باشد.

و فارسی و یکی دو رساله از جمله رساله التحصین و صفات العارفين به عربی از شیخ ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد حلّی متوفی ۸۴۱ هجری به خط نسخ مشهد قلی بن علیخان استرآبادی و عبدالکریم بن علیخان استرآبادی در سلخ جمادی الاولی سال ۱۰۸۱ هجری. قطع رقعی، خط نستعلیق، بخش آغازین این مجموعه در مناقب حضرت علی بن ابیطالب (ع) نگاشته شده. ش «۱۰۴۴۹ م»

۱۱۸. جنگ شامل مطالب گوناگون به فارسی و عربی، کتابت در شعبان سال ۱۲۲۳ هجری به خط نسخ و نستعلیق عبدالحمید بن وحیدالدین حسینی در مدرسه خان دارالعلم شیراز، نسخه نفیس، قطع رقعی، خطوط صفحات چلیپا. ش «۱۰۴۵۰ م»

۱۱۹. بیاض فارسی شامل مطالب مختلف در مشروعیت ذکر خفی از محمد بن عبدالله، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع جانمازی. ش «۱۰۴۵۱ م»

۱۲۰. حاشیه شرح تجرید به عربی، ناشناخته، کتابت سال ۱۲۷۲ هجری، به خط نستعلیق ابوالقاسم که به هنگام بروز بیماری وبا در بارفروش «بابل» نگاشته و بخش دیگر را در روستای مرزقان کتابت کرده است. قطع جیبی. ش «۱۰۴۵۲ م»

۱۲۱. کتاب عیون الاصول به عربی از مولی محمدتقی بن محمد برغانی قزوینی، نسخه نفیس و تاکنون چاپ نشده، خط نستعلیق، عناوین شنگرف و برخی نانوشته، کتابت جمادی الاولی سال ۱۲۴۲ هجری، قطع رقعی. ش «۱۰۴۲ م»

۱۲۲. حاشیه بر حاشیه ملا عبدالله یزدی به فارسی، از رضی الدین خوانساری، کتابت سده ۱۳ هجری به خط نسخ، نسخه مصحح، عناوین قرمز، قطع وزیری کوچک. ش «۱۳۳۹۶»

۱۲۳. شرح قواعد الاحکام به عربی از شیخ جمال الدین جعفر غروی، کتابت ۲۴ رجب المرجب سال ۱۲۵۶ هجری به خط نسخ مصطفی بن عبدالله هزار جریبی در شهر غزی، نسخه را کاتب مقابله و تصحیح کرده، وقف نامه نسخه در تاریخ ۱۲۷۴ هجری در برگ آغازین آمده و نسخه را عبدالله بن قربان هزار جریبی وقف نموده است. ش «۱۰۲۷۳ م»

۱۲۴. ریحانة الصدور فی بیان معرفة اوائل الشهور، به فارسی از محمد علی بن عبدالرحیم زنجانی، کتابت سال ۱۲۵۷ هجری به خط نسخ، نسخه مصحح، عناوین و نشانیها شنگرف، قطع وزیری. ش «۱۰۲۷۴ م»

۱۰۹. حلال المطرز به فارسی در معما و نغز، از شرف الدین علی یزدی، کتابت سده ۱۱ هجری، خط نستعلیق عالی خفی، دارای حاشیه نویسی، برگ آغازین افتاده، عناوین شنگرف، قطع رقعی. ش «۱۰۴۳۶ م»

۱۱۰. شرح شرایع الاسلام به عربی، ناشناخته، کتابت سده ۱۲ هجری به خط نسخ، عناوین و نشانیها شنگرف، نسخه مصحح و دارای حواشی بسیار، قطع رحلی. ش «۱۰۳۴۰ م»

۱۱۱. کتاب مهذب الاسماء در لغت فارسی و عربی، تألیف محمود بن عمر بن محمود بن منصور القاضی الرنجی السجزی، کتابت سده ۱۲ هجری، خط نسخ عالی، نسخه مصحح و دارای حواشی بسیار، قطع وزیری. ش «۱۰۲۸۷ م»

۱۱۲. مختصر اصلاح العمل به عربی از کریم بن حسن ایروانی از شاگردان سید مجاهد. کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، عناوین نانوشته، نسخه مصحح، قطع وزیری. ش «۱۰۲۱۸ م»

۱۱۳. تحفة رفیعی به فارسی در اثبات تألیف محمد قاسم ساوه‌ای مشهور به خدابخش، کتابت سال ۱۰۶۹ هجری به خط نستعلیق محمد قاسم بن کمال الدین حسینی، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع رقعی. ش «۱۳۳۷۷»

۱۱۴. کتاب تنبیه الخاطر ونزهة الناظر معروف به مجموعه وزام، به عربی، از سعید بن حسین ورام ابن حمدان از احفاد مالک اشتر نخعی، کتابت سده ۱۲ هجری، خط نسخ، برگ آغازین افتاده، در پشت برگ آغازین وقف نامه این نسخه به خط مبارک حاج ملا محمد مهدی نراقی آمده که نسخه را در سال ۱۲۰۱ هجری وقف عموم نموده‌اند با مهر بیضی ایشان و عبارت «المهدی من هدیت». قطع رقعی. ش «۱۰۲۲۷ م»

۱۱۵. کتاب المواهب العلیة فی مهمات المسائل الاصولیة، به عربی، از محمد معصوم بن محمد علی حسینی خاتون آبادی، نسخه نفیس و چاپ نشده، قطع رقعی، خط نسخ، عناوین شنگرف. ش «۱۰۴۰۹ م»

۱۱۶. کتاب حقایق الاصول ج ۱ و ۲ به عربی از مولی عبدالرحیم بن علی نجف آبادی اصفهانی، نسخه نفیس احتمالاً اصل به خط مؤلف که جلد نخست آن در رجب سال ۱۲۴۰ هجری به پایان رسیده است. این کتاب در عصر مؤلف به سال ۱۲۸۶ هجری در تهران چاپ و منتشر شده است. خط نسخ، عناوین قرمز، قطع رقعی. ش «۱۰۴۱۰ م»

۱۱۷. مجموعه شامل مطالب مختلف و متنوع به عربی

مؤلف، سال ۹۵۹ هجری، تألیف احمد بن محمد بن عبدالغفار قزوینی غفاری که آغاز آن را با نام انبیا و خلفا و ائمه اثنی عشر آورده است، کتابت در چهارشنبه ۱۴ جمادی الثانی سال ۱۲۰۰ هجری به خط نستعلیق، عناوین شنگرف، قطع رقعی، برگ آغازین افتاده است. ش «۱۰۴۵۵ م»

۱۳۳. شرح شمسیه در منطق به عربی از میر حسین بن معین‌الدین میبیدی حسینی شارح دیوان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و کتاب الهدایت، این شرح را او در سال ۸۹۰ هجری نگاشته است، کتابت نسخه در سده ۱۳ هجری، قطع وزیری، خط نسخ، عناوین قرمز. ش «۱۰۴۵۶ م»

۱۳۴. حاشیه ملا رفیع نائینی بر شرح مطالع در منطق به عربی، نسخه نفیس به خط نستعلیق ملا محمد معز فرزند مؤلف در سال ۱۰۹۹ هجری، قطع رقعی، عناوین شنگرف.

ش «۱۰۴۰۰ م»
۱۳۵. کتاب بحرالانساب به فارسی، نسخه تمیز، خط نستعلیق، صفحات مجدول، قطع وزیری کوچک، کتابت ۱۲ رمضان ۱۲۹۴ هجری به خط سلمان شله‌زاری از محال ساوجبلاغ که به خواهش آقا حسن ده‌باشی آن را کتابت کرده است. ش «۱۰۴۰۱ م»

۱۳۶. مجموعه ۳ رساله عربی در یک جلد:

۱. رساله در علم رجال، خط نستعلیق، کتابت سده ۱۳ هجری.

۲. رساله فی الحجیة المظنة، مورخ سال ۱۲۶۱ هجری.

۳. رساله فی الرد علی الاخباریین.

این سه رساله احتمالاً نسخه اصل و به خط مؤلف باشد، عناوین شنگرف، قطع جیبی. ش «۱۰۴۰۷ م»

۱۳۷. مکاتیب فارسی از قطب‌الدین محمد خرقانی، مورخ ۵ ذی‌الحجه سال ۱۰۴۸ هجری، نسخه نفیس، خط نسخ، عناوین شنگرف، قطع رقعی. ش «۱۰۴۰۸ م»

۱۳۸. تقریرات اصول به عربی، مؤلف ناشناخته، نسخه اصل به خط مؤلف، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نستعلیق، قطع جیبی، عناوین مشکی، برگ آغاز و انجام افتاده است.

ش «۱۰۴۰۶ م»
۱۳۹. کتاب کفایة الایتام فقه استدلالی به فارسی، جلد دوم،

تألیف سید جعفر بن اسحاق موسوی دارابی بروجردی، کتابت سال ۱۲۶۲ هجری به خط نسخ و نستعلیق محمد رضا بن

۱۲۵. کتاب غایة المأمول در حاشیه قوانین الاصول به عربی، از میرزا موسی بن جعفر بن لطفعلی تبریزی، کتابت ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۳۰۰ هجری به خط نسخ و نستعلیق شکسته عبدالفتاح بن عبدالرحیم، نسخه مصصح، عناوین شنگرف، قطع وزیری. ش «۱۰۲۸۹ م»

۱۲۶. مرشد الخواص به عربی از محمد بن حسن مشهدی، کتابت در ماه رجب سال ۱۲۲۲ هجری به خط نسخ محمد بن عبدالله در مدرسه عباس‌قلی شاملو در مشهد مقدس، نسخه مصصح، عناوین شنگرف. ش «۱۳۳۹۸»

۱۲۷. مجموعه دو رساله عربی:

۱. البرهان ارسطو طالیس.

۲. مجموعه رسائل رشیدالدین محمد بن محمد وطواط، کتابت سده ۱۱ هجری، خط نسخ، نسخه مصصح با علامت بلاغ، عناوین مشکی. ش «۱۰۲۶۱ م»

۱۲۸. کتاب صحائف الاعمال به فارسی از مولی حیدرعلی بن نعمت‌الله طبسی، کتابت سده ۱۱ هجری، خط نسخ خوش، عناوین شنگرف، نسخه مصصح، برگ آغازین افتاده، قطع رقعی. ش «۱۰۴۳۰ م»

۱۲۹. شرح بصره المتعلمین به عربی از محمد جعفر بن محمد علی بن محمدباقر حائری قرمیسینی «کرمانشاهی» نسخه بسیار نفیس و اصل به خط مبارک مؤلف در سال ۱۲۳۳ هجری، خط نسخ و نستعلیق تحریری مؤلف، عناوین شنگرف نسخه در حاشیه از سوی مؤلف تصحیح شده، قطع وزیری.

ش «۱۰۲۱۵ م»
۱۳۰. تحقیقات اصولی به عربی از آخوند ملا علی بن فتح‌الله نهاوندی، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، نسخه مصصح، عناوین شنگرف. ش «۱۰۲۱۶ م»

۱۳۱. مجموعه چند رساله عربی از تألیفات مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمد میلانی که برخی به خط ایشان و برخی دیگر به خط مبارک مرحوم آیت‌الله میرزا فتاح شهیدی تبریزی به سال ۱۳۵۴ هجری می‌باشد. بدین ترتیب: ۱. رساله در بیع؛ ۲. حاشیه رسائل و کفایه؛ ۳. قاعده لاضرر و لاضرار؛ ۴. رساله در مطالعات و غیره، نسخه مصصح و بسیار نفیس، مطالب قلم خوردگی دارد، عناوین مشکی، بدون جلد، برگها پراکندگی دارد. ش «۱۰۱۹۸ م»

۱۳۲. تاریخ نگارستان به فارسی در تاریخ اسلام تا عصر

شنگرف، نسخه مصحح، قطع وزیری. ش «۱۰۴۲۱ م»
 ۱۴۷. ادویه مفرده به فارسی از محمدرضا طبیب، کتابت سده
 ۱۳ هجری، خط نستعلیق، در حاشیه تصاویر گل و گیاه ترسیم
 شده، عناوین شنگرف نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی، دارای
 سرلوح ساده قطع وزیری کوچک. ش «۱۰۴۲۲ م»
 ۱۴۸. مصائب المعصومین به عربی از عبدالخالق بن عبدالرحیم
 یزدی، کتابت سال ۱۲۶۰ هجری، به خط نستعلیق و نسخ قنبر
 نوری از رودی، نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی، عناوین
 شنگرف، دارای علامت بلاغ قطع رحلی.
 ش «۱۰۲۱۴ م»
 ۱۴۹. کتاب لغت فارسی، تألیف آرزو؟ کتابت در سده ۱۲
 هجری، خط نستعلیق تحریری، عناوین شنگرف، نسخه
 مصحح، قطع جیبی. ش «۱۰۲۲۲ م»
 ۱۵۰. مجموعه دو رساله در یک جلد: ۱. رساله مجدیبه یا
 «کشف الغرائب» به فارسی از میرزا محمدخان مجد الملک.
 ۲. رساله در باره شاعران ایرانی، مؤلف ناشناخته، کتابت سده ۱۳
 هجری، خط نستعلیق خوش، نسخه تمیز، قطع رقی. ش «۱۳۳۷۳»
 ۱۵۱. رساله در نجوم و کواکب و حدوث عالم به عربی از محمد
 محسن بن ابی تراب، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، در
 حاشیه تصحیح شده و قلم خوردگی دارد. احتمالاً نسخه اصل
 باشد، قطع جیبی. ش «۱۰۲۳۰ م»
 ۱۵۲. کتاب مختصر الرمل به فارسی، مؤلف ناشناخته، کتابت
 سده ۱۳ هجری، خط نستعلیق تحریری، عناوین شنگرف،
 برگ پایانی افتاده، قطع وزیری. ش «۱۰۲۳۱ م»
 ۱۵۳. رساله جهان‌آباد جامعه جعفری در علم جفر به فارسی از
 محمدعلی بن زین‌العابدین اشرفی، کتابت ۱۱ ربیع الثانی سال
 ۱۳۲۲ هجری به خط نستعلیق تحریری عناوین مشکی
 درشت، قطع رقی. ش «۱۳۳۹۷»
 ۱۵۴. مجموعه ۵ رساله در یک جلد: ۱. میزان الصرف به
 عربی، مؤلف ناشناخته؛ ۲. شرح عوامل جرجانی به فارسی، شارح
 ناشناخته؛ ۳. عوامل منظومه یا تحفة العراقین حکیم خاقانی به
 فارسی؛ ۴. فصول اکبری در صرف از علی‌اکبر جنوری؛ ۵. رساله نحو
 از ضریری. کتابت مجموعه در سده ۱۲۳۸ هجری، خط
 نستعلیق، نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی، عناوین شنگرف، قطع
 رقی پالتوئی. ش «۱۳۳۹۵»

میرزا ابوالحسن به خواهش آقا ملا کاظم، نسخه مصحح
 و دارای قلم خوردگی، نسخه در عصر مؤلف کتابت شده، قطع
 وزیری. ش «۱۰۲۸۶ م»
 ۱۴۰. مجموعه رسائل شیخ محمدهادی تهرانی به عربی از
 جمله: ۱. رساله در امامت؛ ۲. رساله در زکوة؛ ۳. رساله در صوم؛
 ۴. رساله در ارث.
 خط نستعلیق خوش، کتابت ۲۴ صفر سال ۱۳۳۳ هجری،
 به خط ابراهیم بن موسی بن محمد حسن بن ابراهیم بن محمد
 بن ابراهیم، قطع رقی خشتی، عناوین شنگرف.
 ش «۱۰۳۸۳ م»
 ۱۴۱. مجموعه دو رساله نفیس: ۱. شرح رساله فارسی هیئت
 ملا علی قوشچی از مصلح‌الدین محمد لامری انصاری به فارسی
 مورخ ۲۳ محرم سال ۱۲۱۹ هجری و دارای تصاویر و دوائر
 رنگین نجومی. ۲. اصول معرفت تقویم به فارسی احتمالاً از
 همان مؤلف رساله قبلی و به خط همان کاتب در دوم محرم
 سال ۱۲۱۹ هجری، قطع جیبی، خط نستعلیق، عناوین
 شنگرف. ش «۱۰۳۸۴ م»
 ۱۴۲. مفتاح الکنوز فی الرموز در علم رمل شامل ۱۲ بیوت به
 فارسی، تألیف مولی حاج حسن طبسی به ضمیمه شرح آن
 کتاب از میرزا محمد منجم تهرانی کتابت سده ۱۳ هجری،
 خط نستعلیق تحریری، نسخه مصحح، قطع وزیری.
 ش «۱۰۲۳۲ م»
 ۱۴۳. کتاب الهادی إلى النجاة من جمیع المهلکات به عربی، از
 محمد شریف بن شهاب‌الدین محمد شاه‌میرزائی، کتابت سده
 ۱۲ هجری، خط نسخ، نسخه مصحح و دارای حواشی، عناوین
 شنگرف، مطالب قلم خوردگی دارد، قطع رقی خشتی، کتاب
 شامل ۱۴۲ باب است و این نسخه فقط ۷۸ باب دارد.
 ش «۱۰۲۲۰ م»
 ۱۴۴. شرح حدود نحویة به عربی، از عبدالله بن احمد الفاکهی،
 کتابت سده ۱۱ هجری، خط نسخ عالی و سرلوح رنگین،
 صفحات مجدول. ش «۱۰۲۲۱ م»
 ۱۴۵. مشاعیل الانوار المقتبسة به عربی از محمد بن حسنعلی
 قاینی، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، نسخه در حاشیه
 تصحیح شده، قطع وزیری کوچک. ش «۱۰۲۰۷ م»
 ۱۴۶. حاشیه انوار التنزیل به عربی از محمد بن فرامرز مشهور
 به ملا خسرو، کتابت سده ۱۲ هجری، خط نستعلیق، عناوین

شیخ مفید؛ ۲. کتاب زینة العباد و فرحة العباد از شیخ احمد نجفی، کتابت سال ۱۳۰۰ هجری، خط نسخ علی بن عباس بحرانی، عناوین قرمز، در حاشیه تصحیح شده.

ش «۱۰۲۰۳ م»

۱۶۴. ترجمه فارسی کتاب نعلیه شهید از ابوالمعالی حسینی جرجانی، کتابت سده ۱۲ هجری، خط نستعلیق، برگهای آغاز و انجام افتاده، نسخه مصحح، قطع جیبی. ش «۱۰۴۴۷ م»

۱۶۵. کتاب بحرالجواهر به عربی از محمد بن یوسف طبیب هروی، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نستعلیق، مصحح با حاشیه‌نویسی، قطع وزیری. ش «۱۰۴۲۳ م»

۱۶۶. مجموعه دو کتاب: ۱. نصاب الصبیان از فراهی؛ ۲. شرح منظومه لؤلؤیه در تجوید قرآن به فارسی، کتابت سال ۱۲۶۰ هجری به خط نسخ و نستعلیق علی‌رضا بن عوضعلی دیزادیزی، عناوین شنگرف، مصحح، برگ پایانی افتاده.

ش «۱۰۴۲۴ م»

۱۶۷. مجموعه چهار کتاب عربی در یک جلد: ۱. بحارالعلوم به عربی منسوب به امام صادق(ع)؛ ۲. شمس و عکوس از جعفر بن ابی‌اسحاق؛ ۳. کتاب النفس ارسطاطالیس؛ ۴. الشرق و البرق از جعفر بن ابی‌اسحاق، کتابت سال ۱۲۴۵ هجری به خط نسخ و اندکی نستعلیق شکسته تحریری زین‌العابدین بن ذوالفقار در قصبه زاویه از توابع دارالسرور بروجرد، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع جیبی. ش «۱۰۴۴۴ م»

۱۶۸. رساله صلوته سید بحر العلوم به عربی، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، نسخه مصحح با ذکر نسخه‌بدلها، عناوین شنگرف، قطع جیبی. ش «۱۰۲۲۸ م»

۱۶۹. فتوحات منتظیه به عربی از شیخ فتح‌الله بن علوان کعبی الدورتی، کتابت در ماه صفر سال ۱۲۹۳ هجری به خط نسخ خوش احمد بن جعفر شیرازی، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع جیبی. ش «۱۰۲۲۹ م»

۱۷۰. رساله الناصریة فی اخبار الصحیحة به فارسی و عربی از ابوالقاسم ملقب به ناصر علی، کتابت در سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ هجری، نسخه اصل به خط نسخ و نستعلیق تحریری مؤلف در سرحد انزلی و میانه مرلفه، قطع وزیری بزرگ. ش «۱۰۴۲۵ م»

۱۷۱. ارجوزة در ارث و در ولادت نبی اکرم(ص) به عربی، ناشناخته، کتابت سال ۱۳۳۰ هجری در روستای برهان

۱۵۵. خیرالتجارب به فارسی از خیراندیش خان، کتابت سده ۱۱ هجری، خط نستعلیق که در هند و در عصر پادشاه غازی کتابت شده است. عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع رقعی بزرگ. ش «۱۰۲۶۶ م»

۱۵۶. الحدیة الحسینیة فی قطع لسان اعوان الامویة به عربی، کتابت در سده ۱۲ هجری، خط نسخ، عناوین مشکی، نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی، قطع رقعی پالتوئی. ش «۱۰۲۶۷ م»

۱۵۷. کتابچه سیاق به فارسی از میرزا سلمان فراهانی ملقب به بیان السلطنه، کتابت سده ۱۳ هجری، نسخه اصل به خط مؤلف، دو برگ آغازین به خط میرزا علی قائم مقام فراهانی می‌باشد، قطع رقعی. ش «۱۰۴۳۷ م»

۱۵۸. سفرنامه سید علی حجازی به فارسی شامل تاریخ و جغرافیا و سیاحت کشورهای که نویسنده رفته است، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۱۳۰۴ هجری. نسخه مصحح، عناوین مشکی، قطع جیبی. ش «۱۰۴۳۸ م»

۱۵۹. رساله معمايه به فارسی از باقری هروی، کتابت در سده ۱۳ هجری، به خط نسخ خوش، عناوین شنگرف، نسخه مصحح با حاشیه‌نویسی، قطع رقعی کوچک. ش «۱۰۴۳۳ م»

۱۶۰. شرح تهذیب المنطق به فارسی از هبة‌الله حسینی معروف به شاهمیر، کتابت سده ۱۲ هجری، خط نسخ عالی، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، برگ انجام افتاده، قطع رقعی. ش «۱۰۴۳۴ م»

۱۶۱. مجموعه ۴ رساله در یک جلد: ۱. شرح باب حادی عشر به عربی از علامه حلی؛ ۲. مناہج المناہج در عقاید یوحنا نبی اسرائیل از ابوالفتوح رازی؛ ۳. کتاب اظهار التحقیق فی مسألة الجمع و التفریق به فارسی از سید محمد بن سید علی میرزا فاطمی؛ ۴. اصلاح ذات البین لقطع نزاع الخصمین به عربی از سید محمد بن سید علی محدث نیشابوری، کتابت مجموعه در سال ۱۲۶۹ هجری به خط نسخ شیخ علی بحرانی، عناوین شنگرف، نسخه مصحح و دارای حاشیه‌نویسی، قطع وزیری. ش «۱۰۲۰۴ م»

۱۶۲. سرور المؤمنین در احوال مختار به فارسی از میرزا هادی نائینی، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، برگهای آغاز و انجام افتاده، عناوین شنگرف در حاشیه تصحیح شده، قطع وزیری خشتی. ش «۱۰۲۰۲ م»

۱۶۳. مجموعه دو کتاب عربی در یک جلد: ۱. کتاب الارشاد

شکسته، نسخه مصحح، قطع جیبی پالتوئی. ش «۱۳۳۹۹»
 ۱۸۰. تحفه قاری در علم تجوید در ۱۲ باب به فارسی از حیدر محمد قاری، کتابت ۳ ربیع الآخر سال ۱۲۸۵ هجری، به خط نسخ خوش ابراهیم، نسخه مصحح با اندکی حاشیه نویسی، قطع جیبی پالتوئی. ش «۱۳۳۹۲»
 ۱۸۱. مجموعه ۳ رساله عربی: ۱. منظومه فقهیه بحر العلوم؛ ۲. منظومه الوافیه فی نظم الشافیه در علم صرف از قوام الدین محمد بن محمد مهدی حسینی قزوینی حلی، کتابت ۲۲ جمادی الاولی سال ۱۲۹۸ هجری، به خط نسخ خوش محمد حسن جنابذی الجومندی، نسخه مصحح، عناوین مشکئی، در حاشیه تصحیح شده، قطع جیبی. ش «۱۰۲۵۶»
 ۱۸۲. کتاب شهاب الاخبار فی الحکم و الامثال و الآداب به عربی از قاضی ابی عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی بن حکمون القضاعی الشافعی، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ. در پشت برگ آغازین تقریظی از حسین الحسینی آمده است، عناوین ۳۰ باب کتاب شنگرف. نسخه مصحح، قطع جیبی پالتوئی. ش «۱۳۳۹۴»
 ۱۸۳. تقریرات اصولی درسهای مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی، مؤلف ناشناخته، کتابت اواخر سده ۱۳ هجری، نسخه اصل به خط مؤلف، نسخه از سوی مؤلف تصحیح شده با قلم خوردگی، این نسخه مسوده است، قطع وزیری.
 ش «۱۰۲۸۱»
 ۱۸۴. تقریرات اصولی درسهای مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی، جلد دیگر، مؤلف ناشناخته، نسخه اصل به خط نستعلیق تحریری مؤلف، کتابت اواخر سده ۱۳ هجری. قطع وزیری.
 ش «۱۰۲۸۲»
 ۱۸۵. تقریرات اصولی درسهای مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی، مبحث استصحاب، نسخه اصل با همان مشخصات دو نسخه قبلی. ش «۱۰۲۸۳»
 ۱۸۶. تقریرات اصولی درسهای مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی، مبحث تعادل و تراجیح، نسخه اصل با همان مشخصات نسخه‌های قبلی. ش «۱۰۲۸۴»
 ۱۸۷. کتاب قمر المنیر به فارسی و عربی از احمد بن علی، کتابت ۱۴ ذیقعد سال ۱۳۴۰ هجری، به خط نستعلیق تحریری عباسعلی اسکوئی معلم حق. نسخه مصحح. ش «۱۰۲۸۵»

ساوجبلاغ، به خط نسخ محمد تختی اصل، عناوین شنگرف و مشکئی، نسخه مصحح با حاشیه نویسی، قطع وزیری.
 ش «۱۰۴۲۶»
 ۱۷۲. مرآة الحق به فارسی از محمد جعفر بن حاج صفرخان همدانی، کتابت سال ۱۲۷۱ هجری، خط نستعلیق عالی خفی هاشمی موسوی هروی. ش «۱۰۴۲۷»
 ۱۷۳. مجموعه دو رساله در یک جلد: ۱. خطبه البیان منسوب به مولی امیرالمؤمنین علی(ع) به عربی؛ ۲. ارشاد المبتدین به فارسی از حافظ محمدصادق، کتابت ۱۰ ربیع المولود سال ۱۱۶۳ هجری، به خط نستعلیق خوش و تحریری معمولی، نسخه مصحح، قطع رقی. ش «۱۳۳۹۳»
 ۱۷۴. مجموعه ۶ رساله عربی در یک جلد: ۱. رساله اعتقادات، ناشناخته؛ ۲. برء الساعة از محمد بن زکریا رازی؛ ۳. سؤال و جواب، ناشناخته؛ ۴. رساله السهل در معرفت اکسیر از جابر بن حیان؛ ۵. تفریق الادیان از رسیموس حکیمی؛ ۶. سرالसार و سرالاسرار، ناشناخته، کتابت برخی در سده ۱۲ هجری و برخی دیگر ۲۹ رجب سال ۱۳۰۵ هجری به خط نسخ هدایت الله و رضا موسوی بروجردی، نسخه مصحح.
 ش «۱۰۲۶۹»
 ۱۷۵. مجموعه دو رساله عربی: ۱. تقریرات اصولی از شیخ احمد حائری یزدی؛ ۲. کتاب تهذیب الوصول إلى علم الاصول از علامه حلی، کتابت سده ۱۳ هجری، به خط نسخ متنوع خوش، عناوین مشکئی و برخی نانوشته، حاشیه نویسی از سید عمیدالدین، قطع وزیری. ش «۱۰۲۳۴»
 ۱۷۶. تقریرات فقهی بیع، وصایا، وقف، تجارت، احواء موات به عربی از شیخ احمد حائری یزدی، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ و نستعلیق تحریری، نسخه مصحح با حاشیه نویسی، عناوین مشکئی، قطع وزیری. ش «۱۰۲۳۵»
 ۱۷۷. رساله در ادعیه و علوم غریبه و طلسمات، مؤلف ناشناخته، به فارسی کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، عناوین مشکئی، برگهای آغاز و انجام افتاده، قطع جیبی. ش «۱۰۳۶۱»
 ۱۷۸. مجموعه در اعتقادات و فقه و قراءات، ناشناخته، کتابت سده ۱۳ هجری خط نسخ خوش، برگهای آغاز و انجام افتاده، قطع جیبی. ش «۱۰۳۶۲»
 ۱۷۹. رساله در علم تجوید به فارسی از محمدزمان بن محمدطاهر تبریزی، کتابت سال ۱۲۷۳ هجری، خط نستعلیق

۱۸۸. مجموعه دو کتاب فارسی در یک جلد: ۱. ترجمه سیرو سلوک از ملا حسین بن علی خسروشاهی تبریزی؛ ۲. مجمل مسائل اصول دین احتمالاً از همان مؤلف کتابت ۲۰ ربیع‌الثانی سال ۱۲۴۸ هجری، به خط نستعلیق شکسته، ملا محمدزمان بن مشهدی شکروردی، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع رقعی بزرگ. ش «۱۰۲۹۰ م»

۱۸۹. مجیب‌النداء الی شرح قطر الندی، به عربی از عبدالله بن احمد بن علی الفاکهی، کتابت ۱۶ شوال سال ۱۱۹۹ هجری، به خط نسخ محمد بن شیبب بن صفر بن بدر الدور، نسخه مصحح، عناوین مشکوی. ش «۱۰۲۹۱ م»

۱۹۰. مجموعه ۶ رساله عربی و فارسی در یک جلد: ۱. البردة النبویة فی شرح الکواکب الدریة از فخرالدین احمد بن محمد ابی‌بکر البوصیری؛ ۲. منتخب المراثی، ناشناخته؛ ۳. شرح قصیده حمیری «احکام نوروز» به فارسی از علامه مجلسی؛ ۴. شرح قصیده دعبل خزاعی، ناشناخته؛ ۵. احادیث قدسیه؛ ۶. الرسالة العلمیة فی الاحادیث النبویة از ملا حسین بن علی کاشفی. کتابت سال ۱۲۴۸ هجری در شهر بسطام شاهرود، خط نسخ و نستعلیق، نسخه مصحح با حواشی بسیار، عناوین مشکوی و برخی نانوشته، قطع وزیری. ش «۱۰۲۹۲ م»

۱۹۱. کتاب تحریرالاصول به عربی از شیخ علی بن محمدجعفر شریعتمدار، کتابت اواخر سده ۱۳ یا اوائل سده ۱۴ هجری، خط نسخ و نستعلیق تحریری، نسخه مصحح در زمان مؤلف، حواشی با عبارت دام‌ظله‌العالی، قطع وزیری. ش «۱۰۲۹۳ م»

۱۹۲. کتاب در اصول فقه «استصحاب» به عربی، مؤلف ناشناخته، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ، عناوین نانوشته، برگ پایانی افتاده، قطع وزیری. ش «۱۰۲۹۴ م»

۱۹۳. مجموعه دو کتاب فارسی: ۱. کتاب مرآة العالم در تاریخ، ناشناخته؛ ۲. عروض و قافیه، ناشناخته، کتابت اوائل سده ۱۴ هجری، خط نستعلیق، برگ آغازین افتاده، قطع رقعی پالتوئی. ش «۱۰۲۹۶ م»

۱۹۴. کتاب عین البکاء به فارسی در مقتل از محمدتقی بن احمد بروجرودی، کتابت سال ۱۲۴۹ هجری، خط نستعلیق تحریری خوش، عناوین شنگرف، قطع رحلی کوچک. ش «۱۰۳۶۵ م»

۱۹۵. بحرالدموع به فارسی در مقتل از احمد بن حسن

بیرجندی یزدی، کتابت سال ۱۲۹۰ هجری به خط نسخ، عناوین شنگرف، قطع وزیری. ش «۱۰۴۲۸ م»

۱۹۶. شرح الصغیر ج ۲، به عربی، در فقه شیعه، از سید علی طباطبائی، کتابت ۳ ربیع‌الاول سال ۱۲۱۳ هجری، به خط نسخ، عناوین شنگرف. این کتاب که در ۳ جلد نگاشته شده برای نخستین بار از سوی واحد انتشارات این کتابخانه بزرگ در ۳ جلد، چند سال قبل چاپ و منتشر شده است. ش «۱۰۳۴۸ م»

۱۹۷. مجموعه ۴ رساله در یک جلد به فارسی و عربی: ۱. حدیث طارق به فارسی از سیفی عروضی بخاری؛ ۲. رساله سیفی به عربی؛ ۳. رساله براكلیوس به عربی از ضیاءالدین شاگرد مولی علی سبزواری؛ ۴. آداب المشق محمدیوسف بن مقصود به فارسی، کتابت مجموعه سال ۱۲۴۱ هجری، به خط نسخ و نستعلیق ابوالقاسم قاضی، نسخه مصحح با حواشی لطفعلی، عناوین شنگرف، قطع جیبی. ش «۱۰۴۳۹ م»

۱۹۸. مجموعه ۲ رساله عربی: ۱. بغیة الطالب فی المفروض والواجب از شیخ جعفر بن نجفی؛ ۲. رساله صومیه، ناشناخته، کتابت سال ۱۲۰۴ هجری در نجف اشرف به خط نسخ و نستعلیق ابوالحسن بن سید محمد نبی که در عصر مؤلف کتابت شده است، عناوین شنگرف، نسخه مصحح و مقابله شده، قطع جیبی. ش «۱۰۴۴۱ م»

۱۹۹. رساله عملیه چاپ سنگی عربی قدیمی از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر با حواشی خطی مرحوم آیت‌الله شیخ محمد حسن بن عبدالله مامقانی نجفی، در برگ آغازین دستخط مرحوم مامقانی آمده که عمل به این رساله را جایز دانسته‌اند. همچنین دستخط مرحوم حاج میرزا محمد حسن حسینی «میرزای شیرازی» آمده و ایشان نیز عمل به این رساله را جایز دانسته‌اند. دارای حواشی دستنویس، نسخه مصحح و مقابله شده، قطع وزیری. ش «۱۰۲۹۸ م»

۲۰۰. رساله فارسی در تعلیم علم حساب از ابراهیم رحیمی که در منطقه گمره از توابع شهرستان اراک «استان مرکزی» به خواهرش یکی از دوستان خود نگاشته است، کتابت اوائل سده ۱۳ هجری، نسخه چاپ نشده، خط نستعلیق خوش، قطع جیبی. ش «۱۰۳۸۵ م»

۲۰۱. مجموعه شامل دعای گنج‌النجاح منقول از حضرت امام صادق(ع)، این نسخه بسیار ارزشمند و هنری به خط نسخ

۲۰۸. مجموعه ۵ رساله فارسی از صوفیان: ۱. رساله هیئت از احمد بن عبدالاحد فاروقی نقشبندی؛ ۲. رساله مبداء و معاد فارسی از احمد نقشبندی؛ ۳. رساله در بیان سلوک از شیخ محمد اعظم بن سیف الدین مهدی؛ ۴. شرح رباعیات غامضه خواجه محمد باقی نقشبندی؛ ۵. رساله مکتوب پنجاه و هشتم، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نستعلیق، کاغذ آبی فرنگی، قطع جیبی جانمازی. ش «۱۰۵۲۷ م»

۲۰۹. جلد ۱ و ۲ و ۳ کتاب هدایة المسترشدين فی شرح معالم الدین به عربی از شیخ محمدتقی بن محمد رحیم تهرانی اصفهانی از علمای نیمه نخست سده ۱۱ هجری کتابت در پایان جلد ۲ ماه جمادی الاولی سال ۱۲۶۵ هجری به خط نسخ شیخ ابوالقاسم بن حسین خوانساری. قطع رحلی، عناوین قرمز. ش «۱۰۵۰۹ م»

۲۱۰. کتاب روضة السعادات به فارسی به صورت منظوم در اخلاق و غیره، تألیف مرحوم حاج سید باقر آل یاسین بن محمد اسماعیل حسینی اردهالی کاشانی از علمای اردهال کاشان و متخلص به «اطهری» ولادت به سال ۱۲۴۲ شمسی در اردهال و وفات سال ۱۳۲۷ ش در همانجا و مدفون در ایوان حرم مطهر امامزاده سلطان علی بن الامام الباقر (ع) معروف به مشهد اردهال^۱. نسخه اصل به خط مؤلف. دو تن از علمای معاصر مؤلف مطالبی در صفحه دوم این نسخه نگاشته‌اند. از جمله مرحوم آیت الله سید محمدباقر قزوینی به سال ۱۳۵۳ هجری و مرحوم آیت الله سید حسین رضوی کاشانی از علمای برجسته متأخر ساکن کاشان و مؤلف کتابهای بسیار از جمله کتاب «العند بیل فی تمییز الصحیح من العلیل» که منتشر شده است. قطع نسخه رحلی، خط نستعلیق مؤلف چهار ستونی، عناوین مشکی، نسخه منحصر. ش «۱۰۴۱۷ م»

۱. مشهد اردهال و معروف به مشهد قالی شویان مزار مطهر حضرت سلطان علی بن امام محمدباقر علیه السلام می‌باشد. این مزار بسیار معتبر و مورد تأیید و عنایت پدر بزرگوارم مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمت الله علیه می‌باشد. ایشان بیش از سی سال قبل به اشتیاق زیارت آن مرقد شریف به دعوت اهالی اردهال سفری به آن دیار داشتند و چون آن محل فاقد برق بود، شخصاً موتور برق بزرگی را دستور دادند خریداری و نصب گردید و آن حرم و اهالی محل از نعمت برق بهره‌مند شدند. یکی از علمای قم که در این سفر ایشان را همراهی می‌نمود، رساله‌ای به نام «نورباهر» در ترجمه سلطان علی نگاشته و در همان سالها در قم چاپ و منتشر شده است.

ممتاز یکی از خوشنویسان مسلم خط نسخ در دوران قاجاریه در سده ۱۳ هجری کتابت شده است، دارای سرلوح مرصع و حواشی با طرح اسلمی زرین، صفحات مجدول با آب طلا و دارای کمند، عناوین زرین، در برخی حواشی فوایدی با خط نستعلیق ممتاز نوشته شده، قطع رقعی. ش «۱۰۳۸۶ م»

۲۰۲. شرح بیست باب اسطراب مولی عبدالعلی بیرجندی اخترشناس برجسته ایرانی در مرعفت تقویم از: مولی مظفر منجم جنابذی متوفی ۱۰۳۸ هجری، این اثر را او به فارسی در سال ۹۶۶ هجری در عصر شاه عباس اول صفوی نگاشته است، خط نسخ، عناوین شنگرف، قطع وزیری، دارای اشکال نجومی با شنگرف، کتابت اوائل سده ۱۳ هجری. ش «۱۰۳۸۷ م» یادآوری می‌شود اینجانب فهرستی از آثار خطی علامه عبدالعلی بیرجندی که در این کتابخانه بزرگ موجود می‌باشد به مناسبت همایش بزرگداشت آن دانشمند ایرانی که در سال جاری در شهر بیرجند برگزار شده بود تهیه و منتشر ساختم.

۲۰۳. حاشیه حاشیه شریف بر تحریر القواعد المنطقية، عربی از عثمان؟ خط نستعلیق احمد بن شمس الدین سال ۸۳۰ هجری، نسخه نفیس و کهن، مصحح با حاشیه‌نویسی، عناوین شنگرف، قطع رحلی. ش «۱۰۳۴۶ م»

۲۰۴. مجموعه رسائل، به عربی و فارسی: ۱. خلاصة الحساب شیخ بهاء الدین عاملی؛ ۲. معما؛ ۳. احوبه مسائل؛ ۴. اسطراب؛ ۵. تشریح الافلاک، جهة القبلة، حدیقة الهلالية یا حدیقة الصالحین در شرح صحیفه سجاده، مؤلف ناشناخته، کتابت مجموعه سال ۱۲۷۷ هجری، خط نسخ و نستعلیق زین العابدین بن ابیطالب. ش «۱۰۲۵۲ م»

۲۰۵. ادعیه و تسبیحات از کتاب منهاج الصلاح در مختصر المصباح، ناشناخته، کتابت سال ۱۱۴۰ هجری، خط نستعلیق تحریری، نسخه مصحح و مقابله نشده. ش «۱۰۴۴۶ م»

۲۰۶. کتاب جمال الصالحین در فضائل و آداب و اعمال و محاسن اخلاق و افعال به فارسی، تألیف حسن بن عبدالرزاق لاهیجی قمی متوفی ۱۱۲۱ هجری، دارای مقدمه و ۱۲ باب و خاتمه، کتابت بخشی از نسخه اواخر سده ۱۲ و بخشی دیگر اوائل سده ۱۳ هجری، قطع رحلی کوچک. ش «۱۰۴۵۳ م»

۲۰۷. مختار نامه به فارسی، ناشناخته، به ضمیمه مقتل ابی مخنف، کتابت سال ۱۲۴۲ هجری، خط نستعلیق و نسخ، قطع رحلی. ش «۱۰۳۴۲ م»



۲۱۱. گلستان حسینی، جلد اول به صورت منظوم به فارسی در مقتل. تألیف همان مؤلف کتاب قبلی. این اثر را مؤلف در سال ۱۳۴۰ هجری در قم نگاشته و در اردهال کاشان آن را تکمیل کرده است. نسخه اصل به خط مؤلف، قطع رقعی بزرگ، خط نستعلیق با حواشی. ش «۱۰۴۱۸ م»

۲۱۲. جلد دوم گلستان حسینی به فارسی و منظوم از همان مؤلف. نسخه اصل قطع رقعی بزرگ. خط نسخ و نستعلیق مؤلف. عناوین مشکئی. ش «۱۰۴۱۹ م»

۲۱۳. کتاب حدیقه الزاهدین به فارسی در فقه منظوم از همان مؤلف ۳ کتاب قبلی. این اثر را مؤلف به سال ۱۳۶۰ هجری در اردهال کاشان به پایان برده است. نسخه اصل به خط مؤلف، قطع رحلی، خط نستعلیق ۴ ستونی، عناوین مشکئی. ش «۱۰۴۲۰ م»

۲۱۴. جلد اول حاشیه التجرید به عربی از شهاب‌الدین بن قاسم العبادی این تجرید غیر از تجرید علامه است. عناوین سنگرف. خط نسخ، قطع رقعی بزرگ، برگ آغازین افتاده، کتابت سده ۱۱ هجری. ش «۱۰۵۲۹ م»

۲۱۵. رساله اتحاد اسلام به فارسی، مؤلف ناشناخته، این اثر را مؤلف در ۱۸ جمادی الآخر سال ۱۳۱۲ هجری در حدود مسقط در عمان به پایان برده است. کتابت ربیع الاول سال ۱۳۲۷ هجری به خط نستعلیق ممتاز ابوالفضل تهرانی، صفحات مجدول، عناوین قرمز، قطع رقعی. ش «۱۰۵۳۰ م»

۲۱۶. کتاب نگارستان به فارسی در تاریخ اسلام تا عصر مؤلف به سال ۹۵۹ هجری، تألیف احمد بن محمد بن عبدالغفار قزوینی غفاری که آغاز آن را با نام انبیا و خلفا و ائمه ۱۲ گانه آورده است. کتابت به خط نستعلیق در چهارشنبه ۱۴ جمادی الثانی سال ۱۲۰۰ هجری، عناوین سنگرف، قطع رقعی، برگ آغازین افتاده. ش «۱۰۴۵۵ م»

۲۱۷. کتابچه دخل و خرج به فارسی به خط سیاق از تاریخ ۱۴ ذی‌الحجه سال ۱۳۴۱ هجری تا ربیع الاول سال ۱۳۵۰، صفحات مجدول، قطع سلطانی. ش «۱۰۴۸۴ م»

۲۱۸. کتاب بشری الوصول‌الی اسرار علم الاصول جلد ۴ تألیف مرحوم آیت‌الله شیخ محمدحسن بن عبدالله مامقانی تبریزی نجفی، عربی، کتابت سال ۱۳۱۶ هجری به خط نسخ محمود بروجردی، نسخه مصحح و مقابله شده با نسخه اصل توسط شیخ حسین بن احمد انبوهی کیانی غروی به سال ۱۳۱۷

هجری، قطع رحلی. ش «۱۰۴۸۵ م»

۲۱۹. بشری الوصول‌الی اسرار علم الاصول، جلد ۵، به خط نسخ همان کاتب قبلی در سال ۱۳۱۶ هجری، عناوین قرمز، قطع رحلی، ش «۱۰۴۸۶ م»

۲۲۰. بشری الوصول‌الی اسرار علم الاصول، جلد ۷، کتابت سال ۱۳۰۰ هجری به خط نسخ حسین بن محمد علی نیکچه‌ای در دهخوارقان تبریز نسخه در همان سال در مشهد مقدس مقابله و تصحیح شده است. قطع وزیری. ش «۱۰۴۹۰ م»

۲۲۱. کتاب لوامع النکات، جلد ۳، عربی، تألیف مرحوم آیت‌الله شیخ محمود بن جعفر بن باقر میثمی اراکی، کتابت در سده ۱۳ هجری، خط نسخ، نسخه مصحح، قطع رحلی. ش «۱۰۴۸۷ م»

۲۲۲. فوائد الضیائیة به عربی از احمد جامی، کتابت سال ۱۲۲۵ هجری به خط نستعلیق تحریری خوش محمد بن تقی، نسخه مصحح. قطع وزیری. ش «۱۰۴۹۱ م»

۲۲۳. کشف الظلام عن وجه شرایع الاسلام به عربی از شیخ محسن بن حاج مرتضی اعسم نجفی. کتابت سال ۱۳۲۵ هجری به خط نسخ، نسخه مصحح، عناوین قرمز، پشت برگ آغازین تملک محمد علی بن امام جمعه تبریزی آمده است. قطع رحلی. ش «۱۰۴۶۰ م»

۲۲۴. مجموعه ۱۴ رساله عربی و فارسی از شهید اول، شیخ خُر عاملی، شیخ بهاء‌الدین عاملی، ملا محمد تقی مجلسی، ملا محمد باقر مجلسی، شیخ ابوالحسن بن احمد، سید محمد علی موسوی و دیگران، خط نستعلیق خوش تحریری بین سالهای ۱۲۲۸ تا ۱۲۴۲ هجری در شهر تبریز به خط مهر علی. ش «۱۰۴۶۱ م»

۲۲۵. لسان العاشقین و دبستان معرفت به فارسی از محمدجواد بن محمدصالح جلیلی کرمانشاهی متخلص به شباب، نسخه اصل به خط مؤلف در رجب سال ۱۳۳۰ هجری. قطع رقعی. ش «۱۰۴۷۵ م»

۲۲۶. دیوان فارسی «شباب» از محمدجواد بن محمدصالح جلیلی کرمانشاهی متخلص به شباب، نسخه اصل به خط نستعلیق شاعر در سال ۱۳۵۲ هجری در کرمانشاه. قطع رحلی. ش «۱۰۴۷۲ م»

۲۲۷. مجموعه شکرستان و دبستان معرفت به فارسی از همان مؤلف کتابهای قبلی، نسخه اصل به خط نستعلیق مؤلف به

سال ۱۳۲۹ و ۱۳۴۸ هجری. مجدول در آغاز نسخه چند برگ راجع به زندگی‌نامه مؤلف آمده است. قطع رحلی.

ش «۱۰۴۷۳ م»

۲۲۸. جمع پریشان از همان مؤلف، نسخه اصل به خط نستعلیق مؤلف در اوائل سده ۱۴ هجری. قطع وزیری.

ش «۱۰۴۷۴ م»

۲۲۹. ترجمه فارسی کتاب سلوان المطاع فی عدوان الاتباع، از سید نعمت‌الله جزایری شوشتری، کتابت سده ۱۳ هجری، خط نسخ. قطع رقعی.

ش «۱۰۴۷۶ م»

۲۳۰. رضوان الآملین فی حاشیه القوانین، به عربی، جلد اول، از مرحوم آیت‌الله سید محمد بن عبدالصمد حسینی شهشانی اصفهانی، کتابت سال ۱۲۹۰ هجری به خط نسخ محمدصادق بن محمدعلی حسینی، نسخه مصحح، عناوین قرمز، قطع وزیری.

ش «۱۰۳۰۸ م»

۲۳۱. بدایة المعرفة به عربی از محمدرضا بن حسین طالقانی، مورخ سده ۱۱ هجری خط نسخ خوش، صفحات مجدول، عناوین شنگرف، قطع جیبی.

ش «۱۰۴۹۸ م»

۲۳۲. مجموعه دو کتاب: ۱. مسالک الحق به عربی از مولی محمدباقر مجلسی؛ ۲. حدود و قصاص به فارسی از علامه مجلسی، کتابت سده ۱۲ هجری. قطع جیبی، خط نسخ، عناوین شنگرف.

ش «۱۰۵۰۰ م»

۲۳۳. مجموعه شامل ۴ کتاب در یک جلد: ۱. زبدة الاصول به عربی از شیخ بهاء‌الدین عاملی مورخ ۱۲۶۲ هجری؛ ۲. منظومه فارسی لؤلؤ درج المضامین، مورخ ۱۲۶۱ هجری به خط نستعلیق محمدسعید بن محمدشریف؛ ۳. رساله عربی در مسئله خلق الاعمال از میر محمدباقر داماد حسینی مرعشی، خط نستعلیق همان کاتب؛ ۴. منظومه عربی از سید مهدی بحرالعلوم نجفی به خط همان کاتب، قطع جیبی.

ش «۱۰۴۹۷ م»

۲۳۴. مجموعه دو رساله در یک جلد: ۱. رساله در بیان نجاست خمر به فارسی از احمد بن زین‌العابدین علوی که در رد

میراث شهاب

رساله طهارت خمر مولی محمد امین استرآبادی در سال ۱۰۳۴ هجری تألیف کرده است. ۲. النافع یوم المحشر فی شرح الباب الحادی عشر به عربی از ابی‌عبدالله مقداد بن عبدالله بن محمد بن حسین بن محمد السوری الحلی معروف به فاضل مقداد، کتابت ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۰۶۲ هجری به خط نستعلیق شاه محمد بن محمد مؤمن دشت بیاضی، خط نستعلیق، قطع جانمازی پالتوئی، نسخه نفیس.

ش «۱۰۴۹۹ م»

۲۳۵. مجموعه شامل خطب امیرالمؤمنین (ع) به عربی و فارسی، خط نستعلیق، عناوین قرمز، قطع جیبی جانمازی.

ش «۱۰۵۰۲ م»

۲۳۶. تقریرات بحث قضاء به عربی از میرزا محمدعلی چهاردهی نجفی، مورخ سده ۱۳ هجری، خط نستعلیق و نسخ تحریری، عناوین مشکی. قطع وزیری.

ش «۱۰۴۹۴ م»

۲۳۷. تفسیر سوره یس، فتح، واقعه به عربی و فارسی، تألیف حسینی، کتابت سال ۱۲۴۷ هجری، به خط نسخ و نستعلیق خوش، عناوین شنگرف، نسخه مصحح، قطع رقعی.

ش «۱۰۴۹۵ م»

۲۳۸. رساله در طب، مؤلف ناشناخته، فارسی، کتابت سده ۱۳ هجری. خط نسخ خوش، نسخه مصحح، قطع جیبی.

ش «۱۰۴۹۶ م»

۲۳۹. رساله در اجتهاد و اخبار به عربی، از آقا محمدباقر بن محمد اکمل اصفهانی نسخه نفیس، مورخ سده ۱۳ هجری، خط نسخ، قطع رقعی.

ش «۱۰۵۴۱ م»

۲۴۰. اجوبة المسائل الموصلیة به عربی، خط نسخ، عناوین قرمز، کتابت چهارشنبه شوال ۱۲۶۴ هجری، به خط محمد بن سید محمد صادق موسوی خوانساری قطع رقعی.

ش «۱۰۵۴۲ م»

یادآوری می‌شود: نسخه‌های نفیس خطی دیگری در مجموعه خریداری شده در ۶ ماهه دوم سال ۱۳۸۱ وجود دارد که معرفی آنها در این گزارش میسر نیست و آن را به فرصتی دیگر موکول می‌نماییم.

گزارش سفر مصر
در اواخر مهرماه ۱۳۸۱ش
اکتبر ۲۰۰۲م
بخش نخست

طلوع مجدد آفتاب از ساحل اسکندریه

پس از ۱۶ قرن

کتابخانه قدیم اسکندریه و گزارش مراسم رسمی افتتاح ساختمان نوین آن

سید محمود مرعشی نجفی

کتابخانه قدیم اسکندریه

اسکندریه^۱ از شهرها و بندرهای کهن جهان است و بنیاد آن به زمان اسکندر مقدونی^۲ و سال ۳۳۱ پیش از میلاد بازمی‌گردد. وی در سال ۳۲۳ پیش از میلاد، یکی از یاران و فرماندهان ارشد خود را به نام بطلمیوس سوتر (بطلمیوس اول) برگزید تا به عنوان والی او در شهر اسکندریه، به صورت مستقل و مقتدرانه بر آن سرزمین فرمان براند، همان گونه که فراغته بر سرزمین مصر حکومت می‌کردند.

بطلمیوس سوتر (۳۶۰ - ۲۸۳ پیش از میلاد)، مؤسس سلسله لاگیان یا بطالسه، از سال ۳۲۳ تا ۳۰۵ پیش از میلاد، به عنوان والی مصر از جانب اسکندر و جانشین او، حکومت کرد. او پس از شکست خوردن آنتی‌گونوس مونوفتالموس^۳ در ایسوس (افسوس)^۴، با عنوان پادشاهی، از سال ۳۰۵ تا ۲۸۵ پیش از میلاد، بر مصر و سوریه فرمانروایی کرد.

۱. شهر و بندر اسکندریه در کشور مصر و در غرب مصب رود نیل واقع است. تاریخ تأسیس آن به فرمان اسکندر مقدونی، در قرن چهارم پیش از میلاد، بوده است. اسکندریه را عروس دریای سفید متوسط خوانده‌اند. این شهر در حال حاضر، دومین شهر بزرگ مصر به شمار می‌آید. کشور مصر که خود زمانی مرکز تمدن و فرهنگ درخشان مشرق زمین و مقر حکومت فراغته بود، از زمان گشایش آن به وسیله اسکندر و تأسیس شهر اسکندریه در آن، به تدریج به صورت جزوی از قلمرو تمدن مغرب زمین و فرهنگ یونان درآمد. پس از گذشت حدود سه قرن و با هجوم سزار قیصر روم و سربازانش به آن سرزمین و فتح آن، این کشور پایگاهی برای فرهنگ یونانی-رومی درآمد. مجدداً با گذشت نزدیک به هفت سده و فتح آن به وسیله مسلمانان، یکی از کشورهای مهم جهان اسلام شد. از مشهورترین بنیادهای مهم این شهر آکادمی و کتابخانه بزرگ آن و نیز منارة البحر «آئینه سکندر» است که چهارصد گام و یا ۱۴۰ متر ارتفاع داشته است.

یاقوت حموی در معجم البلدان، مقدسی در احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ابن جبیر در کتاب الرحلة، سیوطی در حسن المعاصرة، مقریزی در خطط، ابن ظهیرة در الفضائل الباهرة فی محاسن مصر و القاهرة، بلاذری در فتوح البلدان و علی پاشا مبارک در الخطط التوفیقیة، در مورد این شهر تاریخی بخشی از نگاهتهای خود را به اسکندریه اختصاص داده‌اند. همچنین ابن بطوطه - جهانگرد برجسته مسلمان - در کتاب الرحله توصیف آن شهر را آورده است. تاریخ‌نگاران آورده‌اند که اسکندر ۱۳ شهر به نام اسکندریه ساخته است و به مرور زمان، نام هر یک تغییر کرده است که از آن جمله‌اند: اسکندریه هند، اسکندریه باورنقوس، اسکندریه جالیقوس، اسکندریه سقویاسیس، اسکندریه بابل، اسکندریه صغد در سمرقند، اسکندریه مرو، اسکندریه بلخ، اسکندریه بین حلب و حماة سوریه و اسکندریه بین مکه و مدینه.

۲. اسکندر مقدونی (۳۵۵ - ۳۲۳ پیش از میلاد)، پسر فیلیپ (فیلپوس)، در بیست سالگی، پس از مرگ پدر، بر تخت سلطنت مقدونیه جلوس کرد. او که متأثر از فرهنگ یونان بود و روحش با اساطیر یونانی عجین گشته بود، از کودکی به آنان عشق می‌ورزید و همیشه آرزو داشت تا یکی از آنان باشد. وی مردی باهوش و مطلع از آداب و علوم عصر و دارای عزمی قوی و همتی بلند بود. مدتی را نزد دانشمند بزرگ آن عصر - معلم اول (ارسطو) - تلمذ کرده و از همان زمان اندیشه گسترش و توسعه این آداب و فرهنگ را در دیگر سرزمینها، در سر پروراند. او در همین راستا به هنگام گشایش کشور مصر، شهر اسکندریه را در آن بی‌افکند و آن را مقر گسترش این علوم در مشرق زمین قرار داد. او متجاوز از شصت شهر به نام اسکندریه در نقاط مختلف جهان بنا نهاد که مشهورترین آنها همان اسکندریه مصر است. وی در ۳۲ سالگی بر اثر بیماری درگذشت و جنازه‌اش به اسکندریه منتقل و در همان شهر مدفون گشت.

۳. وی یکی از سرداران اسکندر مقدونی است که در سال ۳۰۶ پیش از میلاد به پادشاهی مقدونیه رسید. او کوشید که در آسیا و متصرفات اسکندر، امپراتوری بزرگی ایجاد کند؛ ولی به سال ۳۰۱ پیش از میلاد، در ایسوس مغلوب و مقتول گردید.

۴. شهری قدیمی در ایونیه، واقع در ساحل دریای اژه که معبد آرتیمیس - از عجایب هفتگانه جهان - در آن واقع شده بود و طبق روایات اسلامی، غار اصحاب کهف نیز در همین شهر است. در سال ۳۰۱ پیش از میلاد جنگ بزرگی بین سرداران اسکندر در همین مکان اتفاق افتاد و آنتی‌گوس مغلوب سلوکوس و لیزیماک گردیده، مقتول گشت.

مجموعه گرانهای آن در آتش جهل و نادانی سوخت. آنچه پس از این حادثه باقی ماند، به بخش کوچک‌تر این کتابخانه، که در معبد سارایس قرار داشت، انتقال یافت و از آن پس آنجا مرکز اصلی کتابخانه شد.

۲. در قرن سوم میلادی و در زمان اورلیانوس،^۳ مجدداً موزه و کتابخانه اسکندریه، در خلال جنگهای داخلی اسکندریه، آسیب فراوان دید و بر اثر آن، معبد سارایس ویران شد و مقدار معتناهی از مجموعه نفیس کتابخانه آن از بین رفت.

۳. در منابع تاریخی نیز آمده است که در سال ۶۴۲ میلادی، به هنگام فتح مصر از سوی مسلمانان به سرپرستی عمرو بن عاص، در زمان فتح عمر بن الخطاب، به دلایل واهی دوباره صدمه‌ای جبران‌ناپذیر به این کتابخانه وارد شد و کتابهای آن به آتش کشیده شد و موجودی نفیس آن از میان رفت؛ اما بسیاری از نویسندگان مسلمان عرب، مسیحیان معاصر و نیز خاورشناسان، صحت این مطلب را به شدت نفی کرده، و بنابه دلایلی که آورده‌اند، ادعا کرده‌اند که مسلمین نه تنها این کتابخانه را به آتش نکشیده‌اند، بلکه از آن به خوبی

وی در آبادانی و زیبایی اسکندریه بسیار کوشید و از جمله به امر او آکادمی و کتابخانه‌ای عظیم در اسکندریه تأسیس شد که صیت شهرتش سراسر گیتی را درنوردید. این کتابخانه در سال ۲۹۵ پیش از میلاد، زیر نظر دیمتریوس فالیرون - شاگرد ارسطو و مشاور فرهنگی بطلمیوس - پی‌افکنده شد. بر مجموعه نفیس و گرانهای این کتابخانه افزوده گشت تا اینکه در زمان فیلاذلفوس (بطلمیوس دوم)^۱ به اوج خود رسید و غنایی بسیار یافت. برخی از مورخان، به اشتباه، وی را مؤسس کتابخانه اسکندریه دانسته‌اند در حالی که صحت ندارد و مؤسس این کتابخانه، همان بطلمیوس سوتر است.

این کتابخانه در دویخس مجزا و دور از هم استقرار یافته بود: یک مجموعه اصلی و بزرگ‌تر که در منطقه بروکیوم قرار داشته و ملحق به آکادمی و کاخهای سلطنتی بطالسه بوده است. و به همین جهت با نام «بروکیوم» متمایز می‌شده است. نفیس‌ترین و بیشترین مجموعه کتابخانه اسکندریه، در همین بخش نگاهداری می‌شده است. همچنین، این بخش دارای سالنهای بحث، تدریس و تحقیق بوده که دانشمندان در آن گرد آمده و به حقایق از علوم، که تا آن زمان برای بشر مجهول ماند بود، دست یافته و زوایای تاریخ آن را روشنی می‌بخشیدند.

بطالسه که خود از علم بی‌بهره نبودند، دانشمندان و عالمان را بسیار گرامی داشته و آنان را در آکادمی و حتی کاخهای اختصاصی خود سکنی می‌دادند تا در جوار آن اندیشمندان، از معلومات آنان استفاده کرده و بهره‌ها ببرند.

دو مجموعه فرعی و کوچک‌تر که وابسته به مجموعه اول بوده و در معبد سارایس قرار داشت و لذا به نام معبد «سارایس» خوانده می‌شد. این مجموعه شامل ۴۳ هزار کتاب از رولهای پوستی قدیمی و پاپیروس بوده است. گفته می‌شود مجموعه این دو کتابخانه، روی هم، ۹۰۰ هزار جلد کتاب و پاپیروس بوده و فهرس کتابهایش به ۱۲۰ جلد می‌رسیده است. متأسفانه در کنار این شکوفایی و عظمت و توسعه روزافزون، کتابخانه اسکندریه حوادث تلخی را تجربه کرده است. از مهم‌ترین حوادثی که این کتابخانه به خود دیده است، می‌توان این وقایع را برشمرد:

۱. در سال ۴۷ پیش از میلاد و به هنگام فتح اسکندریه به وسیله سزار^۲ قیصر روم و عمال او حادثه بسیار ناگواری به وقوع پیوست که در نتیجه آن، کتابخانه به آتش کشیده شد و

۱. بطلمیوس دوم، ملقب به محب الاخ (دوستدار برادر)، پادشاه مصر (۲۸۵ - ۲۴۶ پیش از میلاد)، حامی ادبیات و جهانگردی شایسته بود. بر اساس آنچه مورخان آورده‌اند، وی دستور داد که عهد عتیق را از عبری به یونانی ترجمه کنند. و این همان هفتاد کرد (سبعینیه) است. بنای مناره اسکندریه (آئینه سکندر) نیز به او منسوب است.

۲. ژولیوس سزار (۱۰۱ - ۴۴ پیش از میلاد)، قیصر روم. وی یکی از افراد قبیله مشهور ژانوس ژولیا بود که خود را از نسل زهره می‌دانست. او هوشی تند و نافذ، جاذبه‌ای فریبنده، فصاحتی مقنع و در زیر ظاهر لطف‌آمیز و ملایم، و قدرتی شکست‌ناپذیر داشت. وی می‌توانست به دلخواه خود خطیب، نویسنده و مرد لشکر و کشور باشد. در سال ۶۵ پیش از میلاد به ریاست شهرداری انتخاب شد و در سال ۵۹ پیش از میلاد به مقام کنسولی رسید. در سال ۵۸ پیش از میلاد به طرف کشور گل (فرانسه) حرکت کرد و تا سال ۵۱ پیش از میلاد، آن سرزمین را به کلی مسخر ساخت. در سال ۴۹ پیش از میلاد از قلمرو حکومت خود گذشت و وارد ایتالیا شد و بدون زحمت و خونریزی صاحب اختیار رم و همه ایتالیا شد. او به تعقیب پمپئوس - فرمانروای پیشین روم - پرداخت و پس از چند بار شکست دادن سپاهیان وی، پمپئوس به مصر گریخت و سزار نیز با تعقیب او وارد مصر شد و شنید که وزرای مصری وی را به قتل رسانده‌اند. در آن هنگام پادشاه جوان مصر - بطلمیوس دوازدهم - و خواهرش - کلئوپاترا - بر سر تاج و تخت منازعه داشتند که سزار از کلئوپاترا طرفداری کرد. عاقبت سزار را در روز عید مریخ (۱۵ مارس ۴۴ پیش از میلاد)، در سنای روم به قتل رساندند.

۳. اورلیانوس (۲۱۴ - ۲۷۵ م)، امپراتور روم. وی از سال ۲۷۰ - ۲۷۵ میلادی فرمانروای روم بود و هموست که شهر رم را با دیوارهایی که امروزه هم موجود است، حصار کرد.

نگاهداری نموده و در عصر بنی عباس بیشتر کتابهای آن را به عربی ترجمه و چون میراث خود تحت الحفظ قرار داده‌اند. اینک به بررسی بیشتر این موضوع خواهیم پرداخت.

بررسی آتش‌سوزی کتابخانه بزرگ اسکندریه

در برخی منابع تاریخی آمده است: هنگامی که عمرو عاص وارد اسکندریه شد به دانشمندی به نام یحیی نحوی (گراما طیقی) حمله‌ور گردید و به همین علت مسیحیان وی را از کلیسا اخراج کردند و مقام اسقفی او را از وی باز پس گرفتند. شاید به همین علت مورد عفو عمرو عاص قرار گرفت. زمانی که آن منطقه از سوی مسلمانان فتح شد، یحیی که از ملازمان عمرو عاص شد، گفت حال که شما تمامی مناطق اسکندریه را تصرف نموده‌اید، ما با تو معارضه‌ای نخواهیم داشت و هر چه را که نیاز نداری برای ما بگذار. آن‌گاه عمرو عاص از او سؤال کرد چه می‌خواهی؟ وی اظهار داشت: کتابهای حکمت که در خزانه پادشاهی موجود است، زیرا به آنها احتیاج داریم. مجدداً عمرو عاص سؤال نمود چه کسی آنها را جمع‌آوری کرده است؟ وی گفت: «بطلوماؤوس فیلادلفوس». سرانجام کتابهای آنجا ۵۴۱۲۰ جلد گردید. آن‌گاه که خبر به شاه رسید، از خزانه‌دار سؤال کرد آیا این همه کتابهای جهان است یا نه؟ وی اظهار داشت: هنوز کتابهای فراوانی در سند و هند، فارس، جرجان، ارمان، موصل و رم موجود می‌باشد. شاه متعجب شد و او را به ادامه جمع‌آوری تشویق نمود.

این‌کار تا درگذشت شاه ادامه یافت و این کتابها نسل بعد نسل محفوظ ماند. عمرو عاص از این همت والا شگفت‌زده شد و گفت: بایستی از خلیفه دوم (عمر بن الخطاب) کسب تکلیف کنم. سپس پاسخ آمد: هر کتاب که در آن نام خداوند آمده باشد، کتاب خداوند اولویت دارد و اگر مخالف آنچه در قرآن آمده، آن را نابود ساز. آن‌گاه عمرو عاص بسیاری از کتابهایی را که مخالف اسلام بود برای سوخت به حمامهای عمومی شهر تحویل داد.

نخستین تاریخ‌نگاری که این داستان را آورده است، موفق‌الدین عبداللطیف بن یوسف بن محمد بن علی شافعی بغدادی متوفی ۶۲۲ هـ از مریدان صلاح‌الدین ایوبی بوده است. پس از بغدادی، این روایت را برخی نقل کرده‌اند؛ از جمله جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف بن ابراهیم القفطی متوفی ۶۴۶ هـ که در حلب مدتی قضاوت داشته و به نام القاضی

الاکرم معروف بوده است. سومین نفر، ابوالفرج بن هارون مالطی معروف به ابن العبری متوفی ۶۸۴ هـ این روایت را نقل نموده است. سپس آن را عده‌ای دیگر، همچون مقریزی و حاجی خلیفه، و از معاصران جرجی زیدان نقل کرده‌اند. البته بایستی اذعان کرد شاید منابع دیگری قبل از بغدادی، قفطی و ابن العبری این روایت را نقل نموده باشند، زیرا هر آنچه به ما رسیده مربوط به سده‌های ۶ و ۷ هجری به بعد است و میان آن تاریخ تا سده نخستین، ۵۰۰ - ۶۰۰ سال فاصله وجود دارد، چرا که عقل سلیم حکم می‌کند که این روایت نمی‌تواند جعلی باشد و منابعی قبل از آنها وجود داشته که از آنها نقل کرده‌اند. این احتمال نیز وجود دارد که منابع قبلی در آتش‌سوزی کتابخانه‌ها از میان رفته‌اند.

عبداللطیف بغدادی زمانی که از مصر در اواخر سده ۶ هـ دیدن می‌کرد، مطالبی در مورد شهرهای آن دیار و نیز آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه در کتاب مشهور خود الافادة والاعتبار و الامور المشاهدة والحوادث المعاینة بأرض مصر، با این عبارت آورده است: «اطراف عمود سواری، برخی ستونهای سالم و برخی را شکسته دیدم و چنین به نظر می‌رسد که دارای سقف بوده و آن سقف بر این ستونها مستقر بوده‌اند و بر روی آنها نیز گنبدی قرار داشته و می‌بینم که این مکان محل آموزشهای علمی ارسطو و دار و دسته او و پس از او بوده است. و این دارالعلم را اسکندر به هنگام ساخت شهر خود آن را بنیاد کرده و در آنجا خزانه علمی قرار داد که عمرو عاص با دستور عمر بن الخطاب آن را به آتش کشید».

قفطی، معاصر بغدادی، این روایت را با تفصیل بیشتری نقل می‌کند که بایستی گفت هر دو آنان از منابع قبل از خودشان نقل کرده‌اند. قفطی این واقعه را در کتاب تاریخ الحکما در ذیل نام یحیی نحوی آورده است. آنچه از کلام قفطی برمی‌آید آنکه این داستان خودساخته نبوده، بلکه آن را از منابع قبل از خود نقل نموده است، لیکن مشکل اینجاست که متن مفصل قفطی شاید گزیده‌ای از متون گذشته باشد. پس از وی ابوالفرج بن هارون ملطی مشهور به ابن عبری^۱ مؤلف تاریخ مختصر الدول

۱. وی یهودی الاصل و پدرش مسیحی بوده و سرانجام یک مسیحی شد و به مقام بالای اسقفی رسید. او کتابی در تاریخ سریانی برگرفته از آثار یونانی، فارسی، عربی و سریانی نگاشت و از آن کتابی به عربی با عنوان تاریخ مختصر الدول نگاشته و این روایت در آن آمده است.

دنبال اخترشناسی باشی یا اخلاق، دنبال قانون رب مجید باش. دوم: مسلمانان در سده‌های نخست هجرت با کتابخانه‌ها آشنایی داشتند، چنانکه ابن ندیم در چند نوبت در کتاب الفهرست یادآور شده است. در مورد یحیی نحوی نیز در بیش از یک مورد نام برده و به هنگام صحبت، از فیلسوفی به نام اسحاق راهب نام برده که در فلسفه یونان و تاریخ و اخبار رومیان و ادبیات آنان پژوهشهایی داشته است.

آنچه ابن ندیم در باره تأسیس کتابخانه اسکندریه از سوی «زمیره» آورده است، تفاوتی با آنچه ابن قفطی آورد، ندارد. وی گوید: بطولوماوس فیلادلفوس از شاهان اسکندریه شخصی به نام زمیره را مأمور جمع‌آوری آثار علمی نمود...

به نظر اینجانب، ابن قفطی گزارش این داستان را از ابن ندیم نیاورده، زیرا ابن قفطی افزودگیهایی دارد، ولی ابن ندیم در مورد آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه مطلبی نیاورده است. احتمالاً ابن ندیم از منبعی دیگر که در آن زمان در کتابخانه بیت‌الحکمه در بغداد بوده، استفاده نموده است؛ همچنان که ابن قفطی از آن استفاده کرده است، زیرا بیت‌الحکمه تا نیمه سده ۷ هادی برده بوده است و قبل از آنکه قوم تاتار آن را به آتش بسوزانند، به نظر برخی اعراب خبر آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه را از اخبار یونانیها در سده ۲ و ۳ هادی آورده‌اند.

سوم: مسلمانان عرب کتابهایی را از یحیی نحوی در سده ۲ و ۳ هجری ترجمه کرده بودند و ابن ندیم در باره او در کتاب الفهرست آورده است که یحیی شاگرد شوارای اسقف برخی کلیساهای مصر و قائل به مذهب مسیحیان یعقوبی بوده است. هنگامی که مسیحیت تحریف شد، وی با آنها به مناظره پرداخت و در نتیجه اسقف شوارای او را از کار برکنار کرد و تا ورود عمرو عاص به مصر در همان اسکندریه ماند.

ردّ انتساب آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه به وسیله اعراب مسلمان
کسانی که آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه را از سوی اعراب رد کرده‌اند، دلائلی ارائه نموده‌اند که به ترتیب زیر آنها را بر می‌شماریم:

۱. هنگامی که اعراب وارد اسکندریه شدند، هیچ یک از کتابخانه‌های بزرگ و حتی کتابخانه‌های معبد قیصرون وجود نداشت و می‌بایست قرن‌ها قبل از ورود اعراب مسلمان، از بین رفته باشد، و چنانچه کتابخانه اسکندریه قبل از ورود

از قفطی به صورت حرف به حرف نقل نموده است. متأسفانه برخی نویسندگان چنین پنداشته‌اند که ابن عبری نخستین فردی است که قائل به این روایت بوده است.

مقریزی در کتاب الخطط خود این روایت را به طور کامل نقل نموده است. همچنین حاجی خلیفه در کتاب کشف‌الظنون گزیده‌ای از آن را آورده و گوید: اعراب در صدر اسلام به علمی که به زبان خود و یا کیش خودشان نبود، ایمان نداشتند. و گفته می‌شود آنچه از کتابهای دیگران در فتح شهرهای مختلف به دست می‌آوردند، به آتش می‌کشیدند.

وی اشاره‌ای به فرمان عمر بن خطاب مبنی بر آتش زدن نموده است و چنین برمی‌آید که در همه مکانهای فتح شده از سوی مسلمانان این داستان وجود داشته است.

جرجی زیدان در اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ میلادی (سده ۱۴ هجری) به این موضوع بیشتر پرداخته و نخست جزو تکذیب‌کنندگان داستان و پس از بررسی، جزو تأییدکنندگان آن بوده است. وی تلاش کرده است ابن عبری را از اتهام ساختن این روایت مبری کند. برای اطلاع بیشتر به جلد سوم تاریخ تمدن اسلامی از جرجی زیدان مراجعه شود.

در غرب نیز از سده ۱۷ میلادی به بعد، نویسندگان دو دسته شدند: یکی موافق و دیگری مخالف آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه از سوی اعراب مسلمان. مشکل زمانی آغاز شد که خبر آتش‌سوزی از سوی خود اعراب نقل شد؛ چنانچه اعراب آن را بیان نمی‌کردند، صفحه کتابخانه اسکندریه و آتش‌سوزی آن در تاریخ بسته می‌شد؛ همچون کتابخانه رامیس دوم و نظایر آن.

قبل از آنکه به دلائل دو گروه پردازیم، لازم است به سه موضوع مهم اشاره‌ای داشته باشیم:

نخست: پاسخ عمر بن خطاب به عمرو عاص در مورد کتابهایی که در باره کتاب خدا نگاشته شده این بود که کتاب خداوند افضل است و اگر با آن مغایر و مخالف باشد آنها را معدوم کند. این پاسخ در زمان مسیحیان نیز، مجوزی برای آتش زدن کتابها شده بود (قبل از متهم ساختن مسلمانان به آتش‌سوزی). و در برخی آثار آنان آمده است که در کتاب مقدس همه چیز قید شده و نیازی به کتاب دیگر وجود ندارد، چنانچه در مورد تاریخ جستجو می‌کنی، به سفرنامه شاهان مراجعه کن. اگر دنبال بلاغت بودی، سفرنامه‌های انبیا را مطالعه کن. اگر دنبال شعر هستی، مزامیر را بررسی کن. اگر

مسلمانان به اسکندریه وجود داشت، نظر به اهمیت آن، جهانگردان و سفرنامه‌نویسان که از آن دیار گذشته‌اند، از آن یاد می‌کردند. و یا آنکه مورخان مشهور معاصر آن زمان، همچون بلاذری و ابن عبد حکم و یعقوبی، از آن نام می‌بردند. و چنانچه این کتابخانه به هنگام فتح مصر از سوی مسلمانان عرب وجود داشت، می‌بایست در زمان هدنه - که میان مسلمانان و مقوقس بزرگ قبطیان منعقد گردید - آن را به رم منتقل می‌کردند، زیرا در مدت صلح به آنان اجازه داده شد تا اموال خود را به جاهای دیگر منتقل سازند، و زمان به گونه‌ای بود که براحتی می‌توانستند کتابخانه اسکندریه را منتقل کنند.

۲. یحیی نحوی که قبلاً بارها از او نام بردیم، در زمان ورود عمرو عاص به اسکندریه در قید حیات نبوده است و اگر زنده بود، بایستی عمر وی افزون بر ۱۲۰ سال و یا بیشتر باشد. وی در زمان امپراتوری جستنیان زندگی می‌کرده و کتابهایی بر ضد مذهب نسطوری به سال ۵۴۰ م نگاشته بود، و محال است که وی تا زمان فتح مصر به سال ۶۴۲ م زنده بوده باشد؛ بنابراین اصل داستان ساختگی بوده است.

۳. تاریخ‌نگار و ادیب، یوحنا یقی (نایقوس) که به هنگام فتح مصر زنده بود، در مورد رخدادهای آن به ویژه در خصوص آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه سخنی به میان نیاورده است، و این محال است که وی به چنین آتش‌سوزی‌ای اگر صحت داشته باشد، اشاره‌ای نکند، زیرا وی به رخدادهای رویدادهای کوچک و ناچیز نیز اشاره کرده است.

۴. یوحنا مسکویه و سفرنیوسی، دو تاریخ‌نگار مشهور، قبل از فتح اسلامی از مصر دیدن کرده‌اند و در باره کتابخانه‌های اسکندریه به تفصیل مطالبی نگاشته‌اند، ولی در باره کتابخانه مادر یا دختر مطالبی را نیاورده‌اند و چنانچه این دو کتابخانه وجود داشت، به علت اهمیت و عظمت، از آن یاد می‌کردند، زیرا در آن زمان عمر کتابخانه هزار سال بوده است.

۵. به هنگام فتح مصر، عمر کتابخانه نزدیک به یک‌هزار سال بوده و به علت شرایط زیست‌محیطی و عدم اهتمام به کتابخانه در شرایط مستقل سیاسی، به ویژه از سده نخستین میلادی، کتابخانه و آثار دستنویس آن این مقدار دوام نمی‌آورند.

۶. چنانچه داستان وجود کتابخانه اسکندریه را به هنگام فتح مصر تأیید نماییم، بایستی قبول کنیم که تمامی آثار موجود در آن، به ویژه نسخه‌های خطی، بر روی پوست

کتابت شده باشد. و در این صورت، عمرو عاص نمی‌توانست با آن سرعت در مدت اندک آنها را بسوزاند، زیرا محیط خاص برای این کار لازم بود.

۷. دین اسلام به علم و اهمیت دادن به آن تأکید دارد، آیات قرآنی و احادیث نبوی آن را تأیید می‌کند، حاکمان اسلامی در طول تاریخ اسلام همواره به تأسیس و بنیاد کتابخانه‌ها اهتمام داشته و حرکت ترجمه و نشر را گسترش داده‌اند و به مؤلفان و مترجمان برای خلق آثارشان طلا و نقره می‌بخشیدند؛ بنابراین آتش زدن کتابخانه و کتاب مخالف اصول اسلامی است.

۸. مرحوم آیت‌الله شهید مرتضی مطهری نیز در کتاب کتاب‌سوزی ایران و مصر نظریات مشابهی دارد که نظر به اهمیت آن بخشی از آن را به شرح زیر می‌آوریم:

کتابخانه اسکندریه را بت‌پرستان و مشرکان تأسیس کردند و مسیحیان آن را از بین بردند، ولی بعد از جنگ‌های صلیبی میان مسیحیان و مسلمین که در حدود دو‌یست سال طول کشید (قرن پنجم و ششم هجری) مسیحیان از یک طرف با تمدن و فرهنگ اسلامی آشنا شدند و این تمدن به آنها آگاهی داد، و از طرف دیگر پس از شکست‌هایی از مسلمین، سخت‌کینه مسلمین را در دل‌های خود پختند و به جنگ اعصاب علیه مسلمین دست زدند.

آن اندازه علیه اسلام و قرآن و رسول اکرم (ص) و مسلمانان شایعه ساختند که موجب شرمساری متمدن‌های مسیحی قرون جدید است و می‌بینیم که به جبران مافات، «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن»^۱ می‌نویسند. شایعه کتاب‌سوزیها به وسیله مسلمین، جزء همین شایعات است که احياناً برخی از مسلمین نیز از قرن هفتم هجری به بعد - بدون اینکه توجه کنند که این قصه یک شایعه بی‌اساس است و از نقل آن خودداری کنند و یا لااقل همچنانکه «شریعت نقل» اقتضا می‌کند به صورت «شایع است» یا «گفته می‌شود» یا «چنین روایت می‌شود» در کتابهای خود نقل کنند - احياناً به صورت یک نقل عادی آن را در کتب خود منعکس کرده‌اند؛

۱. جان دیون پورت کتابی به همین نام تألیف کرد که آقای حاج سید غلامرضا سعیدی آن را به فارسی ترجمه کرده است. جان دیون پورت، در آن کتاب (صفحه ۲۲) موضوع کتاب‌سوزی اسکندریه را طرح و به شدت تکذیب می‌کند.

میراث شهاب

است: «در آن زمان یحیی نحوی که به زبان ما به «غرماطیقوس» یعنی نحوی ملقب بوده است، در میان عرب مقام شهرت را حائز گردید. مشارالیه ساکن اسکندریه بوده است و مذهباً نصرانی و جزء فرقه یعقوبی بود و مخصوصاً عقیده ساوری (؟) را تأیید می نمود. او در آخر، مذهب تنصر را ترک گفته و تمام علمای نصاری مصر نزد او جمع شده، نصیحت نمودند که از کفر و زندقه بیرون آید، ولی او قبول ننمود. وقتی که علماء مایوس شدند وی را از مناصبی که دارا بود، انداختند؛ و او تا مدتی به همین حال باقی و زنده بود تا آنکه عمرو بن عاص (فرمانده مسلمین در فتح مصر) وارد مصر گردید.

روزی یحیی نزد وی حاضر شد، عمرو از مقام علم و فضل او واقف گردیده و خیلی از او احترام نمود. فاضل مشارالیه شروع به یک رشته سخنان حکیمانه ای نمود که اعراب ابداً با آن آشنا نبودند. سخنان مزبور در دماغ عمرو فوق العاده مؤثر واقع گردیده، فریفته وی شد. نظر به اینکه عمرو از اشخاص باهوش و عاقل و فکور بود، مصاحبت وی را اختیار نمود و هیچ وقت او را از خودش جدا نمی ساخت.

یک روز یحیی به عمرو اظهار داشت که هر چه در اسکندریه هست در تصرف شما می باشد. البته آنچه برای شما مفید می باشد، ما را به آن کاری نیست ولی چیزهایی که چندان محل حاجت شما نیست خواهش می کنم که آنها را به خود ما واگذار کنید که استحقاق ما به آنها بیشتر می باشد. عمرو پرسید که آنها چیستند؟ در جواب گفت: کتب حکمت و فلسفه می باشند که در کتابخانه دولتی ذخیره شده اند. عمرو اظهار داشت که من در این باب باید از خلیفه (عمر) دستور بخواهم و الا از خودم نمی توانم قبلاً اقدامی کنم. چنانکه عین واقعه را به خلیفه اطلاع داده و کسب تکلیف نمود، در جواب نوشت: اگر این کتابها موافق با قرآن می باشند هیچ ضرورتی به آنها نیست و اگر مخالف با قرآنند تمام آنها را بر باد ده.

بعد از وصول این جواب، عمرو شروع به انهدام کتابخانه نموده مقرر داشت که بین حمایه های اسکندریه کتابها را تقسیم کردند و از این رو در مدت شش ماه تمام کتب را سوزانیده بر باد داد. و آنچه واقع شده بدون استعجاب قبول نما.^۲

غافل از آنکه سازنده شایعه مسیحیان صلیبی می باشند و انگیزه شان بدنام کردن مسلمین است. در قرن اخیر، که استعمار برانگیختن احساسات ملی ملل اسلامی را علیه اسلام و مسلمین صدر اول در صدر برنامه خود قرار داده، امثال پور داود این افسانه را به صورت یک حادثه تاریخی درآوردند، و به نقلهایی نظیر نقل عبداللطیف پر و بال دادند و به صورت یک نقل تاریخی به خورد دانش آموزان و دانشجویان بی خبر دادند.

سخن ابن العبری

تا اینجا سخن عبداللطیف را نقل و بررسی کردیم. اکنون به نقد سخن ابوالفرج بن العبری پردازیم.

ابوالفرج ابن العبری یک طبیب یهودی است که در سال ۶۲۳ هجری در ملتیه (آسیای صغیر) تولد یافته و پدرش دین یهود را ترک کرده و به نصرانیت گراییده است. ابوالفرج نیز آغاز تحصیلات خود را به فراگرفتن اصول نصرانیت گذرانیده است. او به زبان سریانی و عربی آشنایی کامل داشته است. تاریخی مبسوط به زبان سریانی نوشته که مأخذ آن، کتب سریانی و عربی و یونانی بوده است. در آن کتاب، ذکری از کتاب سوزی مسلمین در اسکندریه وجود ندارد. خلاصه ای از آن کتاب به عربی به نام مختصر الدول نوشت که می گویند همه نسخه های آن ناتمام و ناقص است. عجیب این است که می گویند با اینکه مختصر الدول خلاصه آن تاریخ مفصل سریانی است، مشتمل بر مطالبی است که در اصل مفصل سریانی نیست. از جمله آنها داستان کتاب سوزی اسکندریه به وسیله مسلمین است.

کتاب مختصر الدول را مردی به نام «دکتر پوکوک» که پرفسور کالج اکسفورد بوده و از اشخاصی است که در نشر اکاذیب علیه مسلمین دست داشته است، طبع و نشر کرده و به زبان لاتین هم ترجمه نموده است. از آن وقت و به وسیله این کتاب و این شخص شایعه کتاب سوزی مسلمین در اسکندریه و اروپا رواج یافت (البته رواج این افسانه در اروپا به وسیله این کتاب صورت گرفت؛ اما اصل قصه، قبلاً در کتاب عبداللطیف - که نقل و نقد نمودیم - و اخبار الحکماء قفطی - که بعداً نقل و نقد خواهیم کرد - ثبت شده بود) تا آنکه در قرون اخیر به وسیله محققین اروپایی، امثال گیبون و کریل و گوستاولوبون و دیگران این شایعه تکذیب شد.^۱

داستان کتاب سوزی در کتاب مختصر الدول به این شکل آمده

۱. ابن قسمت، از رساله «کتابخانه اسکندریه»، تألیف شبلی نعمان، صفحات ۱۴ و ۱۵ و ۳۸ اقتباس شد.

۲. شبلی نعمان، رساله کتابخانه اسکندریه، ص ۱۶ - ۱۸.

انتقاد

با این توصیه و خواهش ابوالفرج (اگر واقعاً این قضیه را او خود آورده باشد) و یا استدعای جناب پروفیسور پوکوک،^۱ این افسانه، نه با استعجاب و نه بدون استعجاب قابل قبول نیست. گذشته از آنچه در نقد سخن عبداللطیف گفتیم که یک روایت تاریخی بدون ذکر سند و مأخذ و مدرک به هیچ وجه قابل قبول نیست. به ویژه که بعد از ششصد سال این نقل بی‌سند و بی‌مأخذ مطرح شود و قبلاً احدی از آن (ولو بدون سند و مأخذ) ذکری نکرده است؛ مضاف اینکه گفتیم از نظر محققان این مطلب به ثبوت رسیده که اساساً در موقع فتح اسکندریه به دست مسلمین از کتابخانه چیزی باقی نمانده بود و موضوع از اصل منتفی بوده است. دلایل و قرائن دیگری علیه این گزارش وجود دارد:

در این داستان، قهرمان، یحیی نحوی فیلسوف معروف است. طبق اسنادی که اخیراً تحقیق شده وی در حدود صد سال قبل از فتح اسکندریه درگذشته است و ملاقات وی با عمرو افسانه است.^۲

موجب شگفتی است که شبلی نعمان با اینکه می‌نویسد که وی یکی از حکمای هفتگانه‌ای است که در اثر فشار ژوستی نین از روم به ایران آمدند و خسرو انوشیروان از آنها پذیرایی کرد، اصل ملاقات یحیی با عمرو را مورد تأیید قرار می‌دهد. توجه نمی‌کند که از مهاجرت آن حکما به ایران تا فتح اسکندریه بیش از ۱۲۰ سال فاصله است، و عادتاً امکان ندارد یحیی که در حدود ۱۲۰ سال قبل از فتح اسکندریه حکیمی نامبردار و معروف بوده است، هنگام فتح اسکندریه به صورت یکی از ندیمان عمرو به حیات خود ادامه دهد؛ بنابر این نقلهایی که ملاقات یحیی با عمرو را ذکر کرده‌اند، هر چند نامی از کتابخانه نبرده‌اند، بی‌اساس است.

داستان ملاقات یحیی با عمرو در روایت ابوالفرج نظیر داستان تدریس ارسطو در اسکندریه در روایت عبداللطیف است. وضاعان و قصه‌پردازان به انطباق قصه با تاریخ توجه نکرده‌اند. در متن قصه آمده است که پس از آنکه دستور خلیفه به نابودی کتابها رسید، عمرو کتابها را به حمامهای اسکندریه تقسیم کرد و تا مدت شش ماه خوراک حمامهای اسکندریه بود و با توجه به اینکه اسکندریه در آن وقت بزرگ‌ترین شهر مصر و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان آن روز بوده است و

خود عمرو در گزارشی که با اعجاب فراوان برای خلیفه از این شهر می‌دهد، می‌نویسد: «در این شهر چهار هزار حمام، چهار هزار عمارت عالی، چهل هزار یهودی جزیه‌پرداز، چهار صد تفریح‌گاه دولتی، دوازده هزار سبزی‌فروش که سبزی تازه می‌فروشد و وجود دارد». باید چنین فرض کنیم که در مدت شش ماه چهار هزار حمام از این کتابها گرم می‌شده‌اند، یعنی آن قدر کتاب بوده است که اگر یک حمام را می‌خواستند با آن گرم کنند برای قریب به هفتصد هزار روز یعنی در حدود دو هزار سال آن حمام کافی بود. عجیب‌تر آنکه طبق آنچه در متن گزارش ابوالفرج آمده همه آن کتابها در حکمت و فلسفه بوده نه در موضوع دیگر.

اکنون خوب است کمی بیندیشیم: آیا از آغاز پیدایش تمدن تا امروز، که قرن‌ها است صنعت چاپ پیدا شده و در شکل سرسام‌آوری نسخه بیرون می‌دهد، این اندازه کتاب حکمت و فلسفه که برای سوخت چهار هزار حمام در مدت شش ماه کافی باشد، وجود داشته است؟ باز خوب است بیندیشیم چنین کتابخانه‌ای چه مساحتی را اشغال کرده بود؟

کتابها به صورت انبار شده (مانند انبار کاه و گندم) نبوده بلکه به صورت چیده شده در قفسه‌ها بوده، زیرا مورد استفاده مردم بوده است. و لذا در گزارشی که از یک کشیش مسیحی در قرن چهارم بعد از میلاد رسیده، که از ناحیه امپراطور وقت مأمور شده بود کتابخانه را از بین ببرد، چنین

۱. پوکوک خاورشناس انگلیسی است که در دانشگاه آکسفورد انگلستان به تدریس اشتغال داشته و آثاری را از عربی به انگلیسی ترجمه نموده است. همانگونه که شهید مطهری در این گزارش آورده است، وی شخصی مغرض و ضد اسلام بود و در آثار خود به اسلام و مسلمانان تاخته است. اینجانب در کتابی که با عنوان «کتابهای چاپی فارسی - عربی و ترکی از سده‌های ۱۵ تا ۱۸ میلادی» که در جهان چاپ شده، در دست تألیف دارم، زندگینامه پوکوک را به تفصیل آورده‌ام.

۲. عجیب این است که آقای دکتر ذبیح‌الله صفا با اینکه در صفحه ۶ تاریخ علوم عقلی در اسلام می‌گوید: «یحیی نحوی از شخصیات بزرگ مدرسه اسکندریه در اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم (در حدود یک قرن قبل از هجرت نبوی) بوده» و در صفحه ۱۸ آن کتاب تصریح می‌کند: «می‌گویند تا فتح مصر به دست عمرو بن العاص (۶۴۱ میلادی) زنده بود و اما چنانکه از قرائن تاریخی برمی‌آید این مرد از رجال اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم میلادی است و زنده بودنش از اواخر قرن پنجم تا اواسط قرن هفتم بکلی دور از عادت و عقل است»، در عین حال خلاصه همین داستان را - که دو قهرمانش یحیی نحوی و عمرو بن العاص می‌باشند - به عنوان دلیل بر کتاب‌سوزی اسکندریه آورده است!

دولتی و سبزی فروشهای شهر سخن به میان آمده اما از کتابخانه سخنی نیست.

اسکندریه پس از فتح به وسیله عمرو عاص، قرارداد صلح با مسلمین بست و مردم آنجا «اهل ذمه» به شمار می‌رفتند و مقررات «اهل ذمه» در باره آنها اجرا می‌شد. یعنی جان و مال و ناموس و حتی معابد و آزادی عبادتشان محترم بود و حکومت اسلامی خود را ضامن و مسؤول آنها می‌دانست. عمرو بن عاص در عهدنامه خود با مردم مصر چنین نوشت: «این پیمان امنیتی است که عمرو به مردم مصر می‌دهد که جان و خون و اموال و مساکن و سایر امورشان در امان است.» و طبق آنچه از معجم البلدان نقل شده، تصریح شده است که «زمین مردم مصر، اموال و سرمایه‌های آن مردم همه متعلق به خودشان است و کسی حق تعرض ندارد.»^۳

می‌دانیم که سیره مسلمین با اهل کتاب، همواره اینچنین بوده که آنها را پس از فتح، در «ذمه» خود قرار می‌دادند و از آنها جزیه می‌گرفتند و در مقابل این جزیه عهده‌دار امنیت جان و مال و حیثیت و معابد آنها می‌شدند. در اسکندریه نیز چنین شد. اگر در نقل ابوالفرج آمده بود که مسلمانان هنگام فتح اسکندریه، قبل از عقد پیمان صلح با مردم آنجا چنین کاری کرده بودند، از این نظر اشکالی وارد نبود، اما گزارش ابوالفرج می‌گوید: این جریان مدتها بعد از فتح اسکندریه، در اثر تذکری که از طرف یحیی نحوی داده شد رخ داده است؛ اینکه مسلمین بعد از قرار صلح دست به چنین کاری بزنند مخالف سیره و سنت آنها است.

آنچه از احوال عمرو و عمر اطلاع داریم این جریان را تأیید نمی‌کند. عمرو شخصاً مردی مدبر و باهوش و مستقل‌الفکر بوده و اگر نظر خاصی داشت به هر شیوه‌ای بود بر عمر تحمیل می‌کرد. تواریخ می‌نویسند که عمر چندان رغبتی به فتح مصر نشان نمی‌داد و عمرو عاص نظر خود را بر او تحمیل کرد؛ تا آنجا که می‌گویند از عمر کسب اجازه کرد، اما پیش از آنکه اجازه برسد، حمله را شروع کرد. اگر چنین می‌بود که در متن قصه آمده که یحیی نحوی به صورت ندیم و معاشر عمرو درآمد بود و عمرو به حکم عقل و هوش ذاتی

آمده است: «من قفسه‌های آن را در آن وقت، از کتاب، به کلی خالی یافتیم.»^۱ پس مساحت یک شهر هم شاید برای چنین کتابخانه‌ای نباشد.

امروز کتابخانه‌های بسیار بزرگ در اثر پیشرفت صنعت چاپ و وجود امکاناتی بی‌سابقه در تاریخ بشر، در جهان، خصوصاً آمریکا و شوروی، وجود دارد. همچنانکه شهرهای بسیار بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ بشر، در جهان امروز وجود دارد. با این حال، من باور ندارم امروز هم کتابخانه‌ای وجود داشته باشد که کتابهایش برای گرم کردن حمامهای شهری که آن کتابخانه در آنجا هست برای مدت شش ماه کفایت کند. اینها همه دلیل افسانه بودن این داستان است، و تنها در دنیای افسانه‌ها نظیری برایش می‌توان یافت. گویند مردی در وصف شهر هرات، که مدعی بود روزگاری فوق‌العاده بزرگ و پرجمعیت بوده است، داد سخن می‌داد. کار را به جایی رسانید که گفت: «در آن وقت در هرات ۲۱ هزار احمد یک چشم کله‌پز وجود داشته است!» با توجه به اینکه همه اهل هرات نامشان احمد نبوده و همه احمد نامها یک چشم نبوده‌اند، و همه احمدهای یک چشم کله‌پز نبوده‌اند؛ پس اگر فقط عدد احمدهای یک چشم کله‌پز به ۲۱ هزار نفر می‌رسیده، حساب کنید ببینید عدد سایرین چقدر بوده است؟ اگر اولین و آخرین را روی زمین جمع کنیم قطعاً باز هم کافی نیست.

داستان ابوالفرج چیزی شبیه داستان احمد یک چشم کله‌پز است. لذا نویسندگان دائرةالمعارف انگلیسی بنا بر نقل شبلی نعمان قصه ابوالفرج را جزء فکاهیات به حساب آورده‌اند. شبلی نعمان و برخی محققان غربی گفته‌اند: در آن عصر، کتابها از پوست بوده و ابداً به درد سوخت نمی‌خورده و بدین جهت آنها را برای سوخت به کار بردن یک کار لغو و بیهوده دیگری بوده است. شبلی نعمان از شخصی بنام مسیو پیر نقل می‌کند: ما یقین داریم که حمامیان اسکندریه تا وقتی که برای سوخت، مواد دیگری داشتند، هیچ وقت کتابهایی را که روی پوست تدوین یافته به مصرف سوخت نمی‌رسانیدند و سخن اینجاست که قسمت اعظم کتب مزبوره از پوست تشکیل یافته بودند.^۲

اگر چنین کتابخانه‌ای در اسکندریه بود، قطعاً عمرو در گزارش خود از این شهر به خلیفه، که در تواریخ مضبوط است، نامی هم از آن می‌برد. در آن گزارش از تفریح‌گاههای

۱. شبلی نعمان، کتابخانه اسکندریه، ص ۵۰.

۲. شبلی نعمان، کتابخانه اسکندریه، ص ۵۳.

۳. شبلی نعمان، کتابخانه اسکندریه، ص ۵۶.

از سخنان حکیمانه یحیی لذت می‌برد و استفاده می‌کرد، عمرو در نامه خود به عمر طوری گزارش می‌داد که کتابخانه مورد علاقه دوست دانشمندش محفوظ بماند؛ نه اینکه به کسب اجازه ساده‌ای قناعت کند و به محض رسیدن نامه خلیفه، بدون آنکه بار دیگر نامه‌ای بنویسد، فوراً در جلو چشم دوست دانشمندش کتابهایی را که از جان برای دوستش عزیزتر بود طعمه آتش نماید.

و اما عمر هر چند مردی خشن بوده است ولی احدی در هوش و دوراندیشی او تردید ندارد. عمر برای اینکه همه مسؤولیتها را شخصاً بر عهده نگیرد و به علاوه از فکر و اندیشه دیگران استمداد جوید، معمولاً در مسائل مهم (خصوصاً در سیاست خارجی حکومتش) شورا تشکیل می‌داد و به مشورت می‌پرداخت که در کتب تاریخ مسطور است و به دو نمونه‌اش به تناسب در نهج البلاغه اشاره شده است. در هیچ تاریخی دیده نشده که عمر در باره کتابخانه اسکندریه شورایی تشکیل داده باشد و با کسی مشورت کرده باشد. بسیار بعید است که چنین تصمیمی را بی‌مشورت اتخاذ کرده باشد. به علاوه اگر عمر چنین اندیشه‌ای می‌داشت که ما با وجود قرآن به هیچ کتاب دیگر احتیاج نداریم، قطعاً این اندیشه دیگر را هم داشت که با وجود مساجد، احتیاج به معبد دیگر نداریم. پس چرا در قراردادهای خود کلیساها و کنیسه‌ها و حتی آتشکده‌ها را تحمل می‌کند و بلکه دولت اسلامی را متعهد حفظ و نگهداری آنها در ازای شرایط ذمه می‌داند.

فرضاً عمرو بن العاص چنین دستوری داده باشد آیا باور کردنی است که مردم مسیحی و یهودی اسکندریه، بدون هیچ عکس‌العمل مخالفی، آن کتابها را که محصول فرهنگ و تاریخشان بوده، مانند انبار هیزم تحویل بگیرند و بسوزانند و حتی مخفیانه آن کتابها را درنبرند و مخفی نسازند؟

اما نقل قفطی عیناً همان است که ابوالفرج نقل کرده است. همه ایرادهایی که بر نقل ابوالفرج وارد است، بر این نیز وارد است. ابوالفرج در کتاب تاریخ مفصل خود (که به سریانی نوشته) این قصه را نیاورده و اما در مختصر الدول (که به عربی و خلاصه آن است) آورده و این مایه شگفتی است. قفطی نیز در کتابی که در تاریخ مصر نوشته^۱ ذکر از این قصه عجیب نکرده است، اما در کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء که تاریخ فلاسفه است، در ذیل احوال یحیی نحوی این قصه را بدون ذکر

هیچ مدرکی آورده است. بنابراین در نقل قفطی نیز یحیی نحوی یکی از دو قهرمان قضیه است و همه آن کتابها که در حکمت و فلسفه بوده به قدری بوده که چهارهزار حمام را در مدت شش ماه گرم کرده است.

قفطی مدعی است که یحیی نحوی در ابتدا کشتیران بوده؛ در سن ۴۵ سالگی عشق تحصیل به سرش زده و بعد، هم فیلسوف شده و هم پزشک و هم ادیب و هم به مقام اسقفی اسکندریه رسیده است.

یحیی نحوی در ابهام تاریخ

در موضوع یحیی نحوی، نوعی ابهام در تاریخ هست، آنچه مسلم است مردی فیلسوف و اسقف در دوره قبل از اسلام به نام یحیی نحوی وجود داشته و همان است که بر رد ابرقلس و ارسطو و در دفاع از اصول مسیحیت کتاب نوشته و بوعلی در نامه معروفش به ابوریحان بیرونی از او به زشتی یاد می‌کند و مدعی است که او نه از روی عقیده بلکه به خاطر عوام‌فریبی مردم نصاری آن کتابها را نوشته است. از طرف دیگر، ابن الندیم در الفهرست از یحیی نحوی نام می‌برد که با عمرو بن العاص ملاقات داشته است، بدون ذکر از کتابخانه اسکندریه. در کتاب معتبر صوان الحکمة، ابوسلیمان منطقی می‌نویسد که او در زمان عثمان و معاویه دیده شده است. پس یا نقل ابن الندیم و ابوسلیمان منطقی بی‌اساس است، و یا آن کسی که در زمان عمرو بن العاص و معاویه بوده است، یحیی نام دیگری بوده، غیرآنکه شخصیتی محسوب می‌شود و شروح زیادی بر کتب ارسطو و غیره نوشته و اسقف اسکندریه بوده است.

بعید نیست کسانی که داستان کتابخانه اسکندریه را ساخته‌اند، از ذکر نام یحیی نحوی در کلام ابن الندیم و ابوسلیمان منطقی استفاده کرده و داستان را پرداخته‌اند، بدون آنکه توجه کنند که احتمالاً دو نفر به این نام بوده‌اند. و فرضاً اگر شخصی به این نام در زمان عمرو بن العاص و عثمان و معاویه بوده، نمی‌تواند عیناً همان اسقف فیلسوف معروف اسکندریه باشد.

به هر حال، آنچه مسلم است یحیی نحوی اسکندرانی فیلسوف و پزشک و شارح ارسطو و اسقف معروف اسکندریه، دوره عمرو عاص و معاویه را درک نکرده است.

۱. جرجی زیدان، تاریخ تمدن، ترجمه فارسی، ج ۳، ص ۶۴.

نکرده‌اند. وقتی قیصر مصر را گشود و انتوان و کلئوپاترا را بعد از کارزاری سخت بشکست، در موزه و کتابخانه اسکندریه چیزی از آثار گران‌بهای دوره بطالس از حریق جان به در نبرده تا جزو غنائم جنگی به روم ببرد و این کتابخانه بعدها هم، چندان دستخوش سوختن و ربودن و پراکندن در طی سالیان دراز شده بود که در محل آن از یادگارهای گذشته چیزی بر جا نبود که عمرو عاص در باره آن از خلیفه کسب دستور بکند.

عبد اللطیف و قفطی نمی‌دانستند و ابن عبری اگر هم می‌دانست نمی‌گفت که در فاصله زمان تئودور تا هراکلیوس در کشورهای متمدن حوزه مدیترانه آثار فلسفی و علمی همه جا محکوم به نابودی شده بود تا در برابر تعلیمات کلیسا چیزی در دست مردم از آثار بومی قدیم حکمای یونان باقی نمانده باشد. اگر اسلام هم مانند مسیحیت آثار عقلی و فکری پیش از خود را محکوم به نابودی می‌کرد ناگزیر سرنوشت علم و فلسفه در ممالک اسلامی نظیر همان وضعی را پیدا می‌کرد که در قلمرو دین عیسوی داشت. پس این نهضت علمی و فلسفی سریع که در نیمه دوم قرن اول هجری با ترجمه آثار پهلوی و یونانی به عربی برای خالد بن یزید و هشام بن عبدالملک آغاز گشت، در طی یکصد سال نمی‌توانست به اوج کمال خود در عهد مأمون برسد و راه را برای ظهور دوره طلایی سده چهارم هجری بگشاید. در این صورت باید ایراد چنین نسبتی را در دنباله کارهای نامطلوب جنگجویان صلیبی و مغول محصول و مخلوق مقتضیات زمان و القائات دیگران برای تخفیف شدت عیب این امور به حساب آورد.

این روایت، که نه تاریخ مصر قبل از اسلام بدان زمینه می‌دهد و نه تواریخ مسلمان و قبطی بعد از اسلام در باره آن اشاره‌ای کرده‌اند، برای مأمور معلوم نیست از مغز کدام مغرض برای کاستن درجه نفرت عمومی از اعمال عیسویان در شام ساخته و پرداخته شده و در آثار این سه نفر هم قرون هم عصر در یک زمان راه یافته است...

نظریات مدعیان آتش سوزی کتابخانه اسکندریه

۱. اینکه یحیی نحوی (گراماطیقی) به هنگام ورود عمرو عاص به اسکندریه جوانی بوده بنابر نظر ابن ندیم، شاید

سخن ما در باره کتاب سوزی ایران و اسکندریه به پایان رسید. خلاصه سخن این شد که تا قرن هفتم هجری یعنی حدود ششصد سال بعد از فتح ایران و مصر، در هیچ مدرکی، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، سخن از کتاب سوزی مسلمین نیست. برای اولین بار در قرن هفتم این مسأله مطرح می‌شود. کسانی که طرح کرده‌اند، اولاً هیچ مدرک و مأخذی نشان نداده‌اند و طبعاً از این جهت نقلشان اعتبار تاریخی ندارد، و اگر هیچ ضعیفی جز این یک ضعف نبود، برای بی‌اعتباری نقل آنها کافی بود. ثانیاً همه آنها، به استثنای ابوالفرج و قفطی، وجود شایعه‌ای را بر زبانها روایت کرده‌اند، نه وقوع حادثه را. و در شریعت روایت و قانون نقل تاریخی، هرگاه مورخ به جای نقل حادثه‌ای «بر سر زبانها بوده» آن حادثه را نقل کند، یعنی به جای آنکه بگوید چنین حادثه‌ای واقع شده، بگوید: «گفته می‌شود چنین حادثه‌ای واقع شده»، نشانه این است که حتی خود گوینده اعتمادی به وقوع آن حادثه ندارد. ثالثاً نقلهای قرن هفتم که ریشه و منبع سایر نقلها است، یعنی نقل عبداللطیف و ابوالفرج و قفطی، در متن خود مشتمل بر دروغهای قطعی است که سند بی‌اعتباری آنها است.

و علاوه بر همه اینها، چه در مورد ایران و چه در مورد اسکندریه، قرائن خارجی وجود دارد که فرضاً اگر این نقلها ضعف سندی و مضمونی هم نمی‌داشت، آنها را از اعتبار می‌انداخت.

۹. مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبائی دانشمند برجسته نیز در مورد کتاب سوزی مسلمانان مقاله‌ای در مجله وحید^۱ نگاشته و طی آن در مورد رد انتساب آتش زدن کتابخانه قدیم اسکندریه مطالبی آورده است. دریغ آمد که عین گفته آن استاد فرزانه را در این گزارش نیاورم. ایشان ضمن مقاله خویش چنین آورده است:

اما موضوع حریق کتابخانه‌های اسلامی به سعی صلیبیان و مغول دنباله‌رو کار ایشان، عملی مسلم و غیر قابل انکار بوده است. تا آنکه در نیمه اول سده هفتم، سه تن در سوریه - یک مسیحی و یک مسلمان و یک مؤلف ناشناس - نسبت سوختن کتابخانه اسکندریه مصر را به عمرو عاص داده‌اند که به امر خلیفه دوم کتابها را در میان گرمابه‌های اسکندریه تقسیم کرد تا بسوزانند. این سه مؤلف قریب‌العهد، یعنی عبداللطیف بغدادی و قفطی و ابن عبری که به ترتیب راوی این داستان بوده‌اند، به هیچ سند و مدرک متقدم بر زمان خود اشاره

یحیی مذکور یوحنا فیلوبونس که برضد عقیده تثلیث که باتلر آثار او را دنبال کرده است، نباشد، زیرا نام یحیی در آن زمان، یوحنا بوده است. (هر آن کس که در لغت و ادبیات پژوهش می‌کرده یوحنا می‌نامیدند.) و احتمالاً یحیی مورد نظر ما یحیی دیگر باشد که باتلر توسط آن داستان را نقض کرده باشد. ۲. میان دین اسلام، که مسلمانان را به فضائل انسانی دعوت می‌کند، و میان مجریان آن، که با ضعف خود آن را اجرا نکنند، تفاوت است. و می‌توان در اینجا به جنگ اُحد اشاره کرد و داستان غنایم و غیره که همگان از آن اطلاع دارند.

۳. ابن خلدون تاریخ‌نگار برجسته مسلمان در مقدمه خود، به برخی خصلتهای اعراب اشاره کرده و می‌گوید: اعراب نمی‌توانند دیگر تمدنها را تحمل کنند، و همیشه به دنبال تخریب و نابودی آن بوده‌اند، عمرو عاص هم از این قاعده مستثنی نیست و جمعی از اعراب بادیه‌نشین بی‌فرهنگ و تمدن را به همراه خود داشت که هیچگاه ارزش کتاب و کتابخانه را نمی‌دانستند.

۴. عمر بن الخطاب نظیر این کار بسیار کرده، از جمله قطع درخت بیعت که مردم بعد از رسول اکرم (ص) به آن تبرک می‌جستند. و ابن الولید با آن همه پیروزیهای نظامی، به علت ترس از تقدیس آن از سوی مسلمانان، عمر او را عزل نموده است.

۵. در برخی منابع تاریخی به آتش کشیدن کتابخانه‌های مختلف از سوی اعراب مسلمان آمده است، از جمله حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون داستان آتش زدن کتابخانه‌های ایرانیان به هنگام فتح فارس و دستور صریح عمر بن خطاب به سعد که کتابهای ایرانیان را به آب بریزند، و به همین سبب بسیاری از آثار علمی ایرانیان از بین رفته است.

۶. از رفتارهای پیروزمندانه مسلمانان در جنگها، نابود ساختن ایده و تفکرات شکست‌خوردگان بوده تا مجدداً قیام نکنند. و این کار میسر نمی‌شد مگر با به آتش کشیدن کتابخانه‌ها و یا حداقل انتقال آنها به مکانهای دیگر. به عنوان مثال: هولاکوخان مغول از غارت کتابخانه‌ها پلی ساخت تا نیروهای وی بتوانند از آن عبور کنند، و گاه اسطبلها را برای نگهداری اسبها از کتابها می‌ساخت، صلاح‌الدین ایوبی دستور داد تا کتابخانه‌های فاطمیان در مصر اعم از عمومی و شخصی را در قصرها به آتش بکشند، و در منابع تاریخی آمده که

سربازان وی از جلدهای کتابها که بیشتر از چرم ساخته شده بود کفش و نعل بسازند، و این داستان در مورد کتابخانه‌های شام نیز وجود داشته است. گفته شده کتابهای نابود شده به دست صلاح‌الدین ایوبی در شام و مصر بالغ بر چهار میلیون جلد بوده است. صلیبیان نیز به هنگام جنگهای صلیبی کتابخانه‌های شام و طرابلس را به آتش کشیدند. گویا کتابخانه طرابلس ۳ میلیون جلد کتاب داشته و به دستور «کنت برترام سانت گیل» در آتش سوخت. همچنین ملکه ایزابلا و فردیناند، که بر اندلس مسلمان چیره شدند و مسلمین را از آن دیار اخراج نمودند، تمامی کتابها و کتابخانه‌های اسلامی را در اواخر سده ۱۵ میلادی به آتش کشیدند. اینگونه برخوردها به گونه‌ای جنبه مذهبی نیز داشته است، زیرا همیشه پیروزمندان خواهان به خاک کشانیدن بازنده‌ها بوده‌اند، و این اختصاص به مسلمانان ندارد و در مسیحیان نیز وجود داشته است.

عبدالله بن طاهر نیز کتابهای زبان فارسی به ویژه مذهب شیعه را که تا روزهای زمامداری وی وجود داشته در سال ۲۱۳ هجری به آب انداخت و داستان آن در کتابهای تاریخ اسلام به تفصیل آمده است.

۷. پیروزشوندگان در جنگ عقیده داشتند که دین آنها خاتم و کامل است و می‌بایست دین شکست‌خوردگان نابود شود. رومیان پس از ایمان آوردن به دین مسیح که قبل از آن از دشمنان سرسخت مسیحیان بودند، دستور تخریب معابد قدیمی خویش را دادند و کتابخانه‌های خود را به آتش کشیدند، بنابراین برخورد مسلمانان نیز موضوع عجیبی نبوده و شاید آن را تقریباً الی الله انجام می‌دادند.

۸. در میان برخی از دانشمندان اسلامی یک پدیده بسیار عجیب رخ داده است و اینکه آنان در طول حیات خود کتابهای بسیاری تألیف و تصنیف و یا خریداری می‌کردند و در برخی موارد تمامی اموال خود را صرف خرید و حفظ کتاب می‌نمودند و در هنگام مرگ و یا اواخر عمر خویش آنها را در آب می‌افکندند و یا می‌سوزاندند تا از دسترس ناهلان دور بماند. در این زمینه می‌توان نام چند تن از آنها را آورد، از جمله احمد بن ابی‌الحواری، سفیان ثوری، ابو عمرو بن العلاء، ابو حیان توحیدی و صدها تن دیگر.

۹. داستان آتش زدن کتابخانه اسکندریه با آن تفصیل که در برخی منابع آمده، شاید اندکی اغراق‌آمیز باشد ولی نمی‌توان

جهانی جهت همکاری و مساعدت کشورهای جهان به پروژه احیای کتابخانه اسکندریه منتشر گردید. «دکتر احمد مختار أمبو» که مدیریت کل یونسکو را بر عهده داشت، در فوریه سال ۱۹۸۶م به دانشگاه اسکندریه رفت و در اکتبر سال ۱۹۸۷ کنفرانس عمومی ملل متحد «یونسکو» موافقت خود را با پیام جهانی برای همکاری در پروژه کتابخانه اعلام نمود. این پیام به پنج زبان عربی، انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی و روسی منتشر گردید. در ژوئیه سال ۱۹۸۸م نخستین سنگ بنای پروژه از سوی حُسنی مبارک رئیس جمهور مصر به همراه مدیر جدید یونسکو دکتر فیدریکو مایور گذاشته شد. آن گاه اجرای پروژه از دانشگاه به وزارت آموزش عالی مصر محول گردید. در اجلاس اسوان مصر در روزهای ۱۱ و ۱۲ فوریه سال ۱۹۹۰م جمع آوری کمکها آغاز گردید و زمان اجرای افتتاحیه در ژوئیه ۱۹۹۵م تعیین گردید. هزینه احتمالی پروژه جدید بالغ بر ۱۶۰ میلیون دلار برآورد گردید. مصریها زمین و سالن کنفرانس را به این پروژه ملی اختصاص دادند و مساحت آن بالغ بر چهار هزار متر مربع که چهار میلیون دلار بهای زمین و سالن کنفرانس بیست میلیون دلار برآورد گردید، در اجلاس اسوان که در بالا اشاره شد ۶۴ میلیون دلار دیگر کشورهای عربی و خصوصی تعهد نمودند. سرانجام در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۸۸م مصادف با ۴ جمادی الاولی سال ۱۴۰۹هـ بیانه‌ای از سوی رئیس جمهور مصر در مورد تشکیل هیأت عمومی کتابخانه صادر گردید، در بند ۸ بیانه فوق، موارد هزینه را مشخص نموده است. بندهای آن بدین قرارند:

۱. آنچه دولت در بودجه عمومی کشور مصر اختصاص دهد؛
 ۲. کمکهای داخلی و خارجی؛
 ۳. خدماتی که هیأت ارائه می‌دهد؛
 ۴. هزینه‌هایی که به نام هیأت منعقد می‌شود؛
 ۵. عواید سرمایه‌گذاری از اموال هیأت؛
 ۶. هرگونه مواردی که برای هیأت برقرار می‌گردد.
- در بند ۹ این بیانه آمده است که هیأت بایستی ردیف خاص از بودجه عمومی کشور داشته باشد.
- در بند چهارم این بیانه، نحوه تشکیل اعضای هیأت مشخص گردیده است که عبارتند از:

۱. وزیر آموزش عالی به عنوان رئیس هیأت؛
۲. رئیس دانشگاه اسکندریه به عنوان معاون رئیس؛

آن را به طور کلی انکار نمود به مصداق این مثل: «تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها».

در پایان، چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که داستان آتش زدن کتابخانه‌ها اختصاص به مسلمانان و یا قومی خاص نداشته و همانگونه که یادآور شدیم در میان مسیحیان نیز وجود داشته و این رویه‌ای است که پیوسته پیروزشوندگان برای نابودی تمامی آثار اعم از منقول و غیر منقول بازندگان در جنگ وجود داشته است. بایستی اذعان نمود باب اجتهاد در این زمینه باز است. شاید در آینده ادله‌های بیشتری ارائه شود و حقیقت این امر آشکار گردد. یادآوری این نکته بایسته است که نظریات مخالفان و موافقان آتش‌سوزی، که به برخی از آنها اشاره کردیم، الزاماً نظر اینجانب نیست و صرفاً بیان نظریات آنان می‌باشد تا خوانندگان خود به قضاوت بنشینند.

احیای مجدد کتابخانه اسکندریه

هنگامی که یکی از استادان دانشگاه اسکندریه مصر از کتابخانه بزرگ کنگره آمریکا در واشنگتن بازدید می‌کرد در گفتگو با «دانیل بروستین» - که در آن زمان مدیر آن کتابخانه بود - بحث احیای مجدد کتابخانه قدیم اسکندریه به میان آمد، رئیس کتابخانه کنگره موضوع را جدی گرفت و در سال ۱۹۷۶م موضوع را با مدیرکل وقت یونسکو در پاریس در میان گذاشت و از وی خواست که موضوع را به عنوان یک پروژه بین‌المللی دنبال کند. در آن زمان بحثهایی میان استادان مصری صورت گرفت و رئیس سابق دانشگاه اسکندریه - دکتر «محمد لطفی دویدار» - موضوع را به عنوان پروژه محلی تلقی کرد، لیکن در سال ۱۹۸۰م این داستان ابعاد تازه‌ای یافت و چند مرکز فرهنگی موضوع را پیگیر شدند. این امر همگام با جشن مجدد بازگشایی و ترمیم «معبد ابوسمبل» در برابر دیدگان کشورهای مختلف قرار گرفت.

دانشگاه اسکندریه، قطعه زمینی را برای ساخت کتابخانه و مرکز همایشها، که هم‌اکنون در کنار کتابخانه جدید قرار دارد، اختصاص داد. آن گاه کارشناسان مربوطه از یونسکو به اسکندریه آمده و نیز استادانی از دانشگاه اسکندریه به مقر یونسکو در پاریس رهسپار شدند. در سال ۱۹۸۷م برآورد کلی طرح به توافق رسید و تصمیم گرفته شد تا این طرح به صورت یک طرح ملی بین‌المللی دنبال شود. سال بعد، پیام

۳. استاندار اسکندریه یا نماینده او؛

۴. سه تن از استادان دانشگاه که از سوی هیأت علمی دانشگاه برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و قابل تمدید نیز می‌باشد؛
۵. نمایندگان از وزارتخانه‌های فرهنگ، تبلیغات، توریسم، آموزش عالی، آموزش و پرورش، امور خارجه که هر یک از سوی وزیر مربوطه انتخاب می‌شوند؛
۶. حداکثر پنج شخصیت برجسته فرهنگی کشور مصر که از سوی وزیر آموزش عالی برای سه سال انتخاب می‌شوند و قابل تمدید نیز می‌باشند.

وظایف

این هیأت بالاترین مرجع تصمیم گیرنده در امور کتابخانه خواهد بود و می‌تواند موارد اصلی زیر را اعلام نماید.

۱. صدور لوایح داخلی و لوایح امور علمی، اداری، فنی و مالی، البته پس از موافقت وزارت دارائی.
۲. اعلام طرح لازم جهت تنفید و اجرای پروژه احیای مجدد کتابخانه اسکندریه.
۳. تعیین تکلیف امور کارکنان و حقوق و مزایا بدون در نظر گرفتن قوانین هماهنگ پرداخت که در تمام وزارتخانه‌ها اعمال می‌شود.
۴. تنظیم چارت اداری و تنظیم جداول و دستورالعمل پستهای سازمانی.
۵. انجام تماس با هیأتها و کشورهای خارجی و مؤسسات عمومی و شخصی معروف و دعوت از آنان جهت مشارکت در انجام پروژه.
۶. پذیرفتن کمکها و اعانات و هدایا اعم از کتاب خطی و چاپی و غیره که با ماهیت پروژه همخوانی داشته و با مقررات آن تطابق داشته باشد.
۷. موافقت بر طرح هیأت در حسابرسی پایانی هر سال.
۸. پیگیری گزارشات روزانه از روند پیشرفت اجرای کار پروژه.
۹. انجام هر آنچه را که هیأت نیاز دارد.

۱۰. تمامی تصمیمات اداری جهت اجرا به وزیر آموزش عالی بایستی منتقل گردد.

چون این پروژه از اختیار دانشگاه اسکندریه خارج شد و به صورت یک پروژه ملی و فراملی مبدل گردید، مقرر شد

دانشگاه اسکندریه به صورت علمی و آکادمیک این پروژه را پشتیبانی نماید.

در بند هفتم بیانیه اصلی اشاره به تعیین و انتخاب رئیس هیأت که بایستی وزیر آموزش عالی باشد، از سوی رئیس جمهور مصر اعلام می‌گردد.

برای آنکه این پروژه به صورت فراملی بماند، کمیته اجرائی بین‌المللی بدین صورت تشکیل و فعال گردید که پنج نفر از مصر و نمایندگان از دیگر کشورهای کمک‌کننده از جمله یونان، فرانسه، ایتالیا، عمان، عربستان، ترکیه، امارات، آمریکا و نماینده‌ای از یونسکو می‌باشند.

نخستین اجلاس کمیته اجرائی در ۱۹۹۲/۴/۲۶ م در مرکز اجلاسهای اسکندریه برگزار و نتایج آن به ترتیب زیر اعلام گردید:

۱. دستور انتخاب رئیس کمیته اجرائی و مدیر پروژه و معاون وی؛
 ۲. موافقت بر چارت تنظیمی تشکیلات اجرائی؛
 ۳. موافقت بر پلان و برنامه‌های اجرائی پروژه از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ م و هزینه برآورد اولیه بالغ بر ۱۷۱ میلیون دلار؛
 ۴. موافقت بودجه پیشنهادی سال ۱۹۹۲ م و هزینه‌های آن طبق بندهای مربوطه مجاز شده است؛
 ۵. بررسی و پذیرش طرح اجرائی انتخاب شده شرکت مهندسی نروژی «سنوهیتا» برای آماده‌سازی ماکت مهندسی پروژه جهت بررسی امکانات مجموعه‌ها و برگزاری امور کتابخانه‌ای و سایر فعالیتهای فرهنگی آینده؛
 ۶. زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع در داخل شهر اسکندریه جهت دفتر کارهای اجرائی پروژه تهیه گردید.
- پس از بیانیه رئیس جمهور مصر به شماره ۵۲۳ مورخ سال ۱۹۸۸ م کارهای اجرائی پروژه رسماً آغاز گردید.
- در سال ۲۰۰۱ م رئیس جمهور مصر طی یک بیانیه مجدد به عنوان قانون ویژه به شماره ۱ کتابخانه زیر نظر مستقیم رئیس جمهور قرار گرفت، آنگاه در همان سال طی قانون ۷۶ ریاست جمهوری مصر نهایتاً تشکیلات اداری کتابخانه به ترتیب زیر مشخص گردید:

۱. هیأت بانیان «بنیانگذاران» به ریاست رئیس جمهور وقت مصر یا نماینده قانونی وی و همچنین رئیس جمهور فرانسه، ملکه اسپانیا و برخی دیگر از حاکمان جهانی. این

پنسیلوانیا آمریکا، لوزان سوئیس، سوینبورن استرالیا، چندین جایزه جهانی در زمینه علوم دریافت کرده از جمله جایزه روبرت ویلش، ملک فیصل، مدال بنیامین فرانکلین، لئوناردو داوینچی، روننگن، مدال طلائی بول کارر، آکادمی پادشاهی هلند، مدال درجه یک از حسنی مبارک رئیس جمهور مصر، و یک تمبر یادبود به نام وی در مصر منتشر شده است.

۳. خانم دکتر ادیل سیمونز از «آمریکا». وی اکنون جانشین رئیس و مدیر اجرایی «شیکاگو مترو بولس ۲۰۲۰» و نیز استاد در مرکز بررسیهای بین‌المللی دانشگاه شیکاگو آمریکا، قبلاً رئیس جمهور سابق آمریکا «کارترو» وی را در هیأت مبارزه با قحطی در جهان برگزید، عضو کمیته سلامت که از سوی رئیس جمهور سابق آمریکا «جورج بوش» پدر بوده و چندین جایزه دریافت کرده است.

۴. امیرتواکو از «ایتالیا». دارای دکترای در فلسفه و ادبیات قرون وسطی، دبیر سابق برنامه‌های فرهنگی تلویزیون ایتالیا، در سال ۱۹۶۶م به دانشگاه علوم تطبیقی میلان منتقل و استاد علم دلالت «یکی از علوم زبانشناسی» گردید، دارای جوایز دریافتی بسیار که در این مختصر میسر نیست، همچنین دارای ۲۳ دکترای افتخاری.

۵. جاک آتالی از «فرانسه». از برجسته‌ترین علاقمندان به کتاب و پژوهشگران اجتماعی و اقتصادی، مدتی مشاور رئیس جمهور سابق فرانسه «فرانسومیتران» بود، رئیس بانک اروپائی آبادانی و توسعه، عضو مجلس دولت فرانسه از سال ۱۹۹۳م تاکنون، وی تألیفات بسیاری در زمینه‌های اقتصاد، موسیقی، رمان و داستانهای کوتاه دارد و آثار وی به بیش از ۲۰ زبان ترجمه و منتشر شده که شمارگان برخی از آنها به ۱۳ میلیون بالغ گردیده است.

۶. خانم دکتر حنان عشاوی از «فلسطین». متولد رام‌الله فلسطین و مقیم قدس، دکترای خود را از دانشگاه ویرجینیای آمریکا دریافت کرده، اکنون رئیس دانشکده ادبیات بیرزیت فلسطین می‌باشد و خود در آن دانشگاه، ادبیات انگلیسی را تدریس می‌کند، مدتی وزیر آموزش و بررسی علمی در حکومت خودمختار فلسطین بود، در سال ۱۹۹۴م جمعیت مستقل حقوق فلسطینیان و اعلامیه گسترش گفتگوی جهانی و دمکراسی را تأسیس کرد.

۷. استیون جای کولد از «آمریکا». یکی از نویسندگان

هیأت نقش تعیین‌کننده جهت امداد کتابخانه از لحاظ مالی و کتاب و نیز حلقه اتصال میان تمدنهای جهان می‌باشد.

۲. هیأت امنای مرکب از رئیس جمهور یا نماینده قانونی وی و تعداد دیگر از شخصیت‌های برجسته سیاسی فرهنگی مصر، ریاست این هیأت بر عهده خانم سوزان مبارک همسر رئیس جمهور می‌باشد. رئیس جمهور مصر همچنین هیأت امنای دیگری نیز متشکل از شخصیت‌های برجسته جهانی را به منظور وزنه تمدنی کتابخانه انتخاب نمود که در ادامه این گزارش به آنها اشاره خواهیم کرد.

۳. مدیر کتابخانه و مسؤول اجرایی با اختیارات از سوی رئیس جمهور انتخاب می‌شود که حسنی مبارک، دکتر اسماعیل سراج‌الدین را برای احراز این پست انتخاب و وی مشغول به کار شد. دکتر اسماعیل یک شخصیت برجسته جهانی است و بیش از پنجاه تن از دارندگان جایزه جهانی نوبل او را قبلاً برای مدیریت سازمان جهانی یونسکو پیشنهاد نموده بودند. وی تحصیل کرده دانشگاه مصر و دانشگاه هاروارد آمریکا می‌باشد. از آنجا که وی دارای اختیار تام از سوی رئیس جمهور بود، امور اجرایی را با دست باز به اجرا گذاشت و موفق شد از هدایای خارجی برای کتابخانه استفاده کند. و نیز توانست کتابخانه را از هرگونه مالیات معاف کند. همچنین تجهیزات مورد نیاز کتابخانه که از خارج کشور مصر خریداری می‌کرد از شمول مقررات گمرکی معاف نماید.

اینک به معرفی هیأت امنای انتخاب شده از سوی رئیس جمهور به ترتیب حروف تهجی نام آنان می‌پردازیم:

۱. دکتر احمد کمال ابوالمجد از «مصر». فارغ‌التحصیل دانشگاههای مصر و میشیگان آمریکا، رئیس سابق دانشکده حقوق دانشگاه کویت، عضو آکادمی بررسی قانون اسلامی در دانشگاه الازهر قاهره، مشاور فرهنگی مصر در آمریکا، وزیر سابق جوانان مصر، وزیر سابق تبلیغات مصر از سال ۱۹۷۲-۱۹۷۵م و هم اکنون قاضی دادگاه اداری بانک جهانی در واشنگتن.

۲. دکتر احمد زویل از «مصر». برنده جایزه نوبل در شیمی به سال ۱۹۹۹م، فارغ‌التحصیل دانشگاه اسکندریه و دکترای شیمی از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا، هم اکنون استاد کرسی شیمی و فیزیک در انستیتو کالیفرنیا و مدیر کارخانه N. S. F علوم. دارای چندین دکترای افتخاری از دانشگاه آمریکایی قاهره، آکسفورد انگلستان، دانشگاه کاتولیکی لیون بلژیک، دانشگاه

بزرگ جهان در زمینه علوم و یکی از مشهورترین دانشمندان حفاری و نظریه‌تطور، دکترای خود را از دانشگاه کولومبیا به سال ۱۹۶۷م دریافت کرد، هم اکنون استاد علم جانورشناسی دانشگاه هاروارد آمریکا و دبیر کل بخش بلوینتولوژی موزه هاروارد، استاد مقیم جانورشناسی در دانشگاه نیویورک از سال ۱۹۹۶م، چند جایزه بین‌المللی دریافت کرده از جمله جایزه مؤسسه ماک آرتور.

۸. طاهر بن حلبون از «مغرب». در سال ۱۹۶۱م به پاریس مهاجرت نمود و چندین کتاب در زمینه‌های شعر و نقد به زبان فرانسه نگاشته و مستمراً در روزنامه لوموند پاریس که یکی از روزنامه‌های معتبر جهان است قلم می‌زند. بهترین جایزه ادبیات فرانسه را برای کتاب *ليلة القدر* در سال ۱۹۸۷م دریافت نمود.

۹. عبداللطیف الحمد از «کویت». رئیس صندوق عربی توسعه اقتصادی و اجتماعی، مدتی وزیر دارایی کویت، وی صندوق توسعه کویت را تأسیس کرد، در چند انجمن بین‌المللی عضویت داشته از جمله هیأت جهانی آب.

۱۰. دکتر فاروق الباز از «مصر». هم‌اکنون رئیس مرکز کنترل از راه دور دانشگاه بوستون آمریکا، که خود آن را به سال ۱۹۸۶م تأسیس کرده، می‌باشد. این مرکز تکنولوژی فضاء در علوم جغرافی و گیولوژی را پشتیبانی می‌کند، دکترای خود را در زمینه گیولوژی از دانشگاه میسوری آمریکا اخذ نموده، در دانشگاه‌های اسیوط مصر و هایدلبرگ آلمان تدریس می‌کند، در برنامه فضائی ناسا در پروژه آپولو به عنوان ناظر بر برنامه‌ریزی‌های کره ماه مسؤولیت داشته است، جوایز زیادی دریافت کرده از جمله جایزه فارغ‌التحصیلان دانشگاه میسوری آمریکا و مدال درجه یک مصر.

۱۱. فیگرس فینبوجادیترا از «آیسلند». مدت ده سال (از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳م) رئیس جمهور بود، ادبیات را در کنار زبانها در دانشگاه‌های گوینوبل و سوربن فرانسه، آسالا سوئد آموخت. هم‌اکنون رئیس انجمن بین‌المللی علم و تکنولوژی، مشاور مؤسسه بین‌المللی جوانان و نماینده یونسکو در زمینه زبانها می‌باشد.

۱۲. کارل تام از «سوئد». فارغ‌التحصیل ادبیات و تاریخ دانشگاه استکهلم در سال ۱۹۶۳م، مدیر اجرایی انستیتو اولاف پالمه، در حزب لیبرال سوئد از سال ۱۹۶۹م فعالیت

دارد، عضو پارلمان، وزیر آموزش عالی و علوم، وزیر انرژی و مدیرکل سازمان توسعه بین‌المللی سوئد، هم‌اکنون عضو کمیته عالی ویژه آموزش عالی سازمان یونسکو و بانک جهانی.

۱۳. کزوو تاکاهاشی از «ژاپن». هم‌اکنون مدیر انستیتو بین‌المللی تحقیقات توسعه مؤسسه بررسی‌های نوین در باره توسعه بین‌المللی در توکیو، دکترای خود را از دانشگاه کولومبیا آمریکا دریافت کرده است.

۱۴. دکتر لیلا تکلا از «مصر». شخصیت بین‌المللی مصری، هم‌اکنون در کمیته‌های حل اختلاف در باره آب خصوصاً رود نیل فعالیت دارد، عضو کمیسیون فرهنگی سازمان ملل در دوره دبیر کلی خاویر پرز دوکویار.

۱۵. لوئیس موزیال از «اسپانیا». اکنون مدیر کل مؤسسه «لاکسیا» در بارسلون اسپانیا، استاد سابق تاریخ هنر، عضو چند هیأت باستان‌شناسی، مدتی مدیر کل در سازمان علمی فرهنگی یونسکو بوده است.

۱۶. مارگارت کاتلی کارلسون از «کانادا». در منطقه کولومبیا بریتانیا در کانادا زندگی کرده، مدتی در وزارت خارجه کانادا اشتغال داشت، دکترای حقوق خود را از دانشگاه «رجینا» و دکترای افتخاری ادبیات از دانشگاه سنت‌مری اخذ کرده، چند بورسیه از مؤسسات بین‌المللی نیز دریافت نموده است.

۱۷. ماریانا فارینویانس از «یونان». دکترای اقتصاد خود را در دانشگاه دنور کلورادو در آمریکا اخذ نموده و به زبانهای یونانی، انگلیسی و فرانسه تسلط کامل دارد. هم‌اکنون نماینده یونسکو در زمینه حمایت از کودکان می‌باشد، دکترای افتخاری خود را به سال ۱۹۹۷م از شفیلد انگلستان دریافت کرده و نامزد دریافت جایزه زنان اروپا به سال ۱۹۹۶م بوده است.

۱۸. مونکو مپوسوا میناتان از «هند». مجله تایمز وی را یکی از ۲۰ شخصیت برجسته آسیا در قرن بیستم میلادی معرفی کرده است. او در کنار دو شخصیت دیگر جهانی‌گاندی و تاگور انتخاب شده بود. دکترای کشاورزی خود را از دانشگاه کمبریج انگلستان به سال ۱۹۵۲م دریافت کرده است، مدتی مدیر انستیتو هند در زمینه تحقیقات کشاورزی بوده است. در اثر تلاشهای وی نسل بهتری از جو و برنج در هند به دست آمده است و به همین سبب جایزه جهانی غذا را به سال ۱۹۸۷م که نخستین جایزه بوده، دریافت کرده است.

۱۹. هانس پیترگیه از «آلمان». وی در علوم کتابخانه‌ای

نقشه‌های هیروگلیفی و با حروف ابجد همهٔ جهان طراحی شده است. هیچ یک از سقفها در طبقات مختلف قابل رؤیت نیست و همانگونه که نور آفتاب هر صبح از بالاترین نقطه به پایین‌ترین نقطه می‌تابد، در شها نیز نور چراغها از بالاترین نقطه به پایین‌ترین نقطه نورافشانی می‌کند.

هیئت داوران قبل از برگزاری مسابقه، معیارها و ضوابطی را برای نقشه‌های اجرائی در نظر گرفته و اعلام نمودند که عبارتند از:

۱. رابطه طرح معماری با نمای عمومی شهر اسکندریه و همسوئی آن.
۲. هماهنگی طرح با محیط اطراف آن.
۳. شکل و شمایل طرح.
۴. طراحی ویژه بخشهای اداری.
۵. بررسی موارد اقتصادی طرح به هنگام اجرا.
۶. نمادهای سمبلیک از داخل ساختمان.

برخی پیشنهاد کرده بودند که ساختمان جدید کتابخانهٔ اسکندریه همچون طرح ساختمان قدیمی آن باشد که در سدهٔ ۳ قبل از میلاد ساخته شده بود، لیکن چون طرح اولیه و یا تصویر واقعی آن در دست نبود تصمیم گرفته شد تا ساختمانی مدرن و منحصر به فرد ساخته شود و نظیر هیچ یک از کتابخانه‌های بزرگ جهان نباشد. همان گونه که یادآور شدیم شرکت مهندسی نروژی سنوهیتا برنده مسابقه طرح گردید، لیکن انتقاداتی از سوی صاحب‌نظران به آن طرح گرفته شد، به ویژه در ارتباط با معماری و طراحی نوین و ارتباط آن با ساختمانهای هم‌جوار، و نهایتاً شرکت نروژی این انتقادات را مورد توجه قرار داده و تا حدودی در رفع آنها کوشیده است. تا پایان سال ۱۹۹۹م تنها دیوارهای بتونی و نگاشته‌های حروف زبانهای مختلف جهان آماده گردید. ساختمان از داخل به دو بخش بزرگ تقسیم شده است؛ یکی بخش خدمات عمومی و دیگری بخشهای داخلی با زیرمجموعهٔ اداری هر کدام. در بخش خدمات عمومی این بخشها قرار دارند:

۱. واحد فعالیتهای فرهنگی؛
 ۲. مجموعه‌های کتاب و نشریات ادواری؛
 ۳. مجموعه‌های خاص.
- بخشهای داخلی دارای واحدهای تابعه زیر هستند:
۱. بخشهای اداری شامل دبیرخانه، امور کارکنان،

تخصص دارد، از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱م رئیس اتحادیهٔ جهانی کتابخانه‌ها «ایفلا» بوده است، هم اکنون رئیس مؤسسه همکاری بین کتابخانه‌های اروپا از سال ۱۹۹۱م می‌باشد.

۲۰. ویلیام وُلف از «آمریکا». رئیس آکادمی آمریکایی هندسه و رئیس آکادمی ملی علوم، مسؤول بازرینی برنامه‌های درسی رایانه‌ای آمریکا، در زمینه رایانه فعالیت‌های چشمگیر دارد.

۲۱. وُول سونیکا از «نیجریه». برندهٔ جایزهٔ نوبل در ادبیات به سال ۱۹۸۶م، دکترای خود را به سال ۱۹۷۳م از دانشگاه لیذر انگلستان گرفته است. مدت ۶ سال در انگلستان به عنوان نمایشنامه‌نویس در تئاتر «رویال کورت» لندن به کار اشتغال داشته است. ۲۰ کتاب در نقد و ادبیات داستانی و شعر نگاشته است.

۲۲. یولندا کاکایدزو از «اکوادور». روانشناسی را در دانشگاه کاتولیکی کیوتو ادامه داده و با آغاز فعالیت‌های محیط زیست کار او آغاز گردید. او مدتی مدیر اجرائی مؤسسه طبیعت «ناتورا» در کیوتو تا سال ۱۹۹۰م بود. در اجلاس زمین نیز در سال ۱۹۹۰م نیز فعال بوده است. چند مسؤولیت در زمینه حفاظت از محیط زیست دارد.

بررسی طرح جدید کتابخانهٔ اسکندریه

زمین پروژه بالغ بر چهل هزار متر مربع در امتداد جزئی از جزیره فاروس قدیم که محل سابق کتابخانهٔ قدیم اسکندریه در کنار بلوار فعلی ساحل دریا بوده، واقع شده است.

سازمان ملل مبلغ ۶۰۰۰۰۰ دلار جهت انجام مناقصه واگذاری طرح اختصاص داد، ۱۴۰۰ مهندس و آرشیستک از ۷۷ کشور جهان برای شرکت در مسابقهٔ معماری طرح اعلام آمادگی کردند. و سرانجام پس از بررسی طرحهای اصله، طرح شرکت مهندسی نروژی «سنوهیتا» بهترین طرح شناخته شده و برندهٔ مسابقه گردید و اجرای پروژه به عهدهٔ آن شرکت واگذار شد.

پروژه به شکل قرص خورشید، که در آب دریا غروب کرده است و القا می‌کند که کتابخانه همچون خورشید همیشگی است، طراحی شده است و هر فرد که در بالاترین بخش آن قرار گیرد می‌تواند تمامی ساختمان را مشاهده کند. همچنین بیشترین استفاده از نور خورشید جهت صرفه‌جویی در مصرف برق شده است. سقف نهایی آن کاملاً از شیشه‌های مخصوص ساخته شده و در دیوارهای بتونی آن هیچگونه سوراخ یا دریچه‌ای وجود ندارد. بر روی دیوارهای خارجی

مخابرات، ترابری، امور مالی و اداری و غیره.

۲. بخشهای علمی - پژوهشی که ضمناً وظیفه خرید کتاب اعم از خطی و چاپی، فهرست‌نگاری، رده‌بندی رایانه و غیره را بر عهده دارد.

۳. بخشهای فنی شامل دو بخش، بخش نخست وظیفه مرمت و بازسازی مجموعه‌های کتابی و حفاظت و نگهداری تجهیزات و دستگاههای نصب شده کتابخانه را عهده‌دار است و بخش دوم نیز عهده‌دار حفاظت و صیانت از مجموعه ساختمانها و امنیت و حراست و نیز نظافت می‌باشد.

طبق برنامه زمان‌بندی شده، قرار بود یک انستیتو برای آموزش علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی به نام «پژوهشکده بین‌المللی اطلاع‌رسانی» وابسته به این کتابخانه در سال ۱۹۹۲ - ۱۹۹۳م افتتاح گردد، لیکن علی‌رغم تصویب مواد آموزشی آن، بنابر علی که مشخص نیست، انجام نشد.

در بخشهای فعالیتهای فرهنگی وظیفه روابط عمومی دعوت همگان به کتابخانه و جذب بیشتر خوانندگان و استفاده‌کنندگان از منابع موجود کتابخانه و برپایی نمایشگاههای ویژه کتاب و تجهیزات کتابخانه‌ای به صورت دائم و موقت و نیز تنظیم برنامه‌های هنری از جمله جشنهای موسیقی و رایزنیهای فرهنگی و اجلاسها می‌باشد. موزه خطوط، تاریخ علوم، تجهیزات کتاب آرایی، فروشگاه کتاب و نیز در کنار کتابخانه رصدخانه اخترشناسی همچون طرح ساختمان قدیم قرار گرفته است.

مجموعه‌ای نیز به فهارس کتابخانه‌ها، کارت‌برگهای اطلاع‌رسانی و بخش امانی اختصاص داده شده که خود به چند بخش به ترتیب زیر تقسیم شده است:

۱. مراجع عمومی و تخصصی؛
۲. جغرافیا، تاریخ و تراجم؛
۳. علوم اجتماعی، هنر و تاریخ علم؛
۴. زبان و ادبیات؛
۵. علوم گوناگون «تکنولوژی».

مجموعه‌های ویژه و خاص عبارتند از:

۱. مواد دیداری و شنیداری و الکترونیکی؛
۲. کتابهای چاپی نادر از اوائل صنعت چاپ و اسناد مهم و ارزشمند؛
۳. مجموعه نقشه‌ها شامل جغرافیا، گیولوژی، باستانی و غیره؛

۴. نوار و صفحات موسیقی ضبط شده و یا نوت‌های آنان. این کتابخانه به گونه‌ای طراحی شده تا ۴ میلیون جلد کتاب را در خود جا دهد.^۱ در آغاز موجودی آن بالغ بر دویست هزار جلد می‌باشد، البته این کتابخانه به گونه‌ای طراحی شده که تا چند سال دیگر ظرفیتهای آن کامل شده و جایی برای استقرار کتابهای بعدی وجود ندارد مگر آنکه بیمارستانی که در کنار ساختمان کتابخانه قرار گرفته و یا «مجمع تئوری دانشگاه اسکندریه» که هر دو در پشت آن قرار دارند خریداری و به مجموعه افزوده گردد.

در باره هویت کتابخانه جدید اسکندریه در بیانیه رئیس جمهور که قبلاً به آن اشاره شد چنین آمده است:

۱. تشکیل هیأت عمومی برای کتابخانه اسکندریه که دارای شخصیت اعتباری و مقر آن شهر اسکندریه و زیر نظر وزیر آموزش عالی قرار گیرد.

۲. هدف هیأت به گونه‌ای است که این کتابخانه را جهانی و مرکز اشاعه فرهنگ و اندیشه بشری در باره مباحث علمی و دربرگیرنده تمامی آثار علمی از کل تمدنهای قدیم و جدید به هر زبان و مسلک و مذهب و انجام بررسیهای مرتبط با اساسهای تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی برای مصر و منطقه خاورمیانه به طور عام و شهر اسکندریه به طور خاص بنماید.

لازم به یادآوری است در این بند اغراق جدی وجود دارد، زیرا این کتابخانه و یا هر کتابخانه دیگری در جهان نمی‌تواند بند ۲ این بیانیه را تحقق بخشد، چرا که سالانه بیش از یک میلیون عنوان کتاب از سوی تمدنهای مختلف منتشر می‌شود، به اضافه حدود سه میلیون گزارش علمی در بولتنهای گوناگون، نیم میلیون عنوان نشریه ادواری، دو میلیون برگ میکروفیش، دو میلیون نوار یا دیسک و صفحات دیداری و شنیداری (CD). بزرگ‌ترین کتابخانه جهان در حال حاضر کتابخانه کنگره آمریکا است که در حدود سال ۱۸۰۰م تأسیس شده و تا به امروز بیش از ۱۲۰ میلیون کتاب به زبانهای مختلف و موضوعات گوناگون در خود جا داده و کارکنان آن

۱. متأسفانه قبل از افتتاح و نیز پس از آغاز به کار کتابخانه، مسؤولان آن آمارهای مختلفی در مورد آن ارائه داده‌اند که مشخص نیست کدام یک واقعیت دارد، نخست گفته شده گنجایش ۴ میلیون، در گزارش بعدی ۸ میلیون، و در گزارشی دیگر ۳ میلیون جلد کتاب همچنین موجودی کتابخانه به هنگام افتتاح، برخی گزارشها دویست هزار جلد و برخی دیگر چهارصد هزار جلد ارائه گردیده است که دقیقاً مشخص نیست.

۶. جمع‌آوری پژوهش‌های مربوط به تاریخ پزشکی و دیگر علوم و دستاوردهای جنبش علمی نوین.
۷. تشکیل انستیتوهای عالی بین‌المللی برای کتابخانه‌های بزرگ جهان.
۸. بنیاد تالارهای نمایش و به نمایش گذاشتن تاریخ کتابت و ادوات کتاب آرایی همچنین سالنهای موسیقی.
۹. ساخت تالارهای یادبود دانشمندان و رجال اندیشه و علم در تاریخ بشریت.
۱۰. تشکیل کتابخانه دیداری و شنیداری «سمعی و بصری» و آرشیو یا بایگانی فیلم، تصویر و اسلایدهای رنگی و معمولی شخصیتها و اماکن مهم و تاریخی در منطقه.
۱۱. آماده‌سازی شبکه الکترونیکی جهت تبادل اطلاعات با دیگر کتابخانه‌های جهان و مؤسسات فرهنگی بین‌المللی.
۱۲. آماده‌سازی فهرس کامل رایانه‌ای در تمامی موضوعات مربوطه.
۱۳. تشکیل مرکز اسناد و آمار.

۱۴. تشکیل و راه‌اندازی واحد مرمت اسناد و نسخه‌های خطی و کتابهای ارزشمند و جلدسازی و ارائه همه‌گونه تسهیلات جهت تصویرسازی به همه انواع آن.

البته به علت عدم وجود کادر متخصص علمی موجود، با آنکه سالهاست از آغاز اجرای این پروژه گذشته‌است، خرید و انبار کتاب به گونه‌ای غیر علمی انجام گرفته و حتی قرار بود ۲۰۰۰۰۰ جلد به هنگام افتتاح کتاب در مخازن آن جمع‌آوری شده باشد که میسر نشده است. در سال ۱۹۹۲م نسخه‌های خطی و کتابهای کهن چاپی را از کتابخانه استانداری به کتابخانه جدید منتقل و آنها را آماده ساخته‌اند. «بخش مرمت در حال حاضر بر عهده کارشناسان ایتالیایی می‌باشد» همچنین فهرست نسخه‌های خطی موجود کتابخانه که از دیگر کتابخانه‌های اسکندریه از جمله کتابخانه شهرداری اسکندریه و کتابخانه مسجی المرسی ابوالعباس و غیره جمع‌آوری و بالغ بر پنج‌هزار جلد است، آماده انتشار می‌باشد.

مشخصات ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه

طرح جدید که اجرای آن از سوی متخصصان و کارگزاران مصری انجام شده، اهمیت این بنای عظیم را که نمایانگر میراث بشری است، آشکار ساخته است. نزدیکی آن به دریا،

بالغ بر شش هزار نفر می‌باشد و بودجه سالانه آن تا چند سال قبل بالغ بر نیم میلیارد دلار بوده و دارای دفاتری در اقصی نقاط جهان برای جمع‌آوری کتاب می‌باشد و هر روز بیش از بیست هزار جلد کتاب به مجموعه آن افزوده می‌شود که در هر سال بالغ بر هفت میلیون جلد بالغ می‌گردد. علمی‌رغم اعتبارات کافی و کادر مجرب و ورزیده، هیچ‌گاه ادعای جهانی شدن نکرده و یا نتوانسته است بنماید. چنین کاری هرگز در جهان میسر نخواهد شد. دیگر کتابخانه‌های بزرگ جهان از جمله کتابخانه بریتانیا، کتابخانه ملی فرانسه، کتابخانه لنین در مسکو، کتابخانه توکیو در ژاپن و غیره علمی‌رغم اعتبارات کافی و کادر متخصص هیچگاه ادعای جهانی شدن نداشته‌اند، با توجه به اینکه کتابخانه جدید اسکندریه هر چه فعالیت گسترده داشته باشد به این زودیاها به کتابخانه ملی قاهره (دارالکتب) نخواهد رسید، زیرا کتابخانه قاهره از لحاظ نسخه‌های نفیس خطی اسلامی و کهن دومین کتابخانه جهان و بیش از یکصد هزار و اندی نسخه خطی را در خود دارد و اهمیت هر کتابخانه‌ای در جهان به وجود نسخه‌های خطی نفیس است. و الاکتبهای چاپی روز چندان ارزشی ندارد، به ویژه آنکه در این عصر و زمان بیشتر افراد از رایانه بهره‌مند می‌شوند و نیاز به استفاده مستقیم از خود کتاب نخواهند داشت.

در بند سوم بیانیه رئیس جمهوری مصر آمده است که کتابخانه می‌تواند جهت انجام وظائف خود موارد زیر را به اجرا بگذارد:

۱. جمع‌آوری کتاب، نشریات به هر زبان و با هر بها، و یا تصاویر آنها به ویژه آنچه در ارتباط به میراث علمی و تئوری کشورهای مشرف به دریای مدیترانه و منطقه خاورمیانه باشد.
۲. جمع‌آوری بررسیهای ویژه تمدن مصر از اعصار مختلف و منابع نوشتاری در تمامی زبانهای مصر باستان، یونانی، لاتینی، آرامی، قبطی و یا عربی.
۳. جمع‌آوری و خرید نسخه‌های خطی و یا تصاویر آنها اعم از عربی، فارسی، ترکی، عبری، سریانی و سایر لغات شرقی که حاوی دستاوردهای فکری جهان اسلام باشد.
۴. جمع‌آوری و آماده‌سازی بررسیهای تاریخی و علمی در مورد قاره آفریقا، شامل نقشه‌ها و پژوهشهای علمی روز.
۵. جمع‌آوری پژوهشهای مربوط به تاریخ جهان به ویژه منطقه خاورمیانه.

طراحی شکل ظاهری ساختمان که به صورت استوانه‌ای مایل به سوی دریاست، نشانگر تمدن کهن مصر است که سایه آن بر دیگر تمدنهای بشری افکنده بوده است.

شکل این استوانه در واقع نظیر صفحه CD با قطری بالغ بر ۱۶۰ متر و زاویه ۸۸/۲۲ درجه و به عمق ۱۵/۸ متر در زمین فرورفتگی دارد و ارتفاع آن نیز از سطح زمین تا بالاترین بخش ۳۷ متر می‌باشد، بدین ترتیب که یک سوم ساختمان در زیر زمین و دو سوم آن بر روی زمین استقرار یافته است. بخش فرورفتگی در زمین اشاره به گذشته تاریخ دارد و نمای بیرونی آن اشاره به آینده دارد. برای حفاظت از این قرص مدور دیواری از سنگهای سخت و گرانبهای گرانبه که از منطقه اسوان در جنوب مصر به تعداد ۶۰۰۰ قطعه فراهم شده و بدون صیقل ساخته شده است و بر روی آن کلیه حروف هیروگلیفی و لغات قدیم و جدید اقوام جهان تراشیده شده است.^۱ اینجانب شخصاً آنها را از نزدیک مشاهده کرده‌ام و بسیار زیبا و دل‌انگیز می‌باشد، و نیز این استوانه به مثابه قرص خورشید است که از مصر به جهان نورافشانی می‌کند. البته این تعبیر در بروشور و بولتنهای آن کتابخانه آمده و نظریات شخصی اینجانب نمی‌باشد.

خلاقیت و کارآیی مهندسان در طراحی این کتابخانه به گونه‌ای است که هیچگونه نیازی در روز به ساعت نخواهد بود، زیرا هنگامی که آفتاب در صبح به کتابخانه می‌تابد روشنایی داخل رنگ سبز به خود می‌گیرد و چنانچه رنگ آن قرمز شد، ظهر فرا رسیده است. البته این روند مربوط به تابش آفتاب بر روی شیشه‌های رنگین ساختمان می‌باشد که قبلاً هر یک بر جای خود قرار گرفته است. این ایده برگرفته از آثار فراغنه مصر می‌باشد.

نمای داخلی ساختمان اشاره به دریا دارد، زیرا سالن بزرگ مطالعه داخلی که از هفت طبقه تشکیل شده همچون آبخاری ساخته شده و پله‌های آن نمایانگر سرازیر شدن آب از آنها می‌باشد و سقفهای شیشه‌ای آن شبیه بادبانهای قایق می‌باشد. نور طبیعی داخل بافته‌ای از رنگهای سفید، آبی و اندکی سبز بر سقف شیشه‌ای تالار که در یک زمان ۲۵۰۰ نفر مطالعه‌کننده را در خود جای داده، می‌تابد. انتخاب هفت طبقه ساختمان بر روی زمین دلالت بر آسمانهای هفت‌گانه دارد. همچنین هفت آسمان فکر و اندیشه بشری در اعصار

گذشته. انتخاب هفت رنگ که بر شیشه‌های ساختمان قرار دارد، احتمالاً احیای اندیشه و تشعشع آن حکایت دارد. هفت طبقه سالن مطالعه شاید اشاره به طبقات تمدن بشر دارد در هنر، علوم و ادبیات به انواع گوناگون آن. و در طبقه هفتم تمدن قرن بیستم را نظاره می‌کنیم.

سنگهای گرانبه گرانبه که در بالا اشاره شد، دیوارهای خارجی کتابخانه را تشکیل می‌دهد و به گونه‌ای طبیعی برش داده شده بدون استفاده از تکنولوژی جدید.^۲ در ابعاد ۲×۱ و ۱×۱ متر که وزن برخی از آنها گاه بالغ بر ۳ تا ۵ تن می‌شود. حروف هیروگلیفی گوناگون زبانهای جهان که بر روی سنگها حفاری شده، در مدت ۲۰ ماه به انجام رسیده است. سنگهای گرانبه که در این ساختمان قرار گرفته شده، بالغ بر هشت برابر سنگی است که برای تمامی موزه‌های مصر از عصر فرعونیان تا کنون بوده است. برخی از کارشناسان انگلیسی از حکاکی بر روی سنگهای گرانبه در مدت ۲۰ ماه بدون استفاده از تکنولوژی جدید متعجب شده‌اند،^۳ چرا که بنابر ادعای آنان حتی با استفاده از رایانه برای انجام این کار به بیش از چند سال زمان نیاز داشته است. لیکن جوانان مسلمان مصری حفاری ۶۰۰۰ متر مربع را در کمتر از دو سال انجام داده‌اند. سالن همایشهای کتابخانه به صورت هرم ساخته شده است. کل ساختمان با صرف هزینه‌ای بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار^۴

۱. از خانم یورون سانز از دفتر مهندسی سنوهیتا نورژی مسؤل اجرای پروژه در مورد این دیوار و سنگ نبشته‌ها سؤال شد و وی پاسخ داد: این کار دو هدف داشت: نخست، نشان دادن علم و دانش و رابطه گسترده و قوی آن با کتابخانه اسکندریه از قدیم‌الایام. دوم، ترسیم نمودن یک شکل زیبا و چشمگیر بر دیوار خارجی کتابخانه که متشکل از دیوار درونی و برونی است و حروفی که بر روی دیوار حفاری شده، به معنی پیامی از سوی کتابخانه است و گویی دریچه‌ای برای کل جهان و بالعکس دریچه جهان بر مصر.

۲. خانم میاده حسن واصف مسؤل نمایشگاههای کتابخانه برخلاف مطالب فوق که در بروشورهای آن کتابخانه آمده اظهار داشته است: حروف حفاری شده بر دیوارهای خارجی کتابخانه به صورت الکترونیکی و با وسایل خاص و مدرن حفاری شده‌اند. حال مشخص نیست که کدام یک صحیح است. متأسفانه در نحوه اجرای طرح تناقضات فاحش وجود دارد که به برخی از آنها در این گزارش اشاره کرده‌ام. نمی‌دانم منظور از این تناقض‌گویی چیست؟

۳. همان گونه که قبلاً اشاره شد طبق اظهارات مسؤلان طرح، هیچ‌گاه حکاکی سنگهای گرانبه با دست استفاده نشده و از آخرین تجهیزات مدرن رایانه‌ای برای حکاکی آن استفاده شده است.

۴. این رقم گاه ۱۶۱ میلیون دلار و گاهی ۲۰۰ و گاه بیش از ۲۵۰ میلیون دلار اعلام شده است. متأسفانه رقم دقیق آن به دست نیامد.

اول: مقاومت برای بخش ساخته شده زیر ارتفاع آبهای زیرزمینی.

دوم: مقاومت فشاری راکه از ساخته‌های روی زمین باشد.
سوم: مقاومت دو فشار ذکر شده به طور همزمان، هنگامی که تعداد کتابهای موجود در کتابخانه از حد استاندارد خود (بالغ بر هشت میلیون جلد) تجاوز کند. به علت حساسیت کار و ظرافت خاصی که داشته است، چهار شرکت مهندسی چند ملیتی از انجام کار ساختمانی سرباز زدند و شرکت دولتی مهندسی مصر این پروژه را با تسلط کامل به پایان رساند.

طبقات کتابخانه

کتابخانه در یازده طبقه ساخته شده که چهار طبقه آن زیر زمین و هفت طبقه دیگر بر روی زمین قرار گرفته است. در طبقات زیرین نیز دریا نشان داده می‌شود و انسان هیچگاه احساس نمی‌کند که در زیر زمین قرار گرفته است.

طبقه نخست

شامل اسناد، کتابهای نادر، نقشه‌های جغرافیایی، فلسفه و ادیان جهان.

طبقه دوم

کتابهای ادبی به زبانهای گوناگون، علوم انسانی، بخش ویژه زبانها و تبلیغات.

طبقه سوم

کتابهای هنر، معماری، موسیقی، همچنین کتابهای هنری مختلف.

طبقه چهارم

مراکز اداری، نشریات ادواری علمی و مطبوعات رسمی همچنین کتابهای نادر و نسخه‌های خطی و موزه خطوط.

طبقه پنجم

مرکز اداری، تالارهای ویژه روشن‌دلان، مراحل گوناگون تشکیل موزه‌ها و سالن‌های یادبود کتابخانه اسکندریه.

طبقه ششم

کتابخانه جوانان، نوجوانان، تکنولوژی اطلاع‌رسانی در علوم نوین و هر آنچه به محیط زیست و انرژی و رایانه و اطلاع‌رسانی تعلق دارد.

ساخته شده است. ساختمان بر روی ۶۰۰ ستون بلند که به روش تخلیه از بتون مخصوص پرشده مستقر شده است. دیوارهای طرح به گونه‌ای است که از هرگونه نفوذ حرارت و یا آب دریا به داخل و یا خروج هوا از داخل به خارج محافظت می‌کند. همچنین استقرار ۳ طبقه ساختمان در زیر زمین باعث شده تا وزن ساختمان بر روی زمین زیاد نشود و همانگونه که یادآور شدیم نزدیک به ۱۶ متر از ارتفاع ساختمان در زیر زمین قرار گرفته است. تمایل ساختمان به سوی دریا با شدت ۱۶ سانتیمتر راه مشاهده دریا را از همه زوایا میسر ساخته است. کتابخانه دارای یک قبه و یا گنبد آسمانی به صورت کره بزرگ جغرافیایی است که موزه علوم نوین با مساحتی بالغ بر ۴۵۰ متر مربع در آن قرار گرفته است. عمق بیش از ۱۶ متر زیر زمین کمتر در ساختمانهای بزرگ جهان وجود داشته است. یادآوری می‌شود کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - رحمت‌الله علیه - بالغ بر دوازده متر زیر زمین و نزدیک به ۳ متر دیگر قبل از آن در زیر طبقات کانال‌سازی شده است.

برای نخستین بار در مصر از نوعی سیمان با مخلوطی از براده‌های معان خاص جهت مقاومت بیشتر در برابر آب دریا ساخته شده و در این ساختمان به کار رفته تا مانع از نفوذ آب دریا - که شوری آن باعث سست شدن سیمان و یا اکسید شدن فولاد می‌شود - به داخل ساختمان شود. برای آنکه عمر ساختمان به ۲۰۰ سال برسد، تجهیزات ویژه مدرن برای اندازه‌گیری نسبت سرایت آب شور دریا به فولاد و سیمان به طور ادواری نصب شده است. طبق نظر کارشناسان مربوطه نخستین اعلام خطر ۴۵ سال بعد خواهد بود و در این صورت با تزریق نیروی برق ضعیف به تمامی اسکلت‌های فولادی زیر زمین، عملیات اکسیدگی را متوقف خواهد ساخت. هنگام اجرای طرح، آب جمع‌آوری شده در عمق ۱۸ متری دریا بوسیله تکنولوژی پیشرفته - که به هنگام پلسازیهای بزرگ در بستر دریا یا اقیانوسها استفاده می‌شود - تخلیه شده است.

از ابتکاراتی که دکتر ممدوح حمزه استاد معماری و مشاور مصری پروژه برای رویارویی با تحمل فشار پیش‌بینی کرده، سازه‌های روی زمین و آزاد سازی و کم وزن بودن تأسیسات زیر زمین به علت فشار آب دریا، از سه روش مختلف مقاومت به ترتیب زیر استفاده نموده است:

طبقه هفتم

انستیتو بین‌المللی بررسی‌ها و اطلاع‌رسانی ISIS. طبقات ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱، شامل سالن‌های گفتگو و سمپوزیوم‌ها، همچنین کتابهای کتابخانه «المرسی ابوالعباس» که شامل مجموعه‌ای گرانسنگ از کتابهای نادر در علوم قرآن و حدیث و فقه می‌باشد. در کنار آن کتابهای شیمی، ریاضیات، فیزیک، اخترشناسی، زبان عربی، و نیز محل استقرار مدیریت کتابخانه و مخازن اطلاعات سنتی الکترونیکی و میکروفیلمی و به عبارت دیگر - که دکتر حسن زهران توضیح داده است - کتابخانه دارای بخش‌های زیر می‌باشد:

۱. کتابخانه سمعی و بصری (دیداری و شنیداری) در برگرفته نوارهای سمعی و بصری و علمی و تخصصی در زمینه پژوهش‌های علمی و غیره.
۲. کتابخانه موسیقی، شامل بررسی‌های مربوط به موسیقی و نقد آن، این بخش با همکاری کشور اتریش راه‌اندازی شده است و شامل کپی از تمامی نوت‌های جهان از مشاهیر هنر و موسیقی می‌باشد.
۳. کتابخانه ویژه روشن‌دلان با تمامی تجهیزات مربوطه.
۴. مرکز کارکنان برای ارائه خدمات توسعه‌های نوین، سرمایه‌گذاری در امور صنعت یا مدیریت جهانگردی و نیز کشاورزی.
۵. کتابخانه جوانان، شامل تمامی اطلاعات لازم و مفید ویژه جوانان در کلیه زمینه‌ها.
۶. کتابخانه نوجوانان و کودکان شامل موضوعات ویژه کودکان علمی و فرهنگی و آنچه تفکرات آنان را گسترش دهد؛ نظیر مطبوعات و برنامه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای.

تالار بزرگ همایشها

این تالار گنجایش ۱۷۰۰ نفر را دارد و دارای کلیه تجهیزات لازم از قبیل ترجمه همزمان به تمامی زبانهای زنده و مجهز به تجهیزات مدرن سمعی و بصری و سالنهای سمپوزیوم و گفتگو و روابط بین دانشمندان و تالار محققان.

این کتابخانه دارای یک گنبد آسمانی، موزه علوم، موزه مخطوطات، کارگاه مرمت و مرکز بین‌المللی همایشهای اسکندریه می‌باشد.

قرار است موزه کتابخانه به یکی از بهترین موزه‌های

کشور مصر تبدیل شود، مساحتی بالغ بر یکهزار متر مربع و حاوی ۸۴۰ قطعه و اثر نفیس و عتیقه از اعصار گذشته تاریخ می‌باشد. دولت یونان تعدادی از ویترونیهای ویژه نمایش آثار نفیس و هنری ارزشمند را به کتابخانه اهداء نموده است. برخی از این آثار نمایانگر مکتبهای هنری منطقه اسکندریه در عصر بطلمیوسی به ویژه زندگی روزانه در عصر بطلمیوس اول بنیانگذار کتابخانه می‌باشد؛ از جمله دمپائی ساخته شده از کاه، ماسک و ظروف سفالین.

در این موزه اشیای ویژه خواندن و نوشتن، همچون قطعه‌ای از «تراکوتا» با نقش دختری حامل لوحی از «اردواز» مخصوص مطالعه و جوهردان، پَر و مقلمه چوبی به عنوان ادوات کتابت عصر بطلمی و نیز مجموعه‌ای از پاپیروس به ضمیمه مجسمه‌هایی از خدایان حکمت (ابیس) در اندازه‌های مختلف و تکه‌های برنز موجود می‌باشد. ساختمان کتابخانه ایده طراحی شده‌ای بر روی ۲۲۰۰ طراحی ترسیم شد و سرانجام به ۱۴۰۰ طرح اجرائی مبدل شد. طراحی به مدت ۲۰ ماه به طول انجامید و اجرای آن بالغ بر ۶ سال گردید. این طرح به هر بازدیدکننده اجازه می‌دهد تا به هر گونه اطلاعات اینترنتی در اقصی نقاط جهان دسترسی یابد.

مساحت کتابخانه با ملحقیات بالغ بر ۹۵۰۰۰ متر مربع به اضافه ۲۰۰۰۰ متر مربع سالن جشنها و همایشهای بزرگ می‌باشد. مساحت تالار مطالعه ۲۰۰۰۰ متر مربع است و دارای واحد مطالعه خاص از جمله ۳۸ واحد مجهز به تجهیزات سمعی و بصری و گنجایش ۲ تا ۲۵۰۰ نفر مطالعه کننده را دارد. مساحت مرکز تحقیقات تکنولوژی و اطلاع‌رسانی بالغ بر ۸۰۰۰ متر مربع است که بر سه طبقه تقسیم شده و شامل سالن سخنرانی، مدرسه و کارگاه زبان، و کتابخانه خاص است. کتابخانه کودکان با مساحت ۳۴۵ متر مربع با گنجایش ۱۳۸ کودک همزمان. کتابخانه موسیقی با مساحت ۱۰۰۰ متر مربع. مساحت مخازن کتابخانه نزدیک به ۱۷۰۰۰ متر مربع با گنجایش ۸ میلیون جلد کتاب و انواع دیجیتالی اطلاعات به ضمیمه مخزن کتابهای نادر به مساحت ۵۵۲ متر مربع و مخازن و نقشه‌های نایاب با مساحت ۳۰۰۰ متر مربع است.

دکتر محسن زهران که خود آرشیتکت برجسته‌ای است و در این پروژه نقش ویژه‌ای در انتقال تصورات معماری به حقیقت

مسئولان مربوطه اعلام نمودند، به علت جنگ اسرائیل علیه فلسطینیان که قرار بود در ابریل ۲۰۰۲م افتتاح شود، مجدداً به تأخیر افتاد و نهایتاً در اکتبر سال ۲۰۰۲م برابر مهرماه ۱۳۸۱ش این قرار تحقق یافت و مراسم رسمی افتتاحیه با حضور میهمانانی از کشورهای مختلف برگزار گردید.

گزارش سفر و شرکت اینجانب در مراسم افتتاحیه رسمی

به دعوت رسمی دکتر اسماعیل سراج‌الدین رئیس کتابخانه جدید اسکندریه مصر از اینجانب جهت شرکت در مراسم افتتاحیه آن کتابخانه بزرگ در روز ۱۴ اکتبر/ ۲۲ مهرماه سال جاری از طریق دبی عازم آن کشور شدم. پس از ورود به قاهره و یک شب اقامت در آن شهر، صبح زود بعد طبق قرار قبلی به اتفاق آقای دکتر جلالی نماینده ایران در سازمان علمی فرهنگی ملل متحد یونسکو در پاریس و در معیت رئیس منطقه شمال آفریقای یونسکو با اتومبیل عازم شهر اسکندریه شدیم. فاصله بین قاهره و اسکندریه ۲۲۰ کیلومتر است. پس از ورود به اسکندریه به هتلی که از قبل برای میهمانان مراسم در نظر گرفته بودند، رهسپار شدیم و شب به استراحت پرداختیم و نظر به مسائل امنیتی مراسم که با حضور تنی چند از رؤسای جمهور کشورهای مختلف برگزار می‌شد، شهر اسکندریه را به کلی تعطیل کرده بودند و راههای منتهی به ساختمان جدید کتابخانه که مراسم در آن برگزار می‌شد مسدود ساخته بودند و بدین سبب امکان خروج از هتل برای ما میسر نبود. ساعت ۳ بعد از ظهر میهمانان را با یک اتوبوس ویژه به کتابخانه بردند. پس از بازرسی جدی میهمانان و تطبیق گذرنامه آنان با کارت ویژه دعوت که مربوط به دفتر ریاست جمهوری مصر بود، وارد محوطه کتابخانه جدید شدیم. از قبل جای هر فرد را با ذکر نام هر کس برای نشستن در نظر گرفته بودند. یک نفر ما را تا جایگاه ویژه میهمانان و شخصیتها راهنمایی کرد. پس از استقرار در جایگاه به تدریج دیگر افراد از جمله شخصیتهای برجسته سیاسی و فرهنگی مصر در جایگاه مستقر می‌شدند. به هر نفر یک جلد کتاب مربوط به ساختمان جدید کتابخانه اهدا کردند. در ساعت مقرر رئیس جمهور مصر و همسرش، ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه و همسرش، و رؤسای جمهور چند کشور دیگر و همسر پادشاه اسپانیا و نیز همسر پادشاه

عینی داشته است، و مجله معروف ARCHITECTURE ساختمان کتابخانه جدید اسکندریه را یکی از زیباترین ساختمانها در سال ۲۰۰۲ م عنوان کرده است.

مجموعه این پروژه عبارت است از ساختمان کتابخانه و قبه آسمانی و پل ارتباطی میان دانشگاه اسکندریه و بلوار ساحل دریا به ضمیمه پارکینگهای بزرگ و دریاچه مصنوعی در اطراف که ساختمان را احاطه کرده است. بازدیدکنندگان نخست از درهای بزرگ ورودی داخل شده و آن گاه به یک سالن زیبای آینه کاری وارد شده که الگوی آن از خاندان بطالمه باستان اخذ شده است. این سالن در سه ارتفاع مختلف امتداد می‌یابد. دیوارهای این سالن برای برپایی نمایشگاههای هنری آمادگی دارد. فروشگاه کتاب و کتابخانه کودکان نیز در این بخش قرار گرفته است. همچنین کافه تریا پس از خروج از این سالنها با راهروی تنگی که ما را به سالن «کالیماخوس» شاعر و مدیر کتابخانه قدیم اسکندریه راهنمایی می‌کند.

این طرح به هنگام اجرا با مشکلات جدی مواجه گردیده است، از جمله طبقات ساختمان یکسان نیست و هر طبقه با طبقه بالایی خود متفاوت بوده و خود مشکلاتی را به وجود آورده است. تهیه این حجم بزرگ سنگ گرانیت ممتاز یک رنگ بسیار مشکل بوده است و سرانجام منطقه‌ای را در اسوان کشف کردند که معدن بزرگی از سنگهای گرانیت یک رنگ بوده است ولی با این حال اندکی رنگهای آنها تفاوت داشته و به ناچار از روش فراعنه استفاده کرده‌اند که روی سنگها را صیقلی نکرده و اندکی ناهموار بوده و به گونه‌ای طبیعی و یک رنگ جلوه می‌کند، و از اینکه طبقات ساختمان یکنواخت نیستند، به ناچار ماکت‌های مختلفی را ساخته‌اند و بیش از چهل‌هزار نقشه را پنجاه مهندس مصری ترسیم نموده‌اند.

مراسم افتتاح رسمی ساختمان جدید کتابخانه

همان گونه که قبلاً اشاره شد، زمان افتتاح چندین بار به تأخیر افکنده شد. مرحله اول مقرر گردید در ژوئیه سال ۱۹۹۵م باشد، لیکن همسر رئیس جمهور مصر، سوزان مبارک که مسؤول و پیگیری پروژه را بر عهده داشت روز ۲۳ مارس ۲۰۰۲م روز جهانی کتاب را برای افتتاح اعلام نمود. بازگشایی آزمایشی در ماه اکتبر ۲۰۰۱م و به فاصله شش ماه قبل از مراسم رسمی افتتاح انجام شد، لیکن بنابر دلائلی که دقیقاً روشن نیست و

اردن و بسیاری دیگر که آنها را نمی‌شناختم، وارد جایگاه شدند. مراسم در رأس ساعت مقرر آغاز گردید. آقای دکتر جلالی به عنوان نماینده رئیس کل یونسکو از پاریس در این مراسم شرکت کرده بود. نخست رئیس کتابخانه اسکندریه گزارش کوتاهی از روند شکل‌گیری ساختمان جدید ارائه داد. سپس چند تن دیگر به ایراد سخنرانی پرداختند. اینجانب از اینکه مسؤولان آن کشور این گونه اهتمام به مسائل فرهنگی و ملی خود دارند و برای افتتاح یک کتابخانه که هنوز منابع آن تکمیل نبود و دارای نسخه‌های خطی اندکی است، بی‌نهایت متأثر شدم و اشک بر گونه‌هایم جاری شد که ما در ایران دارای کتابخانه عظیمی با این ذخایر عظیم بی‌نظیر که از سوی یک مرجع تقلید با مشکلات فراوان فراهم و تقدیم جامعه اسلامی شده، چگونه است که برخی نسبت به آن بی‌تفاوت هستند. جداً اگر این کتابخانه در دیگر کشورها قرار داشت، تبلیغات زیادی در مورد آن راه می‌انداختند. تأثر من آن‌گاه بیشتر شد که بیشترین افراد خارجی شرکت‌کننده با نام کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) آشنا بودند. با خود گفتم خدایا، این کتابخانه که در جهان از شهرت و آوازه برخوردار می‌باشد، چگونه است که برای اداره آن با مشکلات جدی مواجه هستیم. خدا گواه است برای من و هر ایرانی باعث غرور و افتخار است که چنین مجموعه عظیم از ذخایر اسلامی را در اختیار دارد.

بگذریم، با خود اندیشیدم که بحمدالله دعای خیر مؤسس و بنیانگذار کتابخانه پیوسته شامل حال بوده و مشکلات تا حدودی مرتفع شده، این شاء الله از این پس نیز برطرف می‌شود. غیر از میهمانان برجسته سیاسی، رؤسای ده کتابخانه بزرگ جهان نیز در این مراسم حضور داشتند، از جمله: اینجانب به عنوان مسؤول و رئیس کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، رئیس کتابخانه کنگره آمریکا، رؤسای کتابخانه‌های لندن، پاریس، رم، مادرید، آلمان، کانادا، مسکو، توکیو و برخی دیگر از کشورها و نیز اینجانب به عنوان تنها فرد دعوت شده از ایران و منطقه آسیای میانه آن هم به علت آشنایی مسؤولان مربوطه کتابخانه اسکندریه با نام کتابخانه ما بوده است.

به هر حال، در این مراسم چند نفر سخنانی هر یک به مدت ۳ تا ۵ دقیقه ایراد نمودند، و سرانجام مراسم به پایان

رسید و از میهمانان یک به یک برای شرکت در مراسم رسمی ضیافت شام حسنی مبارک و همسرش (به افتخار میهمانان) دعوت به عمل آمد تا در این مراسم که در قصر ریاست جمهوری در اسکندریه برگزار می‌شد، شرکت کنند. اینجانب به علت برخی مسائل غیر شرعی در این مراسم شرکت نکردم و به ناچار به هتل محل اقامت خود مراجعت نمودم. قبل از مراسم اینجانب با چند تن از مسؤولان بلندپایه کتابخانه‌های بزرگ جهان آشنا شدم و جهت همکاری متقابل با برخی از آنها تبادل نظر شد و مصرانه از من می‌خواستند تا مقدمات سفر برخی را برای بازدید از کتابخانه خودمان فراهم نمایم. همچنین آنان با اشتیاق زیاد مایل بودند که سفری به کشورهای آنان به منظور بازدید از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی داشته باشم که ضمن قبول دعوت، آن را به فرصتی مناسب موقوف نمودم.

جالب است که نام کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در خارج از میهن اسلامی ما شناخته شده‌تر از داخل کشور است، و دلیل آن آشنایی اکثر شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی کشورهای مختلف جهان با این کتابخانه می‌باشد.

برخی از نسخه‌های خطی نفیس کتابخانه اسکندریه

دکتر یوسف زیدان مدیر مسؤول بخش نسخه‌های خطی کتابخانه اسکندریه و استاد فلسفه اسلامی در دانشگاه‌های مصر در مورد نسخه‌های خطی این کتابخانه اظهار داشت: کتابخانه جدید اسکندریه بایستی به میراث مکتوب اهمیت بخشد و با آنکه بیشترین نسخه‌های خطی آن به عربی است، لیکن در واقع این مجموعه‌ها مربوط به تمدنهای مختلف بشر و شامل تشریح تمدن یونان می‌باشد. اینجانب از وی سؤال کردم نسخه‌های مهم و نادر این کتابخانه را نام ببرید. در پاسخ گفت:

۱. کتاب المقدمه ابن الصلاح، در حدیث، تألیف تقی‌الدین ابی‌عمر و عثمان بن عبدالرحمن متوفی ۶۴۳هـ که به خط نسخ عبدالملک بن تاج‌الدین کتابت شده است. اهمیت این نسخه در این است که در زمان مؤلف کتابت شده و سماع بر مؤلف و بر جمعی دیگر از علمای بزرگ حدیث از جمله ابن عساکر، ابن العباس، احمد بن سعاده دارد.

۲. کتاب مقدس انجیل شامل متون عصر جدید که به سال ۱۰۴۷هـ / ۱۶۳۷م نگاشته شده.

و شامل موضوعات: تفسیر و علوم قرآن، حدیث، اصول فقه، تصوف، فرقه‌های اسلامی، ادعیه، اخلاق، فلسفه و منطق، ادب، بلاغت، عروض، تاریخ و جغرافیا، طب، فیزیک، اخترشناسی، ریاضیات، موسیقی و آداب بحث و مناظره می‌باشد. تاکنون چند جلد از فهرست نسخه‌های خطی این مجموعه چاپ و منتشر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنم:

۱. المكتبة البلدية فی الاسكندرية از احمد ابوعلی در ۶ جلد چاپ اسکندریه سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹م.
 ۲. کتابخانه فاروق اول در اسکندریه، از محمدالبشیر الشندی چاپ قاهره سال ۱۹۵۱م.

۳. فهرس بعض المخطوطات الغربية المودعة بمكتبة بلدية الاسكندرية منذ انشائها سنة ۱۸۹۲م إلى سنة ۱۹۳۰، از: محمدالبشیر الشندی در دو جلد چاپ اسکندریه سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵م.

۴. فهرس اللغات والآداب بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه، سال ۱۹۵۵م در ۳۵۳ صفحه.

۵. فهرس التاريخ والجغرافيا بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه سال ۱۹۵۶م.

۶. فهرس العلوم الاجتماعية بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه سال ۱۹۵۶م.

۷. فهرس العلوم الدينية والروحانية بمكتبة بلدية الاسكندرية، چاپ اسکندریه سال ۱۹۶۰م.

ضمناً در داخل این کتابخانه قبلاً کارت برگه‌هایی از نسخه‌های خطی آن وجود داشته که شامل نام و مؤلف کتاب، موضوع، آغاز و انجام، تاریخ وفات مؤلف، تاریخ کتابت و نوع خط و جلد بوده است. همچنین مقالات چندی در خصوص این کتابخانه در برخی مجلات عربی از جمله مجله معهد المخطوطات العربية آمده است.

نظر به اهمیت برخی از نسخه‌های خطی این کتابخانه که تمامی آن به کتابخانه جدید اسکندریه منتقل شده است به ترتیب زیر برمی‌شماریم. بدیهی است محدوده نسخه‌های نفیس آن بیش از این نسخه‌هایی است که ذیلاً معرفی می‌نماییم:

الارجوزة المنهية على اسماء القراء والرواة واصول القراءات، از ابی عمرو عثمان بن سعید الدانی القرطبی ابن الصیرفی الاموی المنیری، متوفی ۴۴۴هـ، کتابت در سده ۷هـ، ۵۰ برگ.

ش «۳۳۶۸ ج، ف ۲۶۱»

۳. کتاب زیج جامع از کوشیار بن لبابن بن باشهری جیلی اخترشناس مشهور اسلامی، نسخه به خط صاعد بن یحیی بن الفضل تکریتی مهندس مورخ ۵۶۶هـ / ۱۱۷۱م.

۴. کتاب المدونة در فقه مالکی در ۴ جلد که بر روی پوست به خط مغربی در سالهای ۴۹۹ تا ۵۳۰هـ کتابت شده است. این مجموعه دربرگیرنده ۳۸ کتاب از مدونه می‌باشد. بر روی برخی از برگهای این ۴ جلد دست خط عبدالوهاب شعرانی مشهود می‌باشد. جلد دوم این کتاب به خط یوسف بن عبدالجبار بن عمر العبدری به سال ۵۰۹هـ آن را کتابت کرده است.

۵. کتاب مراسم اکبریه به فارسی شامل مجموعه قوانین سلطان اکبرشاه مغول، متوفی ۱۰۱۴هـ / ۱۶۰۵م، تألیف ابوالفضل بن مبارک علامی، وزیر و کاتب اکبرشاه که طی آن قوانین و مقررات سیاسی را که اکبرشاه پادشاه هند آن را برای سامان بخشیدن میان اتباع دیانات مختلف هند در سده ۱۱هـ وضع کرده است.

۶. مجموعه الرسائل فی العلوم الحدیثة دربرگیرنده تصاویری از ادوات هندسی و نجوم و تلسکوپها و تجهیزات جراحی و اشکال تجسمی گیاهان و نباتات، نقشه قاره‌های جهان، به روش معاصر و نه به روش صورت تراشی که در نظریات ادریسی، مؤلف نزهة المشتاق و ابن حوقل و دیگر جغرافی دانان قدیم مشهود است. چنین برمی‌آید که مؤلف کتاب که ناشناخته است، اخترشناس بوده و افلاک را بر نظریه کوپرنیکوس «نیقوس» سپس به روش بطلیموس و آن گاه به روش «نیکونیوس» استوار ساخته است. این نسخه مراحل تطور علم نجوم و اخترشناسی را نشان می‌دهد. کتابت این نسخه مراحل تطور علم نجوم و اخترشناسی را نشان می‌دهد. کتابت این نسخه سال ۱۲۲۵هـ / ۱۸۱۰م. ۷. الکواکب الدریة فی مدح خیر البریة. لازم به یادآوری است، بیشترین نسخه‌های خطی کتابخانه جدید اسکندریه نسخه‌هایی است که از کتابخانه شهرداری اسکندریه به این کتابخانه منتقل گردیده است. بر این اساس در مورد کتابخانه شهرداری اسکندریه و برخی از نسخه‌های خطی نفیس آن گزارشی به شرح زیر خواهم آورد:

کتابخانه شهرداری اسکندریه در سال ۱۸۹۲م به منظور استفاده پژوهشگران و دانشجویان دانشگاه در شهر اسکندریه تأسیس گردیده است. تعداد نسخه‌های خطی آن بالغ بر ۴۶۲۴ جلد بوده و بیشتر آن به زبان عربی و اندکی فارسی و ترکی است

الاشارة الوفية إلى الخصوصيات الاشرافية، از محمد بن يوسف باعونی دمشقی، متوفی ۹۱۰ هـ، کتابت در سده ۱۰ هـ.

الاكتفاء في مغازی المصطفی (ص) و مغازی الثلاثة الخلفاء، تألیف حافظ ابی الربیع سلیمان بن موسی الکلاعی، متوفی ۶۳۴ هـ، کتابت سال ۹۸۶ هـ، به خط مغربی در ۳۰۰ برگ.

ش «۱۱۱۸ ب»

تاریخ ثغر عدن، از قاضی ابی عبدالله محمد طیب بن عبدالله بن احمد بن علی بن مخرمه، متوفی ۹۰۳ هـ، کتابت سال ۱۲۹۵ هـ.

ش «۳۶۳۲ ج»

تاریخ صنعاء، از اسحاق بن جریر صنعانی، مورخ سال ۹۹۲ هـ.

التاریخ المظفری، از شهاب‌الدین ابراهیم بن عبدالله معروف به ابن ابی‌الدم الحموی، متوفی ۶۴۲ هـ، کتابت در سده ۹ هـ.

ش «۱۲۹۲ ب»

تحفة الاحباب فی منطق الطیر والدواب، از شمس‌الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون صالحی، متوفی ۹۵۳ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۹۴۲ هـ، ضمن مجموعه شماره «۲۲۰۸ در ۹».

التدوین فی ذکر اخبار قزوین،^۱ تألیف ابی‌القاسم عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم رافعی قزوینی، متوفی ۶۲۳ هـ، کتابت در سده ۷ هـ.

ش «۸۱۰ ب»

ترجمة الشيخ ابی‌الحسن علی‌التمیمی الشوشتری، متوفی بعد از سال ۶۸۸ هـ، کتابت در سده ۸ هـ.

ش «۱۶/۳۰۲۴»

التعریف فی فن التصحیف، تألیف محمد بن علی بن محمد بن طولون صالحی دمشقی حنبلی، متوفی به سال ۹۵۳ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف در سال ۹۴۰ هـ.

ش «۲۲۰۸»

التکملة لوفیات النقلة، تألیف حافظ ابی‌محمد عبدالعظیم بن عبدالقوی ملقب به زکی‌الدین منذری شامی مصری شافعی، متوفی ۶۵۶ هـ، کتابت در سده ۸ هـ، به خط محمد بن سراقه الشاطبی. و تملک ابن‌العماد به سال ۷۹۴ هـ.

ش «۱۹۸۲»

تواریخ الشعراء إسلاماً و جاهلیة، منسوب به جمال‌الدین محمد بن مکرّم انصاری معروف به ابن منظور افریقی، متوفی ۷۱۱ هـ، کتابت سال ۱۱۷۸ هـ، در ۲۹۱ صفحه به خط نسخ عمرالصیداوی.

ش «۶۱۳ ب»

تهذیب الاسماء واللغات، از نووی، به خط ابوبکر سلمی به سال ۷۴۵ هـ.

ثبت الدوانی، از جلال‌الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی،

متوفی ۹۲۸ هـ، در ۲۰ برگ.

ش «۳۱۸۲»

الجامع لاخلاق الراوی و آداب السامع، تألیف ابی‌بکر احمد بن علی بن ثابت معروف به خطیب بغدادی، متوفی ۴۶۳ هـ، کتابت سال ۵۰۰ هـ، در ده جزء.

ش «۳۷۱۱»

جهينة الاخبار فی ملوک الامصار، تألیف بدرالدین ابی‌محمد حسن بن عمر بن حبیب دمشقی حلبی شافعی، متوفی به سال ۷۷۹ هـ، کتابت سال ۱۲۵۷ هـ.

ش «۵۱۵۷ ج»

الحجة فی علل القراءات، تألیف ابی‌علی فارسی، متوفی ۳۷۷ هـ، کتابت سال ۳۹۰ هـ، در ۴۲۷ برگ، شامل ۶ جلد.

ش «۳۵۷۰ ح»

الحجة فی قراءات الائمة السبعة من اهل الامصار الخمسة المعروفین بصحة النقل و إتقان الحفظ المأمونین فی الروایة، تألیف حسین بن احمد بن خالویه نحوی لغوی، متوفی ۳۷۰ هـ، کتابت سال ۴۹۶ هـ.

ش «۱۳۴/قراءات»

الحدود والفروق، تألیف ابی‌الحسن سعید بن هبة‌الله بن حسن، متوفی ۴۹۵ هـ، کتابت در نیمه دوم سده ۵ هـ، در عصر مؤلف.

ش «۲۰۱۷/فلسفه»

خلاصة السير الجامعة لعجائب اخبار الملوك التبابعة، تألیف ابی‌الحسن نشوان بن سعید بن سعد بن سلامة الحمیری، متوفی ۵۷۳ هـ، کتابت سال ۱۱۱۷ هـ، در ۱۵۳ برگ.

ش «۲۰۳۸ د»

در‌الجب فی تاریخ اعیان حلب، تألیف رضی‌الدین محمد بن ابراهیم بن یوسف الحلبی معروف به ابن الحنبلی، متوفی ۹۷۱ هـ، کتابت سال ۱۲۷۱ هـ، به خط احمد المرتینی یکی از علمای حلب سوریه.

ش «۳۶۱۴ ج»

درر التيجان و غرر تواریخ الزمان، تألیف ابی‌بکر بن عبیدالله بن ایبک الصرخدی الداودار، از علمای اوائل سده ۸ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف در ۲۵۰ برگ.

ش «۳۸۱۸ ج»

دستور‌الاعلام بمعارف‌الاعلام، از جمال‌الدین محمد بن عزم مغربی تونسی، ساکن مکه، متوفی ۸۹۱ هـ، کتابت سال ۱۳۰۳ هـ.

ش «۱۹۴۲ ب»

دیوان عمر بن مسعود سراج‌الدین المجان‌الکنانی، متوفی به سال ۷۰۰ هـ، کتابت سال ۷۴۷ هـ، خط نسخ.

الربع‌المقنطر فی المیقات، از علی بن فضل‌الله بن محمد مرعشی، متوفی بعد از ۱۱۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ، در

۱. نسخه‌ای دیگر مورخ سال ۶۶۶ هـ و نسخه سوم مورخ ۸۹۰ هـ به شماره‌های «۱۰۰۷» و «۲۰۱۰» در کتابخانه لاله لی در استانبول موجود می‌باشد.

شهر مرعش،^۱ به خط محمد بن حاجی عمر بن حاجی مصطفی. ش «۵۱۸۱ ج / ۱۰»
 رجال صحیح مسلم، از حافظ ابی بکر احمد بن علی بن ابراهیم بن منجویة اصفهانی یزدی، ساکن نیشابور، متوفی ۴۲۸ هـ، کتابت سال ۶۶۴ هـ، در مدرسه کاملیه قاهره، به خط محمد بن علی توزری، ۲۱۰ برگ. ش «۱۲۴۰ ب»
 الرد علی المعطله، تألیف ابی عبدالله محمد بن علی بن حسن بن شیر المؤذن معروف به حکیم ترمذی از علمای سده ۳ هـ، کتابت سال ۵۹۳ هـ، به خط محمد بن هبة الله بن محمد بن ابی جرادة معروف به ابن العدیم، ضمن مجموعه ای به شماره «۳۵۸۵ ج» از برگ «۸۰ تا ۱۲۵».
 رساله فی بیان طبقات المجتهدین، از احمد بن سلیمان معروف به ابن کمال پاشا، متوفی ۹۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۱ هـ. ش «۲۲۸۴ ج»
 الرقائق، تألیف عبدالله بن مبارک بن واضح حنظلی مروزی، متوفی ۱۸۱ هـ، کتابت سال ۴۶۶ هـ، به خط مغربی. ش «۱۳۳۱ ب»
 روح الروح فیما حدث بعد المائة التاسعة من الفتن والفتوح، از نورالدین عیسی لطف الله یکی از تاریخ نگاران سده ۱۱ هـ. الزیج الجامع، از کوشیار بن لبان جیلی، نسخه مورخ ۵۶۶ هـ. سلم السماء والآفاق فی الربع المجیب، از علی بن فضل الله بن محمد مرعشی، متوفی بعد از سال ۱۱۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ، ضمن مجموعه ش «۵۱۸۱ ج / ۱۱».
 سنن المهتدی إلى مفاخر الوزير ابی العباس الیحمدی، تألیف علی بن احمد بن قاسم بن موسی معروف به مصباح الذرویلی، از علمای نیمه نخست سده ۱۲ هـ، کتابت سال ۱۲۸۲ هـ، در ۵۰۰ صفحه. ش «۳۳۴۹ ج»
 شرح التذکره النصریه فی علم الهیئته، از علی بن محمد بن علی معروف به میر سید شریف جرجانی، متوفی ۸۱۶ هـ، کتابت سال ۸۷۹ هـ. ش «۱۳۵۴ د»
 شعر سلامة بن جندل، روایت ابی سعید اصمعی از ابی عمرو شیبانی، کتابت سال ۴۹۴ هـ. ش «۸۳۵ ب»
 صحیح مسلم ۱۳ جزء در یک جلد، تألیف مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری نیشابوری، متوفی ۲۶۱ هـ، کتابت سال ۳۶۸ هـ، در ۲۳۷ برگ. ش «۸۳۶ ب»
 الطالع السعید الجامع لاسماء نجباء الصعید، از ادفوی، متوفی

به سال ۷۴۸ هـ. طبقات الحفاظ، از عبدالرحمن سیوطی، متوفی ۹۱۱ هـ، دارای خط مؤلف.
 طبقات الحنفیه، مؤلف ناشناخته، کتابت سال ۱۱۴۰ هـ، ۱۰۰ برگ. ش «۳۸۰۲ ج»
 طبقات الفقهاء، از ابی عاصم محمد بن احمد عبادی، متوفی ۴۵۸ هـ، کتابت در سده ۱۰ هـ. ش «۲۴۳۶ د / ۴»
 طبقات فقهاء جبال الیمن و عیون من اخبار سادات رؤساء الزمن و معرفة انسابهم و مبلغ اعمارهم و وقت وفاتهم، تألیف عمر بن علی بن سمرة بن حسین جعدی، متوفی ۵۸۶ هـ. ش «۳۶۵۰ ج»
 طبقات فقهاء الیمن و عیون من اخبار سادات رؤساء الزمن، از ابی حفص عمر الیمنی، متوفی به سال ۵۸۶ هـ.
 طبقات المجتهدین، از شمس الدین احمد بن سلیمان بن کمال پاشا، متوفی ۹۴۰ هـ، کتابت در سده ۱۱ هـ. ش «۳۶۵۸ ج»
 العبر فی اخبار من عبر، تألیف عبدالعزیز بن محمد بن عبدالرحمن الکویک الشافعی الذهبی، کتابت سال ۹۷۰ هـ، در ۱۰۰ برگ. ش «۲۸۲۳ د»
 العقود الدریة فی الامراء المصریة، تألیف محمد بن علی بن طولون صالحی، متوفی ۹۵۳ هـ، نسخه اصل به خط مؤلف، سال ۹۴۲ هـ. ش «۲۲۰۸ د»
 کتاب الفروق، نسخه کهن مورخ سال ۵۹۱ هـ، به خط ابن ابی جرادة.
 فضائل مكة المشرفة، از حسن بصری، متوفی ۱۱۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ. ش «۱۸۸ ج / ۳»
 قصص الانبیاء = قصص الاخبار، از ابی عبدالله وهب بن منبه یمانی، متوفی ۱۱۰ هـ، کتابت سال ۶۶۶ هـ، در ۲۰۰ برگ. ش «۱۲۴۹ ب»
 الکاشف فی اسماء الرجال، شمس الدین ذهبی، نسخه کهن.
 الکشف الغیبی فی طبقات الشرونی، تألیف شیخ محمد بلقینی تلمیذ احمد شربونی، متوفی ۹۹۴ هـ. ش «۲۰۴۸»

۱. شهر مرعش در حدود مرزهای ترکیه و سوریه واقع شده و از قبل از اسلام تا عصر حاضر بوده و هست. تمامی سادات مرعشی منسوب به سید علی مرعشی از نوادگان حضرت امام سجاد علیه السلام می باشند که در آن شهر می زیسته و در اواخر عمر به سوی ایران آمده و نسل او در ایران در شهرهای مختلف از جمله طبرستان، گیلان، شوستر، اهواز، رفسنجان، قزوین، تبریز، دماوند پراکنده شده اند.

لب اللباب فی تحریر الانساب، از سیوطی، به ضمیمه ذیل آن از عجمی.

مجله اللغة، از ابن فارس، نسخه مورخ سال ۶۰۱ هـ.
محاسن المجالس، از ابی‌العباس احمد بن موسی صنهاجی اندلسی، متوفی ۵۳۶ هـ، کتابت سال ۸۷۷ هـ.

ش «۱۰۰۰ ب»
مختارات الاغانی، از ابن منظور، مؤلف لسان العرب، نسخه اصل به خط مؤلف.

المدونة، کتابت در اوائل سده ۶ هـ، بر روی پوست آهو، این نسخه را عبدالوهاب شعرانی خوانده و تصحیح کرده است. مسالک الابصار، جلد ۱۲، از ابن فضل‌الله العمری، شامل حیوانات و نباتات، نسخه دارای تصاویر رنگین نباتات و حیوانات.

مشیخة ابی‌المواهب، از ابوالمواهب محمد بن عبدالباقی بن عبدالباقی بن عبدالقادر حنبلی ازهری دمشقی مفتی حنابله در دمشق، متوفی ۱۱۲۶ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ.

ش «۲۲۶۲ ج»
المغرب فی اللغة^۱، از مطرزی.

المغنی فی اصول‌الدین، تألیف ابی‌سعید عبدالرحمن بن مأمون، متولی شافعی استاد مدرسه نظامیه بغداد، متوفی ۴۷۸ هـ، کتابت سال ۴۷۸ هـ. ش «۲۰۱۴ / ۱ د»

مناقب او وصایا الشیخ ابی‌یزید البسطامی، مؤلف ناشناخته، کتابت سال ۱۳۰۵ هـ، به خط نسخ. ش «۳۷۱۶ ج»

منتخب من تاریخ ابن‌الشنه، از محمد بن احمد بن محمد الحصکفی معروف به ابن‌المنلا الحلبی، متوفی ۱۰۱۰ هـ، کتابت در سده ۱۲ هـ. ش «۳۷۹۹ ج»

منهل الاولیاء و مشرب الاصفیاء من سلالة الموصل الحدباء یا فی سادات الموصل الحدباء، تألیف محمد امین بن خیرالله خطیب عمری، متوفی ۱۲۰۳ هـ، کتابت سال ۱۲۶۷ هـ.

ش «۳۶۳ ب»
نزهة الناظرین فیمن ولی مصر من الخلفاء والسلاطین، تألیف زین‌الدین مرعی بن یوسف بن ابی‌بکر بن احمد کرمی مقدسی حنبلی، متوفی ۱۰۳۳ هـ، کتابت در سده ۱۱ هـ، در ۶۰ برگ.

ش «۱۴۱۶»
نشر اللطائف فی قطر الطائف، از نورالدین علی بن محمد بن عراق حجازی مدنی کنانی، متوفی ۹۶۳ هـ. ش «۳۷۸۳ ج»

نشر المحاسن الغالیة فی فضل مشایخ الصوفیة اولی المقامات العالیة، از عقیف‌الدین عبدالله بن اسعد یافعی شافعی، متوفی ۷۶۸ هـ، کتابت سال ۹۱۴ هـ، به خط نسخ. ش «۵۴۹۳ ج»
نظام الغرب فی اللغة، از عیسی‌الربعی، نسخه نایاب و نفیس. برخی کتابهای چاپی کهن نیز برای این کتابخانه خریداری شده که از جمله آنها ۴۱ کتاب نادر همچون کاتالوک موزه فلورانس چاپ فرنیسکانی سال ۱۱۴۶ هـ کتاب الفن العربی شامل آثار قدیم قاهره از سده ۱ و ۲ هـ، در ۳ جلد، کتابت وصف مصر چاپ قدیم و اصلی، مجموعه از کتابهای چاپ قدیم مسکو شامل ۱۰۰ عنوان در ۱۲۳ جلد. از آخرین اشیای نفیس نادر که به کتابخانه رسیده است، دو قطعه از پارچه کعبه معظمه است که از سوی ملک عبدالعزیز آل سعود به سال ۱۹۲۶ میلادی به طلعت‌پاشا پادشاه مصر هدیه شده است. این اثر نفیس را نوه طلعت‌پاشا «محمد حسون» به کتابخانه اسکندریه اهدا کرده است و گروهی از مرمت‌کاران آن را ترمیم نموده‌اند.

دکتر یوسف زیدان مجدداً اظهار داشت: نسخه‌های خطی نفیس قرآن کریم در کتابخانه اسکندریه در یک سالن نمایش دائمی قرار دارد و تاکنون بسیاری از نسخه‌های نفیس قرآن کریم را خریداری کرده‌ایم، از جمله قرآن خط نسخ مورخ ۱۲۳۸ هـ، نسخه مذهب. نسخه دیگر مورخ سال ۱۲۱۲ هـ، به خط مغربی و مذهب، نسخه دیگر مورخ ۱۲۱۴ هـ، به خط نسخ و غیر آنها.

لازم به یادآوری است، این گونه نسخه‌های قرآن کریم در کتابخانه‌های ایران به وفور یافت می‌شود، زیرا از نفاست آن چنانی برخوردار نیستند. در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی - رحمت‌الله علیه - قرآنهای بسیار نفیس و نادر و ارزشمند وجود دارد که قابل مقایسه با قرآنهای یاد شده نیست، اما متأسفانه کیست که قدر و قیمت این نسخه‌های خطی نفیس را در کشور اسلامی ما بدانند. واقعاً به مصداق: «آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم»، آن گونه که باید به این گونه نسخه‌ها و کتابخانه‌ها در ایران از سوی مسؤولان مربوطه توجه نمی‌شود. کیست که نداند کتابخانه عظیمی را که

۱. یک نسخه بسیار کهن و نفیس مورخ سده ۶ هـ، در کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود می‌باشد، این نسخه را اینجانب دو سال قبل برای این کتابخانه خریداری نمودم و ظاهراً قبلاً در بخارا بوده است.

کتابخانه جدید اسکندریه شامل مجموعه نسخه‌های کتابخانه شهرداری اسکندریه است که بالغ بر شش هزار جلد نسخه خطی است،^۱ بخشی از این مجموعه در دو جلد از سوی محمد بشیر الشندی با عنوان، «فهرس بعض المخطوطات العربیة المودعة بمکتبة بلدية الاسکندریة» فهرست شده که جلد اول آن به سال ۱۳۷۳هـ / ۱۹۵۴م شامل نسخه‌های قرآن، تفسیر و علوم قرآنی، نحو، بلاغت، لغت، عروض و قوافی، و جلد دوم آن به سال ۱۳۷۴هـ / ۱۹۵۵م شامل فقه مالکی، شافعی، حنبلی، تصوف، فرقه‌های اسلامی و ادیان، ادعیه، منطق، حکمت، اخترشناسی، اخلاق، آداب بحث و مناظره، سیره نبوی، تاریخ، جغرافیا، طب، کیمیا و طبیعیات، ریاضیات، موسیقی و فنون نظامی، چاپ و منتشر گردیده است. و از حدود دو سال قبل به کتابخانه جدید منتقل شده است.

همچنین نسخه‌های خطی موجود در مسجد ابوالعباس المرسی که حاوی ۲۷۰۰ جلد نسخه خطی می‌باشد، به ضمیمه نسخه‌های خطی معهد دینی سموحه که تعداد آن بالغ بر ۱۸۸۱ نسخه است، زیر نظر هیأت مذکور قرار گرفت. و در نهایت به کتابخانه جدید منتقل گردیده است. همچنین ۲۰۰ نسخه خطی اهدائی دکتر مصطفی محمود به کتابخانه جدید که نسخه نفیسی از مثنوی جلال‌الدین رومی در بین آنها موجود می‌باشد. در نظر است در آینده برخی از نسخه‌های نفیس و نایاب کتابخانه چاپ و منتشر شود، از آن جمله: «مقالة فی ماهیة الاثر الذی یدو علی وجه القمر» تألیف ابن الهیثم که بزودی تحقیق و منتشر خواهد شد.

تاکنون ۶ جلد از فهرس نسخه‌های خطی کتابخانه شهرداری اسکندریه و ۲ جلد فهرست نسخه‌های خطی مسجد ابوالعباس المرسی و ۲ جلد فهرست معهد دینی سموحه چاپ و منتشر گردیده است. همچنین هیأت فوق فهرستی از نسخه‌های نادر کتابخانه شهرداری اسکندریه را نیز منتشر

پدر بزرگوام با خون جگر و تحمل سختیها آن را در طول زندگی خود جمع‌آوری و سرانجام در طبق اخلاص نهاد و به رایگان تقدیم جامعه اسلامی نمود تا همگان از آن بهره‌گیرند، در حال حاضر از لحاظ نسخه‌های خطی اسلامی نخستین کتابخانه کشور و سومین کتابخانه جهان اسلام به شمار می‌آید. خواننده عزیز، ملاحظه کنید حکومت مصر برای ساخت و راه اندازی یک کتابخانه چه تبلیغات وسیعی را در جهان به راه انداختند و در مراسم افتتاح آن بیش از بیست رئیس جمهور و رئیس دولت شرکت کردند. بیش از پانصد خبرنگار خارجی برای پوشش خبر مراسم از گوشه و کنار جهان دعوت شدند. چه سرمایه‌ای در آن نهفته است؟ جز چند نسخه خطی نفیس و تعدادی نسخه‌های معمولی و چند قطعه اشیای قدیمی.

در کتابخانه بزرگ ما تا این لحظه بالغ بر ۶۵۰۰۰ عنوان شامل ۳۵۰۰۰ جلد نسخه خطی وجود دارد که بیشترین آنها در جهان همتا ندارند. واقعاً باعث تأسف است که برای اداره چنین کتابخانه‌ای که هر روز شخصیت‌های برجسته سیاسی، علمی، مذهبی و اجتماعی کشورهای جهان از آن بازدید و موجب شگفتی آنان می‌شود، بایستی با مشکلات عدیده مواجه باشیم.

ملاحظه کنید در این گزارش که قبلاً یادآور شدم در بیانیه رئیس جمهور مصر آمده است که بودجه کتابخانه هر آنچه مورد نیاز باشد بایستی دولت تأمین کند و هر چه کتاب و نسخه خطی به دست آورند آن را خریداری کنند. آیا کشور ما فقیرتر از مصر است؟ بارها میهمانان خارجی ما اظهار داشته‌اند اگر کتابخانه آیت‌الله مرعشی در غرب می‌بود، تندیس بنیانگذار آن را در چند جای آن کشور به منظور قدردانی از آن شخصیت بزرگ فرهنگی نصب می‌کردند. حاشا و کلا. بگذریم درددلی بود که از دل برآمد و قلم آن را بر صفحه جاری ساخت با پوزش از شما خواننده عزیز.

مدیریت کتابخانه و مسؤول نسخه‌های خطی به منظور خریداری و جمع‌آوری و تهیه فهرست‌هایی از نسخه‌های خطی نفیس و میکروفیلم و اسناد دستنویس آن هیأتی را از بین خبرگان و کارشناسان مربوطه که دوره‌های کتابشناسی و نسخه‌شناسی مخطوطات را گذرانیده‌اند، انتخاب و آنان با سرعت دست به کار شدند. مجموعه نسخه‌های خطی موجود

۱. کتابخانه شهرداری اسکندریه به سال ۱۸۹۲م تأسیس شده و آن گونه که در منابع موجود آمده تعداد نسخه‌های خطی آن بالغ بر ۴۰۰۰ جلد بوده است، لیکن آمارهای که در بولتن‌های کتابخانه جدید اسکندریه آمده و ما آمارهای فوق آن را نقل کرده‌ایم، تعداد نسخه‌های خطی کتابخانه شهرداری اسکندریه را بالغ بر ۶۰۰۰ جلد آورده‌اند، متأسفانه مشخص نیست اختلاف ۲۰۰۰ جلد از کجا ناشی شده است. و همان گونه که در همین گزارش اشاره کرده‌ام برخی از آمارهای ارائه شده با یکدیگر اختلاف فاحش دارد و نمی‌دانیم کدام مقرون به صحت می‌باشد.

علوم عالی، وزیر فرهنگ، وزیر امور خارجه، استاندار و رئیس دانشگاه اسکندریه.

و در جای دیگری از این روزنامه چنین آمده: روز ۱۶ اکتبر سال ۲۰۰۲م شاهد تولد دوباره مرکز نورافشانی مصر برای تمدن بشری بودیم. مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار، هزینه این ساختمان عظیم شده است که ۶۰ میلیون دلار آن را دولت کویت، امارات، و عراق تأمین کرده‌اند و فرانسه تجهیزات مدرن رایانه‌ای کتابخانه را هدیه داده است. در جای دیگر این روزنامه نیز چنین آمده است: رئیس جمهور مصر دیروز کتابخانه جدید اسکندریه را با حضور ۸۰۰ نفر از شخصیت‌های برجسته سیاسی و فرهنگی کشورهای جهان با پرده‌برداری لوح یادبود کتابخانه و سخنرانی خود افتتاح نمود. در این مراسم، رئیس جمهور یونان، ملکه اسپانیا، ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه، امیر ترک بن عبدالعزیز و کریم آقاخان، فرماندار کل استرالیا، رئیس جمهور کرواسی، نخست وزیر لبنان، رئیس جمهور رومانی، رئیس جمهور مالدیو، ملکه رانیا همسر پادشاه اردن، وزیر فرهنگ فرانسه، مدیر کل یونسکو، شیخ عبدالله بن زاید، وزیر اطلاعات و فرهنگ امارات و تعدادی از حائزین جایزه صلح نوبل و تنی چند از رؤسای کتابخانه‌های بزرگ جهان حضور داشتند. در آغازین روز پس از افتتاح، تعداد کتابهای چاپی آن بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ جلد بوده است.

۳. روزنامه جمهوری «مصر»، پنجشنبه ۱۱ شعبان ۱۴۲۳هـ: تمامی هیأت‌های میهمان مراسم افتتاح کتابخانه جدید اسکندریه، رأس ساعت ۴/۳۰ دقیقه بعد از ظهر ۱۶ اکتبر وارد سالن اجتماعات شدند که در میان آنها پطرس غالی دبیرکل سابق سازمان ملل که اصلاً مصری است و مامون عبدالقیوم رئیس جمهوری مالدیو دیده می‌شدند.

۴. سایت الجزیره در دوحه قطر: چندین رئیس جمهور و مسؤولان فرهنگی جهان از جمله رؤسای کتابخانه‌های بزرگ جهان و دستداران کتابخانه اسکندریه در مراسم آغاز به کار آن شرکت داشتند. بیش از ۲۲۵ میلیون دلار هزینه ساختمان آن شده است. دکتر یوسف زیدان مدیر و مسؤول بخش نسخه‌های خطی کتابخانه اظهار داشت: تعداد کتابهای اهدایی به این کتابخانه بالغ ۱۱۹۰۰۰ جلد به ضمیمه ۵۰ نسخه خطی و ۱۰۰ قطعه اشیای قیمتی. آقای خالد غرب، مسؤول روابط

نموده و تاکنون ده هزار نسخه خطی را میکروفیلم کرده‌اند. و نیز از سال قبل از طریق اهدا و خریداری تاکنون بالغ بر ۱۲۰۰ کتاب نادر چاپی کهن از اوایل صنعت چاپ را جمع‌آوری نموده‌اند که در این بخش، شش نفر که با شش زبان عربی، انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، ایتالیایی، آلمانی آشنایی دارند، آنها را فهرست می‌کنند.

بخش مرمت نیز از پنج سال قبل فعالیت خود را آغاز کرده و از سوی دولت ایتالیا یک کمک مالی و بورسیه کردن چند کارشناس را تعهد کرده است، همچنین چند کارشناس دیگر را کتابخانه به منظور آموزش تهیه تصویر دیجیتالی از نسخه‌های خطی به فرانسه اعزام نموده است. در بخش مخطوطات نیز شش نفر دیگر مسلط به زبانهای اروپایی وجود دارد.

از دیگر مسؤولیت‌های مهم هیأت در بخش مخطوطات، بایستی پس از خرید و دریافت نسخه‌های خطی سریعاً اطلاعات کتابی آن به رایانه وارد شود. تاکنون ۱۳۳ هزار کتاب وارد رایانه شده. بخش خرید مسؤولیت هرگونه خرید اعم از خطی، چاپی و اشیای هنری را بر عهده دارد که با بهترین و بالاترین بها نسخه‌ها را خریداری می‌کنند.

مطبوعات و خبرگزاریها

مطبوعات کشورهای عربی و اسلامی و اروپایی و نیز خبرگزاریهای رسمی بزرگ گزارشات قبل و بعد از افتتاح این کتابخانه را به طور گسترده پوشش دادند. گزیده برخی از گزارشات آنان را به ترتیب زیر برمی‌شماریم:

۱. روزنامه السفير از لبنان، پنجشنبه ۱۱/۷/۸۱: مبلغ ۶۵ میلیون دلار برخی از کشورهای تعهد نمودند و بنا بود در سال ۱۹۹۵م افتتاح شود که به علت جنگ خلیج فارس به تأخیر افتاد و مجدداً به سال ۲۰۰۰م افتاد و دوباره به علت آماده نشدن برخی از تجهیزات آن به سال ۲۰۰۱م موکول گشت، و آن نیز به علت حملات گسترده اسرائیلی‌های ضد مردم فلسطین به تأخیر افتاد و سرانجام در ۱۶ اکتبر سال ۲۰۰۲م افتتاح گردید.

۲. روزنامه الاهرام «قاهره»، پنجشنبه ۱۱ شعبان ۱۴۲۳هـ: نخستین جلسه هیأت امنای کتابخانه به ریاست خانم سوزان مبارک، همسر رئیس جمهور مصر پس از افتتاح کتابخانه تشکیل شد. این هیأت ۲۲ عضو دارد به اضافه وزیر

نمی‌رسد وی اسناد مهم و محرمانه را تحویل دهد، مگر اسناد معمولی را. زیرا اگر چنین منظوری داشت، می‌بایست این اسناد را به آرشیو ملی دولتی دارالوثائق القومیه تحویل می‌داد، زیرا بهترین جا برای نگهداری آنها این مرکز خواهد بود.

از سوی دیگر، دکتر یوسف زیدان مدیر و مسؤول بخش نسخه‌های خطی اظهار داشت: بخش نسخه‌های خطی کتابخانه دارای سه سالن جداگانه می‌باشد: ۱. مخزن نسخه‌های خطی شامل نسخه‌های نفیس و نادر؛ ۲. مخزن میکروفیل؛ ۳. مخزن نسخه‌های خطی اصلی. و این سه سالن مجهز به تجهیزات مدرن می‌باشد.

آتش‌سوزی در ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه

به گزارش خبرگزاریها و چند روزنامه ایرانی، ساختمان جدید کتابخانه اسکندریه که گزارش تفصیلی آن را آوردم، علی‌رغم تجهیزات مدرن و روزآمد به فاصله نزدیک به دو ماه پس از افتتاح رسمی به علت نامشخصی طعمه حریق گردید و چهار طبقه فوقانی از مجموع یازده طبقه آن در آتش سوخت و ویران گردید و ظاهراً آتش پس از چهل و پنج دقیقه مهار شده است. تاکنون علت این آتش‌سوزی اعلام نشده و احتمال عمدی بودن آن رد نشده است. ساختمان بتونی آن کتابخانه با این عظمت چگونه است که آتش در چند دقیقه چهار طبقه آن را ویران کرده است. امید است مسؤولان کتابخانه گزارش دقیق آن را برای اطلاع اصحاب فرهنگ و اندیشه به رسانه‌ها ارائه دهند. هر چه هست خسارت به علم و فرهنگ است. فکر نمی‌کنم هیچ فردی از این گونه حوادث مسرور گردد.

عمومی کتابخانه اسکندریه اعلام داشت: کشورهای که در آغاز برای این کتابخانه کتاب اهدا نموده‌اند، عبارتند از: فرانسه ۶۷۵۸ جلد، اسپانیا ۵۶۲۳ جلد، عمان ۵۲۱۹ جلد، کانادا ۴۰۶۶ جلد، ترکیه ۳۹۹۵ جلد، یونان ۲۱۴۷ جلد، امارات عربی ۱۳۴۷ جلد، ایتالیا ۱۱۹۳ جلد، آلمان ۱۰۸۳ جلد، ایران ۱۰۶۱ جلد، اردن ۹۳۹ جلد، و پس از آنها چین، انگلستان، ژاپن و نروژ نیز بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ جلد و تونس، سوئد و یونسکو نیز هر کدام ۱۰۰ جلد و جامعة الدول العربیة ۳۳ جلد کتاب اهدا نموده‌اند.

چند روز قبل از افتتاح کتابخانه، نمایشگاهی از نسخه‌های خطی و اسناد عربی و اسلامی دستنویس که در منطقه کاتالونیای اسپانیا بوده و آن را که بالغ بر ۵۲ نسخه خطی و ۱۰۰ سند به این کتابخانه اهدا شده است، ترتیب داده‌اند و در مراسم افتتاح این نمایشگاه فرماندار منطقه کاتالونیای اسپانیا «گوردی بوخول» و دکتر اسماعیل سراج‌الدین حضور داشتند. در این نمایشگاه به جز نسخه‌های یاد شده، تعدادی نسخه خطی قرآن کریم به خط مغربی نیز به نمایش گذاشته شده است.

۵. فرانس پرس از پاریس: ژاک شیراک در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۲م به منظور شرکت در مراسم افتتاح کتابخانه اسکندریه، عازم مصر خواهد شد. کتابخانه اسکندریه قدیم یکی از عجایب هفتگانه قدیم جهان به شمار می‌آمده است.

۶. خبرگزاری رویتر انگلستان: ۸۱/۴/۲۱: محمد حسنین هیکل روزنامه‌نگار برجسته مصری و مدیر روزنامه الاهرام مجموعه‌ای از اسناد سیاسی خود را که در طول زندگانی جمع‌آوری نموده است، به کتابخانه جدید اسکندریه اهدا خواهد نمود. وی گفته است: این اسناد بسیار نایاب و در آرشیو دولتی مصر وجود ندارد و در میان آنها اسنادی از مذاکرات خود با جمال عبدالناصر وجود دارد که در جای دیگری یافت نمی‌شود. محمد حسنین هیکل از نزدیکان جمال عبدالناصر بوده است. دکتر اسماعیل سراج‌الدین رئیس کتابخانه جدید اسکندریه اعلام داشته است: اسناد استاد هیکل بخشی از تاریخ مصر و ثروتی است که بهایی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت. در این میان دکتر رؤوف عباس عضو هیأت اسناد دارالکتب یا کتابخانه ملی مصر و استاد تاریخ معاصر در دانشگاه قاهره اظهار داشته است: در مورد اهدای اسناد هیکل به کتابخانه اسکندریه شک دارم، زیرا به نظر

۱. این تعداد را آقای سید صادق خرازی در زمانی که مسؤولیت معاونت پژوهشی وزارت امور خارجه ایران را بر عهده داشت، اهداء نموده است که احتمالاً تعدادی بالغ بر یکصد جلد را اینجانب از سوی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی -رحمت‌الله علیه- اهدا نموده‌ام، جزء این مجموعه باشد، و اگر چنین نباشد نمی‌دانیم چرا اهدانی این کتابخانه را اعلام نموده‌اند، با آنکه دکتر یوسف زیدان با تشکر فراوان کتباً به اینجانب اعلام وصول نموده است.

نمایه

(فهرست هشت ساله مجله میراث شهاب)

محمّد دانشی

۴. «خاطره‌ای از فقیه اهل‌بیت». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۲ - ۲۴.
۵. رفیعی، حسین. «شهاب وحدت آیت‌الله العظمی مرعشی و وحدت جهان اسلام». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۵۳ - ۵۹.
۶. رفیعی، حسین. «شیفته خدمت: نیم‌نگاهی به خدمات حضرت آیت‌الله عظمی مرعشی نجفی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۵۱ - ۵۸.
۷. «ریاض العلماء، این‌گونه به دست آمد: خاطره‌ای از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۲ - ۶۳.
۸. سعید الباقر، صاحب ناصر. «تأیید و احیاء». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۱.
۹. علوی، عادل. «درس خارج آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۳۹ - ۴۰.
۱۰. قریشی. «خاطراتی از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به روایت آیت‌الله قریشی». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۶۴.
۱۱. محمدی، سید زین‌العابدین. «شیدایی ولایت». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۴۵ - ۴۸.
۱۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) سرآمد تبارشناسان معاصر». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۳ - ۲۴.

درآمد

در اهمیت دانش اطلاع‌رسانی گفته‌اند: کسی که می‌داند مطلبی در کجا یافت می‌شود، به آن کسی که عالم آن است نزدیک می‌گردد. این سخن از ساموئل جانسون، فرهنگ‌نویس بزرگ انگلستان است و باگذشت سالهای فراوان از آن، هنوز ترجیح‌بند محافل اطلاع‌رسانی است. آنچه در ذیل می‌آید، نمایه هشت ساله مجله میراث شهاب است که به دو گونه تبویب گردیده است: نخست به صورت موضوعی (شامل شش موضوع محوری)، و سپس به ترتیب نام پدیدآورندگان. در صورت دوم، چنانچه مقاله‌ای فاقد نام پدیدآورنده بود، عنوان مقاله سرشناسه قرار گرفته است. از این نمایه دانسته می‌شود که مجله میراث شهاب، تا سال هشتم، دربردارنده چهارصد مقاله است.

الف) نمایه موضوعی

۱. حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی
۱. ابن‌العلم دزفولی، آیت‌الله علی‌محمد. «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۲۵ - ۳۶.
۲. حسینی (زرفا)، سید ابوالقاسم. «در سوگ آن شهاب». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۰.
۳. حسینی، محمدعلی. «در محضر استاد». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۳۷ - ۳۸.



۱۸. «انتشار خبرنامه انجمن مخطوطات ایران». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۱۹. «با دایرة المعارف کتابخانه‌های جهان آشنا شوید». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۶ - ۱۸.
۲۰. «بازتاب دیدار». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۹۵ - ۲۰۵.
۲۱. «بازتاب دیدار». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۷۱ - ۷۴.
۲۲. «بازتاب دیدار». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۴۱ - ۱۴۸.
۲۳. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۲۰۹ - ۲۱۸.
۲۴. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۵۸ - ۶۰.
۲۵. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۸۸ - ۹۱.
۲۶. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۶۲ - ۶۵.
۲۷. «بازتاب دیدار». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳۹ - ۴۲.
۲۸. «بازتاب دیدار». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۵۷ - ۶۱.
۲۹. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۱۵ - ۱۱۹.
۳۰. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۱۱۳ - ۱۱۷.
۳۱. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۱۰۰ - ۱۰۳.
۳۲. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۶۹ - ۷۲.
۳۳. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۱۵ - ۱۲۲.
۳۴. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۸۵ - ۸۲.
۳۵. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۸۳ - ۸۷.

۱۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «آیت الله العظمی مرعشی و همای رحمت». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۵۹ - ۶۰.
 ۱۴. موسوی، میر محمود. «دست به دامان اقیانوس». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۴۱ - ۴۲.
۲. کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی
۱. «آشنایی با پروژه گسترش کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۸ - ۲۰.
 ۲. «آموزش مرمت اسناد خطی به کارشناسان انستیتوی ابوریحان بیرونی ازبکستان». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۷.
 ۳. «آمار سالانه کتابخانه». (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۱۳۰ - ۱۳۱.
 ۴. «اخبار». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۷۵ - ۷۶.
 ۵. «اخبار». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۹۷ - ۲۰۸.
 ۶. «اخبار». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۵۹ - ۶۱.
 ۷. «اخبار». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۵۰ - ۵۶.
 ۸. «اخبار». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۹۷ - ۹۹.
 ۹. «اخبار کتابخانه». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۴۹ - ۱۵۳.
 ۱۰. «اخبار کتابخانه». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۶۱ - ۶۵.
 ۱۱. «اخبار کتابخانه». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۹۲ - ۹۴.
 ۱۲. «اخبار کتابخانه». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳۴ - ۳۸.
 ۱۳. «اخبار کتابخانه». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۰۹ - ۱۱۴.
 ۱۴. «اخبار کتابخانه». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۸۲ - ۸۳.
 ۱۵. «اخبار کتابخانه». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۲۳ - ۱۲۵.
 ۱۶. «اخبار کتابخانه». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۸۸ - ۹۱.
 ۱۷. «اخبار کتابخانه». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۵۷ - ۱۶۱.

۳۶. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱).
ص ۱۲۶ - ۱۲۹
۳۷. «بازتاب دیدار». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۹ - ۱۵۶.
۳۸. «بازتاب دیدار». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۳ - ۱۴۷.
۳۹. «بازدید دکتر ولایتی - وزیر امور خارجه - از کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۵.
۴۰. «بازدید وزیر ارشاد و اوقاف یمن از کتابخانه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۵.
۴۱. بدوی، محمدباقر. «۱۱۰ نسخه خطی درباره امام علی (ع) (از گنجینه خطی کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی)». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۶۱ - ۶۸.
۴۲. «برگزاری همایش بین‌المللی فرسودگی زیست محیطی آثار تاریخی - فرهنگی با همکاری کتابخانه». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۸.
۴۳. «پرسش یک محقق و پاسخ یک مسؤول». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۴ - ۴۵.
۴۴. «تأیید شجره‌نامه سلطان برونی از سوی دولت آن کشور». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۰.
۴۵. «تجهیز کتابخانه به دستگاه «اسکنر» تصویربرداری از نسخ خطی». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۵.
۴۶. «تقدیر از دکتر محمود مرعشی به عنوان کتابدار و کتابشناس برجسته کشور». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۸.
۴۷. «چاپ فهرست کتابهای خطی بدخشان تاجیکستان از سوی کتابخانه». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۴۸. «حضور در کنگره کتاب و کتابخوانی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۰.
۴۹. «حضور در همایش حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۳.
۵۰. «حضور ریاست کتابخانه در کنفرانس بین‌المللی مالکوم». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۶ - ۷.
۵۱. «حضور رییس کتابخانه در اجلاس کاغذ کانادا». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۵ - ۶.
۵۲. «حضور رییس کتابخانه در کنفرانس حفظ و مرمت آثار مکتوب در لندن». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۶.
۵۳. «حضور مدیر مرکز مطالعات و پژوهشهای ملی فرانسه در کتابخانه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۷ - ۸.
۵۴. خاکیان، رضا. «معرفی واحد کامپیوتر». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۸ - ۲۰.
۵۵. «در آستانه اتصال به اینترنت». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۱۹ - ۲۰.
۵۶. «درخشش تیم ورزشی کتابخانه». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۰.
۵۷. «دفتر روابط عمومی و امور بین‌الملل کتابخانه چه می‌کند؟». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۴ - ۴۵.
۵۸. «دوره‌های آموزشی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۳.
۵۹. «دیدار با رئیس جمهور فرهنگدوست ایران». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۳ - ۹.
۶۰. «دیدار دبیرکل کمیسیون حقوق بشر اندونزی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۴ - ۱۵.
۶۱. «دیدار رهبر مذهبی ارامنه جهان». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۶.
۶۲. «دیدار ریاست کتابخانه با مقام معظم رهبری». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳.
۶۳. «دیدار رییس فرهنگستان زبان ملی پاکستان». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۶.
۶۴. «دیدار رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۷.
۶۵. «دیدار رییس کتابخانه مجلس شورای اسلامی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۲۵.
۶۶. «دیدار رییس مجلس شورای اسلامی از کتابخانه». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳ - ۴.
۶۷. «دیدار سرپرست دایرةالمعارف کتابخانه‌ها از سوریه و لبنان». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۰.
۶۸. «دیدار سفیر ایتالیا». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۲۲.
۶۹. «دیدار لویس فراخان - رهبر سیاهپوستان آمریکا - از کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۷ - ۲۸.



۷۰. «دیدار مسؤولان و کارکنان کتابخانه بارئیس جمهور». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۴.
۷۱. «دیدار مشاور وزیر کشور». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۲۶.
۷۲. «دیدار مفتی اعظم بوسنی هرزگوین». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۴.
۷۳. «دیدار مقام معظم رهبری از نمایشگاه کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۳.
۷۴. «دیدار ۱۲۰ نفر از روحانیون اهل سنت». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۶.
۷۵. «دیدار وزرای امور خارجه و کار تاجیکستان». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۱.
۷۶. «دیدار وزیر امور مذهبی بنگلادش». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۷.
۷۷. «دیدار وزیر دیانت ترکیه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۶.
۷۸. «دیدارها و دیدگاهها». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۷ - ۶۳.
۷۹. «دیدار هیأت سازمان ملل متحد». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۵۲.
۸۰. روابط عمومی و امور بین الملل کتابخانه. «گنجینه شهاب: آشنایی با کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۳۵ - ۶۲.
۸۱. «سفر دکتر محمود مرعشی به مالزی و بروئی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۵.
۸۲. «سفر مسؤول دائرة المعارف به سوریه و لبنان». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۲۰ - ۲۵.
۸۳. «سنجش افکار عمومی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۱.
۸۴. «شرکت کتابخانه در چهار نمایشگاه شهری». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۰ - ۱۱.
۸۵. عطایی. «کتابخانه از دید یک پژوهشگر». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳ - ۶.
۸۶. علی لو، نورالدین. «آشنایی با بخش فهرست نویسی کتابهای چاپی». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳۱ - ۳۳.
۸۷. «فعالتهایی برای راه اندازی کتابخانه ویژه نابینایان». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۱۳۸۰ - ۱۴۸.
۸۸. «فهرست انتشارات کتابخانه». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۲ - ۱۴۸.
۸۹. «کتابخانه در نگاه بزرگان». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۳ - ۴.
۹۰. «کتابخانه روزهای جمعه باز است». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۱.
۹۱. «گزارش نمایشگاه کتب و اسناد خطی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۵ - ۵۰.
۹۲. «گزارشی از کارکرد واحدهای تأسیسات، موتور، مخازن، برق». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۰ - ۴۳.
۹۳. «گزارشی کوتاه از فعالتهای واحد آموزش». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۹ - ۴۱.
۹۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «بیرجندی نامه: فهرست نسخه های خطی آثار علامه عبدالعلی بیرجندی در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی». (سال هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۵ - ۲۸.
۹۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «خاطره ای از جمع آوری کتابهای خطی». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۵.
۹۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «دو نمونه از قرآنها کوفی کهن: از گنجینه نسخه های خطی کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۸ - ۲۱.
۹۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «ده نسخه خطی نفیس». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲ - ۷.
۹۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «کتابخانه آیت الله مرعشی از نگاه مجله العالم». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۲ - ۳.
۹۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «گذشته و حال کتابخانه». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۳ - ۶.
۱۰۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «معرفی نسخه های خطی موجود در کتابخانه از آثار خواجه نصیرالدین طوسی». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۶ - ۲۹.
۱۰۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه های خطی نفیس خریداری شده». (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۴۴ - ۷۲.

۱۰۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های جدید کتابخانه (گزیده‌ای از نسخه‌های خطی کهن و نفیس تازه خریداری شده)». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۱۴-۱۹.
۱۰۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خریداری شده». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۷-۲۵.
۱۰۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خریداری شده». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۲۲-۴۶.
۱۰۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خریداری شده». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۶-۲۵.
۱۰۶. «مسابقه استانی کتابخانه». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۰.
۱۰۷. مسجدی، سید مسعود. «گزارش از روند تأسیس شعبه کتابخانه در تهران». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۲۹-۳۱.
۱۰۸. «معرفی بخش ثبت و اعلام وصول». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۳.
۱۰۹. «معرفی تالار ویژه محققان». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۶-۱۷.
۱۱۰. «معرفی کتابخانه در کتابهای فارسی دبیرستان». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۱۱۱. «معرفی واحد انتشارات کتابخانه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۱۶-۱۹.
۱۱۲. «معرفی واحد میکروگرافی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۱-۲۳.
۱۱۳. «معرفی یک نشریه منحصر بفرد و قدیمی». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۳۷.
۱۱۴. «ملحقات الاحقاق کتاب سال شد». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۰.
۱۱۵. «نامه‌ها». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۲۰۶-۲۰۸.
۱۱۶. «نامه‌ها». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۵۴-۱۵۶.
۱۱۷. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷).
- ص ۲۱۹-۲۲۴.
۱۱۸. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۶۶-۶۸.
۱۱۹. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۹۵-۱۰۴.
۱۲۰. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۶۶-۶۸.
۱۲۱. «نامه‌ها». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۵۱-۵۲.
۱۲۲. «نامه‌ها». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۷۰-۷۲.
۱۲۳. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۲۰-۱۲۳.
۱۲۴. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۱۱۸-۱۱۹.
۱۲۵. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۱۰۴-۱۰۷.
۱۲۶. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۷۳-۸۱.
۱۲۷. «نامه‌ها». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۲۶-۱۲۷.
۱۲۸. «نامه‌ها». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۸۶-۸۷.
۱۲۹. «نامه‌ها». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۹۲-۹۵.
۱۳۰. «نامه‌ها». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۶۲-۱۶۷.
۱۳۱. «نامه‌ها». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۸-۱۵۱.
۱۳۲. «نامه‌های پس از بازدید». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳۳.
۱۳۳. نجات، قاسم. «گزارشی از فعالیتهای امور مالی». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳۲.
۱۳۴. «نظرات رسیده در باره خبرنگار». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۶.
۱۳۵. «نمایش تصاویر کتب خطی ابن سینا از سوی کتابخانه در برونی». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۱۳۶. «نمایشگاه فهرست کتابهای خطی ۵۰ کشور جهان در کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۹.
۱۳۷. وزیر، سید علی محمد. «یادداشتی از سی سال پیش». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳.
۱۳۸. «یادی از دوران انقلاب (حضور دکتر محمود مرعشی در پاریس و در محضر امام خمینی)». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۴-۵.



۱۷. امینی، عبدالله. «ابن بواب، خوشنویس بلندآوازه ایران». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۳۵ - ۴۳.
۱۸. امینی، عبدالله. «مخطوطات آیت الله سید مصطفی خمینی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۶۱ - ۶۳.
۱۹. ایرانی، اکبر. «آشنایی با دفتر نشر میراث مکتوب». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۶۳ - ۱۶۸.
۲۰. ایزدپناه، هاشم. «اسناد و اطلاعاتی از دوره صفوی در باره شهر دماوند». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۸۷ - ۹۳.
۲۱. بابایی، رضا. «از فراز و نشیب ویراستاری». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۵۱ - ۱۵۴.
۲۲. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش اول. (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۴۳ - ۴۴.
۲۳. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش پایانی. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۳۴ - ۳۹.
۲۴. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش چهارم. (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۷۹ - ۱۸۳.
۲۵. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش دوم. (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۲۳ - ۲۸.
۲۶. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش سوم. (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۱۴ - ۲۲.
۲۷. بدوی، محمدباقر. «در جهان کتاب». بخش اول. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۰۵ - ۱۰۸.
۲۸. بدوی، محمدباقر. «در جهان کتاب». بخش دوم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۸۵ - ۸۹.
۲۹. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی ایران». بخش پایانی. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۵۷ - ۶۱.
۳۰. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش اول. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۹۰ - ۹۶.
۳۱. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش چهارم. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۶۹ - ۷۴.
۳۲. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش پنجم. (سال هفتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۷۲.
۱. «آغاز به کار انجمن مخطوطات ایران». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۶ - ۹.
۲. ابادری، زهرا. «طلوع کتابخانه‌ها از مشرق اسلام». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۵۷ - ۱۶۰.
۳. ارجمند، محمدرضا. «تأثیر لیگین بر تخریب کاغذ: ارائه یک الگوی پژوهشی». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲۵ - ۲۷.
۴. اردستانی، مریم. «فارابی، سیاست ارسطو و پولس فارسی». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۳۶ - ۱۴۲.
۵. اردستانی، مریم. «فهرست آثار رازی به روایت بیرونی». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۴۸ - ۵۰.
۶. اسفندیاری، محمد. «از بهتری نویسی تا بهتری نویسی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۶۹ - ۱۷۴.
۷. اسفندیاری، محمد. «سوگندنامه نویسندگان مسلمان». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۱۳ - ۱۹.
۸. اسفندیاری، محمد. «ویراستاری از دیروز تا امروز». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۲۳ - ۲۴.
۹. اسفندیاری، محمد. «یک شاخه گل». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲۳ - ۲۴.
۱۰. اصفیائی، سید محمد. «نقش کتابشناسی در فهرست نگاری». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۶۷ - ۷۱.
۱۱. افشار، ایرج. «بهای نسخه‌های خطی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۱۹ - ۱۲۱.
۱۲. افشار، ایرج. «دست نوشته‌های خطی، میراثی علمی و تاریخی». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳۶ - ۳۸.
۱۳. افشار، ایرج. «کراسه». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۳۳ - ۳۵.
۱۴. افضل‌نژاد، نسرین. «راهنمای مکتوب‌شناسی نسخه‌های خطی عربی». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۱۸ - ۱۲۳.
۱۵. البین، میشل. «انتشارات کتاب در جهان اسلام». محمد نوری. (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۵۲ - ۱۵۶.
۱۶. امین، سید حسن. «توحیدخانه». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۷۲.

۴۳. حسینی حزینی استرآبادی، میرمحمد بن ابی طالب. «حدیقه الریاحین: در ترجمه کلام امیرالمؤمنین علیه السلام». ابوالفضل حافظیان بابلی. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۴۵ - ۵۷.
۴۴. حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم. «مثل تیشه در بیستون». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۱۶ - ۱۸.
۴۵. «دومین جلسه انجمن مخطوطات ایران». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۲.
۴۶. ربانی، هادی. «اخلاق روزنامه‌نگاری». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۱۹ - ۲۲.
۴۷. ربانی، هادی. «فرهنگ کتابخوانی؛ موانع و راهکارها». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۵۵ - ۱۵۸.
۴۸. رجائی، سید مهدی. «عوامل انهدام کتاب و راههای مبارزه با آن». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۹۱ - ۱۰۱.
۴۹. رجائی، سید مهدی. «نقش سادات در تاریخ و فرهنگ اسلامی». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۷۳ - ۷۷.
۵۰. رضایی، سید احمد. «نسب‌شناسی خاندان میرعماد». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۶۹ - ۷۲.
۵۱. رفیعی، حسین. «پاپیروس». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۴۵ - ۱۵۰.
۵۲. رفیعی علامرودشتی، علی. «دو یار دیرین: نگاهی به روابط امام خمینی و آیت‌الله‌العظمی مرعشی». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۸ - ۳۸.
۵۳. رفیعی علامرودشتی، علی. «سراغاز». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۳ - ۴.
۵۴. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش اول. (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۵ - ۷.
۵۵. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش پانزدهم. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۳۰ - ۴۲.
۵۶. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش پنجم. (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۱۰ - ۲۲.
۵۷. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش چهاردهم. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۴۷ - ۶۰.

- نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش دوم. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳۹ - ۴۶.
۳۳. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش سوم. (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۶۱ - ۶۸.
۳۴. بدیعی، محمد. «دعادر فرهنگ اسلامی». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۴۸ - ۵۰.
۳۵. حافظیان بابلی، ابوالفضل و سید محمدحسین حکیم. «نویافته‌های گنجینه‌های دست‌نویسهای اسلامی در ایران». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۶۵ - ۹۲.
۳۶. حسن قمی، حسین بن محمد. «برگی از تاریخ قم (تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین)». علی رفیعی علامرودشتی. بخش دوم. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۴۳ - ۵۵.
۳۷. حسن قمی، حسین بن محمد. «برگی از تاریخ قم (تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین)». علی رفیعی علامرودشتی. بخش سوم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۷۵ - ۸۴.
۳۸. حسن قمی، حسین بن محمد. «برگی از تاریخ قم (تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین)». علی رفیعی علامرودشتی. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۶۳ - ۹۰.
۳۹. حسن قمی، حسین بن محمد. «تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین». علی رفیعی علامرودشتی. بخش پنجم. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۴۳ - ۵۶.
۴۰. حسن قمی، حسین بن محمد. «تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین». علی رفیعی علامرودشتی. بخش چهارم. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۷۵ - ۸۶.
۴۱. حسن قمی، حسین بن محمد. «تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین». علی رفیعی علامرودشتی. بخش ششم. (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۴۰ - ۴۷.
۴۲. حسینی جلالی، محمد حسین. «کتاب و نگارش در اسلام». عبدالله امینی. (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۳۹ - ۵۲.

۵۸. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش چهارم. (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۱۵ - ۲۵.
۵۹. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش دوازدهم. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳۰ - ۳۵.
۶۰. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش دوم. (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۸ - ۱۵.
۶۱. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش دهم. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۷۲ - ۸۶.
۶۲. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش سوم. (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۲۲ - ۱۳۲.
۶۳. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش سیزدهم. (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۲۳ - ۳۲.
۶۴. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش شانزدهم. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۲۹ - ۴۴.
۶۵. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش ششم. (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۴ - ۱۳.
۶۶. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش نهم. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۹۱ - ۱۰۰.
۶۷. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش نوزدهم. (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۳۳ - ۴۳.
۶۸. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش هجدهم. (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۳۱ - ۳۸.
۶۹. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش هشتم. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۹ - ۱۸.
۷۰. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش هفتم. (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۶۶ - ۱۷۸.
۷۱. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش هفدهم. (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۲۶ - ۳۹.
۷۲. رفیعی علامرودشتی، علی. «شيفتگان کتاب». بخش یازدهم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۶۳ - ۷۴.
۷۳. رفیعی علامرودشتی، علی. «نگاهبان میراث شهاب: زندگینامه دکتر سید محمود مرعشی نجفی». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۳ - ۷.
۷۴. «سخنی در باره شهاب». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲.
۷۵. «سرمقاله». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۲.
۷۶. سلطانی، پوری و فروردین راستین. «گونه‌های کتابخانه». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲۰ - ۲۳.
۷۷. شفیع اردستانی، مرتضی. «اعلام اردستان (مجبرالملک و میرجمله)». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۸۲ - ۸۷.
۷۸. شفیع اردستانی، مرتضی. «سیری در اردستان». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۹۹ - ۱۲۳.
۷۹. شفیع اردستانی، مرتضی. «کتابشناسی اردستان». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۹۴ - ۱۱۲.
۸۰. شوقی بنبین، احمد. «دانش مخطوطات در میراث عربی». حسین علینقیان. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۳۶ - ۱۴۱.
۸۱. طیب، اسعد. «حسب حال ناسخان». جویا جهانبخش. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۱۹ - ۲۴.
۸۲. عربانی، اسماعیل. «نقش ترجمه‌های سست در تخریب زبان فارسی». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۲۵ - ۳۴.
۸۳. عواد، کورکیس. «ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی». ترجمه از مجله «المجمع العلمي العراقي». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۰۲ - ۱۱۴.
۸۴. فاطمی، سید حسن. «از لابه‌لای کتابهای کتابخانه: بدیع در بوته فراموشی». بخش اول. (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۹۳ - ۱۰۲.
۸۵. فاطمی، سید حسن. «از لابه‌لای کتابهای کتابخانه: بدیع در بوته فراموشی». بخش دوم. (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۸۱ - ۸۷.
۸۶. فاطمی، سید حسن. «تصحیحات شیخ آقابزرگ تهرانی». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۵۱ - ۶۰.
۸۷. فاطمی، سید حسن. «طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۶۷ - ۶۹.
۸۸. فرحزاد، محمد. «طرح کتابشناسی اطلاعات و ارتباطات». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۶۵ - ۶۶.
۸۹. فیض قمی، میرزا علی اکبر. «تفصیل وقایع قحطی سال ۱۲۸۸ قم». محمد صحتی سردرودی. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۶۳ - ۸۱.

۹۰. قبانی، غالیه. «نمایشگاه تاریخ نگارش در کتابخانه بریتانیا». محمدعلی تبریزیان. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۵۹ - ۶۱.
۹۱. کریمی زنجانی اصل، محمد. «ابن سینا و منطق المشرقین (حکمت مشرقی و خاستگاه اسماعیلی آن)». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۲۴ - ۱۳۵.
۹۲. کریمی زنجانی اصل، محمد. «تقسیم‌بندی علوم در جامع الاسرار آملی». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۲۴ - ۱۳۵.
۹۳. کریمی زنجانی اصل، محمد. «رده‌بندی علوم در ایران و اسلام». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۰۱ - ۱۰۸.
۹۴. کوشا، محمدعلی. «کتاب و کتابخانه در قرآن و سنت». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۳۳ - ۱۴۴.
۹۵. گلی زواره، غلامرضا. «امام خمینی در قلمرو پژوهش و نگارش». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۱۶ - ۱۲۷.
۹۶. گلی زواره، غلامرضا. «هنر خلاصه‌نویسی». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۴۰ - ۴۷.
۹۷. «گوشه‌ای از تاریخچه شهر قم». زهرا اباذری. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۷۸ - ۸۶.
۹۸. لامبرت، جیل. «بهره‌گیری از خدمات CD - ROM در کتابخانه‌های دانشگاهی». فریده رفیعی مقدم. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۶۶ - ۷۱.
۹۹. مختاری، رضا. «ضرورت تصحیح متون و دشواری آن». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۲۶ - ۲۸.
۱۰۰. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «المختصر النافع فی علم الدراية». محمدرضا جدیدی نژاد. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۳ - ۱۴.
۱۰۱. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «انگلیس و غارت کتب اسلامی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۲ - ۳۳.
۱۰۲. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «مستدرک شهداء الفضيلة». علی رفیعی علامرودشتی. بخش اول. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳ - ۱۲.
۱۰۳. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «مستدرک شهداء الفضيلة». علی رفیعی علامرودشتی. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۴ - ۱۷.
۱۰۴. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «نبذة من ترجمة نصر بن مزاحم المنقري». علی رفیعی علامرودشتی. (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۳ - ۱۲.
۱۰۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «برده‌داری از ضریح مطهر جعفر طیار». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۳۸ - ۱۴۰.
۱۰۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «راویان و شیوخ شیعی بخاری». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۴۵ - ۶۴.
۱۰۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «طریق شیخ انصاری به معصوم». محمد صحتی. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۲۵ - ۲۸.
۱۰۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه و جمهوریهای تازه استقلال یافته». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۴۲ - ۶۲.
۱۰۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «کنفرانس بین‌المللی نسخه‌های خطی». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۶۲ - ۶۵.
۱۱۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «میراث اسلامی در سن پترزبورگ». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۲ - ۴۱.
۱۱۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «مؤلف ربیع الشیعة». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۲۰ - ۲۲.
۱۱۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «نخستینهای کتاب». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۹۶ - ۹۸.
۱۱۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «نقش اصلاحی عالمان شیعه در دوره صفویه». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۵ - ۸.
۱۱۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «نقش کتاب و کتابخانه در شکوفایی تمدن اسلامی». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۲۶ - ۲۹.
۱۱۵. مقدم. «اطلاعاتی در باره قطع کتاب». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۴.
۱۱۶. منجد، صلاح‌الدین. «آیین فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی». میرمحمود موسوی. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۲۹ - ۳۳.



۱۱۷. منجد، صلاح‌الدین. «روش تصحیح نسخه‌های خطی». حسین خدیو جوم. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۵۶ - ۶۶.
۱۱۸. موسوی، میر محمود. «وقف کتاب». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۲۹ - ۳۴.
۱۱۹. میراث اسلامی در کتابخانه اسکواریال. محمد علی تبریزیان. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۶۲ - ۶۴.
۱۲۰. نجم‌آبادی، محمود. «سید حکماء مرعشی». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۴ - ۱۵.
۱۲۱. ونکی فراهانی، مجید. «مراقبت از کتابها و اسناد کتابخانه». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۳۵ - ۴۲.
۱۲۲. ویکفیلد، کلن. «نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه بدلین». حسین صبوری. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۴۷ - ۵۸.
۱۲۳. یعقوب، امیل. «فهرستهای فنی کتاب». هادی ربانی. (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۸ - ۱۲.
۴. کتابشناخت
۱. اشرف صادقی، علی. «سیری در انوار المشعشعین». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۵۳ - ۶۲.
۲. بندرچی، محمدرضا. «ترجمان قزوینی از قاموس فیروزآبادی». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۶۳ - ۶۸.
۳. بهاری همدانی، محمدباقر. «شاذان بن جبرئیل و دو کتاب منسوب به او». میر محمود موسوی. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۵۸ - ۶۲.
۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «کشف کاشف المشكلات». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۹۳ - ۹۵.
۵. موسوی، میر محمود. «نسخه‌های خطی ابن سینا در کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۸۷ - ۹۹.
۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های نه‌ایه شیخ طوسی». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳ - ۴.
۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «شناخت گیهان‌شناخت». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۳ - ۳۰.
۸. آکیموشکین، ا. اف. «یک کتابخانه در یک کتاب». حسین صبوری. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۰۹ - ۱۱۵.
۹. صحتی سردرودی، محمد. «درنگی در معادن الحکمة فی مکاتیب الاثمة». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۴۸ - ۵۳.
۱۰. مرعشی نجفی، شهاب‌الدین. «ابن اثیر و اسد الغابة». محمد القلندیس. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۲ - ۴.
۱۱. صحتی سردرودی، محمد. «نظری به مینة الرجال». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۸۴ - ۱۸۷.
۱۲. القلندیس، محمد. «ریاض العلماء در غبار غربت». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۸۸ - ۱۹۴.
۱۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «۴۵۰ نسخه نفیس از قرن چهارم تا هشتم». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۶۰ - ۱۵۱.
۱۴. یعقوبی، عزت‌الله. «یک کلمه در نهج البلاغه». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۵۵ - ۵۸.
۱۵. کریمی، حسین. «احتجاج طبرسی». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۵۲ - ۵۴.
۱۶. اسفندیاری، محمد. «شناختنامه الذریعه». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۳۶ - ۳۹.
۱۷. فاطمی، سید حسن. «نقد شیخ آقابزرگ تهرانی بر کشف الحجب والاسرار». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۲۹ - ۳۵.
۱۸. مقدس‌نیا، سید محمد. «دایرة المعارف امام حسین (ع)». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۳۶ - ۳۹.
۱۹. انصاری قمی، ناصرالدین. «نگاهی به کتاب القصاص علی ضوء القرآن والسنة». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۷۹ - ۸۰.
۲۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خطی ذخیره خوارزمشاهی». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۱۰ - ۱۴.
۲۱. صحتی سردرودی، محمد. «گشت‌وگذاری در آتشکده». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۵۹ - ۱۶۲.
۲۲. جزایری موسوی، نورالدین محمد بن سید نعمت‌الله. «رسالة اسمعیلیه در تکمیل رسالة اسدییه». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۰۳ - ۱۱۸.

۲۳. رفیعی، حسین. «گزارشی از دایرة المعارف کتابخانه‌های جهان». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۰۰ - ۱۰۴.
۲۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های کهن و جدید نهج البلاغه». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۷۷ - ۹۲.
۲۵. انصاری قمی، ناصرالدین. «نگاهی به المسلسلات فی الاجازات». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۷۴ - ۷۶.
۲۶. سمّامی حائری، محمد. «اجازة کبیر». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۷۱ - ۷۳.
۲۷. صحتی سردرودی، محمد. «در سایه احقاق الحق». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۴ - ۷۰.
۲۸. دیزجی زنجانی، اسماعیل بن ابراهیم. «امالی دیزجی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۴۹ - ۵۰.
۲۹. صحتی سردرودی، محمد. «نگاهی به مرآة الکتب». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۶۲ - ۶۶.
۳۰. حقدار، علی اصغر. «درنگی در مثنوی ملاصدرا». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۴۵ - ۴۷.
۳۱. صحتی سردرودی، محمد. «تأملی در ریاض الجنه». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۴۳ - ۴۴.
۳۲. «معرفی سه نسخه خطی (بلابل القلاقل، الكشف والبیان فی تفسیر القرآن و تفسیر لوامع التنزیل)». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۲ - ۱۵.
۳۳. «معرفی سه نسخه نفسی خطی (سواطع الالهام، تفسیر المحيط الاعظم و کیهان‌شناخت)». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۶ - ۳۰.
۵. کتابخانه‌های جهان
۱. ابادری، زهرا. «درنگی در کتابخانه‌های دانمارک». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۱۵ - ۱۱۷.
۲. ایازی، سید محمدعلی. «کتابخانه‌های تخصصی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۷۵ - ۱۸۶.
۳. رفیعی، حسین. «کتابخانه آمبروزیانا». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۳۲ - ۳۴.
۴. رفیعی، حسین. «کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۸۷ - ۹۰.
۵. رفیعی، حسین. «کتابخانه رضا». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۷۵ - ۷۸.
۶. رفیعی، حسین. «کتابخانه سالتیکوف شچدرین». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۵۴ - ۶۲.
۷. رفیعی، حسین. «کتابخانه فرهنگستان علوم و انستیتوی ملل آسیا». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۴۴ - ۵۱.
۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «چهار کتابخانه نفیس شخصی». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۳ - ۲۱.
۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «دو کتابخانه نفیس شخصی». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۱۳ - ۲۹.
۱۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «کتابخانه شخصی آیت‌الله بهاری همدانی (ره)». بخش دوم. (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۲ - ۹.
۱۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «کتابخانه شخصی آیت‌الله بهاری همدانی». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۶۷ - ۷۴.
۱۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خطی کتابخانه عارف حکمت». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۴۰ - ۶۰.
۱۳. «معرفی کتابخانه «چستریتی» ایرلند». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۰ - ۱۲.
۱۴. «معرفی کتابخانه ملی «اسد» در سوریه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۳۰ - ۳۳.
۱۵. «معرفی کتابخانه «ماتیناداران» ارمنستان». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۰ - ۳۲.
۱۶. «معرفی کتابخانه ملی مصر». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۲۵ - ۲۹.
۱۷. موسوی، میرمحمود. «کتابخانه الازهر». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۳۳ - ۱۳۷.
۱۸. موسوی، میرمحمود. «کتابخانه حرم مکی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۸۷ - ۱۹۰.
۱۹. موسوی، میرمحمود. «کتابخانه قرویین». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۴۳ - ۴۵.
۲۰. موسوی، میرمحمود. «کتابخانه ملی تونس». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۶۱ - ۱۶۵.
۲۱. موسوی، میرمحمود. «کتابخانه ملی قطر». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲۴ - ۲۶.



۱۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «رهاورد سفر: گزارش سفر به سرزمین سوریه». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۷۳ - ۸۱.
۱۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «رهتوشه ازبکستان». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۴۶ - ۵۴.
۱۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «طلوع آفتاب از ساحل اسکندریه: گزارش سفر مصر و شرکت در مراسم رسمی افتتاح کتابخانه جدید اسکندریه». بخش نخست. (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۷۳ - ۱۰۲.
۱۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به ازبکستان». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲۷ - ۳۰.
۱۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش اول. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۸۸ - ۱۱۴.
۱۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش دوم. (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۶۴ - ۸۲.
۱۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش سوم. (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۳ - ۳۰.
۱۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش چهارم (آخر). (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۱۳ - ۳۲.
۲۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «میراث اسلامی در یمن». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۳۵ - ۴۹.

ب) نمایه الفبایی

۱. «آشنایی با پروژه گسترش کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۸ - ۲۰.
۲. «آغاز به کار انجمن مخطوطات ایران». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۶ - ۹.
۳. آکیموشکین، ا. اف. «یک کتابخانه در یک کتاب». حسین صبوری. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۰۹ - ۱۱۵.
۴. «آمار سالانه کتابخانه». سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

۲۲. موسوی، میرمحمود. «نگاهی به کتابخانه‌های عمومی». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲۸ - ۳۱.
۲۳. نوری، محمد. «بزرگترین کتابخانه شخصی جهان در بعلبک». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۴۰ - ۴۲.

۶. سفرنامه‌های علمی

۱. اصفیائی، سید محمد. «سفر به ترکمنستان». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۹۱ - ۱۹۶.
۲. رفیعی علامرودشتی، علی. «دیدار از نمایشگاه بین‌المللی کتاب». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۵۵ - ۵۷.
۳. رفیعی علامرودشتی، علی. «سیر با کتاب: گزارش سفر به سوریه و لبنان». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۶۳ - ۷۰.
۴. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش اول. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۳۱ - ۴۲.
۵. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش پنجم. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۳ - ۱۳.
۶. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش چهارم. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۵ - ۱۳.
۷. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش دوم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۲۲ - ۳۴.
۸. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش سوم. (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۳ - ۱۳.
۹. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة السامرائية». علی رفیعی علامرودشتی. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۲ - ۱۱.
۱۰. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الشيرازية». علی رفیعی علامرودشتی. (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۳۹ - ۵۲.
۱۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «اطلالة علی مکتبة آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۲۸ - ۱۳۲.

۵. «آموزش مرمت اسناد خطی به کارشناسان انستیتوی ابوریحان بیرونی ازبکستان». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۷.
۶. اباذری، زهرا. «درنگی در کتابخانه‌های دانمارک». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۱۵ - ۱۱۷.
۷. اباذری، زهرا. «طلوع کتابخانه‌ها از مشرق اسلام». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۵۷ - ۱۶۰.
۸. ابن‌العلم دزفولی، آیت‌الله‌علی‌محمد. «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۲۵ - ۳۶.
۹. «اخبار». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۷۵ - ۷۶.
۱۰. «اخبار». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۹۷ - ۲۰۸.
۱۱. «اخبار». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۵۹ - ۶۱.
۱۲. «اخبار». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۵۰ - ۵۶.
۱۳. «اخبار». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۹۷ - ۹۹.
۱۴. «اخبار کتابخانه». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۴۹ - ۱۵۳.
۱۵. «اخبار کتابخانه». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۶۱ - ۶۵.
۱۶. «اخبار کتابخانه». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۹۲ - ۹۴.
۱۷. «اخبار کتابخانه». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳۴ - ۳۸.
۱۸. «اخبار کتابخانه». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۰۹ - ۱۱۴.
۱۹. «اخبار کتابخانه». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۸۲ - ۸۳.
۲۰. «اخبار کتابخانه». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۲۳ - ۱۲۵.
۲۱. «اخبار کتابخانه». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۸۸ - ۹۱.
۲۲. «اخبار کتابخانه». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۵۷ - ۱۶۱.
۲۳. ارجمند، محمدرضا. «تأثیر لیگنین بر تخریب کاغذ: ارائه یک الگوی پژوهشی». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲۵ - ۲۷.
۲۴. اردستانی، مریم. «فارابی، سیاست ارسطو و پوئس فارسی». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۳۶ - ۱۴۲.
۲۵. اردستانی، مریم. «فهرست آثار رازی به روایت بیرونی». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۴۸ - ۵۰.
۲۶. اسفندیاری، محمد. «از بهترین نویسی تا بیشتر نویسی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۶۹ - ۱۷۴.
۲۷. اسفندیاری، محمد. «سوگندنامه نویسندگان مسلمان». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۱۳ - ۱۹.
۲۸. اسفندیاری، محمد. «شناختنامه الذریعه». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۳۶ - ۳۹.
۲۹. اسفندیاری، محمد. «ویراستاری از دیروز تا امروز». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۲۳ - ۲۴.
۳۰. اسفندیاری، محمد. «یک شاخه گل». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲۳ - ۲۴.
۳۱. اشرف صادقی، علی. «سیری در انوار المشعشعین». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۵۳ - ۶۲.
۳۲. اصفیائی، سید محمد. «سفر به ترکمنستان». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۹۱ - ۱۹۶.
۳۳. اصفیائی، سید محمد. «نقش کتابشناسی در فهرست‌نگاری». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۶۷ - ۷۱.
۳۴. افشار، ایرج. «بهای نسخه‌های خطی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۱۹ - ۱۲۱.
۳۵. افشار، ایرج. «دست‌نوشته‌های خطی، میراثی علمی و تاریخ». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳۶ - ۳۸.
۳۶. افشار، ایرج. «کراسه». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۳۳ - ۳۵.
۳۷. افضل‌نژاد، نسرین. «راهنمای مکتوب‌شناسی نسخه‌های خطی عربی». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۱۸ - ۱۲۳.
۳۸. البین، میشل. «انتشارات کتاب در جهان اسلام». محمد نوری. (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۵۲ - ۱۵۶.
۳۹. القلندیس، محمد. «ریاض العلماء در غبار غربت». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۸۸ - ۱۹۴.
۴۰. امین، سید حسن. «توحیدخانه». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۷۲.



۴۱. امینی، عبدالله. «ابن بواب، خوشنویس بلندآوازه ایران». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۳۵ - ۴۳.
۴۲. امینی، عبدالله. «مخطوطات آیت الله سید مصطفی خمینی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۶۱ - ۶۳.
۴۳. «انتشار خبرنامه انجمن مخطوطات ایران». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۴۴. انصاری قمی، ناصرالدین. «نگاهی به المسلسلات فی الاجازات». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۷۴ - ۷۶.
۴۵. انصاری قمی، ناصرالدین. «نگاهی به کتاب القصاص علی ضوء القرآن والسنة». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۷۹ - ۸۰.
۴۶. ایازی، سید محمدعلی. «کتابخانه‌های تخصصی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۷۵ - ۱۸۶.
۴۷. ایرانی، اکبر. «آشنایی با دفتر نشر میراث مکتوب». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۶۳ - ۱۶۸.
۴۸. ایزدیناه، هاشم. «اسناد و اطلاعاتی از دوره صفوی در باره شهر دماوند». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۸۷ - ۹۳.
۴۹. بابایی، رضا. «از فراز و نشیب ویراستاری». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۵۱ - ۱۵۴.
۵۰. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش اول. (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۴۳ - ۴۴.
۵۱. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش پایانی. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۳۴ - ۳۹.
۵۲. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش چهارم. (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۷۹ - ۱۸۳.
۵۳. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش دوم. (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۲۳ - ۲۸.
۵۴. بابایی، رضا. «نویسندگی در حوزه». بخش سوم. (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۱۴ - ۲۲.
۵۵. «با دایرة المعارف کتابخانه‌های جهان آشنا شوید». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۶ - ۱۸.
۵۶. «بازتاب دیدار». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۹۵ - ۲۰۵.
۵۷. «بازتاب دیدار». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۷۱ - ۷۴.
۵۸. «بازتاب دیدار». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۴۱ - ۱۴۸.
۵۹. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۲۰۹ - ۲۱۸.
۶۰. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۵۸ - ۶۰.
۶۱. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۸۸ - ۹۱.
۶۲. «بازتاب دیدار». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۶۲ - ۶۵.
۶۳. «بازتاب دیدار». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳۹ - ۴۲.
۶۴. «بازتاب دیدار». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۵۷ - ۶۱.
۶۵. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۱۵ - ۱۱۹.
۶۶. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۱۱۳ - ۱۱۷.
۶۷. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۱۰۰ - ۱۰۳.
۶۸. «بازتاب دیدار». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۶۹ - ۷۲.
۶۹. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۱۵ - ۱۲۲.
۷۰. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۸۳ - ۸۷.
۷۱. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۸۲ - ۸۵.
۷۲. «بازتاب دیدار». (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۱۲۶ - ۱۲۹.
۷۳. «بازتاب دیدار». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۹ - ۱۵۶.
۷۴. «بازتاب دیدار». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۳ - ۱۴۷.
۷۵. «بازدید دکتر ولایتی - وزیر امور خارجه - از کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۵.

۷۶. «بازدید وزیر ارشاد و اوقاف یمن از کتابخانه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۵.
۷۷. بدوی، محمدباقر. «در جهان کتاب». بخش اول. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۰۵ - ۱۰۸.
۷۸. بدوی، محمدباقر. «در جهان کتاب». بخش دوم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۸۵ - ۸۹.
۷۹. بدوی، محمدباقر. «۱۱۰ نسخه خطی در باره امام علی (ع) (از گنجینه خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی)». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۶۱ - ۶۸.
۸۰. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی ایران». بخش پایانی. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۵۷ - ۶۱.
۸۱. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش اول. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۹۰ - ۹۶.
۸۲. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش چهارم. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۶۹ - ۷۴.
۸۳. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش دوم. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳۹ - ۴۶.
۸۴. بدوی، محمدباقر. «یاور انقلاب: نقش آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در تکوین انقلاب اسلامی». بخش سوم. (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۶۱ - ۶۸.
۸۵. بدوی، محمد. «دعادر فرهنگ اسلامی». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۴۸ - ۵۰.
۸۶. «برگزاری همایش بین‌المللی فرسودگی زیست‌محیطی آثار تاریخی - فرهنگی با همکاری کتابخانه». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۸.
۸۷. بندرچی، محمدرضا. «ترجمان قزوینی از قاموس فیروزآبادی». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۶۳ - ۶۸.
۸۸. بهاری همدانی، محمدباقر. «شاذان بن جبرئیل و دو کتاب منسوب به او». میر محمود موسوی. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۵۸ - ۶۲.
۸۹. «پرسش یک محقق و پاسخ یک مسؤول». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۴ - ۴۵.
۹۰. «تأیید شجره‌نامه سلطان برونی از سوی دولت آن کشور». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۰.
۹۱. «تجهیز کتابخانه به دستگاه «اسکنر» تصویربرداری از نسخ خطی». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۵.
۹۲. تقدیر از دکتر محمود مرعشی به عنوان کتابدار و کتابشناس برجسته کشور». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۸.
۹۳. جزایری موسوی، نورالدین محمد بن سید نعمت‌الله. «رسالة اسمعیلیه در تکمیل رسالة اسدی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۰۳ - ۱۱۸.
۹۴. «چاپ فهرست کتابهای خطی بدخشان تاجیکستان از سوی کتابخانه». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۹۵. حافظیان بابلی، ابوالفضل و سید محمدحسین حکیم. «نویافته‌های گنجینه‌های دست‌نویسهای اسلامی در ایران». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۶۵ - ۹۲.
۹۶. حسن قمی، حسین بن محمد. «برگی از تاریخ قم (تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین)». علی رفیعی علامرودشتی. بخش دوم. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۴۳ - ۵۵.
۹۷. حسن قمی، حسین بن محمد. «برگی از تاریخ قم (تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین)». علی رفیعی علامرودشتی. بخش سوم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۷۵ - ۸۴.
۹۸. حسن قمی، حسین بن محمد. «برگی از تاریخ قم (تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین)». علی رفیعی علامرودشتی. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۶۳ - ۹۰.
۹۹. حسن قمی، حسین بن محمد. «تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین». علی رفیعی علامرودشتی. بخش پنجم. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۴۳ - ۵۶.
۱۰۰. حسن قمی، حسین بن محمد. «تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین». علی رفیعی علامرودشتی. بخش چهارم.

۱۱۵. خاکیان، رضا. «معرفی واحد کامپیوتر». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۸ - ۲۰.
۱۱۶. «در آستانه اتصال به اینترنت». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۱۹ - ۲۰.
۱۱۷. «درخشش تیم ورزشی کتابخانه». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۰.
۱۱۸. «دفتر روابط عمومی و امور بین الملل کتابخانه چه می کند؟». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۴ - ۴۵.
۱۱۹. «دوره های آموزشی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۳.
۱۲۰. «دومین جلسه انجمن مخطوطات ایران». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۲.
۱۲۱. «دیدار با رئیس جمهور فرهنگدوست ایران». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۳ - ۹.
۱۲۲. «دیدار دبیرکل کمیسیون حقوق بشر اندونزی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۴ - ۱۵.
۱۲۳. «دیدار رهبر مذهبی ارمنه جهان». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۶.
۱۲۴. «دیدار ریاست کتابخانه با مقام معظم رهبری». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳.
۱۲۵. «دیدار رییس فرهنگستان زبان ملی پاکستان». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۶.
۱۲۶. «دیدار رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۷.
۱۲۷. «دیدار رییس کتابخانه مجلس شورای اسلامی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۲۵.
۱۲۸. «دیدار رییس مجلس شورای اسلامی از کتابخانه». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳ - ۴.
۱۲۹. «دیدار سرپرست دایرة المعارف کتابخانه ها از سوریه و لبنان». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۰.
۱۳۰. «دیدار سفیر ایتالیا». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۲۲.
۱۳۱. «دیدار لویس فراخان - رهبر سیاهپوستان آمریکا - از کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۷ - ۲۸.
۱۳۲. «دیدار مسؤولان و کارکنان کتابخانه با رئیس جمهور». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۴.
- (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۷۵ - ۸۶.
۱۰۱. حسن قمی، حسین بن محمد. «تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین». علی رفیعی علامرودشتی. بخش ششم. (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۴۰ - ۴۷.
۱۰۲. حسینی جلالی، محمدحسین. «کتاب و نگارش در اسلام». ترجمه عبدالله امینی. (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۳۹ - ۵۲.
۱۰۳. حسینی حزینی استرآبادی، میرمحمد بن ابی طالب. «حدیقة الریاحین: در ترجمه کلام امیرالمؤمنین علیه السلام». ابوالفضل حافظیان بابلی. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۴۵ - ۵۷.
۱۰۴. حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم. «در سوگ آن شهاب». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۰.
۱۰۵. حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم. «مثل تیشه در بیستون». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۱۶ - ۱۸.
۱۰۶. حسینی، محمدعلی. «در محضر استاد». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۳۷ - ۳۸.
۱۰۷. «حضور در کنگره کتاب و کتابخوانی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۰.
۱۰۸. «حضور در همایش حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۳.
۱۰۹. «حضور ریاست کتابخانه در کنفرانس بین المللی مالکوم». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۶ - ۷.
۱۱۰. «حضور رییس کتابخانه در اجلاس کاغذ کانادا». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۵ - ۶.
۱۱۱. «حضور رییس کتابخانه در کنفرانس حفظ و مرمت آثار مکتوب در لندن». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۶.
۱۱۲. «حضور مدیر مرکز مطالعات و پژوهشهای ملی فرانسه در کتابخانه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۷ - ۸.
۱۱۳. حقدار، علی اصغر. «درنگی در مثنوی ملاصدرا». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۴۵ - ۴۷.
۱۱۴. «خاطره ای از فقیه اهل بیت». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۲ - ۲۴.

۱۳۳. «دیدار مشاور وزیر کشور». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۲۶.
۱۳۴. «دیدار مفتی اعظم بوسنی هرزگوین». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۴.
۱۳۵. «دیدار مقام معظم رهبری از نمایشگاه کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۳.
۱۳۶. «دیدار ۱۲۰ نفر از روحانیون اهل سنت». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۶.
۱۳۷. «دیدار وزرای امور خارجه و کار تاجیکستان». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۱.
۱۳۸. «دیدار وزیر امور مذهبی بنگلادش». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۷.
۱۳۹. «دیدار وزیر دیانت ترکیه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۶.
۱۴۰. «دیدارها و دیدگاهها». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۷ - ۶۳.
۱۴۱. «دیدار هیأت سازمان ملل متحد». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۵۲.
۱۴۲. دیزجی زنجانی، اسماعیل بن ابراهیم. «امالی دیزجی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۴۹ - ۵۰.
۱۴۳. ربانی، هادی. «اخلاق روزنامه‌نگاری». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۱۹ - ۲۲.
۱۴۴. ربانی، هادی. «فرهنگ کتابخوانی، موانع و راهکارها». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۵۵ - ۱۵۸.
۱۴۵. رجائی، سید مهدی. «عوامل انهدام کتاب و راههای مبارزه با آن». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۹۱ - ۱۰۱.
۱۴۶. رجائی، سید مهدی. «نقش سادات در تاریخ و فرهنگ اسلامی». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۷۳ - ۷۷.
۱۴۷. رضایی، سید احمد. «نسب‌شناسی خاندان میرعماد». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۶۹ - ۷۲.
۱۴۸. رفیعی، حسین. «پاپیروس». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۴۵ - ۱۵۰.
۱۴۹. رفیعی، حسین. «شهاب وحدت آیت‌الله‌العظمی مرعشی و وحدت جهان اسلام». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۵۳ - ۵۹.
۱۵۰. رفیعی، حسین. «شیفته خدمت: نیم‌نگاهی به خدمات حضرت آیت‌الله‌عظمی مرعشی نجفی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۵۱ - ۵۸.
۱۵۱. رفیعی، حسین. «کتابخانه آمبروزیانا». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۳۲ - ۳۴.
۱۵۲. رفیعی، حسین. «کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۸۷ - ۹۰.
۱۵۳. رفیعی، حسین. «کتابخانه رضا». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۷۵ - ۷۸.
۱۵۴. رفیعی، حسین. «کتابخانه سالتیکوف شچدرین». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۵۴ - ۶۲.
۱۵۵. رفیعی، حسین. «کتابخانه فرهنگستان علوم و انستیتوی ملل آسیا». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۴۴ - ۵۱.
۱۵۶. رفیعی، حسین. «گزارشی از دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۰۰ - ۱۰۴.
۱۵۷. رفیعی علامرودشتی، علی. «دویار دیرین: نگاهی به روابط امام خمینی و آیت‌الله‌العظمی مرعشی». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۸ - ۳۸.
۱۵۸. رفیعی علامرودشتی، علی. «دیدار از نمایشگاه بین‌المللی کتاب». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۵۵ - ۵۷.
۱۵۹. رفیعی علامرودشتی، علی. «سراغاز». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۳ - ۴.
۱۶۰. رفیعی علامرودشتی، علی. «سیر باکتاب: گزارش سفر به سوریه و لبنان». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۶۳ - ۷۰.
۱۶۱. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش اول. (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۵ - ۷.
۱۶۲. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش پانزدهم. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۳۰ - ۴۲.
۱۶۳. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش پنجم. (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۱۰ - ۲۲.
۱۶۴. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش چهاردهم. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۴۷ - ۶۰.



۱۸۲. «ریاض العلماء، این‌گونه به دست آمد: خاطره‌ای از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۲ - ۶۳.
۱۸۳. «سخنی درباره شهاب». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲.
۱۸۴. «سرمقاله». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۲.
۱۸۵. سعید الباقر، صاحب ناصر. «تأیید و احیاء». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۱.
۱۸۶. «سفر دکتر محمود مرعشی به مالزی و برونی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۵.
۱۸۷. «سفر مسؤول دائرة المعارف به سوریه و لبنان». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۲۰ - ۲۵.
۱۸۸. سلطانی، پوری و فروردين راستین. «گونه‌های کتابخانه». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲۰ - ۲۳.
۱۸۹. سمای حائری، محمد. «اجازة کبیر». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۷۱ - ۷۳.
۱۹۰. «سنجش افکار عمومی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۱.
۱۹۱. «شرکت کتابخانه در چهارنمایشگاه شهری». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۰ - ۱۱.
۱۹۲. شفیع اردستانی، مرتضی. «اعلام اردستان (مجیرالملک و میرجمله)». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۸۲ - ۸۷.
۱۹۳. شفیع اردستانی، مرتضی. «سیری در اردستان». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۹۹ - ۱۲۳.
۱۹۴. شفیع اردستانی، مرتضی. «کتابشناسی اردستان». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۹۴ - ۱۱۲.
۱۹۵. شوقی بنبین، احمد. «دانش مخطوطات در میراث عربی». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۳۶ - ۱۴۱.
۱۹۶. صحتی سردودی، محمد. «تأملی در ریاض الجنه». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۴۳ - ۴۴.
۱۹۷. صحتی سردودی، محمد. «در سایه احقاق الحق». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۶۴ - ۷۰.
۱۹۸. صحتی سردودی، محمد. «درنگی در معادن الحکمة فی مکاتیب الائمة». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۴۸ - ۵۳.
۱۶۵. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش چهارم. (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۱۵ - ۲۵.
۱۶۶. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش دوازدهم. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳۰ - ۳۵.
۱۶۷. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش دوم. (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۸ - ۱۵.
۱۶۸. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش دهم. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۷۲ - ۸۶.
۱۶۹. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش سوم. (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۲۲ - ۱۳۲.
۱۷۰. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش سیزدهم. (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۲۳ - ۳۲.
۱۷۱. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش شانزدهم. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۲۹ - ۴۴.
۱۷۲. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش ششم. (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۴ - ۱۳.
۱۷۳. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش نهم. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۹۱ - ۱۰۰.
۱۷۴. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش نوزدهم. (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۳۳ - ۴۳.
۱۷۵. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش هجدهم. (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۳۱ - ۳۸.
۱۷۶. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش هشتم. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۹ - ۱۸.
۱۷۷. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش هفتم. (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۶۶ - ۱۷۸.
۱۷۸. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش هفدهم. (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۲۶ - ۳۹.
۱۷۹. رفیعی علامرودشتی، علی. «شیفتگان کتاب». بخش یازدهم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۶۳ - ۷۴.
۱۸۰. رفیعی علامرودشتی، علی. «نگاهبان میراث شهاب: زندگینامه دکتر سید محمود مرعشی نجفی». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۳ - ۷.
۱۸۱. روابط عمومی و امور بین‌الملل کتابخانه. «گنجینه شهاب: آشنایی با کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۳۵ - ۶۲.

۱۹۹. صحتی سردرودی، محمد. «گشت و گذاری در آتشکده». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۵۹ - ۱۶۲.
۲۰۰. صحتی سردرودی، محمد. «نظری به منیه الرجال». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۸۴ - ۱۸۷.
۲۰۱. صحتی سردرودی، محمد. «نگاهی به مرآة الکتب». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۶۲ - ۶۶.
۲۰۲. طیب، اسعد. «حسب حال ناسخان». جویا جهانبخش. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۱۹ - ۲۴.
۲۰۳. عربانی، اسماعیل. «نقش ترجمه‌های سست در تخریب زبان فارسی». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۲۵ - ۳۴.
۲۰۴. عطایی. «کتابخانه از دید یک پژوهشگر». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳ - ۶.
۲۰۵. علوی، عادل. «درس خارج آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۳۹ - ۴۰.
۲۰۶. علی‌لو، نورالدین. «آشنایی با بخش فهرست‌نویسی کتابهای چاپی». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳۱ - ۳۳.
۲۰۷. عواد، کورکیس. «ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی». ترجمه از مجله «المجمع العلمي العراقي». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۰۲ - ۱۱۴.
۲۰۸. فاطمی، سید حسن. «از لا به لای کتابهای کتابخانه: بدیع در بوته فراموشی». بخش اول. (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۹۳ - ۱۰۲.
۲۰۹. فاطمی، سید حسن. «از لا به لای کتابهای کتابخانه: بدیع در بوته فراموشی». بخش دوم. (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۸۱ - ۸۷.
۲۱۰. فاطمی، سید حسن. «تصحیحات شیخ آقا بزرگ تهرانی». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۵۱ - ۶۰.
۲۱۱. فاطمی، سید حسن. «طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۶۷ - ۶۹.
۲۱۲. فاطمی، سید حسن. «نقد شیخ آقا بزرگ تهرانی بر کشف الحجب و الاستار». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۲۹ - ۳۵.
۲۱۳. فرح‌زاد، محمد. «طرح کتابشناسی اطلاعات و ارتباطات». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۶۵ - ۶۶.
۲۱۴. «فعالتهایی برای راه‌اندازی کتابخانه ویژه نابینایان». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۹ - ۴۱.
۲۱۵. «فهرست انتشارات کتابخانه». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۲ - ۱۴۸.
۲۱۶. فیض قمی، میرزا علی‌اکبر. «تفصیل وقایع قحطی سال ۱۲۸۸ قم». محمد صحتی سردرودی. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۶۳ - ۸۱.
۲۱۷. قبانی، غالیه. «نمایشگاه تاریخ نگارش در کتابخانه بریتانیا». محمدعلی تبریزیان. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۵۹ - ۶۱.
۲۱۸. قریشی. «خاطراتی از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به روایت آیت‌الله قریشی». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۶۴.
۲۱۹. «کتابخانه در نگاه بزرگان». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۳ - ۴.
۲۲۰. «کتابخانه روزهای جمعه بااست». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۱۱.
۲۲۱. کریمی، حسین. «احتجاج طبرسی». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۵۲ - ۵۴.
۲۲۲. کریمی زنجانی اصل، محمد. «ابن سینا و منطق المشرقیین (حکمت مشرقی و خاستگاه اسماعیلی آن)». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۲۴ - ۱۳۵.
۲۲۳. کریمی زنجانی اصل، محمد. «تقسیم‌بندی علوم در جامع الاسرار املی». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۲۴ - ۱۳۵.
۲۲۴. کریمی زنجانی اصل، محمد. «رده‌بندی علوم در ایران و اسلام». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۰۱ - ۱۰۸.
۲۲۵. کوشا، محمدعلی. «کتاب و کتابخانه در قرآن و سنت». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۳۳ - ۱۴۴.
۲۲۶. گزارش نمایشگاه کتب و اسناد خطی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۵ - ۵۰.
۲۲۷. گزارشی از کارکرد واحدهای تأسیسات، موتور، مخابرات و برق». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۴۰ - ۴۳.
۲۲۸. گزارشی کوتاه از فعالتهای واحد آموزش». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۹ - ۴۱.

۲۲۹. گلی زواره، غلامرضا. «امام خمینی در قلمرو پژوهش و نگارش». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۱۶ - ۱۲۷.
۲۳۰. گلی زواره، غلامرضا. «هنر خلاصه‌نویسی». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۴۰ - ۴۷.
۲۳۱. «گوشه‌ای از تاریخچه شهر قم». زهرا اباذری. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۷۸ - ۸۶.
۲۳۲. لامبرت، جیل. «بهره‌گیری از خدمات CD - ROM در کتابخانه‌های دانشگاهی». فریده رفیعی مقدم. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۶۶ - ۷۱.
۲۳۳. محمدی، سیدزین‌العابدین. «شیدایی ولایت». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۴۵ - ۴۸.
۲۳۴. مختاری، رضا. «ضرورت تصحیح متون و دشواری آن». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۲۶ - ۲۸.
۲۳۵. مرعشی نجفی، شهاب‌الدین. «ابن اثیر و اسدالغابة». محمد القلندیس. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۲ - ۴.
۲۳۶. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش اول. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۳۱ - ۴۲.
۲۳۷. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش پنجم. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۳ - ۱۳.
۲۳۸. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش چهارم. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۵ - ۱۳.
۲۳۹. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش دوم. (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۲۲ - ۳۴.
۲۴۰. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الاصفهانية». علی رفیعی علامرودشتی. بخش سوم. (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۳ - ۱۳.
۲۴۱. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة السامرائية». علی رفیعی علامرودشتی. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۲ - ۱۱.
۲۴۲. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «الرحلة الشيرازية». علی رفیعی علامرودشتی. (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۳۹ - ۵۲.
۲۴۳. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «المختصر النافع فی علم الدراية». محمدرضا جدیدی‌نژاد. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۳ - ۱۴.
۲۴۴. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «انگلیس و غارت کتب اسلامی». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۲ - ۳۳.
۲۴۵. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «مستدرک شهداء الفضيلة». علی رفیعی علامرودشتی. بخش اول. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۳ - ۱۲.
۲۴۶. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «مستدرک شهداء الفضيلة». علی رفیعی علامرودشتی. (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۴ - ۱۷.
۲۴۷. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. «بذرة من ترجمة نصر بن مزاحم المنقري». علی رفیعی علامرودشتی. (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۳ - ۱۲.
۲۴۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) سرآمد تبارشناسان معاصر». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۳ - ۲۴.
۲۴۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «آیت‌الله العظمی مرعشی و همای رحمت». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۵۹ - ۶۰.
۲۵۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «اطلالة علی مکتبة آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۲۸ - ۱۳۲.
۲۵۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «بیرجندی نامه: فهرست نسخه‌های خطی آثار علامه عبدالعلی بیرجندی در کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۵ - ۲۸.
۲۵۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «پرده‌داری از ضریح مطهر جعفر طیار». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۳۸ - ۱۴۰.
۲۵۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «چهار کتابخانه نفیس شخصی». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۳ - ۲۱.
۲۵۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «خاطره‌ای از جمع‌آوری کتابهای خطی». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۵.
۲۵۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «دو کتابخانه نفیس شخصی». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۱۳ - ۲۹.

۲۵۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «دو نمونه از قرآنهای کوفی کهن: از گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۸ - ۲۱.
۲۵۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «ده نسخه خطی نفیس». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲ - ۷.
۲۵۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «راویان و شیوخ شیعی بخاری». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۴۵ - ۶۴.
۲۵۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «رهاورد سفر: گزارش سفر به سرزمین سوریه». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۷۳ - ۸۱.
۲۶۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «رهتوشه ازبکستان». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۴۶ - ۵۴.
۲۶۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «شناخت گیهان‌شناخت». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۳ - ۳۰.
۲۶۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «طریق شیخ انصاری به معصوم». محمد صحتی. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۲۵ - ۲۸.
۲۶۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «طلوع آفتاب از ساحل اسکندریه: گزارش سفر مصر و شرکت در مراسم رسمی افتتاح کتابخانه جدید اسکندریه». بخش نخست. (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۷۳ - ۱۰۲.
۲۶۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه و جمهوریهای تازه استقلال یافته». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۴۲ - ۶۲.
۲۶۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «کتابخانه آیت‌الله مرعشی از نگاه مجله العالم». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۲ - ۳.
۲۶۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «کتابخانه شخصی آیت‌الله بهاری همدانی (ره)». بخش دوم. (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۲ - ۹.
۲۶۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «کتابخانه شخصی آیت‌الله بهاری همدانی». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۶۷ - ۷۴.
۲۶۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «کشف کاشف المشكلات».

- (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۹۳ - ۹۵.
۲۶۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «کنفرانس بین‌المللی نسخه‌های خطی». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۶۲ - ۶۵.
۲۷۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «گذشته و حال کتابخانه». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۳ - ۶.
۲۷۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به ازبکستان». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲۷ - ۳۰.
۲۷۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش اول. (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۸۸ - ۱۱۴.
۲۷۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش دوم. (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۶۴ - ۸۲.
۲۷۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش چهارم (آخر). (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۱۳ - ۳۲.
۲۷۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «گزارش سفر به کشور مغرب». بخش سوم. (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۳ - ۳۰.
۲۷۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «معرفی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه از آثار خواجه نصیرالدین طوسی». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۶ - ۲۹.
۲۷۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «میراث اسلامی در سن پترزبورگ». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۲ - ۴۱.
۲۷۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «میراث اسلامی در یمن». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۳۵ - ۴۹.
۲۷۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «مؤلف ربیع الشیعة». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۲۰ - ۲۲.
۲۸۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «نخستین‌های کتاب». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۹۶ - ۹۸.
۲۸۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های جدید کتابخانه (گزیده‌ای از نسخه‌های خطی کهن و نفیس تازه خریداری شده)». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۱۴ - ۱۹.



۲۸۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خریداری شده». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۷ - ۲۵.
۲۸۳. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خریداری شده». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۲۲ - ۴۶.
۲۸۴. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خریداری شده». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۶ - ۲۵.
۲۸۵. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خطی ذخیره خوارزمشاهی». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۱۰ - ۱۴.
۲۸۶. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خطی کتابخانه عارف حکمت». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۴۰ - ۶۰.
۲۸۷. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های خطی نفیس خریداری شده». (سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱). ص ۴۴ - ۷۲.
۲۸۸. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های کهن و جدید نهج البلاغه». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۷۷ - ۹۲.
۲۸۹. مرعشی نجفی، سید محمود. «نسخه‌های نهایت شیخ طوسی». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۳ - ۴.
۲۹۰. مرعشی نجفی، سید محمود. «۴۵۰ نسخه نفیس از قرن چهارم تا هشتم». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۶۰ - ۱۵۱.
۲۹۱. مرعشی نجفی، سید محمود. «نقش اصلاحی عالمان شیعه در دوره صفویه». (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۵ - ۸.
۲۹۲. مرعشی نجفی، سید محمود. «نقش کتاب و کتابخانه در شکوفایی تمدن اسلامی». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۲۶ - ۲۹.
۲۹۳. «مسابقه استانی کتابخانه». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۳۰.
۲۹۴. مسجدی، سید مسعود. «گزارش از روند تأسیس شعبه کتابخانه در تهران». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۲۹ - ۳۱.
۲۹۵. «معرفی بخش ثبت و اعلام وصول». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۳.
۲۹۶. «معرفی تالار ویژه محققان». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۶ - ۱۷.
۲۹۷. «معرفی سه نسخه خطی (بلابل القلاقل، الکشف والبیان فی تفسیر القرآن و تفسیر لوامع التنزیل)». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۱۲ - ۱۵.
۲۹۸. «معرفی سه نسخه نفیسی خطی (سواطع الالهام، تفسیر المحيط الاعظم و کیهان‌شناخت)». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۲۶ - ۳۰.
۲۹۹. «معرفی کتابخانه «چستریتی» ایرلند». (سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵). ص ۱۰ - ۱۲.
۳۰۰. «معرفی کتابخانه در کتابهای فارسی دبیرستان». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۳۰۱. «معرفی کتابخانه ملی «اسد» در سوریه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۳۰ - ۳۳.
۳۰۲. «معرفی کتابخانه «ماتیناداران» ارمنستان». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۰ - ۳۲.
۳۰۳. «معرفی کتابخانه ملی مصر». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۲۵ - ۲۹.
۳۰۴. «معرفی واحد انتشارات کتابخانه». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۱۶ - ۱۹.
۳۰۵. «معرفی واحد میکروگرافی». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۱ - ۲۳.
۳۰۶. «معرفی یک نشریه منحصر بفرد و قدیمی». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۳۷.
۳۰۷. مقدس‌نیا، سید محمد. «دایرة المعارف امام حسین (ع)». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۳۶ - ۳۹.
۳۰۸. مقدم. «اطلاعاتی در باره قطع کتاب». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۴.
۳۰۹. «ملحقات الاحقاق کتاب سال شد». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۲۰.
۳۱۰. منجد، صلاح‌الدین. «آیین فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی». میرمحمود موسوی. (سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸). ص ۲۹ - ۳۳.
۳۱۱. منجد، صلاح‌الدین. «روش تصحیح نسخه‌های خطی». حسین خدیوجم. (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۵۶ - ۶۶.

۳۱۲. موسوی، میر محمود. «دست به دامان اقیانوس». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۴۱ - ۴۲.
۳۱۳. موسوی، میر محمود. «کتابخانه الازهر». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۳۳ - ۱۳۷.
۳۱۴. موسوی، میر محمود. «کتابخانه حرم مکی». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۱۸۷ - ۱۹۰.
۳۱۵. موسوی، میر محمود. «کتابخانه قرویین». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۴۳ - ۴۵.
۳۱۶. موسوی، میر محمود. «کتابخانه ملی تونس». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۱۶۱ - ۱۶۵.
۳۱۷. موسوی، میر محمود. «کتابخانه ملی قطر». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۲۴ - ۲۶.
۳۱۸. موسوی، میر محمود. «نسخه‌های خطی ابن سینا در کتابخانه حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۸۷ - ۹۹.
۳۱۹. موسوی، میر محمود. «نگاهی به کتابخانه‌های عمومی». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۲۸ - ۳۱.
۳۲۰. موسوی، میر محمود. «وقف کتاب». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۲۹ - ۳۴.
۳۲۱. «میراث اسلامی در کتابخانه اسکوریال». محمدعلی تبریزیان. (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۶۲ - ۶۴.
۳۲۲. «نامه‌ها». (سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸). ص ۲۰۶ - ۲۰۸.
۳۲۳. «نامه‌ها». (سال پنجم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۸). ص ۱۵۴ - ۱۵۶.
۳۲۴. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۷). ص ۲۱۹ - ۲۲۴.
۳۲۵. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۶۶ - ۶۸.
۳۲۶. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۹۵ - ۱۰۴.
۳۲۷. «نامه‌ها». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۶۶ - ۶۸.
۳۲۸. «نامه‌ها». (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۵۱ - ۵۲.
۳۲۹. «نامه‌ها». (سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶). ص ۷۰ - ۷۲.
۳۳۰. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۹). ص ۱۲۰ - ۱۲۳.
۳۳۱. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۱۱۸ - ۱۱۹.
۳۳۲. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹). ص ۱۰۴ - ۱۰۷.
۳۳۳. «نامه‌ها». (سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹). ص ۷۳ - ۸۱.
۳۳۴. «نامه‌ها». (سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۱). ص ۱۲۶ - ۱۲۷.
۳۳۵. «نامه‌ها». (سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱). ص ۹۲ - ۹۵.
۳۳۶. «نامه‌ها». (سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱). ص ۸۶ - ۸۷.
۳۳۷. «نامه‌ها». (سال هفتم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰). ص ۱۶۲ - ۱۶۷.
۳۳۸. «نامه‌ها». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۴۸ - ۱۵۱.
۳۳۹. «نامه‌های پس از بازدید». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳۳.
۳۴۰. نجات، قاسم. «گزارشی از فعالیتهای امور مالی». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳۲.
۳۴۱. نجم‌آبادی، محمود. «سید حکماء مرعشی». (سال هفتم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰). ص ۱۴ - ۱۵.
۳۴۲. «نظرات رسیده در باره خبرنگار». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۴۶.
۳۴۳. «نمایش تصاویر کتب خطی ابن سینا از سوی کتابخانه در برونتی». (سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶). ص ۳۶.
۳۴۴. «نمایشگاه فهرست کتابهای خطی ۵۰ کشور جهان در کتابخانه». (سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۴). ص ۹.
۳۴۵. نوری، محمد. «بزرگترین کتابخانه شخصی جهان در بعلبک». (سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷). ص ۴۰ - ۴۲.
۳۴۶. وزیری، سید علی محمد. «یادداشتی از سی سال پیش». (سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶). ص ۳.
۳۴۷. ونکی فراهانی، مجید. «مراقبت از کتابها و اسناد کتابخانه». (سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷). ص ۳۵ - ۴۲.
۳۴۸. ویکفیلد، کلن. «نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه بدلین». حسین صبوری. (سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۹). ص ۴۷ - ۵۸.
۳۴۹. «بادی از دوران انقلاب (حضور دکتر محمود مرعشی در پاریس و در محضر امام خمینی)». (سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵). ص ۴ - ۵.
۳۵۰. یعقوب، امیل. «فهرستهای فنی کتاب». هادی ربانی. (سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۶). ص ۸ - ۱۲.
۳۵۱. یعقوبی، عزت‌الله. «یک کلمه در نهج البلاغه». (سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷). ص ۵۵ - ۵۸.

بازتاب دیدار

آقای میشل دو ووماس از فرانسه

افتخار دیدن از کتابخانه بزرگ و با عظمت آیت‌الله مرعشی را پیدا کردم و از نزدیک گنجینه کتب خطی بسیار نفیس آن را بازدید نمودم. امروز چه روز زیبایی برای من بود. از این همه عظمت به وجد آمدم. از سرویس‌دهی به مشتاقان علم و محققان خیلی خوشنود شدم. در پایان از پذیرایی و مهمان‌نوازی گرم شما و از توضیحات کافی داده شده متشکرم.

*

آقای مهدی باس‌دین مسئول و رایزن فرهنگی کشور آفریقای جنوبی در تهران

بازدید از کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله واقعاً بسیار جالب و تأثیرگذار و یک تجربه بسیار منحصر به فرد برای شخص بنده بوده است. این مؤسسه می‌تواند یک کمک بسیار منحصر به فردی باشد با ذخائر نفیس و با ارزش آن برای نسلهای آینده.

*

سلیمان غماری دبیر کل هیئت هلال احمر کشور لیبی در تاریخ ۲۰۰۳/۲/۱۸ میلادی از این نماد فکری و فرهنگی بزرگ حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی بازدید کردم. خداوند مؤسس و بنیانگذار آن را غریق رحمت و اسعه خود قرار دهد. همچنین از خداوند متعال خواستارم به فرزند بزرگوار ایشان جناب دکتر سید محمود مرعشی صحت و سلامت جهت ادامه رسالت عظیم پدر خویش عنایت فرماید. والسلام.

*

در زمستان سال جاری (۱۳۸۱ شمسی) ۲۳۰۰ نفر در قالب ۱۰۳ گروه از کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله بازدید کردند که از این میان ۲۲۴۱ نفر در قالب ۹۵ گروه داخلی و ۵۹ نفر در قالب ۸ گروه خارجی بودند.

دیدارکنندگان خارجی این فصل از کشورهای فلسطین، یونان، ترکیه، یمن، بوسنی، هندی مقیم انگلیس، پاکستان، کرواسی، لیبی، فرانسه، آفریقای جنوبی، که سمت‌های آنان از رؤسا و سفرا، مفتی و اسقف کیش مذاهب مختلف، مترجمین قرآن کریم، استادان دانشگاهها و دانشجویان، علما و طلاب و اندیشمندان از جمله مجروحان فلسطینی که مشروح اظهارات آنان خواهد آمد.

دیدارکنندگان داخلی این فصل نیز از شهرهای تهران، قم، رباط کریم، اهواز، شهریار، بابل، تبریز، کرج، شهرری، زابل، مشهد، دزفول، یزد، گلستان و دیگر شهرهای ایران که بصورت گروهی انجام گرفته و سمت آنان نیز از رؤسای کتابخانه‌ها و کتابداران، استادان، دبیران، دانشجویان و دانش‌پژوهان، مدیران نهادها و مؤسسات فرهنگی، فرماندهان و پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران، کانون‌های فرهنگی قرآن کریم، فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه بودند. مشاورین استادان در امور بانوان و دیگر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی.

آنچه در پی می‌آید اظهارات برخی از بازدیدکنندگان است که بر دفتر یادبود کتابخانه نقش بسته است، دفتری که آینه‌سان عشق و شیفتگی به این گنجینه ماندگار را می‌نمایاند.

بسیار عظیم است. این مجموعه مایه افتخار برای جهان اسلام است. بنده این کار بزرگ را قویاً تحسین می‌کنم و برای آیت‌الله مرعشی و فرزند ایشان جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی دعا کرده و از خداوند بزرگ برای آنها پاداش و اجر عظیم مسئلت دارم. در ضمن از مجموعه بزرگ قرآن‌های خطی که قطعاً در کل جهان بی‌نظیر است دیدن کردیم. در پایان برای همه کسانی که در اینجا خدمت می‌کنند از خداوند متعال آرزوی توفیق و سلامتی را داریم.

✱



سلیمان غماری از لیبی

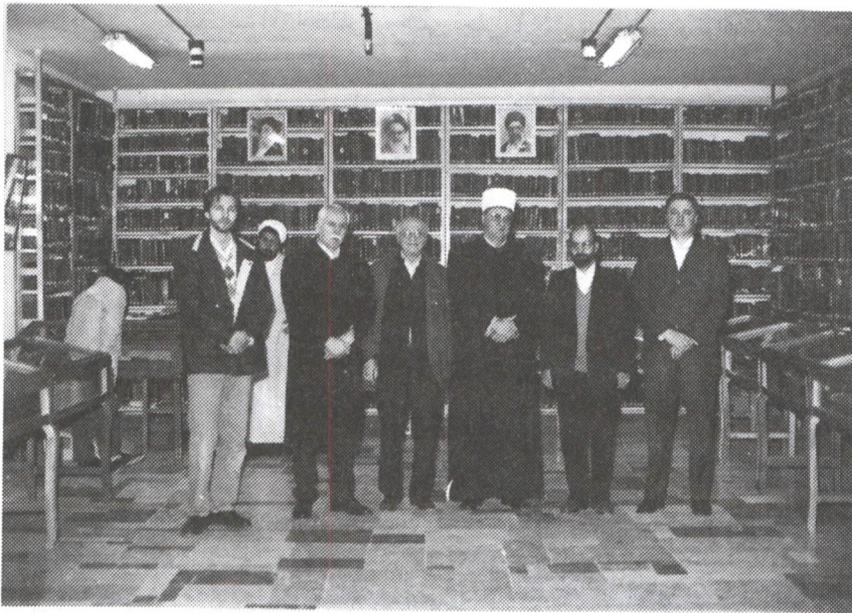
شوقی عمر با شیخ مفتی و رئیس شیخیه اسلامی جمهوری کرواسی از این پروژه عظیم دیدن کردم و از حوصله و کار صاحب آن حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته بسیار متعجب شدم. نحوه جمع‌آوری و خرید نسخه‌ها برای من تکان‌دهنده بود. از خداوند منان جزای خیر به او جهت برپا نمودن این پروژه عظیم عنایت فرماید. والسلام.

✱

آقای محمد اسعد تحانوی، قائم‌مقام جمعیت اشرافیه علمای پاکستان

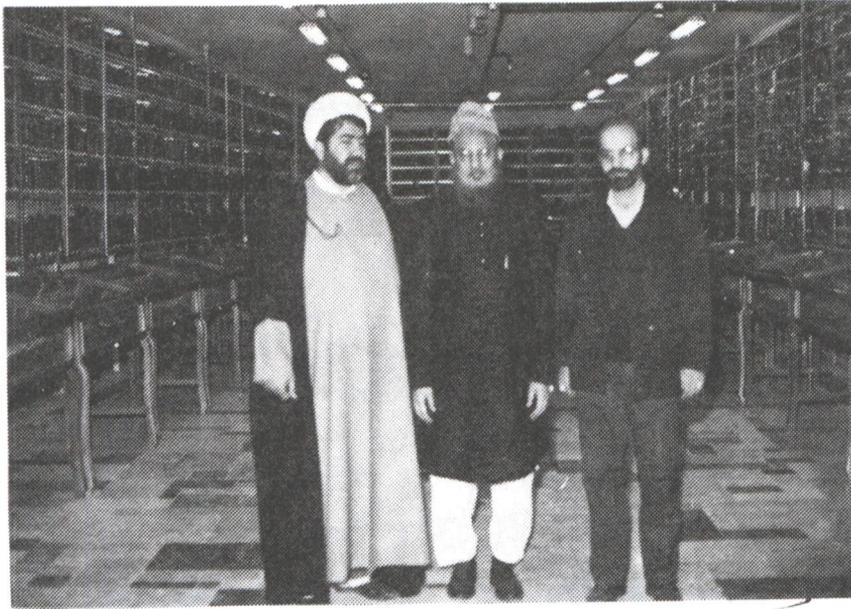
خوشوقتم که فرصتی دست داد تا

خودم و مفتی عزیزالرحمان از دارالعلوم کراچی که اکنون در حال دیدار از بلوچهای ایران و رسیدگی به امور اهل سنت ایران هستند به قم بیایم و از این کتابخانه بزرگ و باعظمت و از مخطوطات نفیس آن دیدار کنیم. این کتابخانه، مجموعه عظیمی است که توسط آیت‌الله مرعشی نجفی تأسیس گردیده، سیستم تعمیر و مرمت آن و نگهداری از کتب خطی قطعاً کار



بازدیدکنندگان از سرزمین کرواسی

عزیزالرحمن استاد دانشگاه دارالعلوم کراچی پاکستان شرفیاب بازدید از مکانهای مختلف در شهر مقدس قم شدم، آنچه بیشتر از همه مورد تحسین بنده قرار گرفت و مرا به تعجب واداشت بازدید از کتابخانه عظیم آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته بود. نگاه‌داری نسخه‌های خطی فراوان و ارزشمند و نیز کتابهای چاپی آن و آنچه بیشتر از همه جلب



عزیز الرحمن استاد دانشگاه کراچی

توجه داشت قسمت جلدسازی و مرمت نسخه‌های خطی بود که با نظم دقیق و سیستم پیشرفته در ساخت کاغذ به طوری است که نسخه قدیم خطی از رده خارج، پس از انجام عملیات مرمت به صورت اولیه برمی‌گردد؛ به طوری که قسمت اصلاح شده را از قسمت سالم به سختی می‌توان تشخیص داد. جدیت و نشاط در کار کارکنان در قسمت‌های مختلف قابل تقدیر و سپاسگزاری است. در این زمینه تلاش و زحمات کلیه عزیزانی که در این کتابخانه مشغول هستند ستودنی است. والله المستعان و بیده التوفیق

*

عبدالله حمود العزی از گروه مترجمان قرآن کریم

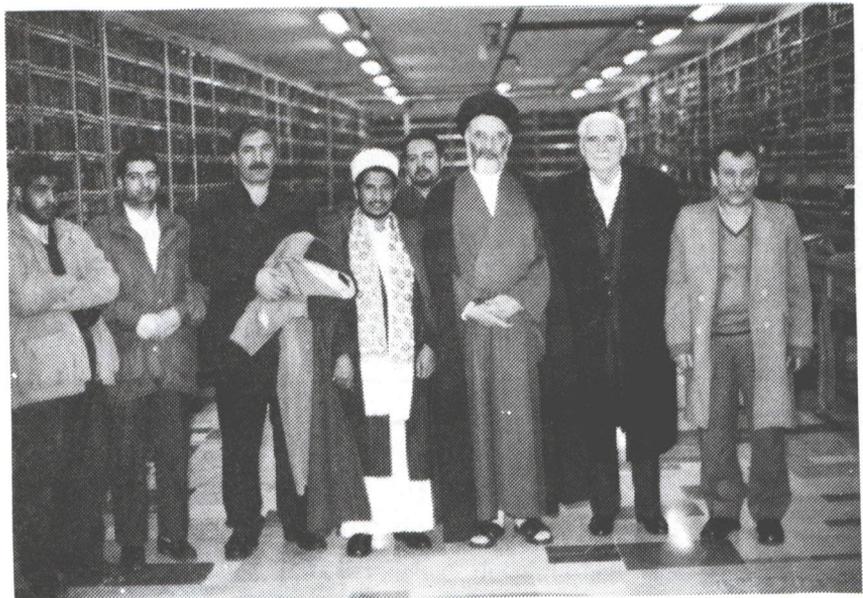
به زیارت کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته مشرف شدیم. کتابهای فراوانی در علوم و فنون مختلف یافتیم و عجیب آنرا دیدیم که چگونه آیت‌الله مرعشی مشقات زیادی را متحمل شدند و کتابها را جمع‌آوری کردند. مثلاً با نماز استیجاری، تلاوت قرآن کریم و ... بر روی آغاز برخی نسخه‌ها آمده بود:

«استطاعت خرید غذای روزانه را هم نداشته‌ام.» حضرت آیت‌الله مرعشی بزرگترین خدمت را به جهان اسلام ارزانی داشته و توانسته به وسیله تلاش فردی بیش از آنچه دولت بریتانیا جمع‌آوری کرده است گردآوری نماید. در این رهگذر، فرزند ارشد وی را استوار و دنباله‌روی پدر خویش یافتیم. خداوند به همه آنها جزای خیر عطا فرماید. از همه برادران که در این مجموعه عظیم فرهنگی انجام وظیفه می‌نمایند سپاسگزاریم.

*

آقایان وحدت‌الدین اینجه و سالم اوجان از مترجمین قرآن کریم از کشور ترکیه

جای مسرت و خوشحالی است که از کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته دیدار کردیم و از نزدیک با حفاظت و نگهداری نسخه‌های نفیس و کهن اسلامی بازدید نمودیم و همچنین از نحوه گردآوری آن توسط مؤسس راحل مطلع شدیم. از جناب دکتر سید محمود مرعشی که با اهتمام فراوان این مجموعه بزرگ را اداره می‌کنند و نیز از پذیرایی انجام شده کمال تشکر و قدردانی را داریم.



مترجمان قرآن از کشورهای مختلف

ایمانوئل کشیش و اسقف
ارتدکس ساکن استانبول ترکیه
با یاد و افتخار زیارت از
کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی
مرعشی نجفی در قم، با قدردانی
و تبریکات صمیمانه به خاطر کار
عظیم و بسیار ارزشمندی که در این
کتابخانه بزرگ صورت گرفته است.

*

خانم سادات محتشمی پورمشاور
وزیر کشور و مدیر کل امور بانوان
توفیقی دست داد تا در معیت
مشاورین محترم استانداران بازدید
از گنجینه آثار علم و ادب اسلامی در
کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی
نجفی داشته باشم.

بررسی اسناد گرانبهایی که نشانگر اوج عظمت تمدن و فرهنگ
اسلامی است می‌تواند نسل امروز را نسبت به هویت و گذشته پربار
خویش آشنا سازد. بر ماست که در ترویج این فرهنگ کوشا باشیم
و البته در جریان زندگی عارفانه بزرگواری که مؤسس این مخزن
گرانبهاست قرار گرفتن، خود دریچه‌ای است به دنیای عشق و معرفت



اسقف ساکن استانبول

که درک لازم خود را می‌طلبید. باری، استفاده و بهره‌مندی از این آثار
ضروری است و انتظار می‌رود امکان بهره‌مندی برای بانوان مکرم
و پژوهشگران زن بیش از پیش فراهم آید تا در کسب علم و معرفت
چنانکه در آیین انسان‌ساز اسلام فرقی نیست تبعیض قائل نشوند که
در حدیث آمده است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة».

*

آقای پایانی نسب مدیر کل
دیوان محاسبات استان قم

دیدار از کتابخانه مرحوم حضرت
آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته که به
حق الگوی صبر و علاقه و عشق به
علم و عالم است از بزرگترین افتخاراتی
است که نصیب حقیر گردید. ایشان با
تمام ظرافت فاصله بین خود و دیگران
را فقط در یک چشمه به نمایش
گذاشته و جالبتر اینکه متولیان،
خاصه ولد صالح ایشان جناب آقای
دکتر مرعشی، ماهرانه این گنجینه
عظیم را محافظت می‌نماید. خداوند
معظم‌له را قرین رحمت و متولیان را
مشمول لطف و مرحمت قرار دهد.

*



مدیر کل دیوان محاسبات استان قم به اتفاق دو تن از مسئولان امور مالی کتابخانه

آمار سالانه کتابخانه

گنجینه کتب خطی

- | | |
|---------------------------------------|----------|
| ۱. مجموع کتب خطی خریداری شده | ۳۳۵ مجلد |
| ۲. مجموع کتب خطی اهدا شده به کتابخانه | ۱۰۹ مجلد |

میکروگرافی

- | | |
|--|----------|
| ۱. مجموع کتب خطی میکروفیلم شده | ۲۶۶ نسخه |
| ۲. مجموع میکروفیلم دوبلیکیت و پردازش شده | ۲۶۸ حلقه |
| ۳. مجموع عکس‌های گرفته شده جهت بایگانی | ۴۲۷ قطعه |

مرمت و آفت زدایی

- | | |
|---|------------|
| ۱. مجموع ترمیم اسناد | ۴ برگ |
| ۲. مجموع کتب ضد عفونی شده | ۱۲۵۲ جلد |
| ۳. مجموع رنگ نمودن کاغذ جهت ترمیم | ۱۱۱۰ مرحله |
| ۴. مجموع کتب مرمت، دوخت، جلد سازی و صحافی شده | ۳۴۳ مجلد |
| ۵. مجموع اوراق ترمیم شده | ۶۶۲۶۳ برگ |

ویژه محققان

- | | |
|--------------------------------------|-----------|
| ۱. مجموع کارت‌های صادره | ۵۲۵۰ مورد |
| ۲. مجموع سرویس‌دهی اطلاعات رایانه‌ای | ۴۰۰۰ مورد |
| ۳. مجموع نسخه خطی تصویربرداری شده | ۹۳۵۴ برگ |
| ۴. مجموع کتب سرویس داده شده | ۲۱۶۳ نسخه |

اطلاع رسانی و خدمات فنی

- | | |
|---|-------------|
| ۱. مجموع کتب و نشریات ثبت شده | ۴۲۲۴۴ شماره |
| ۲. مجموع کتب (غیر لاتین) آماده سازی شده | ۳۶۲۸۵ مجلد |
| ۳. مجموع فهرست نویسی کتب چاپی | ۳۵۷۳۱ مجلد |
| ۴. مجموع فهرست نویسی نشریات | ۲۷۸ عنوان |
| ۵. مجموع بررسی نشریات وارده | ۲۵۳۲۰ شماره |
| ۶. مجموع داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌های مختلف | ۶۲۴۶۰ رکورد |
| ۷. مجموع تصحیح داده‌های رایانه‌ای در پایگاه‌های مختلف | ۲۱۳۴۵ رکورد |

دائرة المعارف کتابخانه‌های جهان

- | | |
|--|-------------|
| ۱. مجموع شناسایی و تهیه منابع از اسامی کتابخانه‌ها | ۹۰۰ عنوان |
| ۲. مجموع کنترل، تفکیک و ... شناسه‌ها | ۱۱۱۵۰ شناسه |
| ۳. مجموع تألیف مقاله | ۶ مقاله |
| ۴. مجموع ترجمه مقاله | ۲۸۸۰۰ کلمه |
| ۵. مجموع کنترل، مقابله و غلط‌گیری مقالات | ۵۰۱ صفحه |

گنجینه کتب چاپی

- | | |
|--------------------------|-----------|
| مجموع کتب سرویس داده شده | ۴۹۲۵۹ جلد |
|--------------------------|-----------|

گنجینه کتب عکسی

- | | | |
|--------------------------------|---------|---|
| ۱. مجموع کتب سرویس داده شده | جلد ۳۸۷ | دبیرخانه |
| ۲. مجموع کتب وارده | جلد ۱۷۱ | ۱. مجموع مکاتبات داخلی و خارجی |
| ۳. مجموع کتب ارسالی جهت زیراکس | ۴۰ مورد | ۲. مجموع ارسال فصلنامه فقط مربوط به شش ماهه دوم |

۱۰۶۶ مورد

۵۲۵۷ مورد

۳. مجموع ثبت سوابق

گنجینه کتب لاتین

مجموع کتب سرویس داده شده

جلد ۲۸۹

توزیع کتاب

مجموع کتب سرویس داده شده

جلد ۳۲۸۴۰

رایانه

۱. مجموع اطلاعات داده شده رایانه‌ای

مورد ۱۲۷۰۹۵

۲. مجموع سفارش رایانه‌ای کتاب

مورد ۴۲۳۶۵

۳. مجموع صدور کارت عضویت رایانه‌ای

مورد ۵۷۰۰

صحافی کتب چاپی و روزنامه‌ها و مجلات

۱. مجموع کتب صحافی شده

جلد ۸۸۵

۲. مجموع نشریات صحافی شده

شماره ۹۰۹

(مجموع عملیات صحافی ۱۷۹۹ مورد)

پذیرش میهمانان (تشریفات)

۱. مجموع میهمانان داخلی

۲۹۲ گروه ۶۷۵۰ نفر

۲. مجموع میهمانان خارجی

۶۴ گروه ۵۳۱ نفر

(مجموع میهمانان: ۳۵۶ گروه یا ۷۲۸۱ نفر)

MIIRAS-E

SHAHAB

Journal of

The Grand Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi

The world Treasur of Islamic Manuscripts

Address: Ayat Allah Marashi Najafi st.

Qom - 37157. I.R. IRAN

Tel: + 0251 - 7741970-8

Fax: + 0251 - 7743637

www.marashilibrary.com...or net or org

E-mail: sm-marashi@marashilibrary.org

Managing Director: Dr. Seyed Mahmoud Marashi Najafi

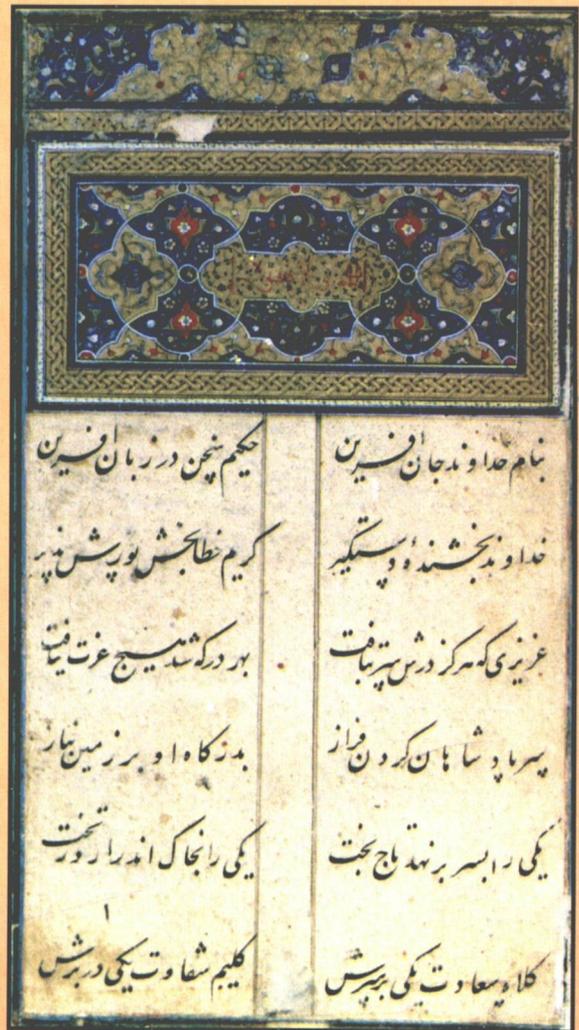
under the supervision of the Editorial Board Reza

Chief editor: Mohammad Esfandiary

Typesetting and Layout: Mohammad Mohammadi

- ***Miras-e Shahab**, covers the news of the Grand Library of Ayat Allah Marashi Najafi, as well as the following issues:*
- *To introduce Manuscripts of the Library.*
- *To introduce the incunabuals kept in the Library.*
- *To introduce the Publications of the Library.*
- *Reports from tours by Library's researchers.*
- *Articles on Criticism and Authorship.*
- *Articles on Librarianship and Bibliography.*
- *Articles on introducing various Libraries.*

- *The use of the articles from this journal is permitted only if reference is made.*
- *The views presented in this journal are those of the authors.*
- *No article received will be sent back to the sender.*
- *The received articles will be edited technically by the editorial board.*
- ***Miras-e Shahab** is published quarterly at the end of each season.*



The First & End Pages of Collection of
 Persian Poetry , Hand Writing by Islamic
 Famous Calligrapher , Mir'Ali Heravi , Dated
 of 1571 / 979 A.H. , No. «M 10369»



MIRAS

SHAHAB

30

The Journal of The Grand Library of Ayatallah Mar'ashi Najafi

The World Treasur of Islamic Manuscripts

Vol. 8, No. 4, Winter 1381/2003



The Bigining Pages of precious & Artwork Manuscript of Kulliyat -e- Sa'adi , Dated of 17th / 11th A.H. Century , No. (13288))